

# سپهر اقتصاد

- فصل نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
- سال دوم ● شماره پنجم ● پاییز ۱۳۹۸ ● ۱۲ هزار تومان



عدم  
اجرای  
برنامه‌ها

## دشواری حل مسئله

با مطالبی درباره فضای کسب و کار، صنعت و معدن، آب و کشاورزی، گردشگری و صنایع دستی، بازرگانی و خدمات

گفت‌وگو با «علیرضا شکیبایی»  
عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

در فضای مسئله‌ایم،  
در فضای راه‌کاریم، اما...

گفت‌وگو با «احمد انارکی محمدی»  
نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی

رونق تولید و تجارت در گرو اصلاح  
ساختار و مشارکت فعال با جهان

نوشتاری از «جعفر رودری»  
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان

مسئله‌شناسی و چالش‌های مهم  
توسعه در استان کرمان





● طبیعت پاییزی بردسیر- کرمان ●

### روایت

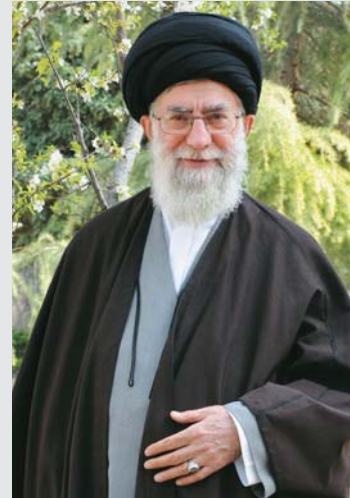
امام علی (علیه السلام):

بر خردمند لازم است که رأی خردمندان را به رأی و نظر خود بیفزاید و دانش حکیمان را به دانش خود اضافه کند.

از بیانات رهبر معظم انقلاب

## باید به تولید کمک شود

توصیه‌ی مؤکد بنده به نهادهای عمومی غیردولتی این است که در کارهای اقتصادی مطلقاً رقیب بخش خصوصی نشوند. این، آن حرفی است که ما به همه‌ی نهادهای عمومی غیردولتی گفتیم و میگوییم. در جاهایی که بخش خصوصی، یا توان لازم و امکانات را ندارد، یا رغبتی ندارد، وارد بشوند؛ اگر چنانچه بعد از مدتی بخش خصوصی وارد آنجا شد، این‌ها از آنجا هم به یک نقطه‌ی دوردست‌تر و سخت‌تری مهاجرت کنند و بروند آنجا کار کنند، سرمایه‌گذاری کنند؛ و جداً از رقابت با بخش خصوصی پرهیز کنند. [در مورد] دستگاه‌های حکومتی، عمده‌ی توصیه‌های ما این‌ها است: اولین مطلبی که من اصرار دارم که دستگاه‌های حکومتی بجد دنبالش باشند، مسئله‌ی بهبود فضای کسب‌وکار است؛ همه‌ی این چیزهایی که این آقایان گفتند ناشی از عدم بهبود فضای کسب‌وکار است؛ قوانین مزاحم، مقررات مزاحم، عملکرد احیاناً غلط، نه از روی غرض‌ورزی که یک



جاهایی هم ممکن است از روی غرض‌ورزی باشد. باید محیط مساعد تولید را در کشور به وجود بیاورند؛ یعنی محیط مساعدی به نفع حرکت تولیدی و جهت‌گیری تولید، در مقابل جهت‌گیری واردات و تکیه‌ی به خارج. ما متأسفانه یک میراث بسیار تلخ و شومی از رژیم طاغوت داریم؛ آنجا اساس اقتصاد، اساس تحرکات اقتصادی و تجاری و مانند این‌ها مبتنی بود بر تکیه‌ی به واردات؛ این منتفی نشده، انقلاب خیلی از بنیان‌های غلط را عوض کرد، [اما] این را نتوانسته متأسفانه به‌درستی عوض کند؛ باید جدیت بشود در این قضیه. فضای کشور را، فضای اقتصادی کشور را، فضای مالی و پولی کشور را، بانک را، گمرک را، بودجه را، تأمین اجتماعی را، مقررات این‌ها را در جهت‌ی سوق بدهند که به نفع تولید باشد؛ واردات و واسطه‌گری و سفته‌بازی و مانند این‌ها در انزوا قرار بگیرد؛ این مهم‌ترین مسئله است. قوانین و دستورالعمل‌های مزاحم - که این مربوط به مجلس است - باید نسخ بشود، باید مقررات تسهیل‌کننده جایگزین بشود. در برخی از قوانین، این اتفاق افتاده؛ یعنی قوانین را تغییر داده‌اند به نفع تولید، لکن اجرایی نشده، قوانین خوبی گذاشته شده، بعضی‌ها پیش قانون‌گذاری شده، [لکن] اجرایی نشده، باید اجرایی بشود. مشکلات عمده‌ی ما در همین زمینه‌ی بانک و گمرک و مانند این چیزها است؛ این‌ها بایستی برطرف بشود که مجلس و دولت باید در این زمینه بجد فعالیت کنند.

(بیانات در دیدار جمعی از تولیدکنندگان، کارآفرینان و فعالان اقتصادی / ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۸)



فصل‌نامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان  
دارای پروانه انتشار (شماره ثبت ۷۹۸۳۷) از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی  
سال دوم | شماره پنجم | پاییز ۱۳۹۸

# سپهر اقتصاد

با نوشتارها و گفتارهایی از:	صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان
جعفر رودری / علیرضا شکیبایی / احمد انارکی محمدی / رضا سنجر / مهدی ابراهیمی نژاد / فرسنگانی / بتول علیزاده / حسین اکبری فرد / رضا اسماعیلی / سیدحسین مهاجرانی / امین غفاری نژاد / عماد جمعه‌زاده / مجید کهنوجی / محمدجواد رستمی / نسرین سیاری / محمدحسین بهرامی / سعید برخوردار / عباس سعیدی / حمیدرضا ارجمند / تاج‌الدینی / مسعود فروزش / فریدون فعالی / رضا بهرامی / اکبر رشیدی مقدم / نادر علی‌دادی سلیمانی / هوشنگ شفیعی / مجتبی بهمنی / محسن جلال‌پور / محمدعلی محمد میرزاییان / معصومه سعید / سیدمحمدرضا تریایی / موسوی / مرضیه ایرانمنش / سیدامجد نظامی	رئیس شورای سیاست‌گذاری: سیدمهدی طبیب‌زاده / مدیرمسئول: سیدمحمدعلی گلاب‌زاده / سردبیر: ذبیح‌الله کرمی / دبیر تحریریه و مدیر اجرایی: فرزانه زاهدی / طراحی گرافیک و صفحه‌آرایی: آتلیه گرافیک (پراتنز) / طراحی نام‌واره: محمدرضا هاشمی‌نژاد
	نشانی: کرمان، میدان آزادی، ابتدای بلوار جمهوری اسلامی، اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان / کدپستی: ۷۶۱۹۶۵۳۴۹۸ / صندوق پستی: ۴۷۱-۷۶۱۷۵ / تلفن: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / ۰۳۴-۳۲۴۴۸۳۳۷۴ / دورنگار: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴ / پیامک: ۱۰۰۳۴۳۲۴۴۱۰۵۸ / @Kccima / www.otagh-bazargani.com / sepehr@kccim.ir
	«سپهر اقتصاد کرمان» در ویرایش و اصلاح مطالب رسیده، آزاد است. مطالب منتشرشده در فصل‌نامه، رأی و نظر نویسندگان آن‌هاست و لزوماً نظر «سپهر اقتصاد کرمان» نیست.
	برای چاپ آگهی در «سپهر اقتصاد کرمان»، با ما تماس بگیرید: ۰۳۴-۳۲۴۴۲۳۲۴

## فضای کسب و کار

۱۰ | مسئله‌شناسی و چالش‌های مهم توسعه در استان کرمان

۱۶ | گفت‌وگو با «علیرضا شکیبایی» عضو هیئت‌علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ در فضای مسئله‌ایم، در فضای راه‌کاریم، اما...

۲۲ | گفت‌وگو با «احمد انارکی محمدی» نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی؛ رونق تولید و تجارت، در گرو اصلاح ساختار و مشارکت فعال با جهان

۲۵ | راه‌کارهای رونق تولید با نگاهی به توسعه متوازن منطقه‌ای

۲۹ | گفت‌وگو با «مهدی ابراهیمی‌نژاد» رفسنجانی» دانشیار گروه مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ ضرورت ظرفیت‌سازی نقش پررنگ‌تر دولت

۳۱ | چرا طرح‌ها به نتیجه نمی‌رسند؟ تجربه‌نگاری دلایل عدم تحقق کامل نتایج مورد انتظار در طرح‌ها و پروژه‌ها

۳۳ | گفت‌وگو با «حسین اکبری فرد» عضو هیئت‌علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر؛ سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی؛ ضامن توسعه‌یافتگی

۳۵ | کارگران چه می‌خواهند



## صنعت و معدن

۳۸ | واگوبه‌های یک دایناسور!

۴۰ | اولویت سرمایه‌گذاری؛ صنایع پایین‌دستی و تأمین‌کننده نیاز بنگاه‌های بزرگ

۴۴ | گفت‌وگو با «عماد جمعه‌زاده» رئیس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان؛ نسل جدیدی از کارآفرینان در حال تولد است

۴۸ | گفت‌وگو با «مجید کهنوجی» مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان؛ منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، به دنبال پویایی در تولید و تجارت

۵۱ | جایگاه مراکز رشد در اقتصاد



## آب و کشاورزی

۵۶ | تلفات آب، پیشگیری از هدررفت

۶۰ | گفت‌وگو با «سعید برخوردار» رئیس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان؛ مسائل بخش کشاورزی با رویکرد الگوی کاشت

۶۵ | گفت‌وگو با «عباس سعیدی داوآبادی» رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان؛ مسائل بخش کشاورزی با نگاه به الگوی کشت

۶۹ | توسعه صنایع تبدیلی و غذایی استان کرمان

## گردشگری و صنایع دستی

۷۲ | استراتژی پیشنهادی تجاری‌سازی صنایع دستی

۷۴ | گفت‌وگو با «فریدون فعالی» مدیرکل میراث فرهنگی استان کرمان؛ اولویت با تهیه طرح جامع گردشگری

۷۶ | توانمندی‌ها و تنگناهای بخش گردشگری در استان کرمان

۷۸ | گفت‌وگو با «اکبر رشیدی مقدم»؛ منطقه کویری شهداد؛ مقصد گردشگری

۸۲ | اسفندقه؛ کانون کهن‌ترین استقرارهای انسانی جنوب شرق ایران

۸۶ | گفت‌وگو با «هوشنگ شفیعی» مؤسس و سرمایه‌گذار منطقه نمونه آرمین دلفار؛ جیرفت؛ بهشت گمشده گردشگران

## بازرگانی و خدمات

۹۰ | گفت‌وگو با «مجتبی بهمنی» عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ جایگاه ۷-۵ بورس منطقه‌ای کرمان

۹۴ | چرخ تجارت در کرمان چگونه می‌چرخد؟

۹۶ | گفت‌وگو با «محمدعلی محمد میرزاییان» رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق؛ رفع موانع و عمل بر قاعده در صادرات

۹۸ | معرفی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

۱۰۵ | گفت‌وگو با «سیدمحمدرضا ترابی موسوی» رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق؛ بازار یابی محصولات کشاورزی

## رویدادها

۱۰۸ | گزارش / سلسله نشست‌های صندلی تجربه: نهادهای توسعه‌ای

۱۱۲ | گزارش / کارگاه‌های تجربه کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق کرمان

۱۱۵ | مروی بر خبرها



## سخن اول

## انسان توسعه یافته؛ زیربنای توسعه‌ی جوامع

## &lt; سیدمهدی طبیب‌زاده

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان



خستگی‌ناپذیر سعی در کسب نتایج اثبات دارند و اراده راسخ بر انجام کارهای بزرگ؛ هرقدر حساس یا دشوار برای رساندن جامعه خود به اوج دارند، مسئولیت‌پذیرند و با تشکیل تیم‌هایی از افراد شایسته، سازمان و جامعه خود را رهسپار تعالی می‌کنند.

متأسفانه باوجود این‌که کرمان استانی پهناور و دارای جاذبه‌های فراوانی است و اغلب به‌عنوان استان «ترین‌ها» از جمله؛ گرم‌ترین نقطه زمین، بزرگ‌ترین بنای خشتی جهان، بزرگ‌ترین معدن روباز و سنگ‌آهن و ... معرفی می‌شود، جایگاه مناسبی از لحاظ ایجاد ارزش‌افزوده در حوزه‌های مختلف اقتصادی نیافته است. بنابراین باید ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بالای معدنی، کشاورزی و نیروی تحصیل‌کرده تحت مدیریت ارزش‌آفرین قرار گیرد تا موجبات نقش‌آفرینی در توسعه استان فراهم گردد. نکته جالب این‌که پیدا کردن انسان‌هایی با این ویژگی‌های ذاتی در کشور و به‌طور خاص در استان ما کار سختی نیست، اما چون مورد توجه خاص قرار نگرفته، مسیر سختی برای به فعلیت رسیدن دارد. لذا در صورتی که بخواهیم حرکت در مسیر توسعه استان و کشور شتاب گیرد در اولین گام باید انسان‌هایی با چنین ویژگی‌هایی را از سنین پایین شناسایی و با سرمایه‌گذاری همه‌جانبه مسیر حرکت ایشان را در رسیدن به جایگاه تصمیم‌سازی کلیدی استان و کشور پرورش دهیم.

مطالعه تاریخ توسعه کشورها نشان می‌دهد که این انسان‌های توسعه‌یافته هستند که جامعه توسعه‌یافته را به وجود می‌آورند، چرا که زیربنای هر توسعه‌ای توسعه فکری و ذهنی است و انسان توسعه‌یافته، اساسی‌ترین عامل توسعه فکری جامعه محسوب می‌شود. بنابراین اگر به دنبال حرکت و تحولی شگرف در مسیر توسعه‌یافتگی هستیم لاجرم باید ابتدا پارسی از عناصر ایجادکننده توسعه را در سطوح مختلف کشور کامل کنیم. یکی از مهم‌ترین آن‌ها یقیناً مدیران توسعه‌یافته هستند.

مدیران همواره به‌عنوان عناصر کلیدی و مؤثر می‌توانند جریان ساز و شگفتی‌آفرین باشند. در علوم دنیا برای رهبران سطوحی قائل شده‌اند. جیم کالینز در کتاب «رهبری سطح پنجم» ویژگی‌های مدیرانی که باعث رشد و تعالی سازمان و جامعه خود می‌شوند را معرفی کرده است. منظور از «سطح پنجم»، پنج مرحله از سلسله مراتب توانایی‌های مدیریتی است که رهبری سطح پنجم در رأس آن‌ها قرار می‌گیرد. از نظر او رهبران سطح پنجم ترکیب متناقضی از تواضع انسانی و جسارت حرفه‌ای را در خود دارند. چنین مدیرانی با وقار و بی‌ادعا هستند که اتفاقاً الزاماً شخصیت‌های فردی بسیار برجسته‌ای ندارند. رهبران سطح پنجم، انسان‌های سخت‌کوش و باتجربه‌ای هستند که بیشتر از این‌که مرد حرف باشند مرد عمل هستند. ایشان با تلاشی پی‌گیر و

## سخن مدیرمسئول

## تعامل و توسعه

< سیدمحمدعلی گلابزاده  
مدیرمسئول



دستیابی به نتیجه، آن را اجرائی می‌کنند. نکته مهمی که در راستای عملکرد این انجمن دیده می‌شود، پرداختن به موضوعات گوناگون، با بهره‌گیری از کارشناسان و حتی مقامات مسئول کشور است. به‌عنوان نمونه، در آخرین جلسه، علاوه بر حضور بزرگانی چون دکتر عارف، حجةالاسلام صدوقی (نوه شهید محراب) و کارشناسان معدن، معاون وزارت صنعت و معدن و مسئولینی چون صدرمحمدی مدیریت صنایع مس و ... حضور داشتند و به تفصیل درباره معادن یزد و چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها بحث شد، حالا بماند که چهره‌های آشنایی چون دکتر شاهی رئیس سابق دانشگاه یزد و نیز یونسکو، به‌شدت مخالف معدن بازی در یزد بودند، همچنین در جلسه دیگری بحث گردشگری مطرح بود که «این سخن بگذار تا وقت دگر».

دست‌اندرکاران امور اقتصادی و تولیدی و دلسوزان امر توسعه کرمان نیز هر از چند گاه یک‌بار جلسات مشابیهی تشکیل می‌دهند که صد البته سایه تواضع کرمانی‌ها، بر سر این گردهمایی گسترده شده و انعکاس کمتری دارد.

از آنجا که می‌دانیم در سرزمین کهن و تاریخی یزد و کرمان، وجوهات مشترکی همچون پیشروی کویر، جایگاه معدن، صنعت گردشگری، مقوله قنات و بالاخره مسئله مهم روز یعنی آب و انتقال آن وجود دارد، لذا تعامل انجمن‌هایی چون شمیم و مجمع کرمانی‌ها و نیز برگزاری جلسات و نشست‌های مشترک می‌تواند در حصول نتیجه و به بار نشستن طرح‌ها و پروژه‌های گوناگون مؤثر بوده و بر رونق اقتصادی بیفزاید و یک‌بار دیگر تاریخ این تعاملات را تکرار کند. قرار است نخستین جلسه مشترک دو استان، با مشارکت صاحبان نظر و خبرگان اقتصادی و تولیدی برگزار شود که بی‌گمان از هم‌اکنون می‌توان به توفیق این نشست امیدوار بود و مهر تأیید دیگری بر این ادعا زد که تعامل سازنده، یکی از راه‌های توسعه و پیشرفت به شمار می‌رود.

امام حسن عسگری (ع) می‌فرماید: العالم و المتعلم شریکان فی الرشد - تعلیم دهند و تعلیم گیرنده در پیشرفت یکدیگر شریکانند - اینک این پرسش مطرح است که اگر معلم و شاگرد می‌توانند از یکدیگر بیاموزند و راه پیشرفت را هموار سازند، چرا این منشور را به مدرسه اجتماع نبریم و بهره بیشتر و گسترده‌تری به دست نیاوریم. تاریخ بیانگر این واقعیت است که یکی از شرط‌های توسعه و پیشرفت، تعامل و پیوند بوده است، اصلی که هموار کننده این راه به شمار می‌رود، به‌عنوان نمونه پس از فاجعه آقا محمدخانی در کرمان و دستور مستقیم او به آقا تقی حاکم دست‌نشانده‌اش که: اگر در کرمان خشتی روی خشت گذاشته شود، چشم‌های تو را نیز در خواهم آورد - نخستین کسی که به داد کرمان و کرمانی‌ها رسید علی‌نقی خان یزدی بود که با گروهی بنا و مقئی به کرمان آمد و با ترمیم بخشی از خرابی‌ها و آباد کردن قنات‌ها، مسیر توسعه را برای همسایه شرقی خود همواره کردند و بار دیگر دارالامان رنگ امان و آبادی دید.

شاید یزدی‌ها به یاد داشتند که در قرن هشتم هجری قمری، ابوحامد افضل کرمانی به دعوت اتابکان یزد به این شهر رفته و نخستین بیمارستان را برای آن‌ها بنا کرد و زمینه توسعه، در راستای سالم‌سازی جامعه را هموار ساخت. این بده بستان‌ها تا آنجا ادامه یافت که اگر درصد قابل‌توجهی از توسعه و پیشرفت این دو استان هم‌جوار را مدیون این تعاملات بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم.

با این مقدمه «باستانی» گونه عرض می‌کنم که مدتی است یزدی‌ها در مسیر توسعه و پیشرفت، انجمنی به نام «شمیم» سامان داده‌اند و درصد قابل توجهی از بزرگان و ناموران و خبرگان اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی و سیاسی آن دیار را گرد هم آورده و هر بار موضوعی و مقوله‌ای را به نقد گذاشته و راه‌های بایسته، برای بهره‌گیری بیشتر از آن را مورد مطالعه قرار می‌دهند و پس از

مهندس علی عباسلو

مدیر عامل و عضو هیئت مدیره شرکت جهان فولاد سیرجان

بنیانگذار صنعت فولاد سیرجان:

بعد از سال ها توانستیم از خام فروشی جلوگیری کنیم.



شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان در پایان سال ۱۳۸۸ تشکیل شد و در حال حاضر ۵۱ درصد سهام شرکت، متعلق به شرکت معدنی و صنعتی گل گهر و شرکت های وابسته و ۴۹ درصد سهام متعلق به موسسه صندوق بازنشستگی شرکت ملی صنایع مس ایران و شرکت های تابعه است.

شرکت جهان فولاد سیرجان در کمتر از ۹ سال تاسیس شده است و در بین پنج کارخانه ای که به اتمام رسانده است، سه پروژه ملی را راه اندازی کرده است.

۱- کارخانه احیا (تولید آهن اسفنجی) به ظرفیت یک میلیون تن در سال در شهریور ماه ۱۳۹۴ توسط معاون اول محترم رئیس جمهور دکتر جهانگیری افتتاح شد.

۲- در ۲۲ بهمن ۱۳۹۵ بزرگترین و پیشرفته ترین کارخانه میلگرد جنوب شرق کشور کارخانه نورد بردسیر توسط دکتر لاریجانی رئیس محترم مجلس شورای اسلامی و وزیر محترم صنعت معدن و تجارت افتتاح گردید. به گفته ی مهندس عباسلو: این کارخانه قبال به کارخانه ماشین سازی معروف بود. در این کارخانه ۱۸ پروژه توسط ۱۸ شرکت مختلف تعریف شده بود که به بهره برداری نرسیده بودند. نوزدهمین شرکت جهان فولاد بود که سال ۹۳ این پروژه تحویل جهان فولاد داده شد و توانستیم بزرگترین کارخانه تولید میلگرد از سایز ۸ تا ۳۲ را در بردسیر راه اندازی کنیم.



بزرگترین تولید کننده شمش فولادی  
و میلگرد از سایز ۸ تا ۳۲ در جنوب شرق کشور



۳- کارخانه ذوب و ریخته گری با تولید یک میلیون و ۲۰۰ هزار تن شمش فولادی در سال که هم اکنون توسط رئیس جمهور محترم افتتاح شد.

سرمایه ثابتی شرکت در ابتدا ۱۰ میلیارد ریال بوده که طی چند مرحله افزایش سرمایه، به ۸۵۰۰ میلیارد ریال افزایش یافته است و افزایش سرمایه ۱۸۵۰۰ میلیارد ریالی در دست اقدام است.

شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان باهدف تولید ۸۰۰ هزار تن آهن اسفنجی تأسیس گردید و سپس هدف خود را به تولید ۶ میلیون تن محصولات فولادی ارتقا داد.

در چشم انداز توسعه این مجتمع، احداث ۶ کارخانه در دستور کار قرار دارد. ۲ کارخانه احیاء مستقیم به ظرفیت تولید ۲ میلیون و هفتصد هزار تن آهن اسفنجی، ۲ کارخانه فولادسازی به ظرفیت تولید ۲ میلیون و پانصد هزار تن شمش فولادی و ۲ کارخانه نورد و فولاد آلیاژی به ظرفیت تولید یک میلیون تن محصولات نوردی و آلیاژی را در برنامه های خود دارد.



## افتخارات

دریافت لوح تقدیر از سرکار خانم دکتر معصومه ابتکار - رئیس سازمان حفاظت محیط زیست کشور  
 دریافت لوح تقدیر از جناب آقای دکتر جهانگیری - معاون اول محترم ریاست جمهوری  
 دریافت لوح تقدیر از جناب آقای مهندس نعمت زاده - وزیر محترم صنعت، معدن و تجارت  
 دریافت لوح تقدیر از جناب آقای دکتر لاریجانی - ریاست محترم مجلس شورای اسلامی



**اولین تولید کننده آهن اسفنجی در سیرجان**  
**سیرجان، اولین شهر تکمیل کننده زنجیره تولید فولاد در کشور**

روابط عمومی شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان





# کابینت آشپزخانه کمد لباس



[www.sinawood.com](http://www.sinawood.com)

[Info@sinawood.com](mailto:Info@sinawood.com)

نمایشگاه و دفتر فروش: کرمان، بلوار جمهوری، چهارراه فرهنگیان، پلاک ۲۰، تلفن: ۰۳۴ ۳۲۱۱۹۱۸۰

کارخانه: کرمان، شهرک صنعتی شماره یک، خیابان سنبل، خیابان چهارم، پلاک ۷، تلفن: ۰۳۴ ۳۲۱۱۹۱۸۸

# فضای کسب‌وکار

- مسئله‌شناسی و چالش‌های مهم توسعه در استان کرمان
- گفت‌وگو با «علیرضا شکیبایی» عضو هیئت‌علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ در فضای مسئله‌ایم، در فضای راه‌کاریم، اما...
- گفت‌وگو با «احمد انارکی محمدی» نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی؛ رونق تولید و تجارت، در گرو اصلاح ساختار و مشارکت فعال با جهان
- راه‌کارهای رونق تولید با نگاهی به توسعه متوازن منطقه‌ای
- گفت‌وگو با «مهدی ابراهیمی‌نژاد رفسنجانی» دانشیار گروه مدیریت دانشگاه شهید باهنر کرمان؛ ضرورت ظرفیت‌سازی نقش پررنگ‌تر دولت
- چرا طرح‌ها به نتیجه نمی‌رسند؟؛ تجربه‌نگاری دلایل عدم تحقق کامل نتایج مورد انتظار در طرح‌ها و پروژه‌ها
- گفت‌وگو با «حسین اکبری فرد» عضو هیئت‌علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر؛ سرمایه اجتماعی؛ ضامن توسعه‌یافتگی
- کارگران چه می‌خواهند



# مسئله‌شناسی و چالش‌های مهم توسعه در استان کرمان

توسعه است. آمارتیباسن آزادی و عدالت را ۲ بال توسعه می‌داند، رویکرد توسعه به‌مثابه آزادی، یک رویکرد سیستمی است که با تأکید بر نقش فاعلی انسان به‌عنوان هدف و ابزار توسعه می‌تواند پاسخگوی نیاز کشورها به یک رویکرد مناسب توسعه باشد. گسترش آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به مردم و توجه به قابلیت‌های انسانی می‌بایست جایگزین تلاش برای تولید بیشتر شود و افزایش توانمندسازی افراد جامعه، آسیب‌پذیری آن‌ها را کم می‌کند.

به میزان کیفی شدن این مفهوم و گستردگی ابعاد توسعه به لحاظ در برگرفتن جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بروز تحولات بنیادین در کلیه ساختارهای مزبور همگام با توسعه، حکایت از پیچیدگی این مفهوم و به‌تبع آن مشکلات سازوکارهای اجرایی یک جامعه در راستای تحقق آن در یک کشور می‌باشد. آنچه به‌طور آشکار می‌توان اظهار داشت این است که تقریباً کلیه کشورهای توسعه‌نیافته و درحال توسعه، بعد از جنگ جهانی دوم در تلاش جدی برای رسیدن به توسعه بوده‌اند و همچنان می‌باشند، در ایران نیز بررسی تاریخی برنامه‌ریزی توسعه حکایت از آن دارد که بیش از هفتادسال از عمر برنامه‌ریزی توسعه در ایران می‌گذرد. ۵ برنامه اجرا شده قبل از انقلاب و ۵ برنامه اجرا شده و یک برنامه در حال انجام نیز بعد از انقلاب بخشی از این تلاش می‌باشد. علی‌رغم این‌که این برنامه‌ها در تحقق بخش زیادی از اهداف، ایجاد زیرساخت‌ها و ارتقاء سرانه برخورداری از شاخص‌های مختلف فضا و کالبد در امور مختلف

< جعفر رودری  
رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی  
استان کرمان



کلمه توسعه یکی از واژه‌های پرکاربرد در عصر حاضر است، کمتر روزی را می‌توان یافت که این واژه به‌گونه‌ای در اخبار، محاورات، گفت‌وگوهای افراد مختلف جامعه، جلسات و ... شنیده نشود.

اما باوجود گستردگی کاربرد روزانه آن، برداشت همه افراد اعم از افراد عادی جامعه، برخی از نخبگان و مدیران، از این واژه به لحاظ مفهومی یکسان نخواهد بود. حتی در کتب و منابع مختلف نیز بسته به میزان تنوع منابع، تنوع تعاریف از این کلمه «توسعه» دیده می‌شود. همچنین در تحولات تاریخی بعد از جنگ جهانی دوم و سال‌های پس از ۱۹۵۰ تاکنون، تحول در این مفهوم و به‌طور ویژه ابعاد کیفی مفهوم توسعه بر جنبه‌های کیفی آن پیشی گرفته است. در دهه ۱۹۵۰ تفاوت قابل‌توجهی در مفهوم رشد و توسعه وجود نداشت، اما امروزه اگرچه رشد اقتصادی بخشی مهم از الزامات توسعه است، ولی هیچ‌گاه شرط کافی تلقی نمی‌شود.

تعلق جایزه نوبل به آمارتیباسن و همچنین نگارش کتاب «توسعه به‌مثابه آزادی» از سوی وی بیانگر بخشی از این تحولات در مفهوم

**الف - الزامات و سرمایه‌های فیزیکی و انباشت سرمایه:** در مبانی توسعه اقتصادی، عمده دیدگاه‌ها یکی از پارامترهای مهم را همواره سرمایه‌های طبیعی و فیزیکی و انباشت سرمایه در نظر می‌گیرند (شامل منابع روزمینی همچون آب‌وخاک حاصلخیز، جاده‌های ارتباطی، خطوط راه‌آهن، فرودگاه‌ها، سدها، معادن و ...). عمدتاً دیدگاه‌هایی که تمرکز اصلی آن‌ها بر نقش سرمایه و انباشت آن در تئوری‌های توسعه است، بیشترین کاربرد را تا سال‌های ۱۹۷۰ داشته و مورد اعتنای مؤسسات بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و منشأ اعمال سیاست‌های اقتصادی از سوی این مؤسسات در رابطه با کشورهای در حال توسعه بوده است.

**ب - سرمایه‌های انسانی:** سرمایه انسانی از دو بعد کمی و کیفی قابل بررسی است؛ از بعد کمی، این‌که یک کشور نیروی انسانی موردنیاز توسعه را دارا باشد که امروزه اغلب کشورهای در حال توسعه در این بعد مشکل ندارند، اما به لحاظ کیفی، نیروی انسانی باید کیفیت لازم را برای توسعه داشته باشد که خود در دو زمینه مطرح می‌شود؛ اولاً این‌که نیروی انسانی، تخصص و مهارت لازم را دارا باشد و دیگر این‌که انگیزه و تعهد لازم را برای انجام کار داشته باشد.

نیروی انسانی هر چند زیاد، اما بدون مهارت و تخصص، فایده نخواهد داشت، همچنین نیروی انسانی دارای تخصص و مهارت، اما بی‌انگیزه و بدون داشتن تعهد و تعلق خاطر به کار و هدف، وجدان کاری و ... نیز تأثیر لازم را نخواهد داشت. یک متخصص بی‌انگیزه و لاقید نسبت به اصول مسئولیت‌پذیری و وجدان کاری نیز نمی‌تواند کارایی لازم را دارا باشد؛ بنابراین هر دو در کنار هم مفهوم پیدا می‌کنند.

**ج - سرمایه اجتماعی:** برداشت از سرمایه اجتماعی زمانی شکل گرفت که به لحاظ تاریخی تئوری‌های توسعه به این نتیجه رسیدند که اتکا صرف به منابع فیزیکی در بند الف، پاسخگوی نیازهای توسعه کشورها نیست و تجارت کشورها و همچنین سیاست‌های نهادهای بین‌المللی مثل صندوق توسعه و بانک جهانی بعد از حداقل دو دهه (۱۹۷۰-۱۹۵۰) در کشورهای مختلف حکایت از آن داشت که کشورها بدون توجه به سرمایه انسانی نمی‌توانند (حتی در صورت برخورداری از سرمایه و امکانات و منابع فیزیکی و طبیعی بالا) موفق باشند؛ بنابراین در دهه‌های (۱۹۹۰-۱۹۷۰) عمده تأکید مبانی نظری بر ابعاد سرمایه انسانی معطوف گردید. با ارزیابی کشورهای مختلف طی این دو دهه، باز هم مشخص شد به‌جز چند کشور محدود، عمده کشورها نتوانستند در اجرای برنامه‌های توسعه موفق باشند؛ یعنی این کشورها منابع و امکانات دارند، نیروی انسانی هم دارند، اما باز هم تعداد بسیار محدود و انگشت‌شماری از جمله کشورهای کره جنوبی، چین، مالزی، سنگاپور، تایوان و ... موفق بوده‌اند و عمده کشورها نتوانسته‌اند، نتایج مورد انتظار را کسب نمایند. بنابراین موضوع سرمایه اجتماعی از این مرحله و بعد از سال‌های ۱۹۹۰ به‌طور ویژه در ادبیات توسعه خودنمایی می‌کند.

موضوع «سرمایه اجتماعی» چه در سطح خرد و فردی و چه در سطح سازمانی و گروهی تا کلان‌انگهی به دنبال تعدد بازیگران توسعه شکل می‌گیرد و مفهوم پیدا می‌کند و بر این مبنا نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های حکمرانی مطلوب و نظام تدبیر مناسب برای پیشبرد برنامه‌های توسعه و به‌طور کلی مدیریت توسعه تعریف می‌شود.

نقش مؤثری داشته‌اند، اما همچنان نقدهای اساسی و انتظارات بی‌پاسخ زیادی هم وجود دارد که این برنامه‌ها نتوانسته‌اند محقق نمایند که از آن جمله می‌توان به بعد یا ابعاد کیفی توسعه شامل: عدم رفاه اقتصادی، پایین بودن سطح بهره‌وری عوامل تولید، ساختار سنتی حاکم بر بخش‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی استان در کنار عدم تحولات لازم در بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه اشاره نمود؛ به‌عنوان مثال آیا همگام با افزایش سطح برخورداری از زیرساخت‌های حمل‌ونقل و خودرو بیشتر، تعهد به قوانین و مقررات و فرهنگ رانندگی از سوی خودرو سواران نیز متناسب با آن حرکت نموده است یا خیر؟ اگر امروزه کشته‌شدگان در تصادفات جاده‌ای به دلیل عدم فرهنگ مناسب رانندگی و مباحثی از این دست، در ایران و استان کرمان درصد قابل‌توجهی است، سطح بالای بیکاری دانش‌آموختگان آموزش عالی، توزیع نامتعادل درآمدها، گستردگی فقر در بخش زیادی از جامعه، بهره‌وری پایین، سنتی بودن سهم عمده فعالیت‌ها در بخش‌های مختلف، صادرات محصولات خام، وابستگی به واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، ناهماهنگی شدید اقتصادی و اجتماعی و عدم ارتباط منطقی بین تولید علم و کاربرد آن، فقدان خلاقیت و نوآوری، فقدان نهادهای لازم توسعه‌ای و سرمایه اجتماعی و ... همگی بیانگر این واقعیت است که تحقق مفهوم توسعه را به‌طور جدّ بایستی با تردید نگاه کرد، چرا که در مفهوم توسعه، گسترش ظرفیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی هم در ابعاد فیزیکی و مادی و هم در ابعاد معنوی و غیرمادی مدنظر است؛ به‌گونه‌ای که تغییرات اساسی در ساختارهای مذکور احساس می‌شود و شخصیت جامعه همچون تحول مثبت در شخصیت یک فرد، متحول می‌گردد. از این جهت است که دانشمندانی چون داکلاس نورث، تحقق توسعه‌یافتگی را تنها در نمادهای فیزیکی آن از قبیل تکنولوژی، ساختمان‌ها، آسمان‌خراش‌ها، پل‌ها و کارخانه‌ها و ... نمی‌دانند، بلکه در نحوه آموزش و تفکر افراد آن‌هم در مبادی ورود انسان‌ها به جامعه (بعد از خانواده؛ مهدکودک‌ها و مراکز پیش‌دبستانی) و به‌طور کلی در سرمایه انسانی می‌دانند.

با این مقدمه همواره این سؤال‌ها وجود داشته و دارد که باوجود اجرای چندین برنامه در کشور و به‌تبع آن استان‌ها و ازجمله استان کرمان:

■ چرا انتظارات به‌طور کامل برآورده نشده است؟  
■ آیا ما منابع، امکانات و پتانسیل لازم که در تحقق توسعه مؤثرند را دارا نیستیم؟

■ آیا برنامه‌های خوب و کارشناسی تنظیم نمی‌کنیم؟  
■ آیا برنامه‌های خوب تنظیم می‌کنیم، اما نمی‌توانیم به‌طور کامل و به‌خوبی، آن‌ها را اجرا کنیم؟

■ با توجه به این‌که مشکلات عمدتاً در اجرای برنامه‌ها بوده، مهم‌ترین دلایل و چالش‌های مربوط به آن کدام‌اند؟

به نظر می‌رسد پاسخ به سؤالات فوق بتواند بخش زیادی از چالش‌ها و مسائل اساسی پیش روی توسعه‌یافتگی استان که بخش عمده‌ای از آن تنها خاص استان کرمان هم نیست و در کل نظام اقتصادی - اجتماعی کشور مصداق دارد را تبیین نماید؟

در پاسخ به سؤالات فوق در ابتدا مروری بر الزامات تحقق توسعه مطابق با مبانی نظری صورت می‌گیرد. اصلی‌ترین الزامات توسعه به قرار زیر است:



به عبارت دیگر وقتی که برنامه‌ای و یا فعالیتی به شکل فردی انجام می‌شود و تنها بازیگر آن یک نفر است، موضوع سرمایه اجتماعی چندان در موفقیت و یا عدم موفقیت آن کار و برنامه مطرح نیست، اما وقتی که تعداد بازیگران یک کار یا یک برنامه یا فعالیت، بیش از یک نفر باشند، موضوع مشارکت، همکاری، همراهی، اعتماد متقابل و اشتراک مساعی مطرح می‌شود که نقش بسیار با اهمیتی در اجرای درست آن کار و تحقق اهداف مربوطه خواهد داشت.

به‌طور کلی هر چه هماهنگی و همراهی بین افراد دخیل در اجرای آن فعالیت بیشتر باشد (با فرض این‌که دیگر لوازم و ابزار انجام کار فراهم باشد) درجه موفقیت اجرای آن کار هم بالاتر خواهد بود و بالعکس. فرض کنید تمام اسباب و لوازم انجام آن فعالیت فراهم بوده، اما افراد دخیل در انجام آن با هم هماهنگ نیستند، اتفاق نظر ندارند، اعتماد ندارند، همدیگر را قبول ندارند، هرکدام دیگری را عامل تهدید می‌دانند و ... در این فضا چقدر احتمال موفقیت در انجام آن کار (حتی باوجود مهیا بودن دیگر شرایط) وجود دارد؟

در موضوع توسعه، امروزه مهم‌ترین حلقه مفقوده و محل آسیب‌پذیری اجرای برنامه‌های توسعه را می‌توان به عوامل فوق و شکل‌گیری مشارکت بازیگران توسعه به شکل مناسب، همراه با اعتماد و همراهی متقابل دانست که در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه در پارادایم‌های جدید به مقوله حکمرانی مطلوب و یا نظام تدبیر مناسب در اجرای برنامه‌ها مرتبط دانست. نظام تدبیر مناسب که با حکمرانی مطلوب محقق می‌شود، مهم‌ترین بستر اجتماعی برای تحقق برنامه‌های توسعه می‌باشد که خود نیز متأثر از سرمایه اجتماعی است. این در حالی است که سرمایه اجتماعی نیز به میزان زیادی متأثر از فضای حکمرانی و نظام تدبیر است که به‌منزله تأثیر متقابل این عوامل بر هم می‌باشد. در بیانی ساده بخشی از مشکلات اجرایی برای پیاده‌سازی نظرات کارشناسی در نظام اقتصادی و اصلاحات ساختاری به دلیل عدم همراهی مردم و جامعه مدنی به‌واسطه تنزل سطح سرمایه اجتماعی می‌باشد.

با توجه به این‌که بازیگران و نقش‌آفرینان توسعه در دنیای امروز متعدد هستند؛ از آن جمله می‌توان به دولت، مردم، نهادهای اجتماعی، نهادهای مذهبی، ورزشی، نظامی و انتظامی، تولیدکنندگان خصوصی، مصرف‌کنندگان، بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، شرکت‌ها و حتی شرکت‌های بزرگ چندملیتی و ... اشاره نمود. موضوع سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف آن از سطح خرد که به اعتماد اجتماعی و ارتباط متقابل افراد با یکدیگر تا سطوح بالاتر آن مثل سرمایه اجتماعی و ... در عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مختلف و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، درون‌حزبی و ... تا سطح کلان همگی ناظر به ایجاد همسوئی و همراهی بین بازیگران متعدد در راستای ایجاد زمینه لازم و بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی و در نهایت تحقق برنامه‌های توسعه می‌باشد. بررسی الزامات توسعه به‌گونه‌ای که بیان گردید، در استان کرمان حکایت از آن دارد که این استان دارای پتانسیل طبیعی و زیرساخت‌های لازم و همچنین نیروی انسانی لازم برای توسعه می‌باشد که در ادامه تنها به گوشه‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود:

■ میانگین سهم ۸ درصدی از ارزش‌افزوده کشور طی سال‌های اخیر در بخش کشاورزی بیانگر قابلیت بالای این بخش در استان کرمان است.

تنوع آب و هوایی و شرایط مساعد کشت محصولات مختلف و تولیدات خارج از فصل، وجود ۱۸ درصد باغات کشور، محصولات مهم کشاورزی مثل پسته با ارزش‌آوری بالا، رتبه‌های اول تا سوم در تولید محصولات متعدد و ... همگی حکایت از ظرفیت‌های بزرگ تولیدی این بخش مهم اقتصادی در استان دارد که با توجه به سهم حدود ۴ درصدی جمعیت کشور، این بخش یکی از بخش‌های دارای مزیت استان است، اما اختصاص تنها ۲/۶ درصد تولید محصولات غذایی کشور به استان کرمان در مقایسه با ۸ درصد ارزش‌افزوده بخش کشاورزی استان از کل کشور، حاکی از عدم بهره‌برداری لازم متناسب با ظرفیت‌های موجود است و این‌که سرمایه‌گذاری لازم در خصوص صنایع فرآوری، صنایع تبدیلی و تکمیلی متناسب با این ظرفیت‌ها شکل نگرفته است که ضمن عدم شکل‌گیری امکان ایجاد ارزش‌افزوده مناسب در اقتصاد استان، موجب گردیده از توسعه‌ی عمقی این بخش نیز کاسته شود.

■ بخش معدن از دیگر بخش‌های مهم اقتصادی در استان است که در حدود ۴۰ درصد ارزش‌افزوده معادن غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده است. ۲۵ درصد از اشتغال معادن کشور نیز مربوط به استان کرمان است، اما روند شاخص‌های مربوط به توان رقابت‌پذیری این بخش در استان طی سنوات گذشته در جهت کاهش توان رقابت‌پذیری حرکت نموده است که البته بخشی از آن به دلیل عوامل تأثیرگذار بیرونی ازجمله فشار تحریم‌ها و شوک‌های قیمت‌های جهانی و تأثیرپذیری اقتصاد معدنی استان از آن می‌باشد. در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری نسبتاً مناسبی در بخش معدن و گسترش صنایع فرآوری و محصولات صنعتی صورت گرفته است، ازجمله صنایع فولاد و صنایع فرآوری معدنی، اما توسعه بخش‌های مذکور نیز فراگیر نبوده و نتوانسته است نقش پیش‌ران‌های رشد و موتور محرکه در توسعه بخش معدن استان و دیگر بخش‌ها را فراهم نماید.

■ در بخش صنعت استان که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در گذار از توسعه‌نیافتگی و در حال توسعه بودن به دنیای اقتصاد مدرن می‌باشد، سهم استان مطابق انتظار نیست.

علی‌رغم ظرفیت‌های بالای اقتصادی، سهم این بخش تنها ۲/۱ درصد بوده و نکته قابل‌تأمل این است که حدود ۷۵ درصد آن نیز تنها در ۳ گروه تولید فلزات پایه، تولید محصولات غذایی و وسایل نقلیه موتوری (تولید خودرو و ...) می‌باشد. ۱۰ واحد صنعتی استان (کمتر از ۱ درصد تعداد واحدها) به‌تنهایی بیش از ۷۸ درصد ارزش‌افزوده بخش صنعت استان را دارا می‌باشد، که به‌وضوح بیانگر سنتی بودن و خود فرمایی (کوچک بودن) ۹۹ درصد واحدهای تولیدی و صنعتی است.

■ مهم‌ترین چالش بخش صنعت، دوگانگی شدید اقتصادی در این بخش هم از جهت تمرکز فعالیتی و هم تمرکز جغرافیایی می‌باشد، به‌گونه‌ای که شکاف صنایع کوچک و متوسط به‌عنوان مهم‌ترین چالش در تکمیل زنجیره تولید و فناوری استان خودنمایی می‌کند. حدود ۱۰ درصد از واحدهای صنعتی در گروه متوسط هستند و بیشتر از ۷۰ درصد واحدها، خرد و کوچک می‌باشند که از نظر ادبیات صنعتی، چالشی اساسی تلقی می‌شود، زیرا به‌طور طبیعی در ساختار سالم اقتصادی می‌بایست سهم واحدهای صنعتی کوچک و متوسط، سهم غالب در اقتصاد استان باشد.

■ سهم بخش خدمات در استان نیز در تناسب با سهم خدمات در کل

گزارش، فراهم نیست، اما بایستی به اختصار بیان نمود که چشم‌انداز ۱۵ تا ۲۰ ساله استان و جهت‌گیری‌های کلان توسعه‌ای آن مبتنی بر برخی اصلاحات ساختاری تبیین و مستند شده است.

در این جهت‌گیری‌ها، توسعه بخش صنعت با تأکید بر صنایع فرآوری معدنی و صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، توسعه بخش معدن، توسعه بخش کشاورزی با رویکرد محدود نمودن گسترش کمی و ارتقاء سطح بهره‌وری عوامل تولید و بالأخص آب و توسعه بخش خدمات و به‌طور ویژه گردشگری با توجه به ظرفیت‌های استان کرمان به‌عنوان اصلی‌ترین بخش‌های دارای مزیت و همچنین جهت‌گیری‌های توسعه‌ای تبیین شده‌اند. در این ارتباط یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های کلان توسعه استان، اصلاح ساختار اقتصادی به‌گونه‌ای که با اصلاح الگوی کشت، توسعه کشت‌های گلخانه‌ای و آبیاری نوین، ضمن فراهم نمودن توسعه بخش کشاورزی، امکان صرفه‌جویی حدود ۱/۵ میلیارد مترمکعب آب طی افق ۲۰ ساله (بلندمدت) امکان‌پذیر شود که این میزان از صرفه‌جویی آب در بخش کشاورزی هم امکان به تعادل رساندن میزان منابع و مصارف آبی استان و رفع بیلان منفی ۹۰۰ میلیون مترمکعبی فعلی را فراهم می‌نماید و هم پاسخگوی تأمین نیازهای آبی برای توسعه بخش صنعت و معدن استان در سند چشم‌انداز توسعه استان خواهد بود.

نکته قابل‌تأمل این است که در حال حاضر استان کرمان آب قابل‌توجهی را در مقیاس با سطح ملی و سهم ما از اقتصاد ملی، مصرف می‌نماید (حدود ۷ درصد مصرف ملی) که در این ارتباط اگر بنا به فرض، قرار بود استان کرمان با اختصاص حدود ۴/۵ تا ۵ میلیارد مترمکعب آب کشور

اقتصاد کشور (به میزان ۵۸ درصد)، ۱۵ درصد پایین‌تر است و تنها سهم ۴۳ درصد از کل اقتصاد استان در این حوزه قرار گرفته است. سهم ۴۳ درصدی استان در قیاس با سهم بخش خدمات در اقتصاد کشورهای توسعه‌یافته (اسپانیا ۷۴ درصد- آلمان ۶۵ درصد- سوئد ۶۴ درصد و ترکیه ۶۵ درصد) حکایت از خلأ بسیاری از فعالیت‌های خدماتی در اقتصاد استان کرمان دارد. در بخش خدمات نیز جهت‌گیری باید به سمت خدمات مدرن و مبتنی بر تقاضای روز و در پاسخگویی به نیاز توسعه سایر بخش‌های اقتصادی استان باشد. بررسی بخش خدمات استان نشان می‌دهد که از ۱۲ زیر بخش آن، تنها در ۳ زیر بخش گردشگری، آموزش و بهداشت و سلامت، مزیت‌های استان آشکار شده و استان در آن‌ها دارای مزیت بوده، در سایر زیر بخش‌ها نیازمند تلاش و برنامه‌ریزی برای کشف مزیت‌های جدید می‌باشد.

■ در بعد شاخص توسعه انسانی (HDI)، استان کرمان با ۷۱ درصد در بین ۳۱ استان کشور رتبه ۱۴ را به خود اختصاص داده است و بیانگر این است که نسبت به میانگین کشوری پایین‌تر می‌باشد.

■ سرانه تولید ناخالص داخلی استان در سال ۱۴۲،۹۶ میلیون ریال بوده که از متوسط کشوری حدود ۳۵ میلیون ریال پایین‌تر می‌باشد.

■ به لحاظ شاخص سرمایه اجتماعی نیز با توجه به مطالعات انجام شده، استان کرمان در جایگاه نهم در بین ۳۱ استان کشور قرار گرفته است.

### برنامه‌های توسعه در استان

چنان‌که بیان گردید، سابقه برنامه‌ریزی کشور به سال ۱۳۲۷ با شروع برنامه اول قبل از انقلاب برمی‌گردد که از آن زمان تاکنون بیش از ۷۰ سال می‌گذرد، اما شروع برنامه‌ریزی به شکل مستقل در استان‌ها به‌طور مشخص بعد از انقلاب و برای اولین بار در برنامه سوم توسعه می‌باشد که طی آن نظام درآمد - هزینه استانی تعریف و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها شکل گرفت؛ اگرچه این شکل از برنامه‌ریزی در استان‌ها با مفهوم واقعی برنامه‌ریزی منطقه‌ای فاصله زیادی داشته و هنوز هم دارد، اما زمینه ورود استان‌ها به برنامه‌ریزی توسعه را فراهم نمود.

یکی از مهم‌ترین سؤالات مطرح شده همواره این است که آیا استان دارای برنامه توسعه بوده و یا می‌باشد؟ آیا الگوی توسعه استان مشخص است؟ آیا چشم‌انداز استان تبیین شده است؟ جهت‌گیری توسعه استان در آینده به چه سمت و سویی است و بخش‌های اصلی توسعه‌ای استان به ترتیب اولویت کدام بخش‌ها هستند؟ با توجه به کمبود منابع آبی و بیلان منفی آب در استان و همچنین پیش‌بینی تداوم خشک‌سالی‌ها در آینده، چگونه می‌توان هم مشکلات کم‌آبی و بیلان منفی آن را حل نمود و هم روند توسعه استان و رسیدن به توسعه پایدار را دنبال کرد؛ به عبارت دیگر چگونه می‌توان هم برنامه‌های توسعه صنعتی به‌ویژه توسعه صنایع بزرگ و مادر مثل فولاد، پتروشیمی و ... را دنبال نمود و هم مشکلات کم‌آبی استان را برطرف کرد.

مجموعه سؤالات فوق برخی از سؤالاتی هستند که همواره مطرح می‌شود، در پاسخ می‌توان اعلام نمود در حال حاضر استان نسبت به مسائل فوق دارای برنامه و همچنین دیدگاه‌های مشخص کارشناسی مبتنی بر مباحث تحلیلی و علمی است که امکان بیان و طرح همه آن‌ها در این

با توجه به این‌که بازیگران و نقش‌آفرینان توسعه در دنیای امروز متعدد هستند؛ از آن جمله می‌توان به دولت، مردم، نهادهای اجتماعی، نهادهای مذهبی، ورزشی، نظامی و انتظامی، تولیدکنندگان خصوصی، مصرف‌کنندگان، بنگاه‌های بزرگ اقتصادی، شرکت‌ها و حتی شرکت‌های بزرگ چندملیتی و ... اشاره نمود. موضوع سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف آن از سطح خرد که به اعتماد اجتماعی و ارتباط متقابل افراد با یکدیگر تا سطوح بالاتر آن مثل سرمایه اجتماعی و ... در عملکرد سازمان‌ها و نهادهای مختلف و سرمایه اجتماعی درون‌گروهی، درون حزبی و ... تا سطح کلان همگی ناظر به ایجاد همسویی و همراهی بین بازیگران متعدد در راستای ایجاد زمینه لازم و بستر مناسب برای مشارکت اجتماعی و در نهایت تحقق برنامه‌های توسعه می‌باشد.



اما نکته قابل تأمل این است که علی‌رغم تبیین جهت‌گیری‌های مناسب کارشناسی در زمینه‌ی اصلاح ساختار اقتصادی در طول حداقل سال‌های مربوط به سند چشم‌انداز (۱۳۸۴) به بعد و ابتدای برنامه چهارم) و تصویب اسناد مربوطه طی برنامه‌های چهارم و پنجم و همچنین برنامه ششم، بررسی عملکرد حداقل ۲ برنامه چهارم و پنجم گویای این است که حرکت جریان اقتصادی استان در عمل به‌طور کامل با جهت‌گیری‌های تعیین‌شده در برنامه‌ها همسو و همراه نبوده است و برخلاف اسناد توسعه‌ای، تحول از ساختار کشاورزی و اتکای بالا به این بخش به‌سوی بخش‌های صنعتی و معدنی و خدماتی نه تنها صورت نگرفته است بلکه در مواردی سهم بخش کشاورزی افزایش هم داشته است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تدوین برنامه مناسب برای اصلاح ساختار اقتصادی و پیشبرد برنامه‌های توسعه یک بحث است و اجرای آن‌ها بحث دیگری است که بررسی عملکرد گذشته اغلب برنامه‌ها حکایت از آن دارد که در اجرای برنامه‌ها چه در کل کشور و چه در استان کرمان همواره مشکلات و مسائل اساسی وجود داشته و هنوز هم دارد. این مسائل و مشکلات را می‌توان در تطابق با برخی تئوری‌های اخیر توسعه، ازجمله نظریات آرتور لویثیس، هیرشمن رودان، میردال، داگلاس نورث و ... در موضوع اساسی و بنیادی تحت عنوان «چارچوب نهادی - اجتماعی» و بستر اجتماعی لازم برای اجرای این برنامه دانست که این بستر بتواند هماهنگی و همراهی بین ارکان و عناصر و اجزاء مختلف مؤثر در اجرای برنامه‌ها را فراهم نماید. برای تحقق این امر نقش نهادهای توسعه‌ای به‌عنوان الزامات مؤثر در ایجاد بسترهای لازم برای فعالیت بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران بسیار حائز اهمیت است. این نهادهای توسعه‌ای در ابعاد مختلف قابل‌بحث و بررسی هستند؛ از نهادهای مالی و پشتیبان برای انجام سرمایه‌گذاری مثل بانک‌ها مؤسسات تأمین مالی، صندوق‌ها و ... تا نهادهای بیمه و تأمین اجتماعی، نهادهای اجتماعی و چارچوب‌های لازم مدنی برای تحقق سطح مطلوب سرمایه اجتماعی و ... می‌باشند.

علاوه بر موارد فوق‌الذکر، در مناطق محروم و مناطقی که هنوز جریان توسعه به‌خوبی شکل نگرفته و الزامات اساسی توسعه در ابعاد مختلف به وجود نیامده است. ورود بنگاه‌های بزرگ و مؤسسات اقتصادی مدرن (چه دولتی و چه غیردولتی) می‌تواند به‌عنوان ایجادکننده تحرک اقتصادی، نقش موتور محرکه رشد را داشته باشند، به‌شرط این‌که این بنگاه‌ها و مؤسسات با سیر منطقی و با ارتباط زنجیره‌ای با دیگر بخش‌های اقتصادی موجبات سرریز آثار اقتصادی فعالیت خود را در دیگر بخش‌ها نیز محقق سازند که برخی اقدامات مهم در گذشته مثل معادن مس سرچشمه و صنایع وابسته، گل‌گهر، کارخانه‌های فولاد و دیگر واحدهای، فرآوری معدنی، صنایع بزرگ مثل کرمان خودرو و دیگر شرکت‌های خودرویی در ارگ جدید بم، لاستیک کرمان، کارخانه سیمان، هواپیمایی ماهان و ... می‌تواند از این دسته فعالیت‌های پیشران توسعه شمرده شوند. که هر یک به فراخور فعالیت در یک منطقه و با حوزه مشخص دارای نقش بوده‌اند، اما به‌عنوان یک حلقه مفقوده بایستی کارشناسان، صاحب‌نظران و اندیشمندان اقتصادی و اجتماعی استان به این سؤال پاسخ دهند که چرا آثار توسعه‌ای حضور و ظهور این بنگاه‌ها و مؤسسات بزرگ اقتصادی که هرکدام

(برابر با حدود ۴/۵ تا ۵ درصد کل آب مصرفی کشور) به موضوع فعالیت خود بپردازد، این رقم منطقی به نظر می‌رسید و برای تأمین نیازهای توسعه‌ای استان رقم مطلوبی تلقی می‌شد؛ زیرا سهم ما از اقتصاد کشور در حدود ۳/۵ درصد و از جمعیت ۴ درصد است. اما در شرایط واقعی امروز با سهم ۳/۵ درصدی تولید از کشور و با مصرف نزدیک به ۷ میلیارد مترمکعب آب چهار سردرگمی بزرگی هستیم؛ بنابراین بایستی مهم‌ترین جهت‌گیری توسعه‌ای استان را اصلاح ساختار اقتصادی به‌گونه‌ای تعریف کرد که میزان اتکا اقتصاد استان از منابع طبیعی (آب‌و‌خاک) کمتر شده و به سمت صنعتی شدن (با مفهوم تخصصی آن) حرکت نمود. این موضوع با اقتصاد مقاومتی نیز که یکی از اهداف مهم آن ارتقاء سطح توان و مقاومت اقتصادی است کاملاً سازگاری دارد؛ زیرا در حال حاضر مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل آسیب‌پذیری و ناپایداری توسعه در استان را می‌توان عامل سطح بالای اتکای اقتصاد استان به منابع طبیعی دانست که با شرایط فعلی و چشم‌انداز اقلیمی آتی، استان در معرض ناپایداری و آسیب‌پذیری جدی قرار دارد. به عبارت دیگر ساختار اقتصادی استان به‌واسطه عوامل بیرونی و تهدیدات اساسی مثل خشک‌سالی و کاهش نزولات جوی، شوک‌های بزرگ قیمتی، کاهش پذیرایی پایین محصولات صادراتی در بازارهای جهانی، تمرکز بازارها و تمرکز کالایی آسیب‌پذیر است. که راه اصلاح این شرایط ورود اقتصاد استان به حوزه تولید مبتنی بر فناوری و تحول از اقتصاد مبتنی بر کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی مدرن و گسترش بخش‌های معدن و صنعت است که این موضوع تحت عنوان «اصلاح بلندمدت ساختار اقتصادی استان» دنبال می‌شود.

علی‌رغم تبیین جهت‌گیری‌های مناسب کارشناسی در زمینه‌ی اصلاح ساختار اقتصادی در طول حداقل سال‌های مربوط به سند چشم‌انداز (۱۳۸۴) به بعد و ابتدای برنامه چهارم) و تصویب اسناد مربوطه طی برنامه‌های چهارم و پنجم و همچنین برنامه ششم، بررسی عملکرد حداقل ۲ برنامه چهارم و پنجم گویای این است که حرکت جریان اقتصادی استان در عمل به‌طور کامل با جهت‌گیری‌های تعیین‌شده در برنامه‌ها همسو و همراه نبوده و برخلاف اسناد توسعه‌ای، تحول از ساختار کشاورزی و اتکای بالا به این بخش به‌سوی بخش‌های صنعتی و معدنی و خدماتی نه تنها صورت نگرفته است بلکه در مواردی سهم بخش کشاورزی افزایش هم داشته است.

۱- تداوم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری با نگاه به مناطق محروم، اما دارای پتانسیل رشد و توسعه به‌ویژه جنوب استان، روند فعلی برنامه‌ریزی استان تا حدود زیادی مؤید سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی دولت در حوزه‌های مختلف راه، آب، بهداشت و درمان، گاز، برق، آموزش و ... و همچنین حضور بخش غیردولتی در سرمایه‌گذاری‌های توسعه صنعتی و معدنی می‌باشد. به عبارت دیگر با تمرکز در بخش‌های پیش‌تاز در مناطق مختلف استان به‌ویژه مناطقی که در برنامه‌ریزی آمایش از ظرفیت مناسب برخوردارند و در حال حاضر خلأ سرمایه‌گذاری در آن‌ها وجود دارد، که با این سیاست متناسب با مزیت‌های موجود خود از یک یا چند بخش پیش‌تاز و محرک اقتصادی برخوردار خواهند شد.

۲- برنامه‌ریزی مناسب برای اصلاح ساختار اقتصادی که در اسناد توسعه‌ای استان به لحاظ جهت‌گیری مهم و کلان توسعه استان صورت گرفته است، این امر در انطباق با مفهوم توسعه پایدار و همزیستی با مهم‌ترین تنگنای طبیعی در ساختار فعلی (آب) مستلزم همکاری، همراهی و هماهنگی پیچیده‌ای است که در ابتدا می‌بایست بسترهای لازم برای تحقق بخشی از الزامات زمینه‌ای آن از مرکز و در سطح ملی صورت پذیرد و پس از آن با دخیل نمودن یک پیوست اجتماعی و مشارکتی همراه با شناخت عمیق جامعه‌شناسی، زمینه انتقال از بخش کشاورزی سنتی به‌سوی کشاورزی مدرن و توسعه بخش صنعت، معدن و خدمات (اشتغال جایگزین مشاغل سنتی موجود) صورت پذیرد.

۳- مهم‌ترین گام در اصلاح فرآیند و جریان‌سازی توسعه، آسیب‌شناسی اکوسیستم اجتماعی - اقتصادی استان در راستای پاسخگویی و رفع موانع اجتماعی، مقرراتی و حکمرانی مطلوب در مدیریت توسعه، به‌گونه‌ای که فضا و محیط لازم اقتصادی - اجتماعی را برای رشد ارگانیک سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و پر کردن خلأ موجود در راستای تکمیل زنجیره‌های فرآوری در واحدهای پایین‌دستی و همچنین بنگاه‌های مرتبط کوچک و متوسط فراهم آورد. چنانکه بیان گردید در حال حاضر به لحاظ مسئله شناسی، فرآیند توسعه در استان حاکی از وجود بخش عمده مشکلات در اجرای برنامه‌های توسعه است. تلاش‌های کارشناسی در این ارتباط نیز نشان می‌دهد، عمده جهت‌گیری‌های کارشناسی و پژوهشی ناظر به تدوین برنامه‌های کارشناسی بوده، اما بسترهای اجتماعی و نهادی برای اجرای آن‌ها کمتر مورد توجه واقع شده است و به همین دلیل نتایج نیز مطابق انتظار نبوده است که در این زمینه طراحی یک نظام تدبیر مناسب در اجرای برنامه‌های توسعه و تحقق حکمرانی صحیح به‌عنوان اساسی‌ترین گام اصلاحی تلقی می‌شود که اجزاء اساسی در طراحی نظام تدبیر مناسب برای پیشبرد برنامه‌های توسعه مشخصاً ناظر به موارد زیر می‌باشد:

- بسترهای قانونی و مقرراتی مناسب برای شکل‌گیری آسان و پرتحرک جریان اقتصادی استان،

- سازمان‌دهی ساختار دولت و ارتباط منطقی بین قوای سه‌گانه،

- طراحی ارتباط صحیح و منطقی بین بازیگران اصلی توسعه؛ دولت، جامعه مدنی و همچنین بخش خصوصی،

- اگرچه بخش عمده‌ای از مباحث فوق در حیطه اختیارات و کارکردهای انسانی قابل تعریف نیست، اما تکیه بر سرمایه اجتماعی مناسب و مشارکت مردم بخشی از اجرای برنامه‌های توسعه در استان می‌باشد. ●

در مناطق تحت پوشش خود می‌توانستند به‌عنوان موتور محرکه آن منطقه و پیدایش یک قطب رشد با اتصال منطقی در مراکز پیرامونی تلقی شوند، نقش لازم را پیدا نکرده‌اند و این ارتباط منطقی به‌درستی شکل نگرفته است و یا این‌که مطابق انتظار نبوده است؟

و به‌راستی چرا شکاف عظیم بنگاه‌های کوچک و متوسط در ساختار اقتصادی استان که بیان گردید، نتوانسته است در طول زمان به شکل ارگانیک و با پیوند منطقی با این بنگاه‌ها و مؤسسات اقتصادی بزرگ مرتفع شود؟ باید ادعا داشت که طراحی و شکل‌گیری این صنایع و بنگاه‌های بزرگ صنعتی، منطبق بر یک نگاه توسعه‌ای و آمایش سرزمین بوده است و براساس مبانی رشد و توسعه اقتصادی که سرمایه‌گذاری در صنایع مادر و اساسی پیش‌ران رشد در مناطق مستعد را تجویز می‌نماید، قابل توجیه است، اما عدم تسری آثار رشد به سایر مناطق مورد سؤال؟

### جمع‌بندی:

بررسی قابلیت‌ها و پتانسیل‌های استان کرمان در بعد برخورداری از شرایط طبیعی، جغرافیایی، منابع زیرزمینی و روزمینی، نیروی انسانی کارآمد و متخصص، مؤید این مسئله است که استان کرمان می‌تواند مسیر توسعه را به‌طور مناسب طی نماید. تلاش مسئولان استان در دوران مختلف نیز حکایت از آن دارد که در زمینه شناخت مزیت‌های موجود و حتی مزیت آفرینی و کشف مزیت‌های پنهان، قابل‌تقدیر بوده و در این ارتباط تلاش‌های ارزنده و مؤثری صورت گرفته است که ایجاد بسیاری از بنگاه‌های بزرگ اقتصادی و تأثیرگذار در سطح ملی نیز از این جمله‌اند و در عین حال بیانگر این مسئله است که در برخی از مناطق، استان کرمان منطبق با تئوری‌ها و مبانی نظری توسعه که عمدتاً با نظریات اخیر در قالب نظریات رشد نامتعادل تأکید بر تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها بر حوزه‌های مهم و دارای قابلیت و بخش‌های پیش‌تاز اقتصاد دارد، برای ایجاد یک موتور محرکه حرکت نموده است، به‌طوری که ایجاد واحدهای مدرن تولیدی در بخش کشاورزی، کشت و صنعت‌ها، واحدهای فرآوری گلخانه‌ای مدرن، واحدهای دامداری پیشرفته و دیگر مواردی از این قبیل در بخش کشاورزی و نیز در بخش صنعت، وجود ۱۰ بنگاه اقتصادی دربرگیرنده حدود ۷۸ درصد ارزش‌افزوده کل بخش صنعت (اگرچه به‌عنوان یک آسیب در بخش صنعت امروزه تلقی می‌شود) با نگاه سیاست‌گذاری که تأکید بر ایجاد واحدهای محرک و پیش‌ران در مناطق مختلف مبتنی بر مزیت‌ها را دارد، سازگار است. بنابراین مسئله شناسی توسعه نیافتگی مناطق مختلف قطعاً ناشی از حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این بخش‌ها به لحاظ وجود این بنگاه‌ها نیست، بلکه سؤال و ایراد اساسی چنان‌که قبلاً نیز اشاره شد، آنجاست که چرا آثار توسعه‌ای و سرریز اثرات رشد و توسعه به‌واسطه وجود این بنگاه‌ها به سایر مناطق و بخش‌ها منتقل نشده است؟ همچنین چرا اجرای بسیاری از برنامه‌های کارشناسی شده و جهت‌گیری‌های توسعه‌ای مطابق با اسناد و برنامه‌های تنظیمی پیش نمی‌رود؟

پاسخ به این دو سؤال ضمن این‌که می‌تواند پاسخ بخش مهمی از سؤالات در اقتصاد استان را روشن نماید، قطعاً اهمیت ویژه‌ای به لحاظ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در آینده نیز خواهد داشت که در این راستا پیشنهاد می‌شود:

گفت‌وگو با «علیرضا شکیبایی» عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

# در فضای مسئله ایچ، در فضای راه‌کار ایچ، اما...

این‌که بنگاهی در بخش خصوصی، در حدود ۴۰-۳۰ سال کار می‌کند و هنوز هم یارانه می‌خواهد، نشان از اشکال در جایی از کار دارد. منطق درستی در بخش خصوصی شکل نگرفته است باید بخش خصوصی توانمند، بزرگ مقیاس، با اخلاق، آشنا با بازارهای جهانی، سرمایه انسانی و نوآور داشته باشیم، آنگاه از دولت مطالبه حمایت واقعی کنیم. اشتباه دولت‌ها این است که به صنایع یارانه می‌دهند و بعد می‌خواهند قیمت‌گذاری کرده و سیستم نظارت دستوری اعمال نمایند که در صورت به ضرر بخش خصوصی است. دیگر دوران این ذهنیت که حمایت فقط تقسیم پول است گذشته است. در نبود فضای مناسب کسب‌وکار، سرمایه‌ها و منابع مردم ایران به سمت بخش‌های غیرمولد و غیراشتغال‌زا هدایت می‌شود. قوانین و مقررات فعلی دمار از روزگار بخش خصوصی واقعی درمی‌آورد. مسائل و مشکلات شناسایی و ریشه‌یابی شده است، راه‌کارها هم مشخص است اما اراده‌ای برای حل مسئله وجود ندارد. سازوکار مدیریتی کشور نمی‌تواند از نظرات متخصصان و کارشناسان واقعی و به‌کارگیری راه‌حل‌های علمی بهره‌بردار. با فراهم‌سازی فضای مناسب برای جذب سرمایه‌گذار داخلی، سرمایه‌گذار خارجی نیز قطعاً جذب می‌شود و با داشتن بنگاه‌های دانش‌بنیان، تولید منطق اقتصادی پیدا می‌کند. تولید غیردانش‌بنیان در همه جای دنیا منطق اقتصادی ندارد. این‌ها برخی اشاراتی است که دکتر علیرضا شکیبایی در گفت‌وگو با ما در خصوص پاره‌ای مسائل اقتصادی عنوان کرده است. شماره به مطالعه کامل مباحث این پرسش و پاسخ دعوت می‌نمایم.

واقعیت این است که بخش خصوصی در ایران چندان رشد نکرده است و سهم بخش خصوصی در اقتصاد ما چندان قابل‌توجه نیست، دلایل و مشکلات متعددی برای آن وجود دارد. نکته اول، این‌که ما متأسفانه نگاه ارزشی و فرهنگ نادرستی داریم که رشد بخش خصوصی را معادل با رشد سرمایه‌داری می‌داند که تلقی کاملاً اشتباهی است. شاید به این دلیل که کشوری هستیم که انقلاب کرده است و قرار بوده فاصله طبقاتی در جامعه چندان رشد پیدا نکند و عدالت برقرار شود و امروز تقویت بخش خصوصی را مصداق همان بی‌عدالتی می‌دانیم. این تفکری است که متأسفانه در برخی از کشورهای دنیا به وجود آمده و در ایران هم بعد از انقلاب تشدید شده و نهایتاً باعث شده که این فرهنگ و دیدگاه مانعی برای رشد بخش خصوصی ایجاد کند. باید با فرهنگ‌سازی، این دیدگاه اکثریت مردم را تغییر دهیم تا مردم رشد بخش خصوصی را یک ارزش و رشد بخش دولتی را ضد ارزش تلقی کنند؛ برخلاف تصور غالب امروز. به همین دلیل است که بخش خصوصی سالم و توانمند شکل نگرفته تا در گام بعد بتوانیم در مورد سایر عوامل صحبت کنیم. بخش خصوصی در ایران عمدتاً در فعالیت‌های

## مدیریت نوسانات اقتصاد کلان در کشور را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

همان‌طور که استحضار دارید در سال ۹۷ اقتصاد ایران دچار نوسانات و شوک‌های شدیدی شد که از بخش ارزش شروع شد و نهایتاً به بحث قیمت‌ها رسید. در نتیجه، بازارها بی‌ثبات شدند و نوسانات شدیدی را شاهد بودیم. از ابتدای سال ۹۸ و با تغییر رویکرد دولت و تغییر در مدیریت بانک مرکزی آثار مثبتی را می‌بینیم و اقتصاد به سمت ثبات نسبی گرایش پیدا کرده است، به‌طوری که نرخ دلار تقریباً در یک عددی تثبیت شده و به دنبال آن سایر بازارها از جمله بازار طلا و همچنین قیمت کالاها هم تثبیت می‌شوند. در مقایسه با سال ۹۷ به نظر می‌رسد بانک مرکزی خوب عمل کرده است و شناخت بهتری که از ساختار اقتصادی ایران داشته مدیریت مناسب‌تر و بهتری به کار گرفته و اشتباهات سال ۹۷ تکرار نشده است.

## ویژگی‌های ساختاری اقتصاد کشور که مانع توسعه بخش خصوصی است، کدام‌اند؟





بهره پایین در اختیار بگذاریم و سپس در بازپرداخت آن‌ها به بانک مشکلاتی ایجاد شود، حمایت نیست. مدل‌های توسعه حمایتی باید اجرا شود. دوران این ذهنیت که حمایت، فقط پول است، دیگر گذشته است. بله بخش خصوصی را باید حمایت و تقویت کنیم و دولت هم در این مورد وظیفی دارد و باید به وظایفش عمل کند، ولی منظورمان این نیست که ۱۱ هزار میلیارد تومان پول به‌طور مساوی (مثل طرح هدفمندی یارانه‌ها) بین بنگاه‌های تولیدی تقسیم کنیم، این مورد تأیید ما نیست، اما در گذشته اگر حمایتی از طرف دولت صورت گرفته این‌گونه بوده است، در نتیجه تعداد زیادی فعال بخش خصوصی داریم که قادر به فعالیت واقعی نیستند و برای بقا نیازمند دریافت یارانه و کمک از دولت هستند. چه لزومی دارد این‌همه فعال خصوصی کوچک‌مقیاس نیازمند به یارانه مستقیم یا یارانه پنهان و انواع اشکال آن داشته باشیم. بخش خصوصی که بتواند مسئولیت اقتصاد را برعهده بگیرد کم داریم و اغلب فعالانی هستند که نام آن‌ها بخش خصوصی است ولی خود نیازمند دریافت یارانه‌اند. البته در ابتدای شروع یک فعالیت اقتصادی شاید یارانه اشکالی نداشته باشد ولی این‌که یک بخش خصوصی حدود سی، چهل سال کار می‌کند و هنوز هم یارانه می‌خواهد نشان می‌دهد جایی از کار اشکال دارد و منطق درستی از بخش خصوصی شکل نگرفته است. باید بخش خصوصی توانمند و بزرگ‌مقیاس، آشنا با بازارهای جهانی، آشنا با سرمایه انسانی، آشنا با نوآوری و خلاقیت و تحقیق و توسعه داشته

کوچک‌مقیاس و بیشتر در حوزه بخش‌های خدمات و کشاورزی شکل گرفته است و متأسفانه در حوزه صنعت به معنای واقعی، بخش خصوصی قوی وجود ندارد و فعالیت‌هایی که به‌عنوان بخش خصوصی تلقی می‌شوند به نحوی جزو بخش عمومی هستند. بنده فکر می‌کنم راهکار اول، تغییر نگاه فرهنگی جامعه در برابر بخش خصوصی است.

دلیل مهم دیگری که موجب شده بخش خصوصی آن‌چنان که باید رشد نکند این است که قوانین و مقررات مالیاتی، کار و تأمین اجتماعی، بانکی و قضایی و سایر قوانین جاری مملکت در راستای کمک به بخش خصوصی تدوین نشده است؛ این قوانین کاملاً بازدارنده هستند، اما درست همین قوانین به‌خوبی بخش عمومی و دولتی را تقویت و تشویق می‌کند. تغییرات ظاهری هم در قوانین صورت گرفته است مثل قانون رفع موانع تولید و رقابت‌پذیری اقتصاد که اگرچه قانون مترقی و خوبی است، اما اراده‌ای برای اجرای این قانون وجود ندارد که ناشی از همان فرهنگ غلطی است که پیش از این بیان شد. به نظر می‌رسد در بین تصمیم‌سازان مملکت، افرادی که در مجلس شورای اسلامی یا مراجع تصمیم‌سازی مهم دیگر حضور دارند اراده جدی برای تسهیل قوانین و مقررات تقویت‌کننده به بخش خصوصی ندارند؛ چرا که غالب قوانین همان بخش دولتی و عمومی را تقویت می‌کند. پس مشکل دوم قوانین و مقررات است که بحث شد. دلیل سوم، خود بخش خصوصی است. متأسفانه عمده فعالانی که به‌عنوان بخش خصوصی در کشور عرض‌اندام کرده‌اند، در واقع یک بخش خصوصی رانتی را رقم‌زده‌اند که واقعاً به دنبال کار اقتصادی سالم نیست، بلکه بیشتر درصد است تا از رانت‌های موجود در حوزه‌های تسهیلات بانکی، واگذاری زمین، گرفتن مجوزها و غیره استفاده حداکثری کند. البته منظور این نیست که همه فعالان بخش خصوصی ما این‌گونه هستند، اما غالب فعالان به این دلیل به بخش خصوصی وارد شدند و کار اقتصادی را شروع کردند که از یک رانتی استفاده کنند. همین‌جا پایه و اساس انحراف در اقتصاد گذاشته‌شده و در نتیجه بخش خصوصی قادر و توانمند ایجاد نشده است. بخش خصوصی امروزه باید به‌جای این‌که از دولت درخواست کمک کند به دولت بگوید تو چه چیزی نیاز داری تا من کمک کنم؛ این تغییر نگاه و تفکر را باید داشته باشیم، اما تا وقتی توانمند نباشیم این تفکر به وجود نمی‌آید. اگر سرمایه‌گذاری برای گرفتن رانت انجام شده باشد و بعد از مدتی یا به دلیل نوسانات و یا با تغییر مقررات و دولت‌ها، این رانت از بین رود طبیعتاً این نوع بخش خصوصی با مشکل مواجه می‌شود. به‌طور مثال در حوزه صادرات در حالی که فضای کشور عراق برای صادرات ایران از لحاظ سیاسی، نظامی و امنیتی کاملاً فراهم است، اما ۹۵ درصد بازارهای عراق را ترکیه تصاحب کرده است و این نشان‌دهنده این است که در این حوزه، در کشور، بخش خصوصی توانمندی که بتواند در عراق فعالیت کند وجود ندارد. در این وضعیت بخش خصوصی از سوی دولت نیاز به حمایت دارد، اما حمایت دولتی آن رانت‌ها نیست، این‌که مدام حجم زیادی از تسهیلات با نرخ

نهادهای حمایتی مدام منابع را در اختیار گذاشتند ولی هیچ‌گاه مسئله اشتغال ما حل نشده است. ممکن است در جای دیگری از دنیا مشکل اشتغال با تخصیص منابع مالی حل شود، اما در مورد اقتصاد ایران این راه حل، شدنی نیست. اگر فعالیتی درست باشد منابع در اختیارشان هست، اما ایجاد اشتغال به کمک منابع رانتی، پایدار نیست. به هر حال بنده اعتقادم بر این است که قبل از این‌که در مورد منابع صحبت کنیم، در مورد قوانین و مقررات، به‌طور خاص قانون تأمین اجتماعی، قوانین کار و قوانین مالیاتی صحبت کنیم. این قوانین بازدارنده هستند و ایجاد اشتغال نمی‌کنند. این سؤال مطرح می‌شود که چرا سرمایه‌ها و منابع مردم ایران به بخش‌های اقتصادی غیرمولد و غیر اشتغال‌زا هدایت می‌شود؟ چرا بنده اگر سرمایه‌ای دارم مثلاً باهدف کسب سود، زمینی در بلوار جمهوری خریداری می‌کنم یا دلار یا ارز می‌خرم که سود بالایی ببرم، این کار اشتباه است، علت این است که هیچ فضای کسب‌وکار سالمی که سرمایه من را تضمین کند تا من به‌عنوان سرمایه‌گذار اطمینان داشته باشم که از سرمایه‌گذاری‌ام سود کسب می‌کنم و مولد و اشتغال‌زا باشم وجود ندارد. قوانین و مقررات فعلی، دمار از روزگار بخش خصوصی واقعی در می‌آورد؛ خصوصاً حوزه نگاه‌های کوچک و متوسط که از قدرت انحصاری، قدرت چانه‌زنی و قدرت قیمت‌گذاری بالایی برخوردار نیستند. در نتیجه متأسفانه امروز کم نیستند فعالان بخش خصوصی که به دیگران توصیه می‌کنند که راه ما را نروید. به دلیل این‌که فضای کسب‌وکار ایران فضای مساعدی برای بخش خصوصی سالم و غیررانتی نیست. ضمناً اضافه کنیم این‌که تأکید می‌کنیم فضای کسب‌وکار مساعد نیست و می‌خواهیم فضای کسب‌وکار را تغییر دهیم برای این است که بحث را به این سمت ببریم و جهت‌گیری کنیم. البته صحبت‌های بنده مطلق نیست. ممکن است جایی شرایط مساعدی را ایجاد کرده باشند ولی آن‌ها مولد و استثنای هستند. ما فضای غالب را نقد و بحث می‌کنیم.

### بخش خدمات در اقتصاد کشورهای پیشرفته از قوت و اهمیت زیادی برخوردار است. شما از چگونگی رشد و جهت‌گیری بخش خدمات در کشور و نیز استان کرمان چه ارزیابی دارید؟

در یک مدل سالم، تغییر ساختار اقتصادی به این شکل است که در ابتدای رشد و توسعه، اشتغال در بخش کشاورزی بالا است، اما در جریان پیشرفت و توسعه، اشتغال از بخش کشاورزی به بخش خدمات سوق داده می‌شود در نتیجه رشد بخش خدمات و رشد اشتغال آن مثبت تلقی می‌شود؛ یعنی مسیر توسعه درست طی می‌شود. اگر این اتفاق توأمان باشد یعنی بخش خدمات رشد کند و اشتغال بخش کشاورزی کاهش یابد (تأکید می‌کنم اشتغال آن نه درآمد و تولید و ارزش‌افزوده) مسیر درست توسعه طی می‌شود، اما اگر در این مسیر، تولید، درآمد و ارزش‌افزوده بخش کشاورزی پایین آید؛ آنگاه رشد بخش خدمات کمکی به توسعه نمی‌کند و این یعنی پیوند بین بخش خدمات و بخش‌های

باشیم؛ آنگاه از دولت مطالبه حمایت واقعی کنیم. اشتباه دولت‌ها این است که به صنایع یارانه می‌دهند و بعد می‌خواهند سیستم نظارت دستوری ایجاد کنند و کنترل و قیمت‌گذاری دستوری انجام دهند. مثلاً اتفاقی که در مورد ارز در سال ۹۷ افتاد و بگیر و ببندی که راه انداختند باعث شد بگوییم نه کمک کنند نه بگیر و ببند راه بیندازند. بخش خصوصی واقعی نه نیاز به کمک مالی دولت دارد نه از این‌طرف بگیر و ببندهایی که وجود دارد و هر دو برای تقویت بخش خصوصی مضر هستند. به نظرم این سه مانع را اگر بتوانیم برطرف کنیم بقیه موانع مولد قابل حل هستند که بنگاه به بنگاه متفاوت است و بخش خصوصی در یک زمینه با زمینه‌ی دیگر متفاوت است که باید مولد کارشناسی و ارزیابی شود تا متوجه شویم چه مانعی برای آن فعالیت و آن زمینه خاص است. در خصوص کمک به بخش خصوصی اولین اقدام اطلاع‌رسانی واقعی به مردم است. مردمی داریم که آگاهی و دانش دارند خصوصاً امروزه نسل جوانی که مثل گذشته فکر نمی‌کند و آگاهی و اطلاعات زیادی دارد. مهم این است که تعریف درستی از بخش خصوصی به مردم بدهیم و مردم را نسبت به مزایای بخش خصوصی آگاه کنیم. مثلاً فرض کنید امروزه نظریه اقتصاد مقاومتی را به‌عنوان رویکرد بالادستی تمام برنامه‌ها داریم. اساس اقتصاد مقاومتی مردمی کردن اقتصاد است. متأسفانه ما این مسئله را بد تعریف می‌کنیم؛ تا صحبت از مردمی کردن اقتصاد می‌شود بلافاصله به دلیل عدم آگاهی مقاومت و موضع‌گیری صورت می‌گیرد. بنده فکر می‌کنم آن شعور و آگاهی کامل در جامعه وجود ندارد و قشر زیادی از مردم آگاهی ندارند که بخش خصوصی و مردمی کردن اقتصاد یعنی چه. البته تعداد معدودی خواص هم که از مردمی شدن اقتصاد متضرر می‌شوند، آدرس غلط می‌دهند. این آگاهی را باید از طریق آموزش در جاهای مختلف از جمله رسانه‌های گروهی، صداوسیما و کلاس‌های درس دانشگاه ایجاد کرد. باید بپذیریم که ابزارهای اطلاع‌رسانی را در اختیار داریم و می‌توانیم با استفاده از آن‌ها به تغییر فرهنگ کمک کنیم.

### یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی ما مسئله اشتغال است، براساس تحلیل خطاهای گذشته برای توفیق در امر اشتغال‌زایی و رسیدن به وضعیت مناسب باید بر چه مواردی تکیه کرد؟

این سؤال شاید به بحث قبل ربط داشته باشد. واقعیت این است که اشتغال را دستوری نمی‌توان ایجاد کرد. اشتغال را دولت نمی‌تواند ایجاد کند. تا به امروز سیاست این بود که برنامه‌ی، اشتغال ایجاد کنیم. دولت منابعی در بودجه در نظر می‌گیرد و سپس آن را به اموری از جمله ایجاد اشتغال تخصیص می‌دهد؛ البته چگونگی توزیع آن بحث دیگری است. بنده به‌صراحت عرض می‌کنم که ایجاد اشتغال به پول نیاز ندارد. اگر قوانین و مقررات را اصلاح کنیم اشتغال خودبه‌خود ایجاد می‌شود ولی نگاه دولت‌ها همیشه این بوده که منابعی در اختیار بگذارند تا اشتغال ایجاد کنند. سالیان سال این کار را انجام دادیم. بانک‌ها، دولت و حتی

ما امروز پذیرفته‌ایم که درمان پزشکی به متخصص نیاز دارد و مردم با پرس‌وجوی بسیار درمان مشکل خود را به متخصص‌ترین فرد می‌سپارند، اما متأسفانه در عرصه‌ی اقتصاد این‌گونه نیست. کسی که ابزار و منابع در دست دارد و تصمیم‌سازی می‌کند ممکن است کارشناس نباشد و کسی که ریشه‌ها و مشکلات را می‌داند کاری نمی‌تواند انجام دهد. سازوکاری هم وجود ندارد که بین کارشناس و تصمیم‌ساز یک پیوند مستمر وجود داشته باشد. به نظر من سازوکار مدیریتی ما مشکل دارد که نمی‌تواند از نظرات کارشناسان واقعی و متخصصین بهره‌بردار.

### دولت، اقتصاددانان و فعالان اقتصادی بر ضرورت کاهش تصدی‌گری دولت و تقویت بخش خصوصی تأکید دارند، این تقویت و آن کاهش چگونه می‌تواند برای جذب سرمایه‌گذار خارجی ایجاد انگیزه کند؟

البته حضور سرمایه‌گذار خارجی هم خوب و مهم است و اهمیت دارد و ما هم به نقش آن اهمیت می‌دهیم، اما تأکید می‌کنم برای ارتقای سرمایه‌گذاری خارجی اول باید سرمایه‌گذاری داخلی را تقویت کنیم و سرمایه داخلی را حفظ کنیم، سپس به مسئله سرمایه‌گذار خارجی بپردازیم. به اصطلاح مشهور سرمایه دنبال جای امن می‌گردد، منظور از امن، امنیت اقتصادی و روانی و ثبات است. تا مادامی‌که فضای کسب‌وکار برای سرمایه‌گذار داخلی فراهم نیست نباید انتظار جذب سرمایه‌گذار

تولیدی وجود ندارد و بخش خدمات قارچ‌گونه با بودجه دولت و با درآمد نفتی ایجاد شده و در خدمت تولید نیست. این مسئله و مشکلی است که ما در کشور داریم. در واقع ضمن این‌که بخش خدمات و رشد آن را تحلیل می‌کنیم، باید ببینیم این رشد در خدمت تولید هست یا خیر. اگر بخش خدمات رشد کند و بهره‌وری کشاورزی هم رشد کند این خدمات مطلوب است. در مورد استان کرمان هم این مسئله صادق است. ساختار اقتصاد استان کرمان از گذشته مبتنی بر کشاورزی بوده است. کشاورزی سهمی بالغ بر ۳۰ درصد هم از اشتغال هم از تولید را به خود اختصاص داده است به طوری که می‌توان گفت اقتصاد استان را کشاورزی تشکیل می‌دهد، اما در مسیر توسعه، این سهم باید جابه‌جا شود و سهم بخش خدمات رشد کند. این اتفاق در حال رخ دادن است، یعنی تغییرات بخش خدمات در استان کرمان مثبت است، اما همچنان سهم بخش خدمات از سایر استان‌های دیگر پایین‌تر است. این نشان می‌دهد یک عقب‌ماندگی توسعه‌ای در کرمان در مقایسه با سایر استان‌ها وجود دارد که در زمان مناسبی این جابه‌جایی صورت نگرفته است. اگرچه جهت‌گیری‌ها به این سمت است، هدایت اقتصاد هم باید به همین سمت باشد که بخش خدمات رشد کند و جایگزین سایر بخش‌های دیگر باشد تا بتواند به بخش‌های تولیدی کمک کند.

### در مسئله شناسی ملی و استانی آیا توانسته‌ایم ریشه مشکلات و گرفتاری‌ها را شناسایی کنیم؟ اگر بلی، پس چرا از شداید و گرفتاری‌های اقتصادی خلاص نمی‌شویم و اگر نه، راه‌حل عقلایی و کاربردی چیست؟

بله. مشکلات و مسائل شناسایی شده‌اند و ریشه‌ها مشخص است و کارشناس‌ها هم به آن‌ها واقف هستند، اما آن اراده‌ای که مردم و مسئولین برای اجرا و حل این مسئله باید داشته باشند وجود ندارد. مثلاً فرض کنید همه کارشناسان می‌دانند که وابستگی بودجه دولت به نفت جای اشکال است و سال‌هاست که قرار است نمایندگان مجلس بودجه را بدون نفت ببندند، اما طی این سی سال اخیر که بنده مطالعات اقتصادی دارم همیشه نمایندگان، سال خدمت خود را استثنای می‌کنند و اجرای آن را به سال دیگر حواله می‌دهند. به نظر می‌رسد در حوزه‌ی اجرا و تصمیم‌سازی اراده‌ای برای حل آن مشکلات نیست، در نتیجه همین‌طور این مشکلات می‌مانند و انباشته می‌شوند. وگرنه ما در ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی ایران مسئله زیادی نداریم و الان کاملاً همه اشراف دارند و مسائل و راه‌حل‌ها را می‌دانند اما هیچ‌کس نیست که این راه‌حل‌ها را اجرایی کند. این وظیفه مردم در انتخابات است که باید کسانی را انتخاب کنند که منافع ملی را بر منافع فردی، شخصی و منطقه‌ای ترجیح دهند. اگر منافع ملی را ترجیح دهند آنگاه انتخاب‌های درست می‌کنند و می‌توانند مشکلات را ریشه‌یابی و حل کنند.

اما بحث دوم، واقعیت این است که هنوز در ایران پذیرفته نشده که باید کارشناس اقتصادی واقعی مسائل اقتصادی را حل کند. همه

باید بخش خصوصی توانمند و بزرگ‌مقیاس، آشنا با بازارهای جهانی، آشنا با سرمایه‌انسانی، آشنا با نوآوری و خلاقیت و تحقیق و توسعه داشته باشیم؛ آنگاه از دولت مطالبه حمایت واقعی کنیم. اشتباه دولت‌ها این است که به صنایع یارانه می‌دهند و بعد می‌خواهند سیستم نظارت دستوری ایجاد کنند و کنترل و قیمت‌گذاری دستوری انجام دهند. مثلاً اتفاقی که در مورد ارز در سال ۹۷ افتاد و بگیر و ببندی که راه انداختند باعث شد بگویم نه کمک کنند نه بگیر و ببند راه بیندازند. بخش خصوصی واقعی نه نیاز به کمک مالی دولت دارد و نه از این طرف بگیر و ببندهایی که وجود دارد و هردو برای تقویت بخش خصوصی مضر هستند.



اولاً خود سؤال مسئله دارد؛ این که چرا باید عوامل تولید را دولت توزیع کند؟ آیا بخش خصوصی خودش نمی‌تواند به خود کمک کند؟ آیا بانک‌ها حتماً باید دولتی باشند و همیشه بانک محور باشیم؟ همیشه فکر می‌کنیم دولت باید تسهیلات بدهد و یارانه و زمین در اختیار بگذارد. در حالی که دولت بستر ساز است و باید قوانین و مقررات را به‌درستی تنظیم کند و ثبات ایجاد کند. دولت نباید یارانه و تسهیلات و غیره بدهد، وقتی اختیار با دولت است باید براساس اصل برابری و تساوی به همه بپردازد که اتفاقاً خلاف اصل مسلم اقتصاد است، چون کارایی، بهره‌وری و بازدهی هر بنگاه اقتصادی متفاوت است. چه دلیلی دارد که برای حل مشکلات اقتصادی همه بنگاه‌ها به تساوی از این تسهیلات بهره‌مند شوند و همه بنگاه‌ها منابع مالی با نرخ مساوی بگیرند. وقتی عامل، دولت می‌شود این‌گونه می‌شود، چون دولت نمی‌تواند یکی را بر دیگری ترجیح دهد چرا که تبعیض محسوب می‌شود. پس فضای اقتصاد را باید از دخالت دولت کنار ببریم و دولت مداخله‌گر در اقتصاد نداشته باشیم. شاید در دهه‌های گذشته دخالت دولت در اقتصاد ضرورت داشته است، اما امروزه ضرورت ندارد که دولت به‌طور مستقیم مداخله‌گر در امور اقتصادی باشد. دولت باید فضاها و بازارها را ثابت نگه دارد.

به نظر تولیدکنندگان به‌ویژه مدیران بنگاه‌های کوچک و متوسط تولید، منطق اقتصادی ندارد. در کشور چه باید کرد تا تولید معنادار شود؟

واقعیت این است که تولیدی که شروع آن با کمک رانت باشد منطق اقتصادی ندارد. به‌علاوه در شرایط امروز، تولیدی که دانش‌بنیان نباشد هم اقتصادی نیست. مهم نیست که مدیریت آن خوب است یا بد، آن چیزی که مولد ارزش و ثروت محسوب می‌شود دانش است. تولید غیر دانش‌بنیان در همه جای دنیا و از جمله ایران که اکثر بنگاه‌های ما غیر دانش‌بنیان هستند منطق اقتصادی ندارد و هیچ راه‌حلی هم برای آن نداریم. تولیدکنندگان باید به سمت بنگاه‌های دانش‌بنیان یعنی به سمت نوآوری، خلاقیت، تحقیق و محصول جدید بروند. طبیعی است که محصولی که سی سال است تولید می‌شود ادامه تولید آن به همان شکل و بدون تغییر و بهبود توجیه اقتصادی ندارد. محصول هم مثل عمر آدمیزاد است روزی متولد می‌شود، یک روز بالغ شده و روز دیگر فوت می‌کند. محصولات ما اغلب عمرشان تمام شده است. حالا می‌خواهیم حفظشان کنیم و بازار آن‌ها را با یارانه و کمک نگهداری کنیم طبعاً شدنی نیست. پس می‌بایست به سمت تولیدات دانش‌بنیان حرکت کنیم و از این تولیدات تکراری غیر دانش‌بنیان بپرهیزیم.

میانگین تورم در جهان در حدود دو درصد است، تورم پایین تا این حد و تورم بالا در اقتصاد کشور ما ناشی از چه عواملی است؟

تورم هم می‌تواند ناشی از افزایش هزینه‌های تولید باشد؛ یعنی

خارجی را داشته باشیم، ولی اگر فضا ایجاد شد خودبه‌خود سرمایه‌گذار خارجی هم می‌آید. افزایش نرخ ارز در سال ۹۷ نوعی بی‌ثباتی بود. بهترین فضا برای سرمایه‌گذاری همین فضا بود، اما در همین مقطع ما بیشترین خروج سرمایه را داشتیم. در سال ۹۷ حجم بالایی از سرمایه‌ها از ایران خارج شد و به ترکیه، گرجستان و جاهای دیگر رفت در صورتی که علامت‌های اقتصادی این بود که هرچقدر سرمایه داخل ایران بیاید سود بیشتری دارد! چه می‌شود که در حالی که سرمایه‌گذاری در ایران بسیار سودآور است، سرمایه‌ها اینجا نمی‌مانند؟ به این دلیل که در این فضا ثبات وجود ندارد. دولت باید به‌عنوان یک وظیفه حاکمیتی، ثبات اقتصادی را برای سرمایه‌گذار ایجاد کند و ارزش پول ملی را حفظ کند. در قانون بانک مرکزی نوشته شده است که بانک مرکزی برای حفظ ارزش پول ملی تأسیس شده است. وقتی ارزش پول ملی در یک مدت کوتاه به شدت سقوط می‌کند سرمایه‌گذار، ایران را جای مطمئنی برای سرمایه‌گذاری نمی‌داند. پس به نظر بنده اگر فضا را برای جذب سرمایه‌گذار داخلی فراهم کنیم سرمایه‌گذار خارجی نیز قطعاً جذب می‌شود.

دخالت در توزیع بهینه عوامل تولید یک وظیفه بسیار مهم دولت است، نظر شما در مورد چگونگی عملکرد دولت در این زمینه چیست؟

مشکلات و مسائل شناسایی شده‌اند و ریشه‌ها مشخص است و کارشناس‌ها هم به آن‌ها واقف هستند، اما آن اراده‌ای که مردم و مسئولین برای اجرا و حل این مسئله باید داشته باشند وجود ندارد. مثلاً فرض کنید همه کارشناسان می‌دانند که وابستگی بودجه دولت به نفت جای اشکال است و سال‌هاست که قرار است نمایندگان مجلس بودجه را بدون نفت ببینند، اما طی این سی سال اخیر که بنده مطالعات اقتصادی دارم همیشه نمایندگان، سال خدمت خود را استثنای می‌کنند و اجرای آن را به سال دیگر حواله می‌دهند. به نظر می‌رسد در حوزه اجرا و تصمیم‌سازی اراده‌ای برای حل آن مشکلات نیست، در نتیجه همین‌طور این مشکلات می‌مانند و انباشته می‌شوند.

وقتی هزینه‌های تولید افزایش پیدا می‌کند، افزایش قیمت‌ها را خواهیم داشت و تورم ایجاد می‌شود؛ و هم ناشی از افزایش تقاضا که از طریق نقدینگی گسترده ایجاد می‌شود و ایجاد تورم می‌کند. علت سوم ایجاد تورم، تغییر قیمت ساختاری است که وقتی تغییر نرخ ارز اتفاق می‌افتد افزایش قیمت‌ها را به همراه دارد. ما در کشور هر سه نوع این علت‌ها را داریم، هم بحث دست‌کاری‌های ساختاری یا دست‌کاری در قیمت‌های کلیدی در اقتصاد، مثل ارز را داریم که متأسفانه دولت‌ها این کار را انجام داده‌اند و می‌دهند و باعث تورم می‌شوند و هم رشد نقدینگی که به خاطر کسری بودجه دولت یا متأثر از سیاست‌های دولت در جامعه ایجاد می‌شود و منجر به تورم می‌شود و علت دوم برای افزایش قیمت‌ها و تورم است. در نهایت تولیدات ناکارآمد که به‌طور مداوم افزایش هزینه‌های تولید را به همراه دارد؛ چرا که تولید در ایران همواره با افزایش هزینه مواجه است، بخشی از آن به خاطر خود تولید است و بخشی دیگر به خاطر سیاست‌ها و ناکارآمدی سیاست‌های اقتصادی دولت‌هاست. پس در اقتصادی که همیشه افزایش هزینه‌های تولید را داریم و مدام نقدینگی رشد پیدا می‌کند و دولت‌ها به اشتباه قیمت‌های کلیدی مثل نرخ ارز را دست‌کاری می‌کنند همواره تورم را شاهد خواهیم بود و هیچ وقت هم نمی‌توان جلوی این تورم را گرفت چون ریشه‌های آن را نمی‌خواهیم درمان کنیم. ما در اقتصاد ایران تورم ۱۰ تا ۱۵ درصد را پذیرفته‌ایم چون می‌دانیم همیشه وجود دارد. پس وقتی حرف از تورم می‌زنیم که تورم از ۲۰ درصد بالاتر می‌رود و آن زمان به‌طور جدی به آن می‌پردازیم. منظور از سؤال شما تورم دنیا است که در حد ۱ الی ۲ درصد است که انگیزه ایجاد می‌کند و اشکال هم ندارد، ولی تورم‌های شدید نه تنها انگیزه ایجاد نمی‌کند بلکه سرمایه‌گذاری‌ها را به تأخیر می‌اندازد و تولیدکنندگان از بخش مولد به بخش غیرمولد اقتصاد هدایت می‌شوند.

**به نظر شما چرا سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در کشور ما چندان به راه علمی شدن نرفته است. اصولاً نظریه‌های اقتصادی جهان‌شمول تا چه اندازه در ایران به کار گرفته شده است؟**

ما نظریه اقتصادی جهان‌شمول نداریم. چون اقتصاد جزو علوم انسانی است و با رفتار انسان‌ها و جغرافیای کشورها و تاریخ آن‌ها ارتباط دارد. البته این بدان معنی نیست که از نظریات بین‌المللی نباید استفاده کنیم. نظریات را می‌توانیم بومی‌سازی کنیم. پس این‌گونه نیست که نسخه واحدی در اقتصاد وجود داشته باشد؛ هرچند گاهی این کار را انجام می‌دهیم و به اشتباه فکر می‌کنیم صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای همه اقتصادهای دنیا نسخه واحدی دارد. این نسخه ممکن است در ترکیه جواب مثبت بدهد ولی در ایران نتیجه منفی داشته باشد، در آمریکای لاتین خطر ایجاد کند و در شرق اروپا، آبادی. ما باید از دانش روز اقتصاد دنیا بهره بگیریم با جغرافیا و ساختار اقتصادی خودمان و با فرهنگ و سیاست خودمان آن را بومی کنیم

علمی در سیاست‌گذاری اقتصادی کار سختی نیست. ●

و نهایتاً این تئوری‌های بومی شده هستند که جواب می‌دهند نه نظریات صرفاً مطلق جهان‌شمول. به نظر بنده چون عده‌ای فکر می‌کنند نسخه‌های اقتصادی مثل علوم فیزیکی هستند، به این راه خطا می‌روند، در حالی که در علوم مکانیک، فیزیک و طبیعی به دلیل این‌که ساختارها مشابه هستند علمی که در آمریکا جواب می‌دهد در ایران هم جواب می‌دهد، اما واقعیت این است که علوم اقتصادی جزو علوم اجتماعی و انسانی است و انسان‌ها موجودات پیچیده‌ای هستند در نتیجه رفتار جوامع هم پیچیده است. پس در همه جوامع بومی‌سازی هر علمی از جمله علوم انسانی، علم روانشناسی و علوم اجتماعی لازم است. در روانشناسی هم این مشکل را داریم که نسخه‌ای جهان‌شمول را می‌آوریم و اجرا می‌کنیم؛ در صورتی که انسان‌ها در هر کشور رفتارهای متفاوت دارند. پس علوم انسانی حتماً نیاز به بومی‌سازی دارد و نمی‌توانیم از یک نسخه جهان‌شمول برای همه مناطق بهره‌برداری صحیح کنیم و به همین خاطر است که ما در کشور نتوانستیم از راه‌حل‌های علمی بهره بگیریم. ما در مسائل اقتصادی هنوز به این دید که باید با مسائل، علمی برخورد کنیم، نرسیدیم و گرنه مراکز پژوهشی و دانشگاه‌های معتبر یا اشخاصی که توانایی داشتند در این بخش‌ها سرمایه‌گذاری می‌کردند، تحقیق می‌کردند، نسخه‌های بومی را آماده می‌کردند و به مسئولین خوراک می‌دادند تا آن‌ها را عملیاتی کنند. متأسفانه این موضوع اتفاق نیفتاده است و علوم انسانی هنوز در مقام علمی تصمیم‌سازی جایگاهی ندارد. اقتصاد هم همین داستان را دارد و به‌غلط تصور می‌کنیم همه افراد دانش اقتصادی دارند. در حالی که اتفاقاً دانش اقتصاد به دلیل بررسی موضوع انسانیت جزو علوم پیچیده است و به این سادگی نمی‌شود آن را آموخت و خیلی باید صبوری و ممارست کنیم تا دانش اقتصاد را بیاموزیم. علوم انسانی این‌گونه است، در حالی که خیلی ساده‌انگارانه با آن برخورد می‌کنیم و در مورد همه چیز تصمیم‌سازی می‌کنیم. هنوز فکر می‌کنیم مهندسی باید به‌جای اقتصاددانان تصمیم بگیرند در نتیجه امروز غالباً مهندسی هستند که بر کرسی تصمیم‌گیری نشسته‌اند و منابع کشور را هدایت می‌کنند تا اقتصاددانان. در همین دولت اخیر، سال ۹۸ دولت در مقطعی بانک مرکزی را به دو اقتصاددان از جمله آقای همتی سپرد؛ فارغ از تأیید یا رد عملکرد ایشان، همین‌که یک کارشناس اقتصادی در رأس بانک مرکزی قرار می‌گیرد به بانک مرکزی آرامش می‌دهد؛ چون بر دانش کار مسلط است. رئیس کل قبلی در حالی که دانش تخصصی در حوزه اقتصاد نداشت در رأس بزرگ‌ترین تصمیم‌ساز پولی کشور قرار گرفت و نتیجه این شد که اقتصاد کشور را دچار نوسانات و تلاطم‌های شدیدی کرد؛ که قطعاً از روی ناآگاهی است نه از روی غرض؛ چرا که نمی‌داند رفتارها را چگونه باید تنظیم کند. بنده فکر می‌کنم که اقتصاد کشور را باید به دست اقتصاددانان بدهیم، کارهای مهندسی را به مهندسی و امور پزشکی را به پزشکان بسپاریم. اگر هرکسی در جای خودش بنشیند، پیدا کردن راه علمی در سیاست‌گذاری اقتصادی کار سختی نیست. ●

گفت‌وگو با «احمد انارکی محمدی»

نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی و نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی

# رونق تولید و تجارت در گرو اصلاح ساختار و مشارکت فعال با جهان

انارکی محمدی نماینده مردم رفسنجان و انار در مجلس شورای اسلامی و نایب‌رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس بر این باور است که ساختار نامناسب اقتصادی و وجود ابرچالش‌های حوزه اقتصاد ناشی از مدیریت نامناسب است و اثرگذاری تحریم‌ها با برطرف نکردن این چالش‌ها تقویت می‌شود. او می‌گوید استفاده از توانمندی‌های بخش خصوصی با ایجاد فضای مناسب کسب‌وکار، موجب افزایش بهره‌وری در همه بخش‌ها می‌شود و می‌توان با تنوع تولیدات صادراتی و حضور در بازارهای منطقه با مساعدت‌های مجلس و معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه و با تقویت ریزبان بازرگانی از تحریم‌ها عبور کرد. وی بر این مهم تأکید می‌کند که در نبود فضای مناسب کسب‌وکار و با رتبه ۱۲۱ جهانی نمی‌توان به استفاده از توان حداکثری بخش خصوصی و مردم امیدوار بود. انارکی محمدی سختی شفاف‌سازی در کشور را ناشی از رانت‌خواری و نبود زیرساخت مناسب می‌داند. در ادامه به مطالعه گفت‌وگوی ما با ایشان دعوت می‌شوید.

اقتصاد مقاومتی در مسیر توانمندی و پویایی اقتصاد، جدایی از اقتصاد نفتی، جلوگیری از خام‌فروشی، تولید دانش‌بنیان، استفاده از منابع انسانی غنی کشور و ... گام برداشت.

مدیریت متعهد، متخصص، خلاق و جهادی می‌تواند بسیار راهگشا باشد. بایستی در مدیریت کشور از توانمندی‌های بخش خصوصی استفاده کرد تا نرخ بهره‌وری در همه بخش‌ها افزایش یابد.

**چه برنامه مؤثری برای مقابله با فقر درآمدی باید اندیشیده شود، در این زمینه چه کرده‌اید؟**

تولید ناخالص ملی کشور به ۴۶۸ میلیارد دلار خواهد رسید. این درحالی است که تحریم نفتی درآمد ۵۰ میلیارد دلاری صادرات نفت را به شدت کاهش داده است، البته ورود برخی مواد اولیه و تکنولوژی‌ها نیز سخت شده است و این بر صادرات غیرنفتی نیز تأثیر دارد، اما تحریم را می‌توان در عمل به فرصت تبدیل کرد نه در شعار. توجه به تولید و رونق تولید راه‌حل نهایی برای ایجاد رونق در اقتصاد کشور و افزایش درآمدهاست. ظرفیت‌های مختلف

**به نظر شما شرایط اقتصادی موجود کشور چه اندازه ناشی از عملکرد مدیریتی داخل کشور و چه اندازه تحت تأثیر تحریم‌هاست؟**

ساختار نامناسب اقتصادی، وجود ابرچالش‌های مختلف و وابستگی به اقتصاد نفتی بستر لازم را ایجاد کرد تا تحریم‌ها در افزایش التهاب گونه قیمت ارز و کاهش درآمدهای ارزی مؤثر باشد. ساختار نامناسب اقتصادی و ابرچالش‌ها زاینده مدیریت نامناسب در اقتصاد کشور می‌باشد. بی‌تردید تخریب و تدوین مسکن‌های کوتاه‌مدت باعث انباشت ابرچالش‌ها شده است. وقتی به‌موقع تدبیر نشود مشکل به وجود می‌آید و برطرف نکردن مشکل، چالش و ابرچالش را به ارمغان می‌آورد. در این حالت، اقتصاد مقاومت لازم در برابر فشارهای تحریمی را نخواهد داشت و این فشارها به دوش مردم منتقل می‌شود و مقاومت مردم بسیار بیشتر از پایداری اقتصادی به شکست تروریسم اقتصادی آمریکا کمک کرد.

ابرچالش‌های بیکاری، نظام بانکی، صندوق‌های بازنشستگی و ... با اصلاح ساختار اقتصادی برطرف خواهد شد و باید با اجرای درست





خود نیاز به ایجاد زیرساخت‌هایی دارد. مکانیزم‌های شفاف و سامانه‌های به‌هم پیوسته و پویا می‌تواند فرار مالیاتی را کاهش دهد و ضمن کاستن از معافیت‌های مالیاتی، تخصیص معافیت مالیاتی را هدفمند نماید.

البته کوچک‌تر شدن دولت در برنامه ششم آمده است و دولت بایستی ۱۵ درصد کوچک‌تر شود، اما با رشد ۵۱ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی به ۱۲ هزار هزار میلیارد تومان رسیده و دولت بزرگ‌تر شده است.

شاید اولویت بهبود فضای کسب‌وکار بیشتر به چشم می‌آید؛ چراکه در نبود فضای مناسب و رتبه ۱۲۱ جهانی نمی‌توان به استفاده از توان حداکثری بخش خصوصی و مردم امیدوار بود. در این حالت اقتصاد سوداگری و دلالی جای سرمایه‌گذاری مولد را خواهد گرفت و در خوش‌بینانه‌ترین حالت با افزایش سپرده‌های بانکی و با نظام بانکی ناکارآمد (با تخصیص نامناسب تسهیلات) تنها نقدینگی ۲۵ درصد افزایش خواهد یافت درحالی‌که تولید کمتر از ۴ درصد رشد دارد و این همان چرخه تورمی قابل تکرار خواهد بود که مسیر رشد قیمت‌ها و رکود را به دنبال خواهد داشت.

### کلاری بخش خصوصی استان کرمان در بنگاه‌داری را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

بخش خصوصی در استان کرمان فعالیت مناسبی دارد. استان صادراتی حدود یک میلیارد دلاری دارد که بخش اعظم آن را پسته مشخص می‌نماید، البته مس، خرما و سایر کالاها نیز از جمله صادرات استان است. البته باوجود محصول خوب و باکیفیت پسته انتظار می‌رود بسته‌بندی مناسب و شناسایی بازارها، بر میزان درآمد استان بیفزاید. تولید مواد معدنی از جمله مس نیز می‌تواند به تقویت و توسعه صنایع پایین‌دستی منجر شود تا ضمن افزایش

در کشور وجود دارد و اگر فضای مناسب برای کسب‌وکار ایجاد شود، بی‌تردید بخش خصوصی و اقتصاد مردمی می‌توانند بر رونق تولید و تولید دانش‌بنیان و صادرات محور بیفزایند و درآمدهای سرشاری را نصیب کشور کنند. در این خصوص تصویب قانون بهبود فضای کسب‌وکار، اصلاح مقررات مالی دولت، قانون بانکداری اسلامی، اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قانون مالیات بر ارزش‌افزوده و ... صورت گرفته است که می‌تواند با رونق تولید و توانمندی بخش خصوصی بر درآمد ملی بیفزاید.

### مشارکت فعال در تجارت، تولید و مالیه جهانی ضرورتی انکارناپذیر برای رشد و توسعه اقتصادی است که حتماً دغدغه کمیسیون اقتصادی مجلس نیز می‌باشد. در برقراری یک نظام حقوقی و اجرایی کارآمد در این زمینه چه اقداماتی انجام شده است؟

برای رونق تولید و تجارت و افزایش صادرات غیرنفتی بایست با جهان مشارکت فعال داشت و این همان موضوع مهمی است که دشمنان با تحریم نشانه رفته‌اند. در این راستا خود تحریمی گناهی نابخودنی است، اما برای عبور از تحریم‌ها بایستی ضمن تنوع در محصولات صادراتی بازارهای متنوعی را یافت. بازارهای منطقه‌ای بازارهای بسیار خوب و مستعدی هستند که بخش خصوصی باید تصاحب کند که در این راستا با تأکید مجلس و با فعالیت معاونت اقتصادی وزارت امور خارجه و تقویت رایزنان بازرگانی می‌توان به نفوذ در این بازارها امیدوار بود. مجلس در خصوص تصویب لوایح مختلف در زمینه تفاهم‌نامه و موافقت‌نامه با کشورهای مختلف پیگیر و فعال بوده است.

اتحادیه اوراسیا با ۱۹۰ میلیون جمعیت و ۷۵۰ میلیارد دلار مبادلات اقتصادی می‌تواند ۶۵ درصد نیازهای هم را پوشش دهند. از سوی دیگر ایران و عراق مبادلات ۱۲/۵ میلیارد دلاری باهم دارند که می‌تواند تا ۲۰ میلیارد دلار نیز افزایش یابد.

اتاق‌های بازرگانی، سازمان توسعه تجارت، بانک مرکزی، مجلس و... با همکاری و تعامل، بایستی ضمن شناسایی فرصت‌ها، مسیر مناسب مرادوات را با تدوین قوانین حقوقی و اجرایی مناسب هموار نمایند. لازم به ذکر است در کلیه جلسات و تصمیمات مربوطه در مجلس، نمایندگان بخش خصوصی معمولاً دعوت شده و اظهارنظر می‌نمایند.

### به نظر شما الزاماً مهم‌ترین اصلاحات ساختاری و نهادی برای برطرف کردن چالش‌های اقتصاد کشورمان چیست؟

اصلاحات بیشتر در حوزه نظام بانکی، بودجه غیرنفتی و نظام بودجه‌ریزی، نظام شفاف مالی و مالیاتی، کوچک‌سازی دولت، نظام اداری، بهبود فضای کسب‌وکار، صندوق‌های بازنشستگی و ... بایستی صورت گیرد، البته انباشت مشکلات، اصلاح در ساختارها را بسیار دردناک و سخت نموده است، اما هرچه زودتر بایستی با تدوین استراتژی مناسب به اصلاح ساختارها پرداخت. اداره کشور بر اساس درآمدهای مالیاتی بهترین استراتژی است، اما این کار

### اگر می‌خواهیم استان کرمان به توسعه اقتصادی و اجتماعی برسد، باید چه اتفاقی در جامعه استان رخ دهد؟

بخشی از اتفاقات مربوط به کل کشور است و تصمیمات می‌تواند بسیار مؤثر باشد، اما استان کرمان با توجه به ظرفیت‌های موجود می‌تواند بیش‌ازپیش در مدار توسعه قرار گیرد. صادرات فله‌ای کالاها از جمله پسته، مس، خرما و ... یا فروش کالای نیمه ساخته به معنی اهدای اشتغال و ارزش‌افزوده به کشور واردکننده است. وقتی محصولی به‌صورت فله‌ای صادر می‌شود، ارزش‌افزوده اصلی به بازاریاب و بسته‌بندی نهایی می‌رسد. تبدیل مس به کابل مسی، ارزش‌افزوده بیشتر و راحت‌تری را نصیب تولیدکننده کابل می‌نماید. در مرحله اول اگر به فکر ایجاد صنایع پایین‌دستی و بسته‌بندی و فرآوری باشیم گام خوبی است، البته ظرفیت‌های بی‌شماری را در کرمان سراغ داریم که هرکدام می‌تواند در توسعه و شکوفایی استان مؤثر باشد.

### چرا در کشور شفافیت سازی سخت است؟

شفافیت در گام اول، رانت را از بین می‌برد و شاید بخشی از دلایل مقاومت در شفافیت به دلیل رانت‌خواری باشد. گاه نبود زیرساخت مناسب مانع شفافیت می‌گردد. گاه سامانه‌های مختلف از جمله سامانه گمرک، بیمه، حمل‌ونقل و ... آماده است، اما عدم همکاری سازمان‌ها به‌عنوان عامل مقاوم عمل می‌کند، اما اراده ملی می‌تواند بر هر مانعی غلبه کند. شفافیت و رقابت عامل رشد و توسعه اقتصادی است. این شفافیت‌ها می‌تواند در فضای رقابتی بروز نماید. به‌عنوان مثال معاملات در بورس کالا می‌تواند بر شفافیت بیفزاید و از سوداگری بکاهد. در این راستا ورود پسته به بورس کالا می‌تواند بر افزایش سود تولیدکنندگان واقعی بیفزاید.

### چنانچه توضیحات بیشتری لازم می‌دانید بفرمایید.

ثبات در اقتصاد به‌عنوان یک عامل مهم در فعالیت بخش خصوصی است. دولت باید به فکر پایداری قراردادهای بخش خصوصی باشد؛ قرارداد پایدار، در بستر شفاف و باثبات روی خواهد داد و بر پیش‌بینی پذیری اقتصاد خواهد افزود. اگر بخش خصوصی بتواند در بستر باثبات از جمله قوانین و بخشنامه‌ها و قیمت ارز فعالیت نماید بی‌تردید روزه‌روز پویاتر و با انرژی بیشتر به توسعه خواهد رسید در این حالت امکان افزایش تولید ناخالص ملی و افزایش صادرات غیرنفتی بیشتر خواهد شد. راه نهایی موفقیت در اقتصاد کشور از رونق تولید و حضور پررنگ بخش خصوصی می‌گذرد، برای تحقق این امر کوچک شدن دولت و اجرای مناسب سیاست‌های اصل ۴۴ باید در دستور کار باشد. باوجود این همه شرکت دولتی و شبه‌دولتی گاه خود دولت به ناگاه به‌عنوان رقیب بخش خصوصی عمل می‌نماید. امید است در تعامل همه قوا، راه برای مشارکت بیش‌ازپیش بخش خصوصی فراهم گردد.

اشتغال، بازارهای صادراتی نیز تسخیر شود. بخش خصوصی استان باید بیش‌ازپیش از ظرفیت استان استفاده کند و همه مسئولین در راستای کمک به بخش خصوصی بایستی منسجم و همراه باشند، اما در مجموع بخش خصوصی رویکرد خوبی را در پیش گرفته است.

### ضعف نهاد مشارکت در سرمایه‌گذاری در جامعه استان کرمان قوی است که سالیان سال نقل محافل است، به نظر شما راه‌کارهای تقویت فرهنگ مشارکت و توسعه ظرفیت نهادی سرمایه‌گذاری در استان چیست؟

در بودجه سنواتی ۴۰ درصد درآمد استان به خود استان برمی‌گردد؛ بنابراین ضمن تلاش در جهت افزایش این سهم، بایستی از مشارکت همه بخش‌ها استفاده کرد. قسمتی از درآمدهای بخش خصوصی در استان سرمایه‌گذاری نمی‌شود و این می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد. بخشی از آن مربوط به حمایت‌ها است، بخشی به ضمانت‌ها وابسته است و بخشی به ایجاد استراتژی و مکانیسم مناسب و پایدار برمی‌گردد. شاید تکریم سرمایه‌گذار و کارآفرین خرد و کلان باید بیش‌ازپیش موردتوجه قرار گیرد. تقویت فرهنگ تشکیل و رونق شرکت‌های تعاونی شاید نیاز امروز ماست. البته تشکیل شرکت‌های سرمایه‌گذاری عام با محوریت بخش خصوصی و افراد معتمد می‌تواند سرمایه‌های خرد را در مسیر مناسب در جهت تولید، ایجاد اشتغال و ایجاد بازدهی مناسب سرمایه‌گذاری، هدایت نماید.

شفافیت در گام اول، رانت را از بین می‌برد و شاید بخشی از دلایل مقاومت در شفافیت به دلیل رانت‌خواری باشد. گاه نبود زیرساخت مناسب مانع شفافیت می‌گردد. گاه سامانه‌های مختلف از جمله سامانه گمرک، بیمه، حمل‌ونقل و ... آماده است، اما عدم همکاری سازمان‌ها به‌عنوان عامل مقاوم عمل می‌کند، اما اراده ملی می‌تواند بر هر مانعی غلبه کند. شفافیت و رقابت عامل رشد و توسعه اقتصادی است. این شفافیت‌ها می‌تواند در فضای رقابتی بروز نماید. به‌عنوان مثال معاملات در بورس کالا می‌تواند بر شفافیت بیفزاید و از سوداگری بکاهد.

# راه کارهای رونق تولید

با نگاهی به توسعه متوازن منطقه‌ای

روستاهای هدف دهستان یا بخش، بستر سازی جهت رفع تنگناها و بهره‌گیری از توانمندی‌های توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در روستاهای هدف دهستان یا بخش، یکپارچه‌سازی، هدفمند کردن و تعیین اولویت‌های سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی اشتغال‌زا در روستاهای هدف دهستان یا بخش، تقویت ظرفیت‌های موجود و ایجاد ظرفیت‌های جدید تولیدی با تأکید بر تکمیل زنجیره ارزش و زنجیره تولید با مشارکت بخش غیردولتی در روستاهای هدف دهستان یا بخش، تقویت و نهادینه‌سازی مشارکت بخش‌های عمومی، خصوصی، تعاونی و مردمی (ساکتین و ذینفعان روستاهای هدف) در توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در روستاهای هدف دهستان یا بخش را دنبال می‌کند و توسط استانداری پایش می‌شود. با عنایت به اهمیت توازن بخشی در امر توسعه استان و توزیع متوازن زیرساخت‌ها و امکانات و با توجه به ضرورت اصلاح ساختار فعالیت‌های معین‌های اقتصادی، قرار شد ذیل ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان کارگروهی بنام «ستاد راهبری معین‌های توسعه استان» متشکل از ۳ گروه کاری شامل کارگروه تخصصی «برنامه‌ریزی و راهبری توسعه»، کارگروه تخصصی «پشتیبانی تولید و بازاریابی» و کارگروه تخصصی «اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی» تشکیل گردد و با توجه به اهمیت انجام فعالیت‌ها، بر اساس برنامه‌های تدوین‌شده، بر اجرای برنامه‌های سه‌ساله توسط معین‌های توسعه

< رضا سنجری

مدیرکل هماهنگی امور اقتصادی  
استانداری کرمان



استان کرمان به‌عنوان منطقه‌ای با پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بی‌بديل در تمامی بخش‌های اقتصادی شامل صنعت، معدن، کشاورزی، گردشگری، آموزش عالی، تولید انرژی پاک و ... به‌عنوان نگینی در جنوب شرق کشور می‌درخشد. با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده در طی سال‌های گذشته، سعی گردیده مناطق جنوبی و شرقی استان نیز مانند سایر مناطق، از توسعه متوازن برخوردار شوند، البته در قسمت‌هایی از مناطق توسعه‌یافته استان نیز بخش‌های کمتر برخوردار دیده می‌شود.

یکی از مفاد تفاهم‌نامه منعقدشده با معین‌های توسعه‌ای استان (۲۶ معین اقتصادی)، توجه به توسعه متوازن است، حتی یکی از برنامه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان نیز برنامه اجرایی توسعه پایدار روستایی موضوع ماده ۲۷ برنامه ششم توسعه است که اهدافی مانند شناخت علمی و تحلیل راهبردی مزیت‌ها، توانمندی‌ها و تنگنای‌های اساسی توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی در



ساخت مدرسه، تجهیز بیمارستان، احداث مراکز اقامتی، تکمیل سالن ورزشی، احداث اورژانس مرکز جامع خدمات سلامت، کلینیک تخصصی، بازسازی اماکن میراثی و تاریخی و تکمیل کتابخانه اشاره نمود. همچنین با توجه به برنامه سه سالانه تبیین شده آن‌ها، تعداد ۲۷۳ طرح با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری ۱۲۹۵ میلیارد تومان و اشتغال حدود ۱۱۷۵۴ نفر در دست پیگیری و اقدام است.

با عنایت به این‌که استان کرمان در حدود ۳/۵ درصد تولید ناخالص کشور را به خود اختصاص داده است و رتبه اقتصادی دهم را در بین استان‌های دیگر دارد و متوسط نرخ رشد تولید ناخالص داخلی استان در سال‌های ۸۴ تا ۹۴ بالاتر از متوسط کشور بوده، لذا با توجه به توسعه متوازن مناطق بسیار اهمیت دارد و در واقع یکی از اهدافی که توسط برنامه‌های معین‌های توسعه دنبال می‌شود نیز همین است. علاوه بر توجه به توسعه متوازن منطقه‌ای، بایستی به توازن در بخش‌های مختلف اقتصادی استان نیز توجه شود. در حال حاضر سهم بخش کشاورزی از تولید در استان ۲۳ درصد است که ۱۳ درصد از کشور بالاتر بوده و در بخش صنعت و معدن نیز با ۳۶ درصد، ۸ درصد از کشور فاصله مثبت دارد؛ اما تولید در بخش خدمات با ۲۱ درصد کاهش نسبت به کشور، ۴۱ درصد را به خود اختصاص داده که بایستی با توجه به امکانات زیرساختی استان، سهم بین بخش‌های اقتصادی استان همسو با برنامه توسعه ششم، تعدیل شود و این مهم در برنامه‌های مصوب اقتصاد مقاومتی دستگاه‌های اجرایی و اهداف تبیین شده معین‌های توسعه دنبال می‌شود.

یکی از محدودیت‌های استان، منابع آبی آن است. خشک‌سالی و بیلان منفی آب‌های زیرزمینی به دلیل خشک‌سالی‌های اخیر، بخش عمده کشور را دچار بحران آب کرد و خسارات زیادی به بخش کشاورزی وارد ساخته و بیشترین شدت خشک‌سالی و میزان خسارت در استان‌های خراسان، فارس، کرمان و سیستان و بلوچستان روی داده و در سال‌های اخیر، استان کرمان نیز شاهد کسری قابل توجه مخزن در سال می‌باشد. از طرفی حدود ۵۰ درصد از اقتصاد استان مستقیم و غیرمستقیم متأثر از کشاورزی و شرایط خشک‌سالی است که تداوم شرایط و ساختار فعلی را در آینده دچار مشکل می‌کند و حدود ۶۰ درصد از ارزش افزوده بخش کشاورزی در استان مربوط به محصول پسته و در شمال استان است. این ارزش افزوده تنها توسط ۲۵ درصد از کشاورزان (بهره‌برداران) تولید می‌شود. حدود ۷۵ درصد بهره‌برداران تنها ۴۰ درصد ارزش افزوده بخش کشاورزی را در اختیار دارند؛ لذا با شرایط موجود، ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی برای دستیابی به متعادل‌سازی سهم بخش‌های اقتصادی و مدرن‌سازی بخش کشاورزی و کاهش مصرف آب و افزایش راندمان آب (افزایش مکانیزاسیون، احداث گلخانه، آبیاری نوین، اصلاح الگوی کشت و ارتقای کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی مدرن) به‌عنوان یکی از اهداف تبیین برنامه‌های اقتصاد مقاومتی دستگاه‌های اجرایی و توجه به رفع موانع تولید در بخش‌ها مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین وجود معادن غنی در استان و احداث طرح‌های فرآوری مواد معدنی در راستای جلوگیری از خام‌فروشی و ایجاد ارزش افزوده، باعث گردیده تکمیل زنجیره فولادسازی در بخش صنعت و معدن

استان تأکید شد. همچنین به دلیل این‌که معین‌های استان علاوه بر کار اقتصادی، امور فرهنگی و توانمندسازی جوامع محلی را نیز انجام می‌دهند، نام معین‌های یادشده از معین‌های اقتصادی به «معین‌های توسعه» تغییر نام یافت و مقرر گردید از این پس معین‌های توسعه جدید، به جای فعالیت جغرافیایی، به صورت تخصصی (معدن، صنعت، بازاریابی و...) فعالیت نمایند.

با عنایت به این‌که برخی از شرکت‌ها و هلدینگ‌های غیردولتی و خصوصی بر اساس مسئولیت اجتماعی خود در قالب معین توسعه استان نقش توانمندسازی جوامع محلی، خوشه‌سازی تولید و تکمیل زنجیره ارزش، بازاریابی، فعالیت‌های حفاظت محیط‌زیست و ... را به صورت برنامه محور و هدفمند ایفا می‌کنند و از طرفی بر اساس ماهیت کاری هر معین، امکان برنامه‌ریزی توسعه بر مبنای تخصص وجود دارد، لذا یکی از دلایلی که علاوه بر تقسیم‌بندی مناطق بین معین‌ها باعث گردیده نگاه تخصصی برنامه‌ریزی راهبردی بر عملکرد آن‌ها شکل بگیرد و با این هدف در واقع گامی به سمت توسعه متوازن مناطق برداشته شود. همچنین انعقاد تفاهم‌نامه با معین‌های توسعه‌ای جدید نیز بر همین مبنا خواهد بود.

در حال حاضر اکثر معین‌های توسعه فعال هستند و در آخرین همایشی که در خصوص ارائه گزارش نحوه اقدامات انجام‌شده در مهرماه سال جاری با حضور استاندار محترم، مجمع نمایندگان استان، معاونین استاندار و مدیران کل دستگاه‌های اجرایی و برخی از اعضای ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در تهران برگزار شد، نحوه عملکرد آن‌ها بر اساس برنامه تبیین شده دوسالانه مورد پایش قرار گرفت و گزارش‌های ارائه‌شده حاکی از فعالیت جدی اکثر آن‌ها در مسئولیت پذیرفته‌شده بر مبنای اهداف تبیین شده از جمله رویکردی جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت ساز، مولد، درون‌زا، پیشرو و برون‌گرا، تأمین رشد پویا، بهبود شاخص‌های اقتصاد مقاومتی و دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز است و هم سو با مدل مفهومی در نظر گرفته شده برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه اقتصاد مقاومتی استان شامل بررسی وضعیت موجود، تحلیل جهت‌گیری‌ها و تعیین مهم‌ترین قابلیت‌های توسعه و آسیب‌پذیری‌ها در اقتصاد و توسعه پایدار، هدف‌گذاری رشد و سرمایه‌گذاری و دسترسی به اهداف بلندمدت و چشم‌انداز استان، برنامه‌ریزی در راستای رفع و آمادگی مقابله با آسیب‌پذیری‌ها و تعادل بخشی به توسعه متوازن استان و در نهایت طرح‌ها و برنامه‌های اقتصاد مقاومتی استان است. یکی از برنامه‌های معین‌های توسعه، سرمایه‌گذاری به‌منظور تکمیل زنجیره ارزش و خوشه‌سازی تولیدات است که در این راستا تاکنون بالغ بر ۹۰ هزار میلیارد تومان با ایجاد تعداد حدود ۴۱ هزار نفر اشتغال هدف‌گذاری شده که تا پایان سال گذشته در حدود ۸ هزار میلیارد تومان بالغ بر ۸۵۰۰ نفر اشتغال تحقق یافته و بیش از ۸۲ هزار میلیارد تومان با اشتغال بالغ بر ۳۲ هزار نفر برنامه‌ریزی گردیده و در دست پیگیری و اقدام است. از دیگر اقداماتی که توسط معین‌های توسعه در راستای مسئولیت اجتماعی آن‌ها انجام‌شده، اجرای ۱۹۳ طرح با سرمایه‌گذاری ۲۱۰ میلیارد تومان و ایجاد اشتغال برای ۴۲۰۰ نفر تا پایان سال گذشته است که می‌توان به طرح‌هایی همچون

بین‌الملل بتواند منابع، امکانات و فرصت‌های لازم را برای تحقق فرآیند توسعه اقتصادی مهیا کند. باید به این نکته توجه داشت که تغییر شرایط و عبور از تحریم‌ها تنها با ایجاد انسجام ملی و افزایش قدرت داخلی از یک‌سو و تلاش برای کاهش تنش با نظام بین‌الملل از سوی دیگر امکان‌پذیر خواهد بود.

شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب‌وکار به‌منظور حذف یا اصلاح آن‌ها، قوانین مخل، قدیمی، موازی، مغایر و متضاد بسیار بااهمیت است. بخش صنعت کشور باید با همکاری کمیسیون متولی در مجلس بدین کار مبادرت ورزد.

مدیریت نقدینگی برای افزایش تولید مورد بعدی است که باید مدنظر قرار گیرد. ارزش پول ملی از جمله موضوع‌های مهمی است که همواره ذهن فعالان اقتصاد، مردم و مسئولان را به خود مشغول کرده است. در ماه‌های گذشته افزایش تحریم‌ها، کاهش مبادلات دلاری و به دنبال آن، تحریک بازار ارز در ایران، دست‌به‌دست هم داد تا ارزش پول ملی بنا بر اظهارات کارشناسان به یک‌چهارم کاهش یابد و بار دیگر مسئله ارزش پول ملی و اهمیت حفظ آن، به یکی از مشغله‌های ذهنی فعالان اقتصاد و عامه مردم تبدیل شود. کارشناسان اقتصاد معتقدند برای حفظ ارزش پول ملی باید اقدام‌های اساسی در راستای رونق بخش تولید، کاهش هزینه‌های اقتصادی، جلوگیری از رشد نقدینگی و تورم انجام و موجبات کاهش نرخ کالا و خدمات در کشور فراهم شود؛ این‌ها مجموع عواملی است که به افزایش ارزش پول ملی می‌انجامد. در حال حاضر با حجم بالایی از نقدینگی در کشور

موردتوجه قرار گیرد و طرح‌های عظیمی در این راستا هدف‌گذاری و اجرا شود که اشتغال مناسبی را نیز ایجاد نموده‌اند. با توجه به مسائل ذکرشده، از برنامه‌های اقتصاد مقاومتی که توسط دستگاه‌های اجرایی ارائه گردیده، تعداد ۲۶۷ طرح با پیش‌بینی سرمایه‌گذاری و اعتبار حدود ۴۳ هزار میلیارد تومان مصوب شده که تا سال گذشته حدود ۱۵ هزار میلیارد آن محقق گردیده و ۱۸ هزار میلیارد تومان آن نیز برای سال جاری هدف‌گذاری گردیده که با پیشرفت فیزیکی بیش از ۵۶ درصد، تحقق حدود ۱۱ درصد را دارد.

برای حرکت در مسیر رونق تولید با لحاظ نمودن ضرورت توجه به توسعه متوازن مناطق استان بایستی برخی الزام‌ها و اقدامات اساسی صورت پذیرد. بهینه‌سازی فضای کسب‌وکار یکی از آن الزامات است. عملیاتی‌سازی الگوی ملی، ایجاد پنجره‌های کسب‌وکار در راستای تسریع و تسهیل در فرآیندهای صدور مجوزهای کسب‌وکار و تسریع در فرآیند تصویب و ابلاغ آیین‌نامه‌های اجرایی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار که قانونی بسیار متعالی است. همچنین حمایت از بنگاه‌های کسب‌وکار موجود که به دلیل مسائل و مشکلات گوناگون با ظرفیت واقعی به‌مراتب کمتر از ظرفیت اسمی فعالیت می‌کنند و کمک به آن‌ها برای افزایش ظرفیت‌های فعلی تولید کالاها و خدمات به «ظرفیت اسمی» پیش‌بینی‌شده در راستای کاهش نرخ تمام‌شده کالاها و خدمات و افزایش بهره‌وری بنگاه‌های کسب‌وکار به‌جای ایجاد بنگاه‌های جدید در این قانون عنوان شده است.

تعاملات بین‌المللی و توسعه اقتصادی دومین عنصر مهم این بخش است. توجه به دو‌گزاره اقتصاد و سیاست خارجی و ارتباط میان آن دو، در تحلیل روندهای توسعه در کشورهای مختلف ۲۰، از اهمیت بسزایی برخوردار است. از منظر روابط اقتصادی خارجی، در فضای کنونی به دلیل بروز گرایش‌های عمده مربوط به فرآیند جهانی‌شدن اقتصاد، کشورها باهدف دستیابی به توسعه ملی و ارتقای رفاه عمومی به‌نوعی تلاش می‌کنند تا با رعایت قواعد بازی متأثر از الزامات وابستگی متقابل، در پی حداکثرسازی منافع ملی و درعین‌حال توجه به منافع سایر بازیگران در معادله برد-برد باشند. تجربه کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد که توسعه فرآیندی جدا از سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی نبوده و لازم است همزمان با اجرای برنامه‌های توسعه، دیپلماسی اقتصادی نیز به‌گونه‌ای هماهنگ با دگرگونی‌های اقتصادی داخلی تغییر یابد و در تعامل با نظام بین‌الملل، زمینه توفیق توسعه برون‌گرا و عناصر آن را فراهم کند. به‌عبارت‌دیگر، دیپلماسی اقتصادی و نهاد سیاست خارجی کشور باید در مسیر توسعه برون‌گرا و تقویت نظام بازار آزاد گام برداشته و با کاهش موانع و تنش‌های خارجی و ایجاد شرایط امن و ایمن از راه تعامل سازنده با نظام بین‌الملل، زمینه رشد و توسعه در حوزه کسب‌وکار را فراهم آورد. شرایط اقتصاد جهانی از یک‌سو و ضرورت پیوند اقتصاد ملی با اقتصاد جهانی از سوی دیگر موجب شده تا سیاست خارجی در عصر جهانی‌شدن در خدمت اهداف توسعه اقتصادی کشورها قرار گیرد. به‌عبارت‌دیگر، سیاست خارجی باید به‌گونه‌ای سامان یابد که در کنار تعامل سازنده با نظام

برای حرکت در مسیر رونق تولید با لحاظ نمودن ضرورت توجه به توسعه متوازن مناطق استان بایستی برخی الزام‌ها و اقدامات اساسی صورت پذیرد. بهینه‌سازی فضای کسب‌وکار یکی از آن الزامات است. عملیاتی‌سازی الگوی ملی، ایجاد پنجره‌های کسب‌وکار در راستای تسریع و تسهیل در فرآیندهای صدور مجوزهای کسب‌وکار و تسریع در فرآیند تصویب و ابلاغ آیین‌نامه‌های اجرایی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار که قانونی بسیار متعالی است. همچنین حمایت از بنگاه‌های کسب‌وکار موجود که به دلیل مسائل و مشکلات گوناگون با ظرفیت واقعی به‌مراتب کمتر از ظرفیت اسمی فعالیت می‌کنند...

تشویق سرمایه‌گذاران خارجی جلوگیری از تضعیف پول ملی است به دلیل اینکه سرمایه‌گذار خارجی در بخش‌های اقتصادی که احتمال کاهش ارزش سرمایه است، اقدام به سرمایه‌گذاری نمی‌کند.

مواردی که برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌های رونق تولید بایستی به‌طور جدی مدنظر قرار گیرد که برخی از آن‌ها در برنامه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی استان دیده می‌شود شامل فرهنگ‌سازی گسترده در زمینه استفاده از تولیدات داخلی به‌عنوان رویکرد اصلی مقابله با ورود کالاهای مصرفی خارجی، کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی برای تولیدکنندگان داخلی، دسترسی آسان‌تر به مواد اولیه و کاهش هزینه‌های تولید، جلوگیری از نوسانات شدید نرخ ارز و فراهم نمودن مقدمات برای سرمایه‌گذاری ایمن فعالان اقتصادی و مردم در زمینه تولید داخلی به‌جای واسطه‌گری و دلالی رواج یافته توسط اقشار یادشده، ارتقای سطح کیفیت کالاهای تولید داخل در کنار افزایش کمیت آن‌ها، کنترل کارآمد و اساسی در بخش گمرک و مبادی ورودی کالا به کشور و جلوگیری از واردات غیرضروری، تقویت و حمایت دولت از صنایع کوچک و متوسط و مشاغل خانگی، به‌عنوان رویکردی مناسب برای کمک به اقتصاد خانواده‌های کم‌درآمد و ضعیف با کم‌ترین بودجه ممکن به‌عنوان ایجاد مشاغل آسان و کم‌هزینه و زودبازده، افزایش تنوع در تولیدات صنعتی و کشاورزی با توجه به تنوع شرایط اقلیمی در ایران و با اولویت افزایش در تنوع شغلی، حذف واسطه‌گری در بازار و کاهش فاصله بین تولیدکننده و مصرف‌کننده (عرضه و تقاضا) به‌عنوان عاملی در جهت حمایت از تولیدکننده، تمرکز بر تولید با اولویت بازاریابی، بازاریابی و حفظ بازار با رصد و مطالعه دقیق نیازها و علایق مصرف‌کننده داخلی و خارجی، نشان‌دار کردن و برندسازی برای تولیدات داخل به‌ویژه در صنایع کوچک جهت شناساندن مناسب‌تر محصولات داخلی و ایجاد رقابت بین تولیدات یکسان برای گسترش بازار، استفاده از فناوری‌های نوین برای اقتصادی کردن، بالابردن کیفیت، متنوع سازی و تسریع در امر تولید محصولات داخلی، ایجاد سیستم‌های نظارتی متکی به سازمان‌های مجری قوانین برای پیش‌گیری از فساد دستگاه‌های دولتی و استفاده‌کنندگان از رانت، باهدف افزایش امنیت در سرمایه‌گذاری داخلی، جلوگیری از قاچاق کالا، توسعه صنعت بیمه به‌عنوان حامی بخش تولید و گسترش بیمه‌های مرتبط با تولید ازجمله: بیمه محصولات کشاورزی، انواع بیمه‌های مسئولیت و عدم النفع، آتش‌سوزی و ... در حمایت از تولید داخلی و تقویت حس آرامش برای تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در بخش تولید و حمایت بیشتر از صنایع مادر کشور که زیرساخت‌های نسبتاً مناسبی نیز برای ایجاد و توسعه آن‌ها وجود داشته ولی در اثر کم‌توجهی در حال حاضر با خطر نابودی مواجه شده‌اند می‌باشد که ضرورت دارد برای عملیاتی شدن آن‌ها، از تمامی ظرفیت‌های قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و دستورات عمل‌های مربوطه استفاده نمود.

در نهایت اعتمادسازی بین دولت و ملت و نزدیکی این دو، فصل مشترکی از بهبود مستمر فضای کسب‌وکار خواهد بود. زیرساخت اعتماد، حلقه گمشده کنونی در این محیط است. ترویج سرمایه اجتماعی در این مسیر بسیار مؤثر است. ●

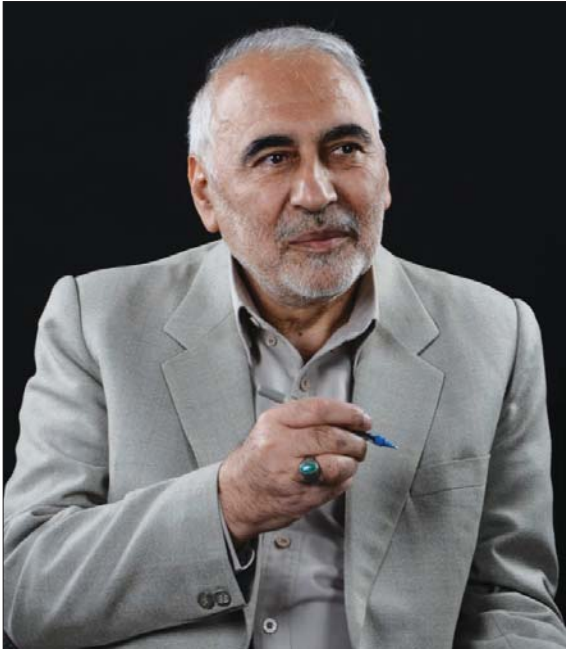
روبرو هستیم که لزوماً این موضوع نمی‌تواند پدیده‌ای منفی و بد تلقی شود. اگر نقدینگی در کشور مدیریت شود و در نهایت به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوق پیدا کند، نه‌تنها مخرب نخواهد بود بلکه باعث رونق بخش تولید و اقتصاد واقعی کشور می‌شود و مشکلات بخش تولید هم از این بابت رفع خواهد شد.

کاهش هزینه‌های تولید نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. بالا بودن هزینه نقل و انتقال پول در بنگاه‌های اقتصادی و از طرفی ریسک بالای تأمین مصارف ارزی از طریق صرافی‌ها در کنار حذف مبادلات اعتباری بلندمدت خارجی با نرخ بهره پایین‌تر باعث خواهد شد تا همسو با کارکرد نامناسب بانک‌های داخلی در حوزه واسطه‌گری مالی، هزینه‌های تولیدکننده ایرانی افزایش یابد. از این‌رو، تولیدگران و ضعف قدرت خرید باعث بی‌رونقی تولید می‌شود. بنابراین، باید تلاش شود تا تولید ارزان و باکیفیت شود تا بتواند رقابت‌پذیر باشد و موردپذیرش قرار گیرد.

ضرورت ثبات نظام ارزی نیز انکارناپذیر است. باوجود گام‌های بزرگی که در این راستا برداشته شده، همچنان نظام ارزی کشور نیازمند اصلاحات و اقدام‌های تکمیلی به‌منظور حفظ ثبات بلندمدت بازار و جلوگیری از بروز تلاطم‌های ارزی در آینده است. اصلاحات در نظام بانکی مستلزم انجام تغییرات یا اصلاحاتی در شیوه بانکداری مرکزی به‌عنوان مهم‌ترین نهاد حاکمیتی در بخش پولی و ناظر بر فعالیت بانک‌هاست. برای رفع موانع صادرات، مدیران شرکت‌ها برای رقابت در بازارهای داخلی و خارجی باید مسائل و موانع گوناگون صادراتی و تأثیر آن‌ها را روی توسعه صادراتی شرکت درک کنند. این مسئله برای سیاست‌گذاران هم به‌منظور اتخاذ برخی اقدام‌ها برای حذف یا دست‌کم کاهش آثار آن‌ها دارای اهمیت است. این امر مهم در درجه نخست به شناخت منابع، موانع و امکانات و در درجه دوم به برنامه‌ریزی برای دستیابی به بهره‌وری بالاتر و اقدام سریع‌تر در به انجام رساندن این برنامه‌ها نیاز دارد. صادرات در حالی که عملکرد شرکت از جمله حجم فروش، سهم بازار، سودآوری و موقعیت رقابتی را بهبود می‌بخشد روی سطوحی از استخدام، درآمدهای ارزی، توسعه صنعتی و رفاه ملی هم تأثیر مثبت می‌گذارد. رفع موانع عملیاتی حاکم بر نقل و انتقال منابع ارزی حاصل از صادرات در کشورهای هدف و مشکلات مربوط به بالا بودن هزینه خدمات و کارمزدها در نظام بانکی و پیمان‌های پولی و برقراری روابط کارگزاری بانکی است. بانک‌های کشور باید به لحاظ فنی، دانش و فناوری‌های روزشان را به هم‌تایان جهانی خود نزدیک کنند.

رفع موانع سرمایه‌گذاری خارجی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد. یکی از اولویت‌های مهم برای افزایش سرمایه‌گذاری خارجی این است که موانع این کار رفع شود. نوسان‌های شدید نرخ ارز یکی از چالش‌های بزرگ در رشد سرمایه‌گذاری خارجی است. علاوه بر موضوع ثبات در بازار ارز، تعامل‌های سیاسی نیز تأثیر مهمی بر رشد سرمایه‌گذاری خارجی دارد. در حال حاضر بخش‌های معدن، نفت و گاز، گردشگری، کشاورزی، پتروشیمی، بهداشت و درمان، نانو فناوری و بیوفناوری کشور دارای ظرفیت مطلوبی برای سرمایه‌گذاری خارجی است. تأمین امنیت سرمایه‌گذاران خارجی مسئله مهمی برای رشد سرمایه‌گذاری است. این در حالی است که طرح‌های تشویقی مانند تضمین بیمه‌ای سرمایه‌ها می‌تواند این مهم را ممکن کند. نکته مهم دیگر برای





گفت‌وگو با «مهدی ابراهیمی نژاد رفسنجانی» دانشیار گروه مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

# ضرورت ظرفیت‌سازی

## نقش پررنگ‌تر دولت

بنا به تحقیقات گسترده در شواهد تجربی کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت، تقویت مؤلفه‌های آزادی اقتصادی در صورت فراهم نبودن برخی زیرساخت‌ها و رعایت نکردن پاره‌ای مسائل، نه تنها موجب بهبود اقتصاد نمی‌شود بلکه بسیاری از شاخص‌های کلیدی به‌ویژه، در حوزه عدالت را تضعیف می‌کند، امری که معمولاً در کشور ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد. دکتر مهدی ابراهیمی نژاد، دانشیار گروه مدیریت در دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان با اشاره به این موضوع یادآور می‌شود که شفاف نبودن هدف و مقصد سرمایه‌گذاری و عدم همخوانی نهاد سرمایه‌گذاری با ویژگی‌های اقتصادی و بومی منطقه‌ی هدف، موجب پانگرفت‌ن نهاد‌های مشارکت در سرمایه‌گذاری می‌گردد. او مسائل متأثر از فضای عمومی اقتصادی و کسب‌وکار را مانع ایجاد نهاد‌های اقتصادی کارآمد می‌داند و ظرفیت‌سازی را قطعاً در گرو حضور پررنگ‌تر دولت نسبت به بخش خصوصی می‌داند؛ زیرا جنس فعالیت‌هایی چون ظرفیت‌سازی از زمره کارهای بلندمدت و معمولاً تنظیم‌گری است. مشروح این گفت‌وگو در زیر آمده است.

### ○ به نظر شما نهادهای کارآمد در موفقیت اقتصاد بازار کدام‌اند؟

هرچند پذیرفته‌شده‌ترین نوع اقتصاد امروزه، اقتصاد بازار است، اما واقعیت این است که این مدل اقتصادی ضعف‌ها و ویژگی‌های گسترده‌ای دارد که اصلی‌ترین آن بحث فقر و نابرابری است که طرفداران بازار آزاد هنوز در حال چاره‌اندیشی برای آن هستند. رجوع به آمار کشور آمریکا به‌عنوان مظهر اقتصاد بازار آزاد می‌تواند کمک‌کننده باشد. (رتبه هفتم نابرابری اقتصادی در جهان به‌گونه‌ای که ۴۲ درصد ثروت در اختیار یک درصد ثروتمندان است، رتبه اول بیشترین زندانی نسبت به جمعیت در جهان، چهارمین نرخ فقر در میان کشورهای OECD). از طرفی یکی از مسائلی که فلاسفه اقتصاد سیاسی به نظام بازار آزاد انتقاد وارد می‌کنند، عدم رعایت حدود بازاری‌سازی است، این‌که آیا همه‌چیز را باید به بازار سپرد؟ و این‌که حد بازاری‌سازی و توسعه بازار آزاد به تمامی شئون زندگی بشر از علم و آموزش گرفته تا بهداشت تا...؟ مایکل سندل در کتاب معروف خود «آنچه با پول نمی‌توان خرید» به برخی از این موارد اشاره می‌کند. امروز دنیای علم پس از مشاهده ناکارآمدی‌های گسترده در عملکرد بازار آزاد در حال بازتعریف حد و حدود بازار و آزادی اقتصادی است. حتی مطرح‌شدن شاخص‌های مهم و تأثیرگذاری مانند شاخص‌های حکمرانی خوب GGI یا شاخص‌های سهولت کسب‌وکار که همگی به سنجش عملکرد دولت [هرچند از منظر

بازار آزاد] می‌پردازند در پی پررنگ کردن نقش تنظیم‌گری (regulatory) دولت و اهمیت دادن به چیزهای دیگری در کنار بازار و آزادی است. این توضیحات اولیه که در پاسخ سؤال شما عرض شد، ناظر به این مسئله است که توجه داشته باشیم تحقیقات گسترده‌ای بر روی شواهد تجربی در کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت انجام شده است که نشان می‌دهد تقویت مؤلفه‌های آزادی اقتصادی که به‌نوعی همان مؤلفه‌های بنیادین بازار آزاد می‌باشند در صورت رعایت نکردن برخی مسائل و فراهم نکردن برخی زیرساخت‌ها نه تنها موجب بهبود اقتصاد نمی‌شود بلکه بسیاری از شاخص‌های کلیدی خصوصاً در حوزه عدالت و برابری را تضعیف می‌کند و این امر معمولاً در کشور ما مورد توجه قرار نمی‌گیرد. جالب است بدانید فریدمن که چهره مطرح و معروف مکتب شیکاگو (بخوانید مکتب بازار آزاد!) است وقتی به خصوصی‌سازی آموزش می‌رسد درنگ می‌کند، اما طرفداران آزادی اقتصادی در ایران که عموماً در سال‌های اخیر مسئولیت‌های کلیدی اقتصاد را داشته‌اند، در اینجا هم قائل به خصوصی‌سازی هستند و این یعنی درک ناقصی که به دنبال بازاری کردن همه‌چیز است! لذا امروزه ترکیبی از آزادی اقتصادی، تقویت دولت و تقویت بخش مردمی [که متفاوت از بخش خصوصی است] نیاز کشور ماست که توجه نکردن به این ابعاد مختلف، منجر به وضع نامطلوب اقتصادی موجود شده است.

## زیاد گفته می‌شود که نهاد مشارکت در سرمایه‌گذاری در جامعه استان کرمان چندان اهمیت داده نمی‌شود، راهکار تقویت این ظرفیت نهادی چیست؟

یکی از عوامل یا نگرفتن نهادهای مشارکت در سرمایه، شفاف نبودن هدف و مقصد سرمایه‌گذاری است؛ بدین معنی که همان‌طور که سرمایه‌گذار برای آوردن سرمایه می‌گردد و با نگاهی به میزان سودآوری و بازده سرمایه، سرمایه‌اش را وارد می‌کند در فضای نهادی هم همین اتفاق می‌افتد. نهاد سرمایه‌گذاری هم به دنبال مقصدی شفاف و روشن است. مطلب دوم این‌که نهاد سرمایه‌گذاری باید همخوانی با ویژگی‌های اقتصادی و بومی منطقه هدف داشته باشد، بسیاری از نهادهای سرمایه‌گذاری فارغ از کارکردشان و بعضاً بدون مطالعات علمی و نیازسنجی و با اصرار تصمیم‌سازان ایجاد می‌شوند که همین امر منجر به جدی گرفته نشدن این نهادها می‌شود. یکی دیگر از مسائلی که شاید در مورد استان کرمان قابل‌توجه باشد این است که از جهت تأمین مالی از طریق سرمایه‌های خرد مردمی که امروز در قالب تأمین مالی خرد (microfinance) یا تأمین مالی جمعی (Crowdfunding) عنوان می‌شود، سابقه استان و مشارکت مردم خوب است، اما از بین رفتن اعتماد مردم در پروژه‌های گسترده و مطرح کرمان (سحاب فرهنگیان و هفت باغ علوی و ...) اجازه شکل‌گیری نهادی این مسئله رو ایجاد نمی‌کند.

## ایجاد نهادهای اقتصادی کارآمد به‌ویژه در استان کرمان با چه چالش‌هایی روبرو است؟

جواب دقیق به این سؤال نیاز به کار علمی دقیق بر روی آمار و داده‌های استان دارد، اما واقعیت این است که بسیاری از این مسائل متأثر از فضای عمومی اقتصادی و کسب‌وکار است. در سال جاری رتبه ایران در گزارش ۲۰۱۹ با ۴ پله نزول به رتبه ۱۲۸ در میان ۱۹۰ کشور جهان تنزل پیدا کرده و این مسائل قطعاً در فضای استان کرمان هم مؤثر است.

## بهبود نظام‌های حکمرانی و نهادی که موجب پرورش و تقویت نگاه‌های اقتصادی می‌شود، چگونه میسر می‌گردد؟

با نگاهی به تجربه‌های استانی موفق در حوزه اقتصادی و الگوگیری از آن‌ها مانند بانک رسالت، ماهان و ...

## ظرفیت‌سازی؛ حوزه‌های مختلف دانش و منابع را در برمی‌گیرد که بایستی مؤسسات دولتی و غیردولتی برای ایجاد کارآمدی و بهبود بهره‌وری به آن مبادرت ورزند. به نظر شما در این مورد حضور دولت یا بخش خصوصی، کدام باید پررنگ‌تر باشد؟

قطعاً حضور دولت؛ چون بخش خصوصی به دنبال منفعت و سود اقتصادی و عموماً سود اقتصادی سهل‌الوصول است، اما جنس فعالیت‌هایی مانند ظرفیت‌سازی از سنخ کارهای بلندمدت و معمولاً تنظیم‌گری و (regulatory) است که در ابتدای عرایض مطرح نمودم.

## به نظر شما اولویت‌های بایسته نهادسازی و ظرفیت‌سازی‌های نهادی لازم برای توسعه بخش خصوصی استان کرمان کدام‌اند؟

نظام بازار، بدون نهادهای مناسب اقتصادی و غیر آن نمی‌تواند کارکرد بهینه

داشته باشد. اگر بازار و سازوکار قیمت‌ها به حال خود رها شوند، برخی از نهادهای موردنیاز به وجود نمی‌آیند؛ بنابراین تشکیل نهادها و مجموعه‌های خاصی موردنیاز است. نمونه‌های شکل‌گرفته زیر، ایجاد شده‌اند که باید گسترش یابند.

- تشکیل و ساماندهی امور نهادهای اقتصادی، اجتماعی و صنفی با حمایت‌های بازرگانی و شغلی کشاورزان و بهره‌برداران در سازمان مرکزی تعاون روستایی صورت گرفته که در سال ۱۳۹۷ تشکیل ۸ نهاد ملی، ۱۴۵ شرکت تعاونی تولید، ۹۴ شرکت تعاونی، تشکل صنعتی و محصولی بوده است.

- تشکیل و تأسیس شرکت تعاونی توسعه‌ی کشاورزی تخصصی بذر پایتخت (ملی)،

- شرکت مرکزی سهامی زراعی ایران (ملی)،

- اتحادیه ملی دام سبک کشور،

- اتحادیه مرکزی گیاهان دارویی،

- انجمن توزیع‌کنندگان عمده نهادهای دام و طیور و آبزیان استان تهران،

- انجمن گلخانه سازان کشور (ملی) و ...

## به نظر شما توسعه ظرفیت‌سازی اقتصادی در استان کرمان با چه چالش‌هایی روبرو است؟

سیاسی‌کاری، بی‌تحریکی، عدم مدیریت اقتصادی، عدم شایسته‌سالاری در بین مدیران از عوامل اصلی چالش‌های اقتصادی است. لازم است جهت رونق هر چه بیشتر اوضاع اقتصادی تلاش‌هایی به شرح ذیل صورت گیرد:

- خرید کالاهای تولیدی استان توسط مردم و ادارات دولتی جهت اشتغال و ایجاد فرصت‌های شغلی،

- معرفی کالاهای تولیدی استان به‌طور شایسته و تشویق و ترغیب مردم به خرید آن کالاهای،

- خرید کالاهای تولیدی به‌طور مستقیم در حمایت از اشتغال جوانان،

- حمایت صداوسیما از کالاهای تولیدی داخلی استان و فرهنگ‌سازی،

- ارائه کالاها و خدمات به روش نوین علمی و تبلیغ و بازاریابی مناسب،

- اولویت فرمانداری‌ها و دستگاه‌های اجرایی از خرید تولیدات داخلی استان،

- حمایت از سرمایه‌گذاران درون استانی،

- ایجاد کارگروه‌های اقتصادی در جهت به حداکثر رساندن تولید در استان،

- افزایش اشتغال در بخش‌های تولیدی و خدماتی با کسب ارزش‌افزوده و افزایش تولید ناخالص داخلی،

- به حداکثر رساندن تولید و اشتغال واحدهای موجود و کمک به افزایش ظرفیت واحدهایی که کمتر از ظرفیت کار می‌کنند،

- کمک به فعال کردن واحدهای تعطیل‌شده با استفاده از تکنولوژی و تجهیزات روزآمد،

- ایجاد واحدهای جدید صنعتی برای اشتغال‌زایی و رونق تولید با کمک کارآفرینان، سرمایه‌گذاران و مدیران واحدهای تولیدی،

- همکاری بیشتر در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی توسط بانک‌ها،

- همکاری دستگاه‌های اداری و دولتی در جهت کمک به مجموعه واحدهای تولیدی و خدماتی. ●

# چرا طرح‌ها به نتیجه نمی‌رسند؟

## تجربه‌نگاری دلایل عدم تحقق کامل نتایج مورد انتظار در طرح‌ها و پروژه‌ها

در مورد صحت و تعمیم‌پذیری آن‌ها تا سطح قوانین کلان و برنامه‌های راهبردی کشور به خوانندگان سپرده شده است.

### ۱. ضعف ساختار اجرایی:

زمانی که مقرر است کار بزرگی در قالب طرح یا پروژه در سطح کلان (ملی یا استانی) انجام شود طبیعتاً مدیران ارشد سازمان‌های اجرایی زیادی درگیر خواهند بود، در نتیجه وجود ساختار جامع و کامل، زیرساختی است که تا حد زیادی تضمین‌کننده نیل به اهداف مورد انتظار می‌باشد. شاید مهم‌ترین بخش این ساختار، وجود رکن نظارت و پایش طرح/پروژه؛ متشکل از مدیران سطح اول سازمان‌های درگیر در آن می‌باشد، اما عموماً مدیران ارشد به دلیل مشغله زیاد (و یا در حالت بدبینانه، اهتمام نداشتن به موضوع) نمایندگانی برای شرکت در جلسات مذکور معرفی می‌کنند که الزاماً تم‌الاختیار نیستند و چه‌بسا اگر بین مدیران و نمایندگان معرفی‌شده تطابق نظر وجود نداشته باشد نمی‌توان انتظار پیشرفت زیادی در پیشبرد برنامه داشت. این وضعیت زمانی اسفناک می‌شود که ترس از توبیخ شدن حاصل از اشتباه، کارشناسان را مجبور به ترجیح بی‌طرفی و حتی عدم اظهارنظر در جلسات کند. در صورتی که مدیران می‌توانند با تفهیم موضوع به کارشناسان خبره خود و تفویض اختیار، ایشان را به‌عنوان صدای سازمان خود به جلسات معرفی کنند و در پیشبرد هدفمند جلسات نقش مؤثرتری ایفا نمایند.

ضمن این‌که ثبات ساختار و تیم اجرایی پروژه برای ثبات سیر انجام آن از اهمیت بالایی برخوردار است. در صورتی که به هر دلیلی این اتفاق رخ ندهد دوباره‌کاری‌ها، برگشت به عقب‌ها و کاهش سرعت انجام کارها را در پیش دارد. مضافاً این‌که اثبات درستی و صحت نحوه انجام کارها و تفهیم و تعمیق آن به تیم جدید شکاف زمانی ناخواسته‌ای برای پروژه ایجاد خواهد کرد.

### ۲. عدم تفهیم ضرورت و اولویت کار بین مدیران کلیدی مؤثر در طرح/پروژه و به طریق اولی به کارشناسان مربوطه:

اگر حس ضرورت و فوریت کار در بین اعضای کلیدی طرح/پروژه ایجاد شود و به اولویت کار پی ببرند، رویکرد جدیدی در برخورد با آن اتخاذ خواهند کرد. در کشور ما سازمان‌ها غالباً کارها را سیستماتیک انجام نمی‌دهند، این موضوع باعث شده درحالی‌که همه از مشغله بالا در سازمان خود گله‌مند هستیم شاهد بهره‌وری قابل قبولی در کشور نیستیم.

< بتول علیزاده  
کارشناس مرکز مطالعات و  
پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان



سال ۱۳۸۴، سال شروع برنامه‌های کلان با چشم‌انداز ۲۰ ساله برای کشور بود؛ برنامه‌ای که دستیابی به رتبه نخست جایگاه اقتصادی، علمی و فناوری منطقه آسیای جنوب غربی را برای کشور هدف‌گذاری می‌کرد. در چارچوب همین چشم‌انداز قانون‌گذار در تدوین برنامه‌های پنج‌ساله چهارم، پنجم و ششم توسعه، بر قرار گرفتن در مسیر توسعه اقتصاد رقابتی و برون‌نگر، دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و پرشتاب و برخورداری از اشتغال کامل تأکید داشت. ۱۵ سال از شروع سند چشم‌انداز می‌گذرد. اکنون با نگاه بر شاخص‌های کلیدی می‌توان عملکرد مجریان را در به انجام رساندن احکام و برنامه‌های این سند مورد ارزیابی قرار داد. متأسفانه باید اذعان کنیم که رتبه هفده شاخص رقابت‌پذیری و رتبه بیست فضای کسب‌وکار در بین کشورهای منطقه، در کنار وضعیت امروز کشور از نظر برون‌گرایی اقتصاد، تبادلات خارجی و سرمایه‌گذاری، موفقیت‌چندانی در تحقق این سند را نمایش نمی‌دهد. وضعیت بدی که آثار خود را در نرخ تورم بالا و بهره‌وری و رشد اقتصادی پایین کاملاً نشان می‌دهد. سابقه ناکامی قانون‌های برنامه در بهبود فضای کسب‌وکار کشور و عملکرد ضعیف دولت در اجرای قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار (که به استناد گزارش رسمی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی تا آبان ۹۶، تنها ۱۷ درصد اجرا شده) باعث شده امیدی برای رخداد و تحولی شگرف در ۵ سال آخر سند چشم‌انداز نیز باقی نماند. این مثال‌ها، تنها مشتمل، نمونه خرواری از انبوه برنامه‌ها، قوانین، طرح‌ها و در سطح پایین‌تر پروژه‌هایی است که اگرچه قاعدتاً حاصل ساعات‌ها کار کارشناسانی از بالاترین سطوح علمی کشور است و می‌بایست راهگشای امور کشور باشد، ولی اجرایی نشده و یا حداقل به‌طور کامل تحقق نیافته است، اما چرا؟ چرا طرح‌هایی که بر پایه بررسی‌های دقیق و مباحث علمی بنا شده و با انگیزه و انرژی قابل قبول آغاز می‌شوند در مسیر اجرا شکست می‌خورند و یا به کیفیت مطلوب ختم نمی‌شوند. در این نوشتار سعی شده با بررسی وضعیت موجود و به استناد مصادیق تجربه‌شده، دلایلی که به نظر می‌رسد موجب به ثمر نشستن طرح‌ها و پروژه‌های بزرگ می‌شود تشریح شود و قضاوت



وجود مشغله‌های فکری و کاری متعدد، ضرورت اولویت‌بندی کارها را چندین برابر می‌کند، تکنیک کارها از نظر اهمیت و فوریت، انجام کارهای «فوری و مهم» را در موعد مقرر و با زمان قابل قبول ممکن می‌سازد.

### ۳. ایده پردازی بدون برنامه و پیگیری نکردن یک هدف مشخص:

اگرچه ایده پردازی و خلاق بودن به خودی خود امر مفیدی است، اما نباید موجب انحراف از برنامه و مسیر حرکت به سمت هدف تعیین شده گردد. در پروژه‌هایی که نیاز به هماهنگی و برگزاری جلسات، زیاد است، ایده پردازی بدون و خلاق بودن بی‌برنامه از سوی عناصر محوری موجب می‌شود تا مباحث هر جلسه به سمتی منحرف شود و سیر جلسات به هدف نهایی نرسد، ضمن این‌که این موضوع سایر اعضای تیم را نیز گیج و بی‌انگیزه خواهد کرد.

### ۴. عدم پیگیری کارها و رها شدن پس از طولانی شدن یا سخت شدن روند کار:

راهکار مؤثری که می‌تواند اعضای تیم را با تمام سختی و زمان‌بری آن به ادامه کار تشویق کند، ایجاد انگیزه در اعضای تیم با کسب دستاوردهای سریع و ترویج آن‌ها است؛ به طوری که هدف بلندمدت به چند هدف کوتاه مدت تقسیم‌بندی شود و با محقق شدن هر هدف کوچک، آن را جشن بگیریم، اطلاع‌رسانی کنیم و برای مجریان آن پاداش در نظر بگیریم.

### ۵. تغییر تصمیم گیران و عناصر تأثیرگذار طرح/پروژه:

مقامات عالی‌رتبه ملی و منطقه‌ای اگر به اهمیت کار واقف باشند، نباید در تمام طول پروژه‌های مهم، ارکان اصلی و تأثیرگذار کار را تغییر دهند؛ چرا که تغییر هر تصمیم‌گیرنده کلیدی یعنی تغییر تفکر حاکم بر پروژه، تغییر جهت‌های کار، طولانی شدن و ایجاد وقفه در امور و چه‌بسا شکست طرح/پروژه.

### ۶. فقدان مدیریت دانش در طرح/پروژه:

مدیریت دانش، انتقال تجربه و جانشین‌پروری در پروژه‌ها موجب می‌شود اگر به هر دلیلی کسی در مسیر انجام پروژه از تیم اجرایی جدا شود، کل پروژه تحت تأثیر این تغییر قرار نگیرد و با انتقال سریع اطلاعات و دانش به فرد جایگزین، از تکرار مسیر پیش آمده جلوگیری شود و در نتیجه حداقل وقفه را در پروژه داشته باشیم.

### ۷. موانع ذهنی و مهارتی اعضای تیم اجرایی:

فرهنگ‌سازی و رفع ابهامات ذهنی در کنار آموزش برای رفع موانع مهارتی اعضای تیم، یکی از مهم‌ترین الزامات به سرانجام رسیدن آن‌ها و پایداری تغییرات جدید است. اگر در مورد درستی و ضرورت انجام تغییرات شک و تردیدی وجود داشته باشد مدیران و کارشناسان سازمان‌های مرتبط، وظایف محوله برای اجرای پروژه را در اولویت نمی‌بینند و اعتقاد قلبی به انجام آن نخواهند داشت و اگر مهارت لازم برای انجام این وظایف را نداشته باشند هر چند بخواهند نمی‌توانند آن را به نحو قابل قبولی انجام دهند.

### ۸. ضعف کار تیمی:

اصولاً کارهای اجرایی از سوی مدیران ارشد به مدیران سطوح پایین‌تر و یا کارشناسان تفویض می‌شود. اگر به کار تیمی اعتماد شود و اعضای منتخب برای تشکیل تیم اجرایی، تخصص لازم جهت انجام امور محوله را داشته باشند، دلیلی برای دخالت و اعمال سلیقه‌های وقت و بی‌وقت مدیران ارشد در امور وجود ندارد؛ چرا که مطمئناً خرد جمعی چنین تیمی بهترین تصمیم را اتخاذ خواهد کرد و تنها لازم است در نقطه‌های زمانی مهم به ایشان تعیین تکلیف شود و تطابق دستاوردها با اهداف پروژه بررسی و نظارت گردد. معضل دیگری که در این‌باره وجود دارد این است که وقتی پایان یافتن یک کار به نام یک فرد یا سازمان، مزیت خاصی به همراه دارد، ممکن است خودمحوری جای کار تیمی را بگیرد. چنین سازمان/فردی نمی‌تواند به تصمیمات حاصل از نظر جمع گوش فرا دهد؛ چرا که تمایل شدیدی برای به ثبات پایان کار به نام خود دارد؛ درست شبیه بازیکن فوتبالی که بدون توجه به ضرورت کار تیمی در تلاش است تا به هر قیمتی گل را به نام خود به ثبات برساند.

### ۹. تعیین محدودیت زمانی از سوی بالاترین مقام اجرایی:

در پروژه‌های بزرگ ملی یا استانی قطعاً مهم‌ترین ضمانت اجرایی، اراده شخص بالاترین مقام اجرایی است؛ در صورت عدم وجود هم‌راستایی با نظر ایشان، کاملاً بدیهی است که پروژه‌ها محکوم به شکستند. اگر مقام عالی با ایجاد محدودیت زمانی، تیم پروژه را برای تحقق اهداف مورد انتظار در مضیقه بگذارد، امکان کار کارشناسی دقیق و اجرای مبتنی بر تفکر را با مشکل مواجه می‌کند.

### ۱۰. ملاحظات مصلحتی:

وجود روابط چه خوب و چه بد، روند اجرای طرح/پروژه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باید توسط ناظر عادل رصد و مدیریت شود؛ روابط خوب با مسئولین عالی‌رتبه نهادها و سازمان‌های درگیر در برنامه، موجب می‌شود تا قصور ارکان و مجریان آن، به دلایل مصلحتی دیده نشود و از طرف دیگر روابط و پیش‌زمینه قبلی بد با وجود بدبینی موجب نادیده گرفتن تلاش‌ها می‌گردد. واقعیت این است که در نتیجه‌ی هر دوی این ملاحظات، انگیزه و عملکرد ارکان طرح/پروژه کاهش خواهد یافت.

### سخن آخر

طرح‌ها و پروژه‌ها نهایتاً پایان یافته و لاجرم منجر به تغییراتی در محیط حاکم می‌شود، اما حتی در صورت تحقق کامل نتایج مورد انتظار، اگر مکانیسم تثبیت پیش‌بینی نشود، این تغییرات هر چند بزرگ با گذر زمان کمرنگ می‌شوند. توجه به ضرورت پایداری و استمرار نتایج حاصله، نکته‌ای است که عموماً مغفول می‌ماند؛ در صورتی که به نظر می‌رسد برای تضمین پایداری، باید از ابتدا دستاوردهای کوچکی تعریف کرد تا با مدیریت تغییرات تدریجی به مرور، سیستم برای تغییرات بزرگ آماده شود. به عبارت بهتر شکستن برنامه‌ها به چندین نقطه عطف می‌تواند سیستم را از دستیابی به نتایج هر مرحله بهره‌مند سازد، ضمن این‌که وجود سیستم ارزیابی و رصد تغییرات ایجادشده و مکانیسم پاداش و تشویق به مجریان تغییرات به تثبیت و درونی سازی تغییر بزرگ و اجرایی شدن کامل هدف غایی کمک می‌کند. ●

گفت‌وگو با «حسین اکبری فرد»  
عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر

# سرمایه اجتماعی؛ ضامن توسعه یافتگی



دکتر حسین اکبری فرد عضو هیئت علمی بخش اقتصاد دانشگاه شهید باهنر بر این مهم تأکید دارد که برای گام برداشتن در مسیر توسعه علاوه بر سرمایه‌های اقتصادی، لازمه‌ی اصلی، سرمایه‌ی اجتماعی است که همانا مردم هستند. دید بلندمدت مردم و سیاست‌گذاران امکان نیل به چشم‌اندازها را فراهم می‌کند.

او بر این باور است که تمرکزگرایی، بروکراسی پیچیده دولتی، اتخاذ تصمیمات یکسان برای تمام مناطق کشور و افزایش هزینه‌های مترتب بر آن، متکی بودن به درآمدهای نفتی که هم بی‌ثبات است و هم آسیب‌پذیر، از جمله چالش‌های اصلی مدیریت توسعه در کشور هستند. در ادامه به مطالعه گفت‌وگوی ما با وی دعوت می‌شوید.

○ مقدس دارد، از انجام اصلاحات اقتصادی به‌طور جدی کوتاهی می‌شود؟ مگر غیر از این است که مقید بودن حاکمیت و مردم به تحقق الگوی پذیرفته شده توسعه، اجرای آن را میسر می‌سازد؟

کشورهایی که اصلاحات انجام داده‌اند ابتدا شفاف‌سازی، سپس افزایش رقابت و کاهش انحصارها را به‌طور دقیق انجام داده‌اند و در آخر با حذف انحصارها، مکانیسم بازار و کارکرد بهینه، آن را تقویت کرده‌اند. همچنین از طرف دولت خلأهای بازار و مواردی که مکانیسم بازار با شکست مواجه بوده یا ناتوان در تخصیص منابع بوده است را جبران کرده‌اند، اما در اقتصاد ایران مسئله عدم شفاف‌سازی، رانت و انحصارها که منجر به فساد می‌شود باعث شده است اصلاحات نتواند تداوم یابد و آثار مثبتی بر اقتصاد بگذارد.

○ در موضوع عدم وصول به توسعه یافتگی، به‌ویژه عدم توسعه متعادل منطقه‌ای شدت دارد، اصلی‌ترین موانع توسعه منطقه‌ای در کشور چیست؟

○ به نظر شما چرا برنامه‌ها، استراتژی‌ها و چشم‌اندازهای گوناگون کشور در حوزه اقتصاد در طول دهه‌های گذشته به واقعیت و سرانجام نرسیده است؟

معمولاً چشم‌اندازها، استراتژی‌ها و برنامه‌های عملیاتی جهت رسیدن به چشم‌اندازها به‌جز سرمایه‌های اقتصادی به سرمایه‌های اجتماعی نیز نیاز دارد. جامعه‌ی ایران جامعه‌ای کوتاه‌مدت است و صبر تاریخی ندارد. چه مردم و چه سیاست‌گذاران اقتصادی توانایی تحمل بلندمدت را نداشته و هر نوع اصلاحات اقتصادی که در کشور شروع شده و صورت گرفته است چه از طرف مردم و چه از طرف دولت و سیاست‌گذاران تداوم نداشته است. لذا افزایش سرمایه اجتماعی یعنی تحمل بلندمدت توسط مردم و دولت از الزامات است.

○ در دنیا کشورهایی هستند که با قاطعیت دست به اصلاحاتی در حوزه اقتصاد و بنگاهداری زده‌اند و به نتایج فوق‌العاده‌ای دست‌یافته‌اند، چرا در کشور ما که تجربه اوج همکاری همگانی ملت و حاکمیت را در دوره دفاع

### مسائل اساسی توسعه‌ی استان کرمان و نیز مهم‌ترین قابلیت‌های توسعه آن، چه هستند؟

اصلی‌ترین مسئله استان، آب و تخصیص غیر بهینه‌ی آن است، اما قابلیت‌های زیادی هم داریم ازجمله:

- ۱- قابلیت‌های توسعه‌ی گردشگری با توجه به وجود جاذبه‌های زیاد، آثار ثبت‌شده جهانی بخصوص کلوت‌ها و چهارفصل بودن استان که خیلی کم‌نظیر است،
- ۲- صنایع معدنی و فرآوری آن‌ها،
- ۳- هزینه‌ی بسیار کم کشاورزی در جنوب استان و در فصول مختلف سال،

۴- استفاده از زیرساخت‌های صادراتی و روابط تجاری ایران با کشورهای منطقه برای خلق ثروت از ظرفیت‌های کشاورزی استان. به‌طور کلی صرف داشتن منابع سرشار و سرمایه‌های فیزیکی نمی‌توان به توسعه‌یافتگی رسید. لازمه اصلی سرمایه‌های اجتماعی که همانا مردم هستند می‌باشد.

فرهنگ کار، مطالبه‌گری، شفاف‌سازی و کاهش انحصارها که همه در سرمایه اجتماعی قرار گرفته‌اند، دید بلندمدت به مردم و سیاست‌گذاران می‌دهد و امکان نیل به چشم‌اندازها را فراهم می‌سازد.

### مهم‌ترین چالش‌های مدیریت توسعه در کشور کدام‌اند؟

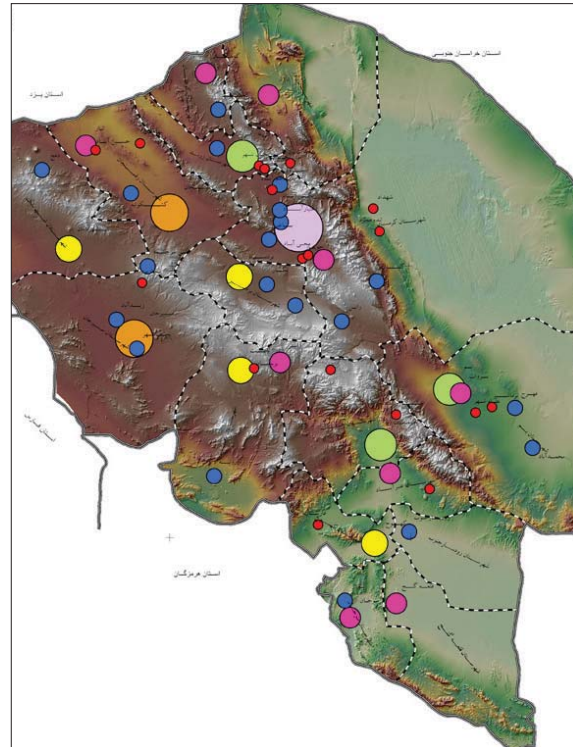
چالش‌های اصلی مدیریت توسعه کشور، یکی تمرکزگرایی و بروکراسی پیچیده‌ی دولتی است؛ به این معنی که تمام تصمیمات کشور در تهران گرفته می‌شود و برای تمام مناطق کشور تصمیمات یکسان اتخاذ می‌گردد، در صورتی که هر منطقه در کشور ویژگی‌ها، قابلیت‌ها و محدودیت‌های خاص خود را دارد. لذا نمی‌توان نسخه‌ی واحدی برای توسعه‌ی مناطق کشور پیچید، مدل غیرمتمرکز باید بر تصمیم‌گیری‌های کشور حاکم شود و تصمیمات توسعه‌ای هر منطقه بر مبنای ویژگی‌های آن منطقه باشد.

دیگر این‌که به دلیل دولتی بودن مدیریت توسعه، هزینه‌های توسعه افزایش می‌یابد. دولتی بودن با عدم کارایی و فساد همراه است و به دلیل افزایش هزینه‌های توسعه به‌عنوان چالش مدیریت توسعه مطرح است.

عامل سوم به‌عنوان چالش مدیریت توسعه کشور، متکی بودن بودجه و منابع دولت به نفت و درآمدهای نفتی است که هم بی‌ثبات و هم آسیب‌پذیر. به این علت‌ها، برنامه‌های توسعه کشور دچار اختلال گردیده است.

### شایسته‌سالاری یک نقطه عطف فرا راه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، چرا راه برای شایسته‌سالاری تنگ است؟

با توجه به نکاتی که از سؤالات قبلی مطرح گردید و چالش‌هایی که در مدیریت توسعه کشور وجود دارد، افراد لایق و شایسته هم حاضر نیستند در این چهارچوب وارد شوند و هم امکان حضور و قرار گرفتن در این مسیر برای آن‌ها فراهم نیست.



تمرکز برنامه‌ریزی در ایران در شهرهای بزرگ و به‌ویژه در تهران بوده است. اکثر مدیران اجرایی کشور و سیاست‌گذاران نیز از این مراکز بوده‌اند. قدرت چانه‌زنی بالای این مدیران در تخصیص منابع باعث توسعه نامتوازن کشور شده است.

به‌عنوان مثال علی‌رغم این‌که حدود ۵۰ سال در استان کرمان از منابع مس برداشت شده است، حساب‌ها و منابع مالی و خریدهای شرکت ملی مس در تهران است و استان از این موهبت محروم بوده است. برای سایر مناطق از این نوع مصادیق فراوان است.

### ویژگی‌های یک فرهنگ مناسب توسعه چیست؟ وضعیت استان کرمان را از این منظر چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

داشتن سرمایه اجتماعی لازم بستری در جهت استفاده از سایر سرمایه‌ها جهت تحقق برنامه‌ها و رسیدن به چشم‌اندازها است. مهم‌ترین اجزاء سرمایه اجتماعی که جامعه‌ی ما نیاز دارد عبارت‌اند از:

- ۱- داشتن صبر و تحمل و نگاه بلندمدت به افق چشم‌اندازها،
  - ۲- فرهنگ کار و کارآفرینی،
  - ۳- فرهنگ مطالبه‌گری بخصوص مطالبه‌گری نخبگان کشور در راستای تحقق اهداف بلندمدت و اسناد بالادستی،
- استان کرمان در هر سه مورد همانند سایر مناطق نیاز به ارتقاء دارد اما در فرهنگ مطالبه‌گری به نظر می‌رسد خلأهای بیشتری مطرح است.





< رضا اسماعیلی  
مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی  
استان کرمان



پرداختن به خواسته‌های کارگران؛ کسانی که سنگینی بار تولید کالاها و خدمات در اقتصاد کشور را با توانمندی بر شانه‌های سترگ خود تحمل می‌کنند، از ضرورت‌های همیشگی است.

#### حقوق و دستمزد:

حقوق، دستمزد و جبران خدمات ناشی از کار به‌عنوان مهم‌ترین مطالبات به‌حق؛ قشر خدوم کارگری از کارفرمایان و دولت است. هرسال موضوع تعیین دستمزد سالیانه کارگران به‌عنوان یکی از مطالبات اصلی و دغدغه پیش روی جامعه کارگری مطرح می‌شود و بر همین اساس از نیمه دوم سال، دور جدید مذاکرات مزدی میان کارگران و کارفرمایان برای تعیین حداقل دستمزد سال آینده آغاز می‌شود، به نحوی که این مذاکرات برای رسیدن به جمع‌بندی و نتیجه نهایی تا اسفندماه ادامه می‌یابد. طبق ماده ۴۱ قانون کار، نمایندگان تشکلهای کارگری، کارفرمایی و دولت در ماه‌های پایانی هر سال در شورای عالی کار گرد هم می‌آیند و در خصوص اصلی‌ترین دغدغه کارگران که حقوق و دستمزد سالیانه است

# کارگران چه می‌خواهند

می‌شود و رییس ستاد دستمزد، معاون روابط کار و وزارت کار است که دبیری شورای عالی کار را نیز برعهده دارد.

- شورای عالی کار: آخرین مرحله تعیین حداقل مزد کارگران، شورای عالی کار است؛ این شورا همه‌ساله در دو فصل آخر سال بیشترین حجم کاری را بر عهده دارد و هر تصمیمی در خصوص افزایش دستمزد سالیانه کارگران و رقم آن، در این شورا گرفته می‌شود.

شورای عالی کار در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و با حضور شرکای اجتماعی تشکیل می‌شود؛ اعضای آن عبارت‌اند از وزیر کار که ریاست شورا را به عهده دارد، دو نفر از افراد آگاه و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و یک نفر از شورای عالی صنایع، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران به انتخاب شوراهای اسلامی کار کشور یا کانون انجمن‌های صنفی کارگران ایران که نماینده کانون انجمن‌های صنفی کارگران به‌عنوان مشاور حضور دارد. شورای عالی کار موظف است همه‌ساله طبق ماده ۴۱ قانون کار، میزان حداقل مزد کارگران را در نقاط مختلف کشور با توجه به درصد تورم اعلام‌شده از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار ایران و سبد هزینه و معیشت یک خانوار چهارنفره تعیین کند.

بنده به‌عنوان مدیرکل تعاون، کار و رفاه اجتماعی و به‌عنوان فردی مطلع و باسابقه بیش از ۲۰ سال فعالیت در جامعه کارگری استان باید بگویم که حساسیت دولت تدبیر و امید به امر افزایش حقوق و دستمزد کارگران خدمت بسیار بالاست، اما همان‌طور که در متن فوق ذکر شد، تعیین این مبلغ به‌صورت سه‌جانبه (نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت) است و متأثر از متغیرهای گوناگونی است که به آن‌ها اشاره نمودم.

به نظر بنده و دیگر صاحب‌نظران بخش دولتی و خصوصی، تلاش دولت محترم با توجه به نوسانات اقتصادی، ترمیم حقوق کارگران و ارائه بسته‌های حمایتی در راستای تأمین معیشت مردم بوده است. آنچه در این بین اهمیت دارد آن است که هم کارفرمایان و هم کارگران فهیم و ولایت مدار استان کرمان، با درایت و درک صحیح از اوضاع اقتصادی کشور و تحریم‌های پیش رو، بیشترین تلاش را در راستای تولید داشته‌اند و استان کرمان یکی از استان‌های کشور است که کمترین میزان اختلافات کارگری و کارفرمایی را داشته.

تلاش ما اشتغال، افزایش تولید و پرهیز از اختلافات کارگری و کارفرمایی بوده است و سعی کرده‌ایم که اختلافات کارگری و کارفرمایی را به‌صورت سازشی و مصالحه به سرانجام برسانیم.

نباید از این موضوع بگذریم که مجموعه مدیریت استان کرمان و در رأس آن استاندار محترم کرمان و نمایندگان محترم مردم در مجلس شورای اسلامی نیز بیشترین تلاش را در راستای حمایت از کارگران، به‌منظور پرداخت به‌موقع حقوق و دستمزد کارگران داشته‌اند و استان کرمان خوشبختانه یکی از استان‌های کشور است که سطح معوقات حقوق و دستمزد کارگرانش در مقایسه با دیگر مناطق کشور پایین است.

همه می‌دانیم که در جنگ اقتصادی به سر می‌بریم، ان‌شاءالله همه ما تلاش کنیم در راستای اهداف و آرمان‌های والای انقلاب اسلامی و منویات رهبر معظم انقلاب، عنصری مهم و تأثیرگذار در اقتصاد مقاومتی باشیم. ●

به بحث و بررسی می‌پردازند و در نهایت رقم دستمزد کارگران برای سال بعد را به‌گونه‌ای که منافع کارگران و کارفرمایان را در پی داشته باشد به تصویب می‌رسانند اما شیوه تعیین حداقل دستمزد کارگران به چه شکلی است؟ این سؤال است که در تشریح فرایند تعیین دستمزد به آن پاسخ خواهیم گفت.

#### فرایند تعیین مزد:

قبل از آنکه رقم دستمزد کارگران از تصویب شورای عالی کار بگذرد فرایندی را طی می‌کند که این فرایند ابتدا از کمیته مزد و تحت عنوان بررسی ابعاد حداقل دستمزد مبتنی بر محاسبه نرخ تورم آغاز می‌شود؛ در کمیته مزد که متشکل از اعضا و نمایندگان تشکلهای کارگری است به‌منظور تعیین دستمزدی متناسب با وضعیت معیشتی کارگران و توجه ویژه به تنگناهای معیشتی قشر کارگر با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی و تورم موجود پیشنهادهایی مطرح می‌شود.

در حال حاضر هر دو تشکل بزرگ کارگری؛ کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور و کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران دارای یک کمیته مزد است که همه‌ساله با تأکید بر ماده ۴۱ قانون کار و بر اساس شاخص تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی و مرکز آمار، سبد هزینه یک خانوار ۴ نفره را به جهت انطباق هرچه بیشتر حداقل مزد با حداقل معیشت خانوارهای کارگری محاسبه و سپس جلسات ویژه بررسی در خصوص تعیین مزد را برگزار می‌کند.

در کمیته مزد که در حقیقت متعلق به تشکلهای کارگری است، نمایندگان هر گروه کارگری دور میز مذاکره نشسته و با بررسی قیمت‌های منطقه‌ای به‌دست‌آمده از سراسر کشور و آنالیز قیمت‌ها، حداقل‌های زندگی یک خانوار کارگری را بر مبنای نرخ تورم محاسبه می‌کنند؛ پس از آن گزارش جمع‌بندی شده را به ستاد دستمزد ارائه می‌دهند.

#### ستاد دستمزد:

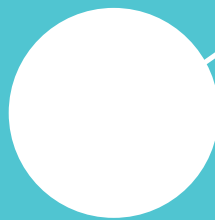
ستاد دستمزد در حقیقت یکی از زیر مجموعه‌های شورای عالی کار است که حالت تخصصی دارد و چانه‌زنی‌های اصلی بر سر تعیین رقم دستمزد کارگران در این ستاد صورت می‌گیرد.

مجموعه بررسی‌های کارشناسی، تحقیقات میدانی، آنالیز قیمت‌های به‌دست‌آمده از نقاط کشور، اطلاعات جمع‌بندی شده و گزارش نهایی در کمیته مزد قبل از ارائه به شورای عالی کار به ستاد دستمزد برده می‌شود؛ در این ستاد رقم دستمزد کارگران به تصویب نمی‌رسد، بلکه نتیجه مذاکرات و گفت‌وگوهای دوجانبه میان نمایندگان گروه کارگری و کارفرمایی زیر نظر معاون روابط کار جمع‌بندی و به شورای عالی کار ارسال می‌شود.

وظیفه ستاد دستمزد چیست؟ عمده تصمیم‌گیری‌ها و راهبردهای ستاد دستمزد در خصوص ماده ۴۱ قانون کار و افزایش سالیانه دستمزد است و در حقیقت به تسریع روند تصمیم‌گیری در شورای عالی کار و رسیدن به نتیجه در کمترین زمان ممکن کمک می‌کند.

این ستاد متشکل از نماینده کانون عالی کارفرمایان کشور، نماینده کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور، نماینده کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران، نماینده مجمع عالی نمایندگان کارگران، معاون وزیر کار و تعدادی کارشناس است. جلسات ستاد دستمزد در وزارت کار برگزار

# صنعت ومعدن



- واگوبه‌های یک دایناسور!
- اولویت سرمایه‌گذاری؛ صنایع پایین دستی و تأمین‌کننده نیازبنگاه‌های بزرگ
- گفت‌وگو با «عماد جمعه‌زاده»  
رئیس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان؛  
نسل جدیدی از کارآفرینان در حال تولد است
- گفت‌وگو با «مجید کهنوجی»  
مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان؛  
منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان،  
به دنبال پویایی در تولید و تجارت
- جایگاه مراکز رشد در اقتصاد

# واگویه‌های یک دایناسور!



● عکس: علی حسن‌زاده ●

مطرود شود و فال‌ها همه نیک! به این‌سوی چراغ من اصلاً نمی‌فهمم که در این دنیای به‌شدت «ساینس» زده چه سزی در کار ما اهل صنعت هست که هنوز برای بهبود اوضاع باید دستمان به دامان خمسه‌ی محتجبه و حروف غریبه و اشکال و جمیل و جفر و رمل و سایر علوم خفیه باشد؟! به این گروه‌های مجازی (که خداوند بر تعدادشان بیفزاید) سر که می‌زنی می‌بینی چه دل پُردردی دارند رفقا و چه آه و ناله‌ها و چه عجز لابه‌ها که به لهجه‌های متفاوت در لابه‌لای متونشان جریان دارد. از دانشمندان آینده بین تا عوام ذاتاً مستمعین، در این اجتماع حضور دارند و عجیب این‌که هر دو سر ماجرا یک حرف را می‌زنند با دو لحن! یکی کاملاً تپیپیک و مبادی آداب صنعت سخنوری و یکی، منبعت از عادت طایفه ما، کاملاً «لری»!

حرف مکرر این است: «باید تغییر کنیم» گاهی هم مبشر این حکمت منتهی به بن‌بست می‌شویم که «بیایید از خودمان شروع کنیم» غافلیم گویا که «تغییر» حَبّ حکیمان نیست که بیندازی بالا و با یک پیاله آب فرو بدهی و همه‌چیز درست شود. این‌که یک‌درمیان از روش‌های جدیدی که دیگران در هر یک از حلقه‌های گوناگون زنجیره‌ی ارزش صنایع متفاوت به کار زده‌اند حرفی گفته شود و حاصل همه‌ی گفت‌ووشنودهای ما در فضای مجازی بشود

## < سیدحسین مهاجرانی

فعال اقتصادی و عضو هیئت‌مدیره  
خانه صنعت و معدن استان کرمان



قمر و عقرب که نیت کرده باشند به‌پای هم پیر شوند؛ رکود اقتصادی و تنش‌های اجتماعی و برداشت‌های اشتباهی و پیامدش «کی بود کی بود من نبودم»ها و همه‌ی تقصیرها را گردن دیگری انداختن، چنان سیطره و سلطه‌ای برای خودشان برپا می‌کنند که ما جماعت، در سرمای حاصل، لحاف‌کرتسی هم که به سر بکشیم باز می‌لرزیم!

بلکه هم بشود و گردش کواکب جوری شود که قمر خانم و عقرب آقا که اصل رابطه‌شان براساس شرع نبوده (که اگر بود این‌همه، این‌همه آدم از بودن این دو کبوتر باهم دل‌آزار نمی‌شدند!) سر عقل بیایند، این بفهمد که آن نیش جرار دارد و آن بفهمد که چهره‌ی دل‌افروز این یکی، معجزه‌ی گریم و کرم پودرهای معلق در جو است و قمر دامن‌کشان برود آن‌ور و عقرب مهجور و مایوس برود یک‌ور دیگری و همه‌ی ساعت‌ها ساعت سعد شود و نحوست



است که، نه از سر خوش بینی بلکه در واقع، همه‌ی تصویرها آن قدر هم سیاه نیستند ... کمی دورتر، روی خشک انگار، یک کشتی که بسیار دور از دریا می‌نماید برای همه‌ی ما جا دارد. «نوح» نیست تا به عزت پیامبری‌اش و به معجزات بارانی پر بار دشت را برایمان دریا کند، اما گمان می‌کنم به کشتی که در آیینم آن قدر کرامت پیدا خواهیم کرد که دریا به استقبال ما بیاید! دریا که بیاید، جدا مانده‌ها با این بلم‌های شکسته و این پلیته‌های لگن که با پاروهای حقیر و بازوهای ناتوان جابجا می‌شود، تاب رویارویی با هیچ موجی را ندارند.

دل به دریا زدن دیگر انتخاب ما نیست، یک ضرورت است که باید به آن تن دهیم. جلسات تکراری و بحث‌های بی‌سرانجام و انباشتن فضا از واژه‌های پرتین، که درک درستی هم از آن‌ها نداریم و باز کردن سفره‌ی بیکران مسئله‌ها بدون ارائه‌ی حتی یک راه‌حل عملی و به‌دردبخور، چنین بی‌برنامه و باری‌به‌جهت و چسبیده به بیماری «خود فرزانة پنداری» که از خوره هم بدتر است، در پایان ما را در هیئت اسکلت‌هایی خواهد گذاشت که به درد موزه‌های فسیل‌شناسی می‌خورد.

در آرزوهای من به‌عنوان یک صنعت‌گر مقیم کرمان و عضو هیئت‌مدیره‌ی خانه‌ی صنعت و معدن استان کرمان، اتاق بازرگانی این استان کاملاً می‌تواند با بهره‌مندی از همه‌ی نهاده‌ها و ظرفیت‌های قانونی و سرمایه‌های اجتماعی‌اش، به‌عنوان یک سازمان بسیار مؤثر صرف‌نظر از تمام پروژه‌های ناتمامش، سرنوشت رقم بزند!

«نهیضت بهره‌وری» که شایسته‌ترین ابتکار اتاق کرمان با نگاه به ظرفیت‌های درونی اقتصاد کرمان بود مثل ستاره‌ی سحر تالگو زودپایی داشت و حسرتی بزرگ از ناتمامی‌اش به دل گذاشت که زود از دل نمی‌رود. قبول که ما بسیار کاهلیم اما هرگز از اتاق فرماندهی انتظار نمی‌رود که خود را با کسالت ما منطبق کند!

ارتباط مؤثر و مستمر دانشگاه و صنعت؛ کنسرسیوم توسعه‌ی صادرات؛ ایجاد دبیرخانه‌ی مشترک از تشکل‌های موجود اعم از خانه‌ی کشاورز، اتاق تعاون، اتاق اصناف، خانه صنعت، معدن و تجارت و دیگران به‌منظور ایجاد هم‌افزایی و اجتناب از فعالیت‌های موازی و صرف هزینه‌های مضاعف؛ که خیزهای بلند اتاق کرمان برای رهبری فعالیت‌های اقتصادی کرمان در یک سازمان متمرکز بود مثل سناریوهای فرهادی ته نداشت!

اتاق بازرگانی با اعتبار بین‌المللی و توانایی‌های داخلی‌اش همه‌ی استعدادها برای ناخدایی آن کشتی را دارد که بتواند ما را از توفان‌ها عبور دهد و تشویق اعضای اتاق، از جانب زعمای این نهاد، با فرهنگ‌سازی و آموزش ضروری در ایجاد و اداره‌ی کنسرسیوم‌ها با نگرش تخصصی، با اتکاء بر موضوعات فرهنگی، تجاری، تولیدی و تدارکاتی و ... و نیز محقق کردن رویای همپایی صنعت و دانشگاه می‌تواند بادیان‌هایی باشد که مثل آغوشی باز، باد موافق را در بر بگیرند تا دور از کابوس انقراض دایناسورها، ما را زنده نگاه دارد تا ما بمانیم و دریا و رفتن و این ذکر شکر که: «الحمد لله الذی سخر لنا هذا...» ●

مثل دانه‌هایی که برای کبوترهای حرم پاشیده باشی تا هر کس به ظرفیت حوصله‌اش و ابعاد چینه دانش چیزکی برچیند و تمام، هیچ اشکالی که ندارد هیچ، کلی هم کرامت دارد، اما چون به روزگاران عادت کرده‌ایم که در یک بازاری به وسعت یک سیاره‌ی کوچک حاضر باشیم و با کسانی معامله کنیم که از ما هستند و به زبان ما حرف می‌زنند و چون چم‌وخم و کوچ‌پس‌کوچه‌های همین بازار را فقط بلدیم؛ تحفه‌های مرحمتی دنیای مجازی هم در نهایت غنیمت‌های کوچکی می‌شود برای عبور پر اصطکاک از همین کوچ‌های تنگ. فکر می‌کنم تغییری که ما به آن نیازمندیم چیزی فراتر از این و یک همراهی مبتنی بر شعور اجتماعی باید باشد. چیزی که علاوه بر اراده‌ی ما جایی هم باید هدایت و سکان‌داری‌اش را به عهده بگیرد.

چون من هم به‌شدت اهل خرافه‌ام خیال می‌کنم که آن اقتران منحوس و نامشروع که در همان ابتدای این گفتار افتراقش را آرزو کردم، بد کار دستمان داده. در این بازار کم‌جان و پرتنش زبان سیمرغ را هم که بلد باشی کوچ‌ها بد تنگ شده‌اند. واقعیت این است که به یک «هول ولا» یک شهاب‌سنگی صاف اصابت کرده به سیاره‌ی کوچک ما! و ما دایناسورهای عظیم‌الجثه با یک سرعتی انقراض را تجربه می‌کنیم که نه فرصتی دست داده تا چمدانی بندیم و نه رخصتی که حلالیتی از در و همسایه بطلبیم. درودیوار و دور و نزدیک را دشنام می‌دهیم که همه‌ی اسباب این کسالت از آن‌هاست و ما اسطرلاب بر دست و چشم بر آسمان، مانده‌ایم که ساعات سعد کی می‌رسند!

از آنجا که اکابر قوم، انتقاد از خود را مباح دانسته‌اند جرأت می‌کنم که، در عمل به آن فتوا، صریحاً به عرض برسانم که گذشته از تک‌ستاره‌هایی که در آسمان تیره‌ی صنعت ما می‌درخشند ما اهالی صنعت متوقع، اهل ناله، بی‌سواد (شما را به خدا مرا به خاطر این صراحت لهجه ببخشید!) و مثل کودکان فلج که همواره متکی به حمایت اولیاء خود بوده‌اند، چشممان به حمایت‌هایی از اولیاء صنعت و مملکت به در ماسیده است که در ذات خود تا حدود زیادی نُز پرور هم بوده است (و باز هم می‌گذرم از این معنا که خداوکیلی اولیاء ما هم با وضع قوانینی ناهنجار و کسب‌وکار بر باد ده و هكذا اجرای همین قوانین متعارض در یک بوروکراسی ناهنجار درهم‌پیچیده و بی‌سرانجام، چندان هم علیه‌السلام نبوده‌اند!)

ما فراموش کرده‌ایم که ما به خود و با خود نیروی شگرفی هستیم که می‌تواند کوه را هم جابجا کند چه رسد به خارهای حقیری که در خیال ما به‌اندازه‌ی درخت‌های باثوباب هیبت دارند! ما در حصار دیوار بنگاه‌های خود آن‌چنان به منافع شخصی اصالت داده‌ایم که پاک یادمان رفته است مقوله‌ای با عنوان منافع ملی هم وجود دارد. ما با مفهوم جماعت بیگانه‌ایم و انگار باورمان نمی‌آید که دست خدا با جماعت است! ما تشکل‌گریز و روبه‌قبلیه‌ی اقلیم ناچیز خودیم!

از سیاه‌نمایی به‌شدت نفرت دارم و در نگاه من روزنی کوچک که رشته‌ای از نور را به ظلام دعوت کند هم عزت دارد. این چنین



# اولویت سرمایه‌گذاری؛ صنایع پایین دستی و تأمین‌کننده نیاز بنگاه‌های بزرگ

میدکو ایجاد شده است. همچنین ظرفیت مهم دیگر در زنجیره فولاد، تولید گندله است. به‌طوری که در حال حاضر ظرفیت تولید استان حدود ۱۷ میلیون تن است به‌این‌ترتیب که در شهرستان سیرجان حدود ۱۲ میلیون تن، در کرمان و زرنند هرکدام ۲/۵ میلیون تن امکان تولید گندله وجود دارد. بحث مهم دیگر در زنجیره فولاد، تولید آهن اسفنجی است، در این زمینه ما حدود ۴ میلیون تن در سیرجان و حدود یک‌میلیون تن در بردسیر و جمعاً حدود ۵ میلیون تن امکان تولید آهن اسفنجی در استان را داریم. درنهایت در انتهای خط زنجیره فولاد، تولید شمش فولادی است که در حال حاضر در کرمان و بردسیر ظرفیتی حدود ۱/۶ میلیون تن تولید فولاد وجود دارد. همچنین طرح‌هایی در این زمینه‌ها داریم که ان‌شاءالله در چند سال آینده به تولید می‌رسد.

گروه سوم صنایع بزرگ ما، بحث معادن مس و صنایع مربوطه است که به‌طور مشخص در رفسنجان و شهراباک زنجیره مس را به وجود آورده که در حال حاضر در رفسنجان حدود ۲۰۰ هزار تن در سال، انواع کاتد مس تولید می‌شود. همین‌طور اخیراً در شهراباک، طرحی به بهره‌برداری رسیده که توان تولید ۵۰ هزار تن کاتد فقط از طریق بیولیچینگ را داراست. در این زمینه، تقریباً ما در کشور حرف اول را می‌زنیم. مجموعه شرکت ملی مس در ۷ ماه ابتدای امسال بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان فروش داشته است که تقریباً معادل فروش کل سال گذشته آن است و قسمت عمده و اعظم این تولید در استان کرمان صورت گرفته است.

در دسته صنایع بزرگ، گروه چهارم، تولید لاستیک است که رتبه اول کشور را به خود اختصاص داده است. همچنین واحدهای تولید کاشی و سرامیک و تولید سیمان استان از صنایع بزرگ محسوب می‌شوند، در این گروه ۷ واحد در شهرستان‌های رفسنجان و کرمان مشغول به فعالیت هستند. موارد فوق

## < امین غفاری‌نژاد

معاون امور صنایع سازمان صنعت، معدن و تجارت شمال استان کرمان



## وضعیت صنعت استان

ابتدا به این موضوع می‌پردازم که وضعیت موجود صنعت استان در گروه‌های مختلف به چه ترتیب است و چه نقاط قوتی در صنایع استان داریم. مطابق یک تقسیم‌بندی کلی بر مبنای میزان سرمایه‌گذاری و اشتغال می‌توان سه‌طبقه بزرگ، متوسط و کوچک را برای صنایع استان قائل شد. در مورد صنایع بزرگ به‌طور مشخص، چند گروه خاص باعث شده که این صنایع در استان پای بگیرند و براساس آن، اشتغال و سرمایه‌گذاری را در خود به وجود آورند. گروه اول که در منطقه ویژه اقتصادی بم رخ داده، صنعت خودروسازی و صنایع جانبی مربوط به آن است که قطب خودروسازی را در استان کرمان ایجاد کرده است. شش واحد صنعتی خودروساز کرمان با ظرفیت اسمی حدود ۲۰۰ هزار دستگاه خودرو در این منطقه سرمایه‌گذاری شده و از لحاظ حجم تولید خودرو، رتبه اول بخش خصوصی و رتبه سوم بعد از ایران‌خودرو و سایپا را کسب نموده است.

گروه دوم در خصوص زنجیره فولاد استان است که وجود مزیت نسبی سنگ‌آهن در سیرجان و زرنند باعث ایجاد این زنجیره شده و درنهایت درصدد هستیم تا طی چند سال آینده به تولید ۱۰ میلیون تن شمش در این زنجیره برسیم. خوشبختانه بخش زیادی از این سرمایه‌گذاری‌ها در استان به نتیجه رسیده و در حال حاضر در زمینه‌ی تولید کنسانتره سنگ‌آهن در استان نزدیک به ۲۸ میلیون تن ظرفیت تولید در شهرستان‌های سیرجان و زرنند در کارخانه‌های ذیل گل‌گهر و



### وضعیت تولید در بخش صنعت استان

اما در مورد وضعیت تولید در بخش صنعت استان، می‌توان گفت که در حوزه صنایع بزرگ در زنجیره فولاد خوشبختانه واحدهای تولیدکننده کنسانتره، گندله و آهن اسفنجی نسبت به سال قبل افزایش تولید داشته‌اند و تعداد واحدهای جدید زیادی راه افتاده‌اند و این زنجیره تقریباً رشد خوبی نسبت به سال قبل داشته است. البته به دلیل نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در این زنجیره شاید فعلاً امکان توسعه واحدهای جدید به جزء طرح‌هایی که در دست اجرا داریم، میسر نباشد؛ البته به استثناء انتهای خط که شمش تولید می‌شود. در زنجیره‌ی مس خوشبختانه با سرمایه‌گذاری‌های خوبی که در مجموعه شرکت ملی مس در سرچشمه و در شهرباک صورت گرفته بازهم افزایش تولید کنسانتره مس و همچنین انواع کاتد مس را شاهد هستیم، نسبت به سال قبل میزان تولید در این زمینه افزایش داشته، به‌طور مشخص در شهرباک تولید انواع لوله‌ها و کاتد مسی راه‌اندازی شده و این زنجیره بسیار موفق در استان شکل گرفته است، اما در صنعت لاستیک متأسفانه به دلیل محدودیت‌هایی که در بحث تحریم‌ها بر کشور تحمیل شده است، تأمین برخی از مواد اولیه کائوچو و واردات برخی مواد اولیه محدود بوده است، در نتیجه در ۶ ماه ابتدای سال نسبت به مدت مشابه سال قبل میزان تولید لاستیک با افت تقریبی ۸ درصدی روبه‌رو بوده است. امیدواریم به‌زودی مشکل تأمین مواد اولیه رفع شود و بازهم لاستیک استان بتواند در کشور حرف اول را بزند، اما در مورد صنعت خودروسازی و قطعه‌سازی که از سرمایه‌گذاری‌های کلان استان می‌باشند متأسفانه امسال افت تولید بسیار شدیدی را شاهد هستیم. در ۶ ماه ابتدای سال، حدود ۱۵ هزار دستگاه در منطقه تولید شده که تقریباً یک‌سوم مدت مشابه سال قبل بوده است. در صورت ادامه این روند در صنعت خودروسازی استان و صنایع جانبی آن، احتمال تعدیل بالغ‌بر ۱۰ هزار نفر نیروی انسانی متخصص در این صنعت کم نیست. این صنعت برای تأمین منابع نقدینگی به حمایت جدی دولت و خصوصاً سیستم بانکی نیاز دارد. به‌طور مشخص رقمی بالغ‌بر ۳ هزار میلیارد تومان نیاز است تا بتوانیم به ظرفیت تولید سال قبل استان که حدود ۱۲۰ هزار دستگاه خودرو در سال بوده برسیم. در گروه صنایع متوسط تقریباً مشکل تولید نداریم. صنایع متوسط توانسته‌اند به‌خوبی رنج تولید سال قبل را تولید کنند. به‌عنوان مثال درزمینه‌ی انواع فرش ماشینی یک واحد فعال داریم که به دلیل نو سازی و استفاده از ماشین‌آلات روز در تولید فرش ماشینی نسبت به سال قبل حدود ۱۰۰ درصد رشد و در مورد تولید انواع موکت نیز بالغ‌بر ۱۰۰ درصد تولید داشته است. همچنین درزمینه‌ی تولید کاشی و سرامیک تقریباً معادل سال قبل رقمی نزدیک ۱۴ میلیون مترمربع کاشی و سرامیک تولید شده است. به‌علاوه در زمینه تولید انواع لوله و اتصالات پلی‌اتیلن در ۶ ماهه نخست سال تقریباً ۲۶ هزار تن

مجموعه صنایع بزرگ استان را تشکیل می‌دهند. بعد از طبقه بزرگ، صنایع متوسط استان قرار دارند که وجود این صنایع نیز یکی از نقاط قوت استان است. ازجمله این صنایع، صنایع ماشین‌سازی کشاورزی است. این صنایع تولیدکننده ادوات کشاورزی و برخی از تجهیزات و ماشین‌آلات واحدهای بزرگ می‌باشند. در کنار این صنایع، واحدهایی به وجود آمده‌اند که توان تولید قطعات صنعتی را دارند. به‌طوری که می‌توان گفت اکثراً تولید قطعات صنعتی در استان در صنایع متوسط انجام می‌شود. در گروه صنایع متوسط، همچنین واحدهای تولید لوله و اتصالات پلی‌اتیلن در استان مطرح هستند، حدود ۴۰ واحد در این زمینه با تولید نایلون، نایلکس، لوله و اتصالات پلی‌اتیلن ایجاد شده است که بسیار موفق بوده و به‌نوعی کرمان را قطب تولید لوله کشور کرده‌اند. همچنین در صنایع متوسط می‌توانیم از واحدهای تولید سیم، کابل و فیبر نوری نام ببریم که اتفاقاً از واحدهای ممتاز استان نیز می‌باشند. به‌طور کلی واحدهای صنعتی در دو طبقه بزرگ و متوسط در استان، واحدهای موفقی هستند و از نقاط قوت تولید استان محسوب می‌شوند. ذیل این صنایع تعدادی واحدهای کوچک با کمتر از ۵۰ نفر کارکن ایجاد شده است که این واحدها در زمینه‌های مختلف ازجمله صنایع غذایی، صنایع شیمیایی و کانی غیرفلزی فعالیت دارند و تعدادی از آن‌ها موفق هستند و به نوبه خود در سطح کشور مطرح می‌باشند.

سؤال اینجا مطرح می‌شود که چرا در برخی از صنایع پیشرفت نکرده‌ایم و حتی به‌نوعی عقب‌افتادگی صنعتی داشته‌ایم؟ دلیل عمده مربوط به عدم ارتباط واحدهای بزرگ و کوچک استان است که متأسفانه علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در صنایع مادر استان شده است، این ارتباط بین واحدهای کوچک و بزرگ برقرار نشده و نیاز واحدها در این بخش از استان‌های دیگر تأمین می‌شود. در این زمینه می‌توانیم با ایجاد ارتباط نزدیک بین مجموعه‌های بزرگ و کوچک بخشی از بازار واحدهای کوچک را مخصوصاً در زمینه‌های اقلام خوراکی، اقلام مصرفی، قطعات صنعتی و تجهیزات برق الکترونیکی در استان تأمین کنیم که باعث رونق کسب‌وکار کوچک استان خواهد شد.





را ایجاد کرد، همچنین انواع ماشین‌کاری قطعات صنعتی بزرگ می‌تواند در اولویت کاری واحدهای صنعتی کوچک ما باشد که کارهای ماشین‌کاری را برای واحدهای بزرگ انجام دهند. به‌طور مشخص حوزه صنایع پایین‌دستی مس و فولاد و آلومینیوم در استان می‌تواند ظرفیت بالای سرمایه‌گذاری برای صنایع کوچک و متوسط استان باشد. در حال حاضر در صنعت مس در مجموعه مس شهید باهنر کرمان محصولات میانی این زنجیره تولید می‌شود، اما محصولات نهایی که از آلیاژهای مسی تولید می‌شود متأسفانه در استان تولید نمی‌شود. بالغ‌بر ۸۰ تا ۹۰ درصد از ظروف مسی از استان‌های دیگر وارد کرمان می‌شود درحالی‌که به‌راحتی می‌توان با سرمایه‌گذاری‌های کوچک، تولید مصنوعات مسی در استان را رونق و توسعه داد. همچنین در زمینه صنایع پایین‌دستی آلومینیوم، ورق در ضخامت‌های مختلف و مقاطع آلومینیوم را تولید می‌کنیم. صنایع پایین‌دستی به‌طور مشخص در استان می‌تواند موردنظر سرمایه‌گذاران صنایع کوچک و متوسط قرار بگیرد. همچنین این مسئله مهم است که زنجیره فولاد استان در مرحله تولید شمش قطع می‌شود درحالی‌که تولید محصولات فولادی مثل ورق می‌تواند فرصت مناسبی برای سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و متوسط در استان باشد. یک سؤال اینجا مطرح می‌شود که چرا در برخی از صنایع پیشرفت نکرده‌ایم و حتی به‌نوعی عقب‌افتادگی صنعتی داشته‌ایم؟ دلیل عمده مربوط به عدم ارتباط واحدهای بزرگ و کوچک استان است که متأسفانه علی‌رغم سرمایه‌گذاری‌های کلانی که در صنایع مادر استان شده است، این ارتباط بین واحدهای کوچک و بزرگ برقرار نشده و نیاز واحدها در این بخش از استان‌های دیگر تأمین می‌شود. در این زمینه می‌توانیم با ایجاد ارتباط نزدیک بین مجموعه‌های بزرگ و کوچک بخشی از بازار واحدهای کوچک را مخصوصاً در زمینه‌های اقلام خوراکی، اقلام مصرفی، قطعات صنعتی و تجهیزات برق الکترونیکی در استان تأمین کنیم که باعث رونق کسب‌وکار کوچک استان خواهد شد. ●

بوده که ۲۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشتیم، اما در تولید روغن نباتی متأسفانه دو واحد بزرگ استان در شهرستان‌های کرمان و سیرجان به دلیل کمبود نقدینگی در تأمین روغن خام دچار مشکل شدید شده‌اند که مشارکت بخش خصوصی در تأمین نقدینگی را می‌طلبد؛ چراکه امکان تولید روغن خام در استان برای رسیدن به ظرفیت‌های بسیار بالا را داریم.

درزمینه‌ی تولید سیمان سه کارخانه در استان فعال هستند که سال قبل یک‌میلیون تن تولید داشته‌اند، در این حوزه نسبت به سال قبل کاهش تولید نداشته‌ایم. به‌طور کلی دلیل اصلی کاهش شدید تولید در صنایع به مشکلات تأمین مواد خام ناشی از عدم تأمین نقدینگی لازم و یا وجود تحریم‌های بین‌المللی برمی‌گردد؛ ازجمله این موارد می‌توان به تولید لوازم‌خانگی، تلویزیون و یخچال اشاره کرد. به‌طوری‌که در ۶ ماه اول امسال در استان حدود ۴۰ هزار دستگاه تلویزیون به میزان ۳۰ درصد مدت مشابه سال قبل تولید داشته‌ایم، همچنین تولید یخچال در استان حدود ۷ هزار دستگاه بوده که ۱۰ درصد کمتر از تولید سال قبل است.

در خصوص سرمایه‌گذاری در صنایعی که با توجه به توانمندی و مزیت‌های موجود در استان بتواند در آینده کرمان را به‌عنوان شاخص در کشور مطرح کند، پیشنهاد بنده صنایع پایین‌دستی و تأمین‌کننده نیازمندی‌های بنگاه‌های بزرگ استان است. چراکه در حال حاضر بخش زیادی از این نیازها چه در زمینه مواد اولیه و چه در زمینه تهیه و پشتیبانی خطوط تولید، خارج از استان و از طریق استان‌های صنعتی کشور ازجمله اصفهان تأمین می‌شود؛ مثال مشخص آن، تولید گلوله‌های چدنی به شکل قطعات صنعتی ریخته‌گری شده با تناژ بالا است که از خارج از استان تأمین می‌شود. در این زمینه می‌توان برای ایجاد واحدهای صنعتی تولیدکننده انواع گلوله‌های چدنی و فولادی سرمایه‌گذاری کرد. به‌طور کلی قطعه‌سازی‌ها باید در استان پای بگیرد. می‌توان واحدهای ریخته‌گری با مقیاس بالای یک، دو یا سه تن



گفت‌وگو با «عماد جمعه‌زاده»  
رئیس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان

# نسل جدیدی از کارآفرینان در حال تولد است

در سال ۱۳۹۷ به‌طور متوسط هر کیلو کالای صادره از گمرکات کرمان فقط ۵۳ سنت یعنی حدود ۶۰۰۰ تومان ارزش مالی داشته است که نشان‌دهنده این است که از سطح تکنولوژی و پیچیدگی بالایی برخوردار نمی‌باشد. عماد جمعه‌زاده رئیس انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان در گفت‌وگو با ما ضمن عنوان این مسئله یادآور می‌شود که برخلاف وجود مراکز آموزش عالی زیاد در کشور، مهارت و تخصص لازم در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای ورود به عرصه تولید محصولات با تکنولوژی متوسط و بالا دیده نمی‌شود، اگرچه او وجود حدود ۱۶۰ هزار دانشجو در استان کرمان را یکی از بزرگ‌ترین ظرفیت‌های بالقوه برای شروع کسب‌وکارهای فناورانه در استان می‌داند. وی استارت‌آپ‌هایی را موفق می‌داند که در فضای موجود و سنتی اقتصاد بتوانند برای محصول خود بازار جدید نیز کسب نمایند. محصولات یا خدمات این‌گونه شرکت‌ها، فناورانه و نوآورانه است و در یک جامعه مبتنی بر دانش که نوآوری محرک اصلی توسعه اقتصادی است به خوبی می‌تواند رشد نماید. وی با اشاره به چالش‌های فرا راه تجاری‌سازی ایده‌ها و اختراعات حوزه دانشی و فناوری می‌گوید: شکل‌گیری اکوسیستم فناوری در استان کرمان مهم‌ترین آرزوی انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان است. شما را دعوت می‌کنیم به مطالعه این گفت‌وگو.



مراکز آموزش عالی زیاد در کشور، مهارت و تخصص لازم در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی برای ورود به تولید محصولات با تکنولوژی متوسط به بالا دیده نمی‌شود. همچنین عدم آشنایی صاحبان ایده‌های نوآور با محیط و فضای کسب‌وکار از دیگر مشکلات خاص شرکت‌های تولیدی فناوری است.

### چرا مهاجرت یک گزینه جدی برای بسیاری از نخبگان کشور است؟ در این باره چه تحلیلی از وضعیت استان دارید؟

هر فردی برای پیشرفت، رفاه بیشتر و آینده‌ای بهتر تصمیماتی در زندگی می‌گیرد که مهاجرت و تغییر محل زندگی و کار یکی از گزینه‌های آن محسوب می‌شود. در واقع مهاجرتی که براساس یکی از این سه مؤلفه باشد برای فرد، تصمیمی منطقی به نظر می‌رسد. بدیهی است مهاجرت در افراد نخبه یا بهتر است بگوییم افرادی با قابلیت و استعداد تغییر و اثرگذاری، قاعدتاً بیشتر از متوسط جامعه است. اگر در محیطی مهاجرت افراد اثرگذار بیشتر باشد، نشان‌دهنده عدم وجود بستر مناسب برای رشد و بهره‌وری از استعداد آن‌ها در آن محیط است.

مهاجرت داخلی یا بین استانی یکی از مواردی است که در میان استعدادهای برتر استان کرمان دیده می‌شود. البته آمار دقیقی در این زمینه وجود ندارد ولی ۲ سال قبل حدود ۶۵ درصد افراد تحت پوشش بنیاد نخبگان کرمان در خارج از کرمان مستقر بودند که نشان‌دهنده مهاجرت بالای افراد دارای قابلیت تأثیرگذاری در استان است. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این مهاجرت در بین این قشر امید به پیشرفت مورد نظر پس از تغییر محل کار و زندگی است. با این تحلیل به نظر می‌رسد اگر امکان بالا بردن

### سطح دانش مولد در اقتصاد صنعتی استان کرمان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

شاید یکی از بهترین معیارهایی که می‌توان سطح دانش مولد در یک منطقه را ارزیابی نمود از طریق محصولات تولید شده در آن منطقه است، چه از لحاظ تنوع و چه از لحاظ سطح تکنولوژی؛ چون می‌توان این فرض را کرد که اگر محصولی در جایی تولید می‌شود پس آن منطقه دانش و مهارت مورد نیاز برای تولید آن را دارد. در مورد سطح دانش مولد در اقتصاد صنعتی استان کرمان می‌توان به صورت کیفی، سطح دانش مولد را از لحاظ تنوع، مناسب و از لحاظ سطح تکنولوژی و فراگیری آن در وضعیت پایین برآورد کرد. در استان کرمان انواع محصولات از قبیل سنگ و کانی‌های معدنی، میوه و صیفی‌جات، فرش و گلیم، خشکبار، محصولات شیمیایی و پلاستیکی و ... تولید می‌گردد که نشان‌دهنده تنوع مناسب محصولات و در نتیجه تنوع دانش است، اما از لحاظ فراگیری و سطح تکنولوژی متأسفانه در وضعیت مناسبی نیستیم.

اگر بخواهیم به صورت کمی به این مسئله نگاه کنیم، می‌توانیم ارزش صادراتی محصولات استان کرمان را مثال بزنیم. در سال ۱۳۹۷ از محل گمرک استان حدود یک میلیون و پانصد و سی تن محصول به ارزش تقریبی ۸۱۰ میلیون دلار صادر شده است، یعنی هر کیلو صادرات محصولات کرمانی فقط ۵۳ سنت (نزدیک به ۶،۰۰۰ تومان) ارزش مالی داشته است با توجه به این می‌توان نتیجه گرفت که میانگین محصولاتی که هر کیلو آن حدود ۶،۰۰۰ تومان ارزش داشته باشد قطعاً از سطح تکنولوژی بالایی برخوردار نمی‌باشد. کالاهایی ساده و به اصطلاح فراگیر می‌باشند. محصولات فراگیر یا نیاز به تلاش چندانی ندارند و یا اگر داشته باشند توسط بسیاری قابلیت تولید دارند، لذا به دلیل عدم پیچیدگی، قدرت رقابتشان نیز پایین است؛ بنابراین به طور خلاصه می‌توان گفت سطح دانش مولد در اقتصاد صنعتی استان متنوع ولی فراگیر است.

### مهم‌ترین مشکلات در شناسایی و تولید محصولات با پیچیدگی بالا در کشورمان چیست؟

تولید محصول با تکنولوژی متوسط به بالا نیازمند تحقیق و توسعه جهت کسب دانش فنی می‌باشد که این فرایند توسط نیروی انسانی متخصص انجام می‌گیرد. همچنین در تمامی مراحل توسعه این‌گونه محصولات، فرایند تحقیق و توسعه از ملزومات اساسی می‌باشد. بنابراین یکی از ارکان مهم تولید محصولات با پیچیدگی بالا، نیروی انسانی متخصص و با مهارت است که با کسب دانش فنی امکان تجاری‌سازی در حوزه‌های به اصطلاح high tec را فراهم می‌نماید. در واقع نیروی انسانی در شرکت‌های تولیدی با تکنولوژی بالا به عنوان سرمایه در نظر گرفته می‌شوند و به همین جهت بهتر است از کلمه سرمایه انسانی استفاده نماییم. متأسفانه علیرغم وجود





است تا بسیاری از اجزا و ارکان اکوسیستم فناوری به صورت صحیح و متناسب وظایف خود را انجام دهند. در واقع جوانان خلاق، تحصیل کرده و پرانرژی از پتانسیل‌های بالقوه هر منطقه‌ای در عرصه‌های دانش‌بنیان می‌باشند.

#### در مورد بازار محصولات استارت آپ ها در کشور و نیز در استان کرمان توضیح دهید.

استارت آپ ها شرکت‌های نوپای مبتنی بر فناوری می‌باشند که برای حل یک مشکل از ایده‌های نوآورانه استفاده کرده‌اند. پس محصول یا خدمت این‌گونه شرکت‌ها، فناورانه و نوآورانه است و در یک جامعه مبتنی بر دانش که نوآوری محرک اصلی توسعه اقتصادی است به خوبی می‌توانند رشد نمایند. به دلیل این‌که اقتصاد استان در بسیاری از زمینه‌ها نظیر صنعت، معدن و کشاورزی دارای ساختار سنتی و در برخی از زمینه‌ها وارداتی است بنابراین بازار محصول یا خدمت فناورانه دارای محدودیت‌های زیادی می‌باشد. در این نوع جوامع، استارت آپ هایی موفق می‌باشند که برای محصول خود ایجاد بازار جدید نیز بنمایند. به عبارت دیگر در جوامع سنتی استارت آپ‌ها لازم است که نیاز را برای مشتریان خود تعریف و تبیین نمایند.

#### تجاری‌سازی دغدغه بسیار مهم بنگاه‌های دانش مایه و فناورانه است؛ چالش‌های فرا راه تجاری‌سازی ایده‌ها و اختراعات این حوزه چه هستند؟

به‌طور کلی قوانین و مقررات، عدم ثبات سیاسی، اندازه بازار، منابع انسانی، ساختار سازمانی و تأمین منابع مالی، چالش‌های جدی هستند که شرکت‌های دانش‌بنیان در تجاری‌سازی محصولات خود با آن‌ها روبرو هستند.

#### استان کرمان در حمایت جدی از شرکت‌های دانش‌بنیان چگونه عمل کرده است؟

حد رشد و توسعه کاری در استان به وجود آید قطعاً می‌تواند به کاهش آمار مهاجرت منجر گردد.

#### در استان کرمان وضعیت بالقوه و بالفعل تولید در عرصه‌های دانش‌بنیان چگونه است؟

از نظر بنده وجود حدود ۱۶۰ هزار دانشجو در استان، یکی از بزرگ‌ترین پتانسیل‌های بالقوه برای شروع کسب‌وکارهای فناورانه در استان است که به‌منظور به فعلیت رسیدن آن نیاز

شاید یکی از بهترین معیارهایی که می‌توان سطح دانش مولد در یک منطقه را ارزیابی نمود از طریق محصولات تولیدشده در آن منطقه است... در مورد سطح دانش مولد در اقتصاد صنعتی استان کرمان می‌توان به صورت کیفی، سطح دانش مولد را از لحاظ تنوع، مناسب و از لحاظ سطح تکنولوژی و فراگیری آن در وضعیت پایین برآورد کرد. در استان کرمان انواع محصولات از قبیل سنگ و کانی‌های معدنی، میوه و صیفی جات، فرش و گلیم، خشکبار، محصولات شیمیایی و پلاستیکی و... تولید می‌گردد که نشان دهنده تنوع مناسب محصولات و در نتیجه تنوع دانش است، اما از لحاظ فراگیری و سطح تکنولوژی متأسفانه در وضعیت مناسبی نیستیم.



استارت‌آپ‌ها شرکت‌های نوپای مبتنی بر فناوری می‌باشند که برای حل یک مشکل از ایده‌های نوآورانه استفاده کرده‌اند. پس محصول یا خدمت این‌گونه شرکت‌ها، فناورانه و نوآورانه است و در یک جامعه مبتنی بر دانش که نوآوری محرک اصلی توسعه اقتصادی است به خوبی می‌توانند رشد نمایند. به دلیل این‌که اقتصاد استان در بسیاری از زمینه‌ها نظیر صنعت، معدن و کشاورزی دارای ساختار سنتی و در برخی از زمینه‌ها وارداتی است بنابراین بازار محصول یا خدمت فناورانه دارای محدودیت‌های زیادی می‌باشد. در این نوع جوامع، استارت‌آپ‌هایی موفق می‌باشند که برای محصول خود ایجاد بازار جدید نیز نمایند. به عبارت دیگر در جوامع سنتی استارت‌آپ‌ها لازم است که نیاز را برای مشتریان خود تعریف و تبیین نمایند.

- ایجاد شبکه ارتباطی جهت امریه فارغ‌التحصیلان دانشگاهی استان در شرکت‌های دانش‌بنیان،
- انجام مراحل ثبت‌نام و کسب مجوز دانش‌بنیان برای شرکت‌های فناور،
- برگزاری دوره‌های آموزشی و توانمندسازی سازمانی شرکت‌های فناور،
- ایجاد بانک اطلاعاتی از شرکت‌های دانش‌بنیان استان،
- ایجاد شبکه اطلاع‌رسانی،
- تلاش برای استفاده حداکثری از کلیه قوانین، معافیت‌ها و تسهیلات مالی، مالیاتی، بیمه‌ای و ...
- ایجاد شبکه ارتباطی جهت مشاوره کسب‌وکار در زمینه‌های مختلف.

### و سخن آخر؟

آیندهی اقتصاد استان و کشور در گرو رشد همکاری‌ها و توسعه زیرساخت‌ها و حمایت مداوم و جدی است. بزرگ‌ترین سرمایه استان، جوانان خلاق و تحصیل‌کرده و پرانرژی و دلسوز هستند و فرمان اقتصاد باید به دست آن‌ها سپرده شود. ان‌شاءالله در آینده‌ای نزدیک شرکت‌های دانش‌بنیان جزو بزرگ‌ترین شرکت‌های کشور خواهند شد و تمامی شرکت‌های حوزه صنایع معدنی، پتروشیمی‌ها و صنایع فولاد را پشت سر خواهند گذاشت. نسل جدیدی از کارآفرینان در حال تولد است و به‌زودی این کارآفرینان محیط کسب‌وکار استان و ایران را متحول می‌کنند. ●

با نگاهی به آمار کمی و کیفی می‌توان گفت که استان کرمان در این زمینه عملکرد متوسطی داشته است. به‌طور مثال از نظر تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان، استان کرمان رده یازدهم کشور را داراست که با توجه به پتانسیل‌های این استان مسیر زیادی تا حد مورد انتظار وجود دارد. خوشبختانه در یکی دو سال گذشته همگرایی مؤثرتری بین ارکان اصلی اکوسیستم در استان کرمان شکل گرفته که در صورت ادامه‌دار بودن آن می‌توان امید داشت در آینده‌ای نزدیک شاهد توسعه شرکت‌های دانش‌بنیان در استان باشیم.

### مهم‌ترین آرزوی انجمن شرکت‌های دانش‌بنیان استان کرمان به‌عنوان برآیند آرزوهای منطقی مدیران این نگاه‌ها چیست؟

یکی از مهم‌ترین آرزوهای انجمن، شکل‌گیری اکوسیستم فناوری در استان کرمان است. اعتقاد ما این است که در صورتی که تمامی اجزاء اکوسیستم فناوری نظیر دانشگاه‌ها، مراکز رشد، صندوق‌های جسورانه، شتاب‌دهنده‌ها و... به‌صورت دقیق وظایف خود را انجام دهند و ارتباط مؤثری با یکدیگر داشته باشند می‌توان شاهد رشد فناوری و توسعه کسب‌وکارهای خلاقانه بود که این امر با سیاست‌گذاری درست اتفاق می‌افتد؛ سیاست‌گذاری که لزوماً دسترسی به منابع مالی را عامل شکوفایی شرکت‌ها نداند بلکه قرارگیری در محیط کسب‌وکار و ایجاد بستر لازم را عامل رشد بداند. محیط و نظام کسب‌وکار مناسب باعث می‌شود که یک جوان صاحب ایده بتواند به‌راحتی یک کسب‌وکار فناورانه تأسیس کند. محیطی که شتاب‌دهنده‌ها، سرمایه‌گذاران خطرپذیر، فرشته‌های سرمایه‌گذاری، در کنار قوانین و ضوابط محکم و حمایت‌کننده به کمک استارت‌آپ‌های خلاق و جوانان نوآور بیایند تا محصولات قابل‌رقابت را تولید و عرضه کنند. محیط و نظامی که در آن بزرگ‌ترین ارزش کارآفرینی است.

### فرمایید که تاکنون انجمن موجب چه تحولات چشم‌گیری در فضای فعالیت‌های اقتصادی دانش‌بنیان بوده و برای آینده چه برنامه‌هایی پی‌ریزی کرده‌است؟

انجمن از ابتدای تأسیس دو استراتژی را برای کار خود تعیین کرده است:

- ۱- تلاش جهت استقرار اکوسیستم فناوری در استان،
  - ۲- توانمندسازی داخل سازمانی شرکت‌های فناور.
- جهت اطلاع کارهای صورت گرفته انجمن در دو سال گذشته به این شرح است که برخی از آن‌ها باعث ایجاد تحولات مهمی در استان شده است:
- سرمایه‌گذاری و تأسیس صندوق پژوهش و فناوری غیردولتی در کرمان،
  - همکاری جهت کسب مجوز کارگزاری و شتاب‌دهی نوآوری در استان،



گفت‌وگو با «مجید کهنوجی»  
مدیرعامل منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان

# منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، به دنبال پویایی در تولید و تجارت

به نظر شما لازمه ایجاد یک منطقه ویژه اقتصادی چیست؟

ایجاد منطقه ویژه اقتصادی مستلزم داشتن امکانات و زیرساخت‌هایی است که برخی از این زیرساخت‌ها مربوط به موقعیت جغرافیایی محل موردنظر و هم‌جواری یا نزدیکی به مراکز صنعتی و تولیدی، راه‌های ارتباطی، مزیت‌های نسبی برای ایجاد برخی صنایع است و برخی دیگر در محدوده احداث منطقه ویژه اقتصادی توسط سازمان مسئول باید احداث شود. گروه دوم شامل راه‌های دسترسی، محدوده حصارکشی شده، آب، برق، گاز و ... است. البته وجود دسته اول از شرایط و امکانات ابتدا در قالب طرح‌های مطالعاتی بررسی می‌شود که در صورت

مجید کهنوجی در گفت‌وگو با ما، با برشمردن مزیت‌های مناطق ویژه اقتصادی در تولید و تجارت، از ایجاد این منطقه ویژه اقتصادی براساس مطالعات مفصل که نشان‌دهنده وجود منطق اقتصادی در این اقدام است یاد می‌کند و می‌گوید با توجه به این‌که هدف اصلی از تشکیل مناطق ویژه اقتصادی، فراهم آوردن شرایط ویژه و زیرساخت‌های لازم برای تحرک در اقتصاد منطقه‌ای، تولید و پردازش کالاها، برقراری ارتباط بین‌المللی و انتقال فناوری است، سازمان مسئول منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان تلاش می‌کند تا زمین و زیرساخت‌های لازم را با قیمت مناسب در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد. مشروح این گفت‌وگو در ادامه قابل ملاحظه است.



### برنامه راهبردی منطقه ویژه در زمینه تولید و تجارت چیست؟

با توجه به این که حمایت و پشتیبانی از فعالیت‌های اقتصادی هدف اصلی از تشکیل مناطق ویژه است و لازمه آن وجود شرایطی که گفته شد و زیرساخت‌های لازم و همچنین برقراری ارتباط تجاری بین‌المللی و تحرک در اقتصاد منطقه‌ای و تولید و پردازش کالاها و انتقال فناوری است، سازمان مسئول منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان تلاش می‌کند در فاز دوم اجرایی منطقه ویژه نیز مانند فاز اول زمین و زیرساخت‌های لازم را باقیمتی مناسب در اختیار سرمایه‌گذاران و متقاضیان قرار دهد.

### درباره تعداد و ترکیب بنگاه‌های مستقر در منطقه اعم از تولیدی، تجاری و خدماتی و برنامه‌های حمایتی از آن‌ها اطلاعاتی را ارائه نمایید. اصولاً در منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان برای تحقق اهداف، چه زیرساخت‌ها و چه امتیازاتی در تولید و تجارت به‌ویژه صادرات فراهم است؟

در بخش اول اطلاعاتم اندک است. بخش دوم سؤال؛ با در نظر گرفتن مشوق‌ها در عوارض گمرکی، معافیت‌های مالیاتی، آزادی مشارکت در سرمایه‌گذاری برای اتباع داخلی و خارجی، صادرات و واردات بدون تشریفات گمرکی از مزایای فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی در منطقه ویژه اقتصادی به شمار می‌رود که باوجود استقرار گمرک رفسنجان و وجود انبار و زیرساخت‌های لازم موردتوجه و استقبال خوبی هم قرار گرفته است.

### در مورد مشکلات و چالش‌های مبتلابه منطقه ویژه و راه‌های برون‌رفت از آن‌ها چه توضیحات و پیشنهادهایی ارائه می‌نمایید؟

تأیید وجود این شرایط و تصویب تشکیل منطقه ویژه اقتصادی، زیرساخت‌های لازم توسط سازمان مسئول منطقه ویژه اقتصادی تهیه می‌شود.

### منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، منطقه‌ای نوپاست. این منطقه با چه الگویی و با رعایت چه پیش‌نیازهایی ایجاد شده است؟ ایجاد این منطقه ویژه تا چه اندازه برخوردار از منطق اقتصادی است؟

منطق ایجاد منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان ناشی از مطالعاتی است که به‌صورت مفصل در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ از طریق گروه مهندسی مشاور انجام شده است. چون وجود قوانین خاص اداره مناطق ویژه اقتصادی و امکانات و معافیت‌هایی مانند معافیت‌های مالیاتی، گمرکی و ... ریسک فعالیت اقتصادی در این مناطق را به‌شدت کاهش می‌دهد. طی مطالعات انجام شده محدوده جغرافیایی فعلی به لحاظ ساختار جغرافیایی، مسائل زیست‌محیطی، هم‌جواری با معادن مس و فولاد و آهن و ... امکان دسترسی به راه‌های ارتباطی جاده‌ای و ریلی و هوایی و ... حائز شرایط تشکیل منطقه ویژه اقتصادی تشخیص داده شده است که تصویب و راه‌اندازی منطقه تا حدود زیادی مؤید درستی مطالعات انجام شده باشد.

### در مورد ویژگی‌های منطقه ویژه اقتصادی توضیح دهید؟

ویژگی اصلی منطقه ویژه اقتصادی را شاید این‌گونه بتوان توضیح داد که زیرساخت‌های موجود در مناطق ویژه اقتصادی به‌گونه‌ای طراحی شده که سرمایه‌گذار دسترسی به انواع زیرساخت‌های لازم نظیر منابع آب و انرژی با قیمت مناسب داشته باشد، به‌بیان‌دیگر سرمایه‌گذار مسیر به‌مراتب راحت‌تری برای دریافت برق صنعتی، سیستم فاضلاب مناسب یا منابع آب و ... خواهد داشت و علاوه بر این واردات تجهیزات با تعرفه گمرکی پایین میسر است. سرمایه‌گذار می‌تواند تجهیزات خود را با معافیت‌های مناسب گمرکی و مالیاتی وارد منطقه ویژه اقتصادی کند. در این مکان سرمایه‌گذار هم امکان صادرات محصولات خود به خارج کشور را دارد هم واردات به داخل کشور؛ البته باید در نظر داشت خروج هر کالایی از منطقه ویژه اقتصادی به داخل مرز کشور همانند سایر کالاهای وارداتی مشمول اخذ هزینه‌های گمرکی خواهد شد، اما این کانال هم مزیت‌های خاص خود را دارد. زمانی که سرمایه‌گذار تجهیزات و مواد اولیه خود را با تعرفه‌های پایین گمرکی وارد می‌کند از مزایای این مجرا برخوردار است، حال وقتی قصد واردکردن محصول تولیدی خود به داخل مرز کشور را دارد متناسب با ارزش‌افزوده‌ای که در کالا ایجاد کرده است بازهم می‌تواند از معافیت‌های گمرکی و مالیاتی برخوردار شود. همان‌طور که می‌بینید منطقه ویژه اقتصادی هم امکان صادرات محصولات به خارج کشور را فراهم می‌کند، هم موجب بهبود وضعیت محصولات وارداتی و صنایع مربوط به آن می‌شود.

○ شما می‌خواهید چه کار مهمی انجام دهید که مانند بیشتر مناطق ویژه اقتصادی متقدم، حالت انبار پیدا نکنید، بلکه توسعه تولید و تجارت رقابتی و پایدار را در منطقه رقم بزنید؟

از اولین سیاست‌های اجرایی و مدیریتی منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان، تأکید بر حمایت از تولید و اشتغال بوده است. ما در قراردادهای واگذاری زمین به گونه‌ای عمل کرده‌ایم که اراضی منطقه ویژه به کالای سرمایه‌ای تبدیل نشود و صرفاً تولیدکنندگان به مجموعه فعالان منطقه ویژه اضافه شوند. در همین راستا بارها افراد و شرکت‌هایی که قصد یا توان راه‌اندازی فعالیت تجاری و تولیدی نداشته‌اند با استفاده از شروط قراردادی از مجموعه منطقه ویژه، خارج و به جای آن‌ها افراد توانا و علاقه‌مند جذب شده‌اند. ملاحظه وضعیت فاز اول منطقه ویژه اقتصادی به روشنی نشان می‌دهد که این منطقه از پویایی قابل قبولی در امر تولید و تجارت برخوردار است.

○ چه تحلیلی از پیامدهای ایجاد منطقه ویژه اقتصادی در رفسنجان بر اقتصاد نواحی شهری و روستایی اطراف دارد؟

ایجاد مناطق ویژه اقتصادی گامی در جهت توزیع دانش و تکنولوژی روز به نقاط مختلف کشور و بهره‌مند شدن از مزیت‌های نسبی این مناطق است. ما امروز شاهد ورود سرمایه‌های بومی به منطقه ویژه اقتصادی و ایجاد اشتغال برای جوانان بومی در منطقه ویژه اقتصادی هستیم.

○ درآمد‌های این منطقه ویژه از چه محل‌هایی تحصیل می‌شود؟

عمده درآمد منطقه ویژه اقتصادی از محل فروش زمین و کم‌کها و مساعدت‌های سهامداران از جمله صندوق بازنشستگی و شرکت صنایع ملی مس ایران است که البته تاکنون همه این درآمدها در راستای ایجاد زیرساخت‌ها و توسعه منطقه ویژه هزینه شده است. البته نیم در هزار از سود خالص فعالان اقتصادی نیز در قانون به‌عنوان درآمد سازمان مسئول منطقه ویژه اقتصادی پیش‌بینی شده است که ما در جهت ملاحظه سرمایه‌گذاران و پیشرفت منطقه تاکنون از دریافت آن صرف‌نظر کرده‌ایم.

○ اگر توضیحات بیشتری را لازم می‌دانید، بفرمائید.

مناطق ویژه اقتصادی مزیت‌های خوبی نظیر معافیت گمرکی تا سقف ارزش افزوده و پرداخت عوارض گمرکی مازاد بر ارزش افزوده قطعات خارجی در تولیدات، ورود ماشین‌آلات خط تولید و ابزار و اثاثیه اداری بدون عوارض گمرکی، تبعیت از قانون کار مناطق آزاد تجاری و صنعتی در مناطق ویژه، صدور مجوز ساخت و پایان کار توسط سازمان مسئول، عدم محدودیت زمانی متروکه شدن کالا و ... دارند که ما در منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان همه این ظرفیت‌ها را پای کار آورده‌ایم و از همه علاقه‌مندان و تولیدکنندگان و صنعتگران داخلی و خارجی برای بازدید از منطقه و ملاحظه شرایط و شروع سرمایه‌گذاری دعوت به عمل می‌آوریم. ●

عمده چالش فعلی منطقه ویژه اقتصادی راه‌اندازی فاز دوم ۱۸۰۰ هکتاری و پاسخگویی به نیاز سرمایه‌گذاران با طرح‌های نیازمند به زمین زیاد است، البته تأمین زیرساخت‌های فاز دوم نیز از اهم برنامه‌های این منطقه به شمار می‌رود که با همراهی هیئت محترم مدیره و حمایت‌های صندوق بازنشستگی مس و شرکت ملی صنایع مس ایران در دست اقدام است.

○ منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان تا به اینجای کار در جذب سرمایه اعم از داخلی و خارجی چگونه عمل کرده است؟

با توجه به آماری که ارائه شده زمین‌های فاز اول منطقه ویژه به مساحت ۲۰۰ هکتار با استقبال سرمایه‌گذاران رو به اتمام است. سرمایه‌گذاران فعلی مشتمل بر شرکت‌ها و اشخاص داخلی و خارجی می‌باشند که این موضوع گویای جذابیت این منطقه ویژه برای همه سرمایه‌گذاران است. منطقه ویژه چهارچوب مناسبی به‌منظور ورود و شروع به فعالیت کارآفرینان است، برای مثال اگر میانگین شهرک‌ها یک میلیون ریال به ازای هر مترمربع و مناطق ویژه کل کشور دو میلیون ریال به ازای هر مترمربع باشد این رقم در منطقه ویژه اقتصادی رفسنجان شش صد هزار ریال می‌باشد. علاوه بر این در این منطقه، اخذ پروانه کسب ساختمانی و تولید و بهره‌برداری و بررسی طرح توجیهی فنی و تخصصی، راحت‌تر از طی مراحل پریپروجکشن معمول در کشور است.

زیرساخت‌های موجود در مناطق ویژه اقتصادی به گونه‌ای طراحی شده که سرمایه‌گذار دسترسی به انواع زیرساخت‌های لازم نظیر منابع آب و انرژی با قیمت مناسب داشته باشد، به بیان دیگر سرمایه‌گذار مسیر به مراتب راحت‌تری برای دریافت برق صنعتی، سیستم فاضلاب مناسب یا منابع آب و ... خواهد داشت و علاوه بر این واردات تجهیزات با تعرفه گمرکی پایین میسر است. سرمایه‌گذار می‌تواند تجهیزات خود را با معافیت‌های مناسب گمرکی و مالیاتی وارد منطقه ویژه اقتصادی کند. در این مکان سرمایه‌گذار هم امکان صادرات محصولات خود به خارج کشور را دارد هم واردات به داخل کشور.



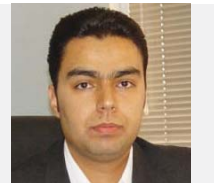
# جایگاه مراکز رشد در اقتصاد

نتیجه افزایش سریع دوره‌های آموزش عالی در کشور و شاید عدم تناسب آموخته‌های دانشگاهی با نیازهای روز بازار کار در کشور باشد. این موضوع در خلال افزایش درصد دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار در مقایسه این میزان با نرخ بیکاری در کل جامعه مشخص است. از سال ۸۴ سیر افزایش فزاینده پذیرش دانشجو در کشور آغاز شد به گونه‌ای که تعداد مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزشی در این سال حدود ۱۳۰۰ مرکز بوده که این تعداد در سال ۹۲ با افزایش بیش از دو برابری به ۲۸۰۰ مرکز (بیشتر از چین و هند و بیش از ۵ برابر متوسط در کشورهای صنعتی) افزایش یافته است. در روند تاریخی که اطلاعات آن در دسترس می‌باشد، همیشه نرخ بیکاری دانش‌آموختگان کمتر از نرخ بیکاری کلی در کشور بوده است، اما این روند در ۱۰ سال گذشته تغییر کرده و نرخ بیکاری تحصیل‌کردگان از نرخ بیکاری عمومی در کشور بیشتر است.

آمارهای موجود در ۱۰ ساله منتهی به سال ۹۲ نشان می‌دهد که در بخش صنعت اقتصاد ایران، سهم بزرگی از اشتغال در بنگاه‌های صنعتی خرد ایجاد می‌شود. این در حالی است که بیشترین سهم درآمدی به‌دست آمده در این بخش در بنگاه‌های صنعتی بزرگ حاصل می‌شود. در ساختار مورد بحث در حدود ۶۷ درصد کل اشتغال بخش صنعت در بنگاه‌های خرد ایجاد شده است، در حالی که فقط ۱۹ درصد از کل درآمد حاصل در این بخش در این بنگاه‌ها به‌دست می‌آید. برعکس، بنگاه‌های بزرگ ۱۲ درصد کل اشتغال بخش صنعتی را در اختیار دارند در حالی که ۵۳ درصد از کل درآمد صنعت در این بنگاه‌ها به وجود می‌آید. اگر به تعداد بنگاه‌های موجود در اقتصاد ایران به تفکیک اندازه آن‌ها نیز نگاه کنیم متوجه می‌شویم که بخش اعظم بنگاه‌های صنعتی کشور را بنگاه‌های کوچک و متوسط تشکیل می‌دهند. فقط ۴ درصد از کل بنگاه‌های صنعتی در ایران، جزو بنگاه‌های بزرگ دسته‌بندی می‌شوند. در ایالات متحده آمریکا بیش از چهار پنجم مشاغل جدید به‌وسیله شرکت‌های کوچک و خدماتی به وجود می‌آید و

## < محمدجواد رستمی

رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های اقتصادی اتاق کرمان



در اقتصاد با دیدگاه نفتی، محوریت برنامه‌ریزی بر تولید، توسعه و فروش نفت، جذب اعتبارات از دولت، استقرار صنایع و اجرای پروژه‌های ملی متمرکز شده است. در دیدگاه‌های جدید اقتصادی جذب سرمایه‌گذاران و جذب گردشگر در اولویت قرار دارد، ولی کشورهای توسعه‌یافته بر جذب منابع انسانی، جذب دانایی و جذب فناوری تأکید ویژه‌ای دارند به گونه‌ای که بر مبنای ارزیابی بانک جهانی در دوره ۲۰ ساله در ایالات متحده آمریکا حدود ۷۴ درصد ارزش اقتصادی مبتنی بر توانمندی نیروی انسانی می‌باشد. میزان تأثیرگذاری آموزش در توسعه، بستگی به کیفیت آموزش دارد موضوعی که می‌توان در نتیجه پژوهش‌ها مشاهده کرد، این است که آموزش تأثیر مثبتی بر توسعه اقتصادی و افزایش سرمایه انسانی دارد، اما مقوله‌ای که به‌تازگی خود را در بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده، این است که چنین سرمایه‌گذاری لزوماً منجر به رشد اقتصادی و توسعه کشور نمی‌شود و ممکن است وجود برخی نارسایی‌ها باعث شود که این سرمایه‌گذاری عملاً به نتایج مثبتی منجر نگردد؛ به‌عنوان مثال پژوهشی که در کشور چین و پس از گسترش سریع دوره‌های آموزش عالی انجام شده نشان می‌دهد که این گسترش عملاً باعث افزایش تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهی بیکار بوده است. تحقیقات نشان داده که گسترش دوره‌های آموزش عالی در اروپا باعث شده که نرخ بیکاری در این کشورها افزایش یابد.

نرخ بیکاری در میان دانش‌آموختگان دانشگاهی در ایران در سال‌های اخیر افزایش زیادی داشته که این امر ممکن است

مرکز رشد یا انکوباتور در لغت به معنای محفظه‌ای شیشه‌ای است که بچه‌های نارس به هنگام تولد در مدت کوتاهی برای کسب تطابق با محیط طبیعی در آن نگهداری می‌شوند و از حمایت‌های نوری، دمایی و دارویی برخوردار می‌گردند.



مراکز رشد واحدهای فناور با تخصص‌های مختلفی فعالیت می‌کنند و خدمات و حمایت‌های مختلفی را ارائه می‌نمایند. خدماتی مانند تأمین فضای استقرار، دسترسی به شبکه‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌ها و اساتید، خدمات مشاوره‌ای، خدمات آموزشی، دسترسی به خدمات آزمایشگاهی و کارگاهی، خدمات مالی و اعتباری و دسترسی به منابع مالی.

اشخاص حقیقی یا حقوقی دارای ایده، ورودی مراکز و خروجی آن اشخاص حقوقی دارای ایده به محصول یا خدمات رسیده قابل عرضه در بازار هستند. اجزای داخلی، ورودی و خروجی در ساختار مراکز رشد در تصویر یک نمایش داده شده است.

مراحل رشد ایده‌های فناورانه و جذب منابع مالی لازم برای رشد و تجاری‌سازی طرح در نمودار یک نمایش داده شده است.

راه‌اندازی اولین مرکز رشد در کرمان: در سال ۱۳۸۳ از تلفیق دو مرکز در محل سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی سابق کرمان و زیرمجموعه مرکز بین‌المللی علوم و تکنولوژی پیشرفته سابق به مدیریت دکتر حسین نظام‌آبادی پور و معاونت مهندس فرهاد راهداری اولین مرکز رشد در کرمان به صورت رسمی شکل گرفت و بلافاصله با تشکیل شورای راهبردی متشکل از ۵ نفر، ترکیبی از متخصصان و فعالان حوزه فناوری و صنعت (نگارنده یکی از اعضا بوده است) به پذیرش طرح‌های دارای ماهیت فناورانه اهتمام ورزید و از آنجا که در زمره اولین مراکز رشد تأسیس شده کشوری قرار می‌گرفت به دلیل رشد سریعی که پیدا کرد در مدت کمتر از دو سال وزارت علوم نسبت به اعطای مجوز راه‌اندازی پارک علم و فناوری در کرمان موافقت کرد و زیرمجموعه مرکز بین‌المللی علوم محیطی کرمان راه‌اندازی گردید. این پارک در حال حاضر ۲۰۰ هسته و شرکت را در مجموع ۱۲ مرکز رشد در نقاط مختلف استان (چهار عدد در شهر کرمان) در مجموع خود مستقر نموده است.

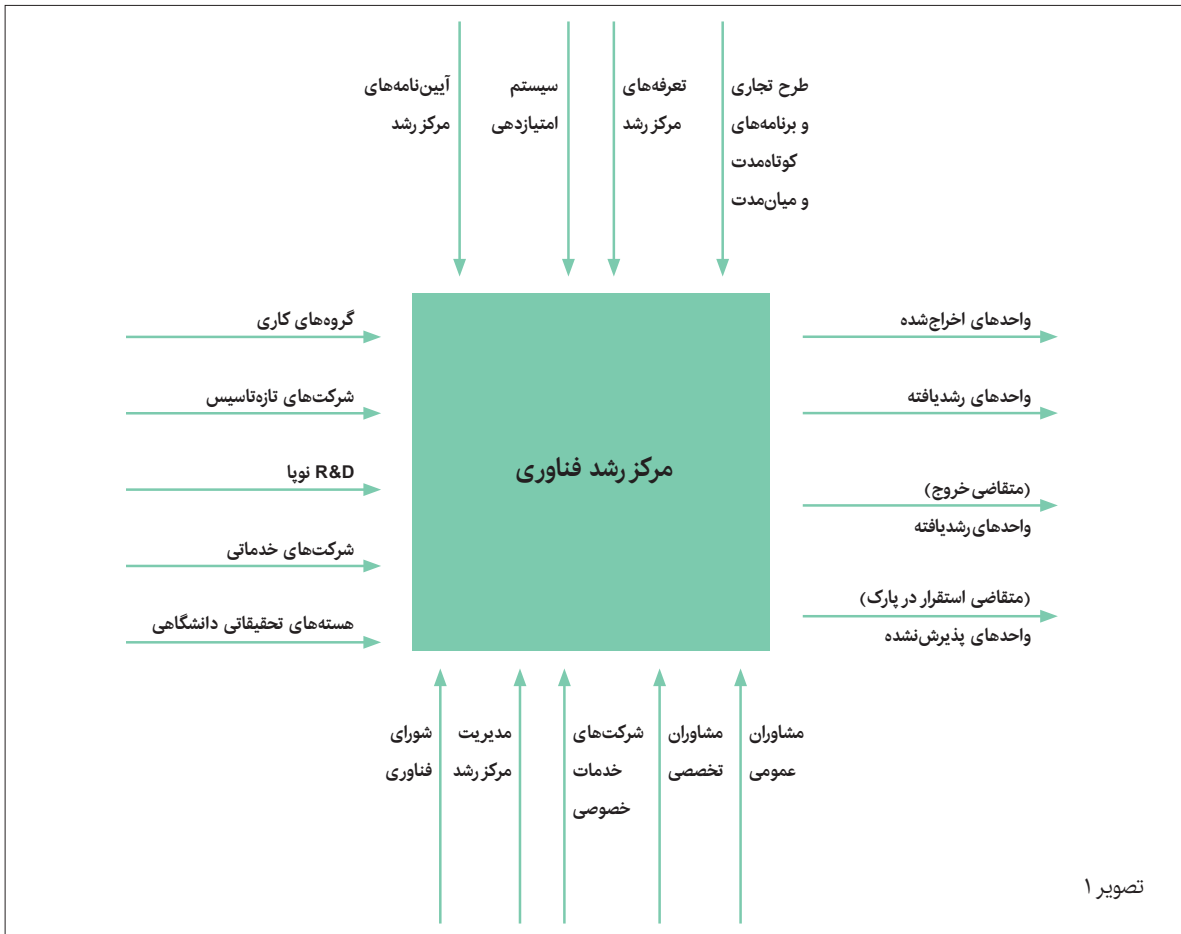
طبق آمارهای به‌دست آمده، از بررسی‌های انجام گرفته، ۷۵ درصد افراد یک جمعیت، نظاره‌گر بدون ایده و بدون عمل می‌باشند، ۱۲ درصد خلاق و مستعد ایده‌دهی بوده ولی عملگر نیستند و فقط حرف می‌زنند، ۱۲ درصد عملگر و بدون ایده و فاقد خلاقیت می‌باشند و ۱ درصد جمعیت، خلاق، ایده‌پرداز و عملگر بوده و ذاتاً استعداد و پتانسیل تبدیل شدن به

سی درصد رشد اقتصادی آمریکا مربوط به شرکت‌هایی است که بیش از ۵ سال از عمرشان نمی‌گذرد.

طبق آمارهای رسمی جایگاه ایران در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، سهولت ایجاد کسب‌وکار حسب ۱۲ شاخص از جمله شاخص‌های سطح آمادگی فناوری و نوآوری در سال ۲۰۱۸ رتبه ۱۲۴ است، حال آنکه ما در زمینه تولید علمی و میزان مقالات ISI از رتبه ۱۵ برخورداریم؛ این بدان معناست که فناوری در مراکز دانشگاهی در لبه مرزهای دانش شکل گرفته و تبدیل به محصول می‌شود ولی در تجاری‌سازی و رسیدن به بازار دچار مرگ زودرس می‌گردد. یکی از روش‌های ممکن برای عبور از این مرحله دشوار، الگوی اجرا شده در تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته به نام مراکز رشد می‌باشد. مراکز رشد با هدف ایجاد پل بر روی دره مرگ فناوری تا بازار شکل گرفته‌اند.

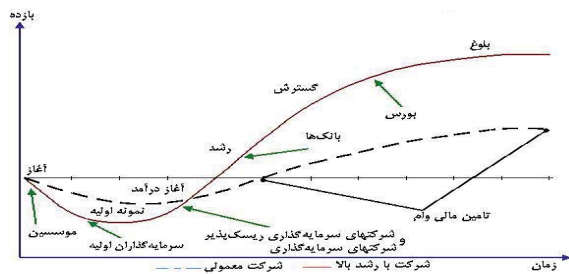


طبق آمارهای رسمی جایگاه ایران در گزارش رقابت‌پذیری جهانی، سهولت ایجاد کسب‌وکار حسب ۱۲ شاخص از جمله شاخص‌های سطح آمادگی فناوری و نوآوری در سال ۲۰۱۸ رتبه ۱۲۴ است، حال آنکه ما در زمینه تولید علمی و میزان مقالات ISI از رتبه ۱۵ برخورداریم؛ این بدان معناست که فناوری در مراکز دانشگاهی در لبه مرزهای دانش شکل گرفته و تبدیل به محصول می‌شود ولی در تجاری‌سازی و رسیدن به بازار دچار مرگ زودرس می‌گردد. یکی از روش‌های ممکن برای عبور از این مرحله دشوار، الگوی اجرا شده در تعدادی از کشورهای توسعه‌یافته به نام مراکز رشد می‌باشد.



کارآفرینان را دارا می‌باشند که پارک‌ها و مراکز رشد باید تلاش نمایند تا این ادرصد از جمعیت را جذب و بر پرورش و تسهیل مسیر برای ایشان تلاش نموده و با برنامه‌ریزی از دو گروه دیگر در قالب تیم‌ها به نحو مناسبی استفاده کنند. این گونه است که پارک‌های علم و فناوری در اصل با هدف انگیزش خلاقیت و نوآوری برپا می‌شوند، اما نقطه آسیب‌پذیری آن‌ها نیز درست همین هدف است. به این دلیل که ضعف نیروی خلاق و نوآور ریشه در نوع نظام آموزشی دارد. نظام آموزشی خشک و فرسوده‌ای که به جای «یادگیری» به «آموزش محض» تأکید کرده و افراد «کارجو» را به جای افراد «کارآفرین» تربیت می‌کند.

در حال حاضر در کشور تعداد ۴۴ پارک علم و فناوری و حدود ۲۰۰ مرکز رشد داریم که منتج به ایجاد قریب به ۴۰۰۰ شرکت دانش بنیان شده است؛ درحالی که در زمان تدوین قانون حمایت از شرکت‌های دانش بنیان در ۱۰





موفق دانشگاه کارآفرین که بخش عمده‌ای از بودجه خود را (۶۰ درصد) از محل سود سهام شرکت‌های خود تأمین می‌کند، مورد مذاقه قرار داد. هر سال حدود ۱۵۰ شرکت جدید توسط دانشجویان این دانشگاه به وجود می‌آید. تا سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۳۰ هزار شرکت با اشتغال حدود چهار و نیم میلیون نفر و با گردش مالی مجموعاً ۲ تریلیون دلار (معادل دهمین اقتصاد برتر دنیا) حاصل کارآفرینی کارآفرینان این دانشگاه بوده است. شرکت‌های صاحب نامی همچون اپنل، HP و ۳COM نمونه‌ای از تولیدات این دانشگاه هستند. ●



سال قبل، هدف‌گذاری برای ۲۳ هزار شرکت دانش‌بنیان در بازده ۵ ساله بوده است. بخش عمده‌ای از این ناکامی به دلیل ساختار دولتی این مراکز و عدم امکان شراکت و سرمایه‌گذاری در ایده‌ها و سهام واحدهای فناور می‌باشد؛ در صورتی که تجربه مدل استارت‌آپ، شتاب‌دهنده هم در دنیا و هم در ایران به دلیل ماهیت شراکت در منافع و مضار ایده‌های فناورانه موفق نشان داده است. در شماره بعد نشریه انشاء...! به بررسی و تحلیل پیرامون این مدل پرداخته خواهد شد.

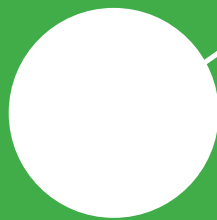


● AMSTERDAM SCIENCE PARK ●



● DUBAI SCIENCE PARK ●

# آب و کشاورزی



● تلفات آب، پیشگیری از هدررفت آب

● گفت‌وگو با «سعید برخوردار»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان؛

مسائل بخش کشاورزی با رویکرد الگوی کاشت

● گفت‌وگو با «عباس سعیدی داودآبادی»

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان؛

مسائل بخش کشاورزی با نگاه به الگوی کشت

● توسعه صنایع تبدیلی و غذایی استان کرمان



# تلفات آب، پیشگیری از هدررفت

## < محمدحسین بهرامی

کارشناس مسئول هماهنگی  
سرمایه‌گذاری، معاونت هماهنگی امور  
اقتصادی، استانداری کرمان



## < نسرين سياري

استادیار گروه مهندسی آب، دانشکده  
کشاورزی، دانشگاه شهیدباهنر کرمان



می‌توان این بحران را به حداقل رساند. (عدالی و همکاران، ۱۳۹۵). توزیع غیریکنواخت آب در طول زمان و مکان، بیشترین تقاضای آب در زمان وقوع کمترین میزان بارش، عدم توازن بین عرضه و تقاضای آب و خصوصاً افزایش تقاضای آب و محدودیت منابع آبی و در برخی مناطق، کاهش مقدار آب همراه با تنزل کیفیت آب سفره‌های آب زیرزمینی به دلیل برداشت بیش از حد مجاز، پیشروی آب‌های شور، دفع غیر صحیح فاضلاب‌های خانگی و پساب‌های صنعتی، بالا بودن هزینه‌های تأمین آب جدید، رقابت شدید بین گروه‌های مصرف‌کننده آب به دلیل کم بودن منابع آبی، استفاده ناکارآمد از آب، اتلاف و هدررفت آب در بخش کشاورزی و بالا بودن آب به حساب نیامده (هدررفت) در بخش شهری و مکانیزم قیمت‌گذاری ناکارآمد از جمله دیگر مشکلات آبی کشور می‌باشند که مدیریت منابع آب کشور را پیچیده‌تر کرده‌اند. میزان هدررفت آب در ایران بیش از میانگین جهانی است. براساس گزارش‌های موجود میزان هدررفت آب در کشور بین ۲۸ تا ۳۰ درصد است و این در حالی است که این مقدار اتلاف در دنیا حدود ۹ تا ۱۲ درصد گزارش شده است. از عوامل اصلی که موجب بالا رفتن این هدررفت می‌شوند می‌توان به مواردی نظیر برداشت‌های غیرمجاز از شبکه آبرسانی و فرسودگی تأسیسات آب و شبکه‌های آبرسانی اشاره نمود. بنا بر آمار رسمی وزارت نیرو، از مجموع آب‌های تجدیدشونده کشور حدود

در نگرش جدید جهانی، آب کالای اقتصادی، اجتماعی و به‌عنوان نیاز اولیه انسان محسوب می‌شود. هرچند آب یکی از منابع تجدیدشونده به شمار می‌رود، اما مقدار آن محدود است (تابش و عابدینی، ۱۳۸۰). ایران با توجه به ریزش‌های کم جوی و نامناسب بودن پراکنش زمانی و مکانی بارش‌ها در زمره کشورهای خشک و نیمه‌خشک جهان محسوب می‌شود. (کردوانی، ۱۳۸۱). به عبارتی دیگر با قرار گرفتن دو سوم آن در مناطق خشک و نیمه‌خشک در بین کشورهای کم آب جهان جای می‌گیرد. متوسط بارش در ایران ۲۵۰ تا ۳۰۰ میلی‌متر بوده و در بین ۱۰۰ کشوری که در سازمان ملل در برنامه‌های جمعیت و محیط‌زیست خود از آن‌ها به‌عنوان کشورهایی که سرانه آب شیرین آن‌ها پایین است، نام برده شده است. سرانه مصرف آب در ایران در سال ۱۳۷۵، ۲۱۶۰ مترمکعب در سال و در سال ۱۳۸۵، ۱۷۵۰ مترمکعب بوده که این میزان در سال ۱۴۰۰ به ۱۳۰۰ مترمکعب خواهد رسید (مسیبی، ۱۳۷۸). با توجه به این مطالب، اهمیت استفاده بهینه از منابع آبی ایجاب می‌کند که مصرف آب با روش‌های علمی و تجربی صحیح به‌دقت مدیریت شود. در حال حاضر محدودیت منابع آب شهری، کشاورزی و صنعتی، رشد روزافزون جمعیت و رشد نیاز آبی باعث بحران آب به‌ویژه در مناطق کم بارش کشور نظیر کرمان شده است که صرفاً با مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، ارتقای بهره‌وری در بخش‌های مختلف مصرف و استفاده بهینه از منابع آبی موجود



شبکه، رانش و لغزش زمین اشاره نمود (عادلی و همکاران، ۱۳۹۵). نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان می‌دهد تلفات آب در شبکه توزیع آب شهری حدود ۲۵ درصد است که ۱۱/۶ درصد آن تلفات ظاهری و ۱۳/۴ درصد آن تلفات واقعی است. استان‌های خوزستان، کردستان و مازندران با تلفات و هدر رفتی حدود ۳۶/۴، ۳۰/۳ و ۲۹/۹ درصد بیشترین اتلاف آب را در کشور داشته‌اند. بانک جهانی تلفاتی معادل ۱۵ درصد را برای کشورهای در حال توسعه قابل توجهی می‌داند که متأسفانه کشور ما هدر رفتی دو برابر این مقدار را داراست (عادلی و همکاران، ۱۳۹۵). برای کاهش هدر رفت در شبکه‌های آب‌رسانی شهری، سیاست‌ها و فعالیت‌های خاصی باید برنامه‌ریزی و پیاده شوند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (بوستانی و انصاری، ۱۳۹۰)

- آموزش کارکنان شرکت آب و فاضلاب در جهت شناخت و اجرای استانداردهای مربوطه و جذب نیروی کارشناس و آموزش دیده،
- تعمیر و یا تعویض کنتورهای خراب و خرید کنتورهای جدید،
- اصلاح انشعابات و جلوگیری از مصارف غیرمجاز و نصب کنتور بر ورودی و خروجی تصفیه‌خانه‌ها و مخازن،
- عملیات نصب پلاک آب و هدف‌گذاری برای کاهش سرانه مصرف آب به ۱۵۰ لیتر،
- شیرین سازی و انتقال آب دریا با رعایت ملاحظات زیست‌محیطی،
- صرفه‌جویی در مصرف آب به کمک فناوری‌های نوین،
- تعیین حداکثر مصرف و تعیین تابع تقاضای آب مصرفی مشترکان با توجه به متغیرهای زمانی و مکانی.

### ۲- اصلاح مصرف آب در بخش صنعت

امروزه ملاحظات زیست‌محیطی از یک‌طرف و هزینه‌های ناشی از مصرف آب و تولید فاضلابی که هزینه تصفیه بالایی دارد از طرف دیگر، واحدهای صنعتی را مجبور به گرایش به سمت کاهش مصرف آب کرده است. به همین علت فرصت مناسبی برای متخصصین پیش آمده تا بتوانند با انعقاد قراردادهای مصرف آب، نسبت به کاهش مصرف آب و در نتیجه کاهش تولید فاضلاب و هزینه‌های تصفیه فاضلاب تا حد ممکن اقدام نمایند. (بخشی، ۱۳۹۳).

### ۳- اصلاح مصرف آب در بخش کشاورزی

کشاورزی بزرگ‌ترین مصرف‌کننده منابع آبی کشور می‌باشد. به‌کارگیری آبیاری‌های سطحی در اکثر موارد کارایی مصرف آب را در این بخش حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد کاسته و استفاده از آبیاری روش‌ها

۹۲ درصد در بخش کشاورزی، ۶ درصد در بخش شرب و ۲ درصد نیز در بخش صنعت به مصرف می‌رسد. متوسط راندمان آبیاری در بخش کشاورزی در بهترین شرایط حدود ۴۰ درصد برآورد شده است. به عبارت دیگر از هر مترمکعب آب مصرفی در بخش کشاورزی، ۶۰۰ لیتر آن هدر رفته و تنها ۴۰۰ لیتر به مصرف گیاهان می‌رسد. در شبکه توزیع آب شهری نیز ۲۵ درصد هدر رفت آب وجود دارد. با توجه به مطالب ذکر شده، اصلاح الگوی مصرف آب در بخش‌های مختلف اعم از شرب، کشاورزی و صنعت تنها راه گذر از بحران کم‌آبی با توجه به مصرف بیش از حد آب در کشور و همچنین کاهش منابع آبی می‌باشد. اصلاح الگوی مصرف آب در بخش‌های مختلف از جمله اقدامات ارزشمند و اقتصادی است که در تمام طرح‌ها و برنامه‌های آبی به‌منظور کاهش مصرف آب و جلوگیری از هدر رفت آب بایستی موردتوجه خاص قرار گیرد.

### ۱- اصلاح مصرف آب در بخش خانگی

یکی از روش‌هایی که ممکن است کشور را در رسیدن به اهداف سیاست‌های طراحی شده رهنمون سازد، کاهش مصرف آب در بخش‌های خانه‌داری و تمرین آن توسط مردم برای کسب آمادگی در بحران‌های آینده می‌باشد. مطالعات انجام شده در بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که رعایت الگوی مصرف آب و فرهنگ‌سازی مناسب بین مردم شرایط لازم برای ۳۰ تا ۴۰ درصد کاهش مصرف آب را فراهم نموده است. رفتار مردم نسبت به صرفه‌جویی در مصرف آب به نگرش و میزان آگاهی آنان نسبت به مسائل مربوط به آب بستگی دارد. از این‌رو برای موفقیت مدیریت مصرف آب، لازم است آگاهی‌ها و نگرش مردم نسبت به صرفه‌جویی در مصرف آب اصلاح شود. (بخشی، ۱۳۹۳).

در جدول (۱) مصرف سرانه در برخی از استان‌های کشور در مقایسه با کشورهای منطقه آورده شده است. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود مصرف سرانه آب در ایران نسبت به سایر کشورها بالاتر می‌باشد.

تلفات آب در شبکه‌های آب‌رسانی شهری به دو دسته ظاهری و واقعی تقسیم می‌شود. تلفات ظاهری شامل هدر رفت حاصل از حوادث و نشت آب به همراه خطاهای انسانی و مدیریتی شامل عدم قرائت صحیح کنتور، خرابی کنتور و غیره می‌باشد. تلفات واقعی آب، شامل حجم آب هدر رفته حاصل از حوادث و نشت آب‌های شبکه است. از عوامل مؤثر بر تلفات واقعی می‌توان به فشار بالای آب، اجرای نامناسب لوله‌ها و متعلقات، طراحی نامناسب شبکه توزیع، عمر زیاد

جدول شماره ۱- مصرف سرانه آب (لیتر بر روز) در برخی از کشورهای منطقه و شهرهای مهم ایران (صالح نیا و همکاران، ۱۳۸۶)

کشور	ایران	عربستان	کویت	یمن	عمان
شهر	تهران	ریاض	کویت	صنعا	عمان
مصرف سرانه	۱۳۵	۲۳۴	۱۳۱	۵۰	۸۰



کشاورزی تأثیر مثبت داشته باشند. در بسیاری از مناطق کشور، روش آبیاری، آبیاری ثقلی و یا غرقابی است که مزارع معمولاً به صورت نواری، کرتی، نشتی و یا جوی و پشته آبیاری می‌شوند، اما آنچه اخیراً در برخی اراضی آبی تحت کشت محصولات صیفی و جالبیز به چشم می‌خورد، استفاده کشاورزان از سیستم‌های آبیاری قطره‌ای به جای روش‌های مرسوم آبیاری است. دانش فنی و فهم بالای کشاورزان و مجموعه امکانات، ظرفیت‌های بالقوه و محدودیت‌های آبیاری برای تغییر الگوی مصرف آب زراعی، موجب شده تا کشاورزان منطقه بدون این‌که توسط مروجان کشاورزی توصیه شده باشند، آگاهانه به طرف اصلاح الگوی مصرف آب در کشت محصولات بروند که نتایج بسیار مطلوبی نیز داشته است. چرا که در مزارعی که به طریق آبیاری تحت فشار و قطره‌ای آبیاری می‌شوند، علاوه بر کاهش حجم آب مصرفی و بهبود چشمگیر کیفیت و کمیت محصولات، هزینه‌های تولید نیز به میزان زیادی کاهش یافته است. به نظر می‌رسد ضرورت دارد این سیستم که در واقع یکی از راهکارهای عمده‌ای است که عملاً در زمین کشاورز انجام شده و نتایج خوبی نیز به همراه داشته است. توسعه این سیستم می‌تواند به ارتقای سطح خدمات زیربنایی در نقاط روستایی، کاهش هزینه‌های تولید محصولات زراعی و باغی، کاهش سهم هزینه آب، افزایش متوسط درآمد سالیانه بخش کشاورزی، بالا بردن سهم منطقه در تولیدات محصولات زراعی و باغی، توسعه سطح زیر کشت باغات در مناطق شیب‌دار، تداوم توسعه و تولید پایدار در بخش کشاورزی منطقه و عدم کاهش سطح سفره آب زیرزمینی بیانجامد. علاوه بر این، راهکارهای مؤثر دیگری نیز در کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی وجود دارند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

#### راهکارهای مؤثر در کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی

**تغییر در شیوه آبیاری:** توسعه کشاورزی از طریق گسترش سطح کشت آبی به جای افزایش تولید در واحد سطح یکی از مهم‌ترین مشکلات کشاورزی کشور به شمار می‌رود و بازده پایین آبیاری در بخش کشاورزی به دلیل مشکلاتی از جمله عدم آگاهی، ضعف دانش فنی مناسب، شیوه‌های سنتی کشت و زرع، عدم وجود شبکه‌های آبرسانی مناسب و نبود مدیریت مصرف آب موجب اتلاف منابع آب در کشور می‌شود، به طوری که بازده مصرف آب در بخش کشاورزی به طور متوسط کمتر از ۳۰ درصد می‌باشد. در آبیاری سنتی با از بین بردن پیچ و خم‌های کانال‌های انتقال آب و لایروبی نهرها و پاک کردن عوامل کند کننده سرعت، نظیر خار و خاشاک و علف‌های هرز و همچنین لایروبی شبکه آبرسانی می‌توان تا حدی از هدر رفتن

تلفات آب زیادی به همراه دارد. روش‌های زیادی برای کاهش مصرف آب و استفاده بهینه از آب در این بخش وجود دارد که در ادامه به آن‌ها اشاره شده است (بخشی، ۱۳۹۳). خشک‌سالی و کم‌آبی در ایران واقعیتی اقلیمی است و با توجه به روند روزافزون نیاز بخش‌های مختلف خصوصاً کشاورزی به آب در سال‌های آینده حادث‌تر نیز خواهد شد. براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی مدیریت آب (IWMI) \* کشور ایران برای حفظ وضع فعلی باید تا سال ۲۰۲۵ بتواند ۱۱۲ درصد به منابع آبی قابل استحصال خود بیافزاید. با توجه به پتانسیل‌ها و نیازهای روزافزون بخش‌های کشاورزی، شرب و صنعت و محافظت از سایر منابع زیستی، دستیابی به این امر بسیار مشکل و حتی غیرممکن است. در این شرایط یکی از راهکارهای مؤثر استفاده بهینه از آب و جلوگیری از هدر رفت آب می‌باشد. در این بین راندمان‌های آبیاری یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کلیدی در برنامه‌ریزی‌های کلان تأمین، تخصیص و مصرف اصولی آب در بخش کشاورزی می‌باشند. بررسی راندمان کاربرد آب آبیاری در برخی از استان‌های کشور نشان می‌دهد که با توجه به مدیریت کشاورزان، روش آبیاری، مراحل مختلف رشد گیاه و نوع محصول از حداقل ۲۴/۷ درصد تا حداکثر ۵۵/۷ درصد نوسان دارد. همچنین بررسی روند تغییرات راندمان آبیاری در کشور نشان داده که این روند مثبت و رو به افزایش بوده است. (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵). مقایسه راندمان‌های آبیاری در برخی از استان‌های کشور در جدول (۲) آورده شده است.

آب در بخش کشاورزی به چند صورت تلف می‌شود که به برخی از این موارد در ادامه اشاره شده است. تلفات آب در انهار اصلی و فرعی (به صورت نفوذ عمقی، تبخیرمستقیم از سطح آب و پوشش گیاهی داخل یا کناره‌های انهار)، تلفات آب در نهر اصلی انتقال آب چاه تا مزرعه، تلفات آب در انهار فرعی در داخل مزرعه، نفوذ عمقی در ابتدای شیارها و نوارهای آبیاری و خروج آب از انتهای مزرعه. برای جلوگیری از هدررفت آب در موارد بالا می‌توان با بتنی کردن انهار خاکی جلو تلفات نفوذ عمقی را گرفت. همچنین برای جلوگیری از هدر رفت آب در انتقال آب بهتر است از لوله به جای کانال استفاده شود. از اساسی‌ترین روش‌های اصلاح الگوی مصرف در بخش کشاورزی می‌توان به اجرای روش‌های به زراعی و به نژادی مانند اصلاح روش‌های کاشت، اجرای سیاست تغییر کاربری اراضی در الگوی کشت مبتنی بر مزیت نسبی، تلاش در جهت کاهش سطح کشت محصولات با مصرف بالای آب (مانند برنج) و اصلاح و توسعه کاشت گیاهانی با نیاز آبی پایین اشاره نمود. علاوه بر این راهکارهای دیگری مانند توسعه کشت‌های گلخانه‌ای، اجرای سیستم‌های آبیاری تحت فشار و مهار آب‌های فصلی می‌توانند تا حد قابل توجهی بر بهبود الگوی مصرف آب در

جدول شماره ۲- مقایسه راندمان کل آب آبیاری در برخی از استان‌های کشور (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵)

استان	اصفهان	خوزستان	فارس	گیلان	گلستان	خراسان رضوی	کرمان	کرمانشاه	همدان	اردبیل
راندمان	۴۲/۱	۳۹/۹	۵۳/۵	۵۰/۳	۴۵/۵	۴۳/۷	۴۶/۲	۴۴/۳	۵۴/۲	۵۷/۸

کیفیت مناسب محصول، حفاظت از محیط زیست و بهداشت جامعه می‌باشد (عباسی و همکاران، ۱۳۹۵).

در پایان به منظور رسیدن به این اهداف، راهکارهای زیر در بخش کشاورزی جهت جلوگیری از هدر رفت آب و مصرف بهینه آب توصیه می‌شود:

- اولویت‌دهی به گیاهان پاییزه به منظور استفاده از بارش‌های پاییز، زمستان و بهار سالانه،
- افزایش سطح کشت در محیط‌های کنترل شده همانند گلخانه‌ها، کشت‌های زیر پلاستیک و ...،
- در کشت بهاره استفاده از گیاهانی که دوره رشد آن‌ها کوتاه و تطابق بیشتری با پراکنش بارندگی منطقه داشته باشند،
- استقرار سیستم‌های خاک‌ورزی حفاظتی و تسطیح لیزری در اراضی آبیاری سطحی،
- استفاده از آبیاری تحت فشار به‌ویژه قطره‌ای در اراضی زراعی و باغی،
- کاهش مصرف آب و افزایش بهره‌وری اقتصادی و حفظ منابع پایه،
- کشت گیاهان کم‌توقع و ارقام گیاهان زودرس و پرمحصول. ●

منابع:

- عباسی، ف. سهراب، ف. و ن. عباسی. ۱۳۹۵. ارزیابی وضعیت راندمان آبیاری در ایران. مجله تحقیقات مهندسی سازه‌های آبیاری و زهکشی، ۱۷(۶۷): ۱۱۳-۱۲۸.
- عادل، م. کمره‌ئی، ب. جلیل زاده ینگجه، ر و رستمی، ز. ۱۳۹۵. بررسی میزان حوادث و تلفات آب در شبکه توزیع آب شرب شهر اراک و عوامل مؤثر بر آن در سالهای ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳. مجله تحقیقات سلامت در جامعه، ۲(۳): ۶۹-۷۷.
- بخشی، م. ۱۳۹۳. مدیریت تقاضا و مصرف آب در زمان کم‌آبی. سومین همایش بین‌المللی سامانه‌های سطوح آبرگیر باران. بیرجند.
- شرکت مهندسی آب و فاضلاب کشور، معاونت نظارت بر بهره‌برداری، دفتر نظارت بر مدیریت مصرف و کاهش آب بدون درآمد. ۱۳۸۸. ارزیابی اقتصادی برنامه‌های کاهش هدررفت.
- بوستانی، آ. و ح. انصاری. ۱۳۹۰. بررسی رویکرد مصرفی در مدیریت تقاضای آب شهری. فصلنامه نظام‌مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. سال نهم. شماره ۳۳. ۴۸-۵۲.
- کردوانی، پ. ۱۳۸۱. منابع و مسائل آب در ایران: آبهای سطحی و زیرزمینی و مسائل بهره‌برداری از آنها (جلد ۱). موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران. صفحه ۴۲۰.
- تابش، م. و ا. عابدینی. ۱۳۸۰. بررسی شکست و قابلیت کاربری لوله‌ها در شبکه‌های آبرسانی شهری. کنفرانس بین‌المللی سازه‌های هیدرولیکی. دانشگاه شهید باهنر کرمان.
- صالح‌زینا، ن. فلاحی، م. ع. انصاری، ح. و ک. داوری. ۱۳۸۶. بررسی تعرفه‌های آب شرب شهری و تأثیر آن بر الگوی مصرف آب مشترکان، مطالعه موردی: شهر نیشابور. مجله آب و فاضلاب. ۶۳. ۵۹-۵۰.
- مسیبی، م. ۱۳۷۸. دیباچه‌ای بر منابع آب، شگفتی و چالش، انتشارات چاپخانه اصفهان.

آب در هنگام آبیاری جلوگیری نمود. اما راه‌حل اساسی برای کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی و حفظ منابع آب زیرزمینی استفاده از روش‌های نوین آبیاری است. در روش‌های آبیاری تحت فشار، آب به وسیله پمپ به لوله‌هایی که تا پای گیاه کشیده شده است، می‌رود و در مسیر لوله، گیاهان آبیاری می‌شود. در آبیاری قطره‌ای، آب در مسیر لوله به وسیله قطره‌چکان‌هایی پای درخت یا بوته ریخته می‌شود. در این نوع آبیاری هدر رفت آب فقط ۱۰ درصد است، و بازده آبیاری به ۹۰ درصد می‌رسد. در آبیاری بارانی، آبیاری با آب‌پاش‌هایی که آب را به شکل قطرات باران در می‌آورند انجام می‌شود که در مسیر لوله‌ها، قرار دارند. بازدهی این نوع آبیاری حدود ۷۰ درصد است.

**- کشت گلخانه‌ای:** ریسک بالای کشاورزی در کشور به علت بارندگی کم و نامنظم و وضعیت بحرانی منابع آب زیرزمینی مشکل مهمی است که حل آن تنها از طریق جایگزین کردن روش‌های جدید کشاورزی امکان‌پذیر می‌باشد، راه‌حل این مشکل برای سودآوری مناسب برای کشاورزان کم زمین و افزایش عملکرد محصولات کشاورزی با کیفیت بالا، توجه به کشت گلخانه‌ای است. بررسی‌ها نشان داده است در سیستم کشت گلخانه‌ای میزان مصرف آب ۱۰ برابر کمتر می‌شود. نکته جالب توجه این است که با وجود کاهش مصرف آب، میزان تولید به‌طور متوسط ۱۷ برابر افزایش می‌یابد.

**- الگوی کشت:** متناسب با اقلیم هر منطقه، راهکاری برای توقف برداشت بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی با توجه به تنوع اقلیم در مناطق مختلف کشور به کار بردن الگوی کشت واحد برای همه کشور علمی نبوده و بازدهی نخواهد داشت. از این‌رو در برنامه توسعه به‌کارگیری الگوی کشت مجزا برای هر استان با توجه به شرایط اقلیمی و اکولوژیکی خاص منطقه موردتوجه قرار گرفته است.

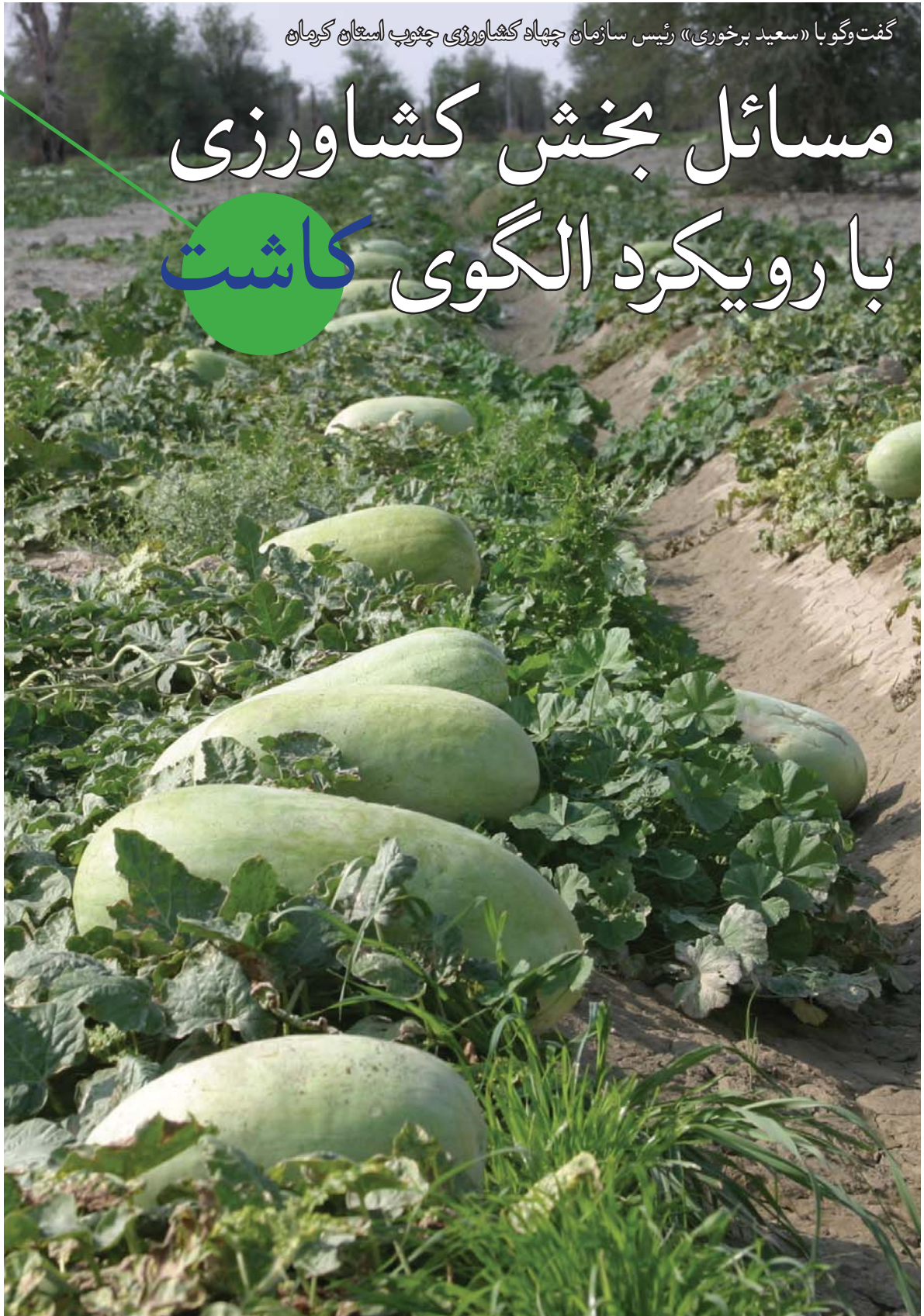
**- استفاده از آب بازیافتی:** راهکاری جهت کاهش فشار بر منابع آب زیرزمینی

از اواخر قرن بیستم استفاده از پساب و فاضلاب‌های شهری و صنعتی، موردتوجه بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا از جمله آمریکا، انگلیس و آلمان قرار گرفته و آب بازیافتی حاصل از تصفیه فاضلاب برای آبیاری سطح وسیعی از اراضی کشاورزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. فاضلاب‌های تصفیه‌شده یا آب‌های بازیافتی عملاً منابع آبی هستند که به‌راحتی و بدون صرف هزینه‌های زیاد در دسترس جوامع قرار دارد. همچنین از آنجا که تولید فاضلاب کمتر تحت تأثیر خشکسالی می‌باشد، بنابراین می‌توان پساب حاصل از فاضلاب تصفیه‌شده را به‌عنوان یک منبع آب پایدار حتی در مواقع خشکسالی به‌حساب آورد. این امر می‌تواند نیاز به استخراج آب از منابع زیرزمینی را کاهش داده و مشکل کمبود آب را تخفیف دهد و باعث تغذیه و پر شدن لایه‌های آبدار در درازمدت شود. علاوه بر این ممکن است در پساب‌های شهری عناصر غذایی مورد نیاز گیاه وجود داشته باشند و ضمن افزایش محصولات کشاورزی، نیاز به کود را نیز کاهش دهند. اما مهم‌ترین مسئله در استفاده از فاضلاب در آبیاری مزارع توجه به ویژگی‌های کیفی فاضلاب و پساب تصفیه‌شده و رعایت استانداردهای قابل‌قبول به‌منظور حفظ



گفت‌وگو با «سعید برخوردار» رئیس سازمان جهاد کشاورزی چغوپ استان کرمان

# مسائل بخش کشاورزی با رویکرد الگوی کاشت





### استان کرمان در برگبرنده حدود ۲۵ درصد باغات کشور است، با نگاه به الزامات توسعه پایدار، این ظرفیت را بالقوه و بالفعل چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

درواقع الگوی تولیدات باغی در استان طی دهه‌های گذشته براساس ویژگی‌های اقلیمی، سازگاری گونه‌های باغی، دانش بومی و مزیت نسبی محقق گردیده است، اما به‌لحاظ توسعه فن‌آوری‌های تولید، تکنولوژی، به‌نژادی و به‌باغی و ارقام و گونه‌های پتانسیل خلاً عملکرد (فاصله عملکرد موجود با عملکرد پتانسیل) قابل‌توجه می‌باشد. پیر بودن و مستهلک شدن باغات مرکبات، نخلستان‌ها، باغات پسته و درختان سردسیری ناشی از استمرار خشک‌سالی‌ها، تغییرات اقلیمی و پیامدهای اکولوژیکی مترتب بر آن، شیوع امراض و آفات مزید بر علت می‌باشد. در این راستا تأمین منابع و سرمایه‌گذاری در جهت ارتقای بهره‌وری عوامل تولید با حفظ اولویت و تأکید بر مدیریت منابع آب‌و‌خاک، بهینه کردن سطوح کاشت جایگزینی و استفاده از ارقام اصلاح‌شده پربازده و مقاوم به تنش‌های زنده و غیرزنده محیطی، همزیستی با خشکی و خشک‌سالی، استفاده مؤثر از دانش بومی در راستای فن‌آوری به باغی، مدیریت تلفیقی امراض و آفات، تغذیه متعادل توأم با توسعه خدمات پس از تولید ضمن پایداری تولید می‌تواند نویدبخش افق تازه‌ای در توسعه بخش کشاورزی و اقتصاد استان باشد.

### به نظر شما تغییر سیاست‌های کشاورزی و اقتصاد عمومی دولت‌های آمده چه تأثیری بر روند توسعه بخش کشاورزی داشته است؟

هرچند در کلیه برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌های مختلف تاکنون از بخش کشاورزی به‌عنوان محور توسعه یادشده است، اما در عمل چنین چیزی عینیت نداشته است؛ چرا که باوجود این‌که ۲۶ درصد از اشتغال و ۱۷ درصد از درآمد ناخالص داخلی کشور به بخش کشاورزی اختصاص دارد،

آقای سعید برخورداری رئیس سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان در گفت‌وگو با ما از عدم تناسب میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با میزان انتظارات بخش و اهمیت امنیت غذایی، عدم توسعه متوازن و همه‌جانبه بخش با نگرش اولویت‌بندی‌های متفاوت و نا هم‌راستا، نظام‌مند نبودن سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های بخش کشاورزی در دولت‌های مختلف و تأثیر تغییر نگرش‌ها در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و در نتیجه اهداف بخش، بالا بودن ریسک کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، خرده مالکی، مسائل مربوط به بازار محصولات کشاورزی، مسائل مربوط به الگوی کشت، مسئله بسیار مهم آب و ... به‌عنوان اشکالات، مشکلات و چالش‌های بخش کشاورزی یاد می‌کند. او در باب قوت‌ها و ظرفیت‌های بخش کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان می‌گوید که این منطقه در تولید بیش از ده محصول زراعی و باغی رتبه‌های اول تا سوم کشور را به خود اختصاص داده است و یادآوری می‌کند که قبل از انقلاب اسلامی مجموع سطح زیرکشت و تولید منطقه به ترتیب ۲۴ هزار هکتار و ۳۸۰ هزار تن بوده است که امروزه در سایه تلاش کشاورزان و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی، افزایش ۱۰ برابری سطح زیرکشت و ۱۶ برابری تولید محقق شده است.

او همچنین می‌گوید که سازمان جهاد کشاورزی منطقه جنوب استان کرمان در جهت اصلاح الگوی کشت گام‌های بلندی برداشته است؛ برای مثال طی چند سال گذشته با مدیریت سطح زیرکشت و جایگزینی گونه‌های جدید، ۱۸ هزار هکتار در سطح زیرکشت محصولاتی چون هندوانه، گوجه‌فرنگی و ذرت را کاهش داده و با ارتقاء عملکرد در واحد سطح، میزان تولید منطقه را افزایش داده و پایداری نموده است و در راستای توسعه کشت‌های فشرده بیش از ۲۴۰۰ هکتار گلخانه‌ای انواع محصولات جالیزی و صیفی ایجاد نموده و ده‌ها گونه زراعی و دارویی استراتژیک، اساسی و لوکس را وارد چرخه تجاری منطقه کرده است. او تأکید می‌کند از آنجا که الگوی کاشت، یک فرایند زمان‌بر و الزاماً فراگیر است، به‌منظور پایداری تولید و جلوگیری از هرگونه زیان احتمالی بایستی همه استان‌ها با محور قرار دادن کشت تقاضامحور در جهت پایداری تولید و افزایش و تضمین منافع کشاورزان گام بردارند. در ادامه دعوت می‌کنم این گفت‌وگو مفصل را مطالعه نمایید.

### در مورد اراضی قابل‌کشت و سطح زیرکشت به تفکیک زراعی و باغی و میزان تولیدات محصولات مهم استان، عملکرد در هکتار و مقایسه عملکرد با متوسط کشور، توضیحات، آمار و اطلاعاتی را ارائه نمایید.

براساس آخرین آمارنامه رسمی، سطح زیرکشت و تولید زراعی و باغی منطقه جنوب استان کرمان به این قرار است:  
سطح زیرکشت زراعی ۱۶۰ هزار هکتار و مقام بیستم کشور، تولید زراعی دو میلیون و نصد هزار تن و مقام دهم تولید کشور، سطح زیرکشت باغی ۸۴ هزار هکتار، میزان تولیدات باغی یک‌میلیون و دو بیست و سی هزار تن است. یادآور می‌شود که این منطقه در خصوص سطح زیرکشت و تولید بیش از ۱۰ محصول زراعی و باغی مقام‌های شاخص اول تا سوم را به خود اختصاص داده است.



■ ظرفیت و پتانسیل تولید و نرخ بازدهی واحد بهره‌برداری، با توجه به شرایط اقلیمی، سازگاری و طول فصل رشد، میزان بهره‌برداری و تولید در واحد سطح بهره‌برداری از محصولات سبزی و صیفی مذکور در مقایسه با محصولات استراتژیک و حمایت شده قابل مقایسه نمی‌باشد، برای مثال در جنوب استان کرمان در شرایط مقایسه‌ای یک سال زراعی، میانگین تولید گندم، پنج تن در هکتار می‌باشد و این عدد برای سیب‌زمینی ۸۰ تن، پیاز ۱۱۰ تن و گوجه‌فرنگی ۴۰ تن است، ضمن این‌که واحد اقتصادی بهره‌برداری سبزی و صیفی، یک هکتار با یک نفر اشتغال و برای گندم ۵ هکتار با ۰/۲ نفر اشتغال در هکتار می‌باشد که از نظر بافت فرهنگی و نظام خرده مالکی مهم می‌باشد،

■ وابستگی اقتصاد تولید محصولات سبزی و صیفی به‌صورت عامه به شبکه بازار،

■ عدم وجود اهرم اجرائی و قانونی در اختیار بخش دولتی جهت مدیریت و کنترل کاشت،

■ وجود بازارهای هدف خارجی سنتی برای محصولات مذکور،

■ با توجه به نرخ بازدهی سرمایه و درآمد خالص بهره‌بردار برابر ارزیابی‌های انجام شده، میزان مقبولیت کشت و ریسک تولید محصولات مذکور در مقایسه با محصولات تضمینی و حمایت شده قابل مقایسه نمی‌باشد، زیرا:

■ کشاورزان خرده مالک متکی به نیروی کار خانوار با قیمت تضمینی و سر به‌سر متحمل زیان نمی‌شوند،

■ در بحث کشاورزی استیجاری نیز به لحاظ بازارهای کاذب، صادرات اغلب میزان تولید و درآمد حاصله هر دو تا سه سال یکبار، ضمن پوشش زیان‌های سنواتی، درآمد قابل قبولی را برای بهره‌بردار محقق می‌کند که کشاورزان در شرایط مقایسه، ریسک را می‌پذیرند.

○ **طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی استان در زمینه اصلاح الگوی کشت منطقه تا چه اندازه سبب بیشینه کردن منافع کشاورزان و پایداری تولید آن‌ها شده است؟ اگر ممکن است برای نمونه مثالی بیاورید.**

■ قبل از انقلاب مجموع سطح زیرکشت و تولیدات منطقه به ترتیب ۲۴ هزار هکتار و ۳۸۰ هزار تن بوده است. افزایش ۱۰ برابری سطح و ۱۲ برابری تولید در سایه تلاش و مشارکت کشاورزان و برنامه‌های اجرائی جهاد کشاورزی محقق گردیده است.

■ اثرگذاری بسیاری از برنامه‌های اجرائی جهاد کشاورزی در بحث تولید و الگوی کاشت، ملی و فرا منطقه‌ای بوده است، برای مثال تا اوایل دهه هفتاد، هم‌ساله در زمستان ارز قابل توجهی برای واردات سیب‌زمینی و پیاز از کشور خارج می‌گردید، اما در حال حاضر ضمن رفع نیاز داخل، بخشی هم به بازارهای خارجی صادر می‌گردد و موجب ارزآوری می‌شود.

■ قبلاً کشت‌های غالب این منطقه در حوزه زراعت شامل گندم، جو، برنج، پنبه، حبوبات با تولید در حد خودمصرفی جمعیت آن زمان بوده است که در ادامه به لحاظ تغییر شرایط اقلیم و محدودیت منابع، برخی منسوخ گردیده است، اما امروزه بیش از ۸۰ گونه زراعی - تجاری با میزان مازاد بر نیاز منطقه‌ای تولید می‌گردد. در بحث ارتقای عملکرد در واحد سطح و ثبت رکوردهای ملی و حتی جهانی در تولید برخی از محصولات به‌وضوح

اما میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از اقتصاد کشور حداکثر ۲۰ درصد بوده است، ضمن این‌که در بحث استانی و منطقه‌ای به لحاظ موقعیت و شاخص‌های اقتصادی این تفاوت و خلأ فاحش‌تر می‌باشد. برای مثال در استان کرمان که بیش از ۳۴ درصد از اشتغال و ۳۰ درصد از اقتصاد به بخش کشاورزی وابسته می‌باشد، میزان سرمایه‌گذاری ۶ درصد است، در حالی که در سایر استان‌ها سهم بخش کشاورزی از منابع استانی حداقل ۱۰ درصد می‌باشد. اگرچه در بحث تأمین امنیت غذایی و خوداتکائی در برخی از محصولات استراتژیک و حمایت شده، دستاوردهای مطلوب و مناسبی حاصل شده است و بیش از ۸۰ درصد نیاز داخل تأمین می‌گردد، اما با توجه به پتانسیل و ظرفیت‌ها، بهره‌وری عوامل تولید به‌ویژه در بحث مدیریت منابع پایه، با شرایط مطلوب و شاخص پایداری مناسب نمی‌باشد و توسعه بخش با نیازمندی‌ها و روند رو به رشد جمعیت فاصله دارد.

چرا که:

■ در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی، میزان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقابل میزان انتظارات و اهمیت امنیت غذایی مناسب و متوازن نبوده است. باوجود این‌که در سخت‌ترین شرایط اقلیمی، تحریمی و محدودیت منابع سرمایه‌گذاری نرخ بازدهی و رشد اقتصادی بخش کشاورزی هشت درصد بوده اما در بحث اولویت‌گذاری و تخصیص منابع به بخش، چنین نبوده است،

■ عدم توسعه متوازن و همه‌جانبه بخش به دلیل وابسته بودن مدیریت، سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی به دستگاه‌های مختلف بخشی و فرابخشی با نگرش و اولویت‌بندی‌های متفاوت و نامرستار،

■ نظام‌مند نبودن سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های بخش در دولت‌های مختلف از آنجایی که روند توسعه در بخش کشاورزی یک پروسه بلندمدت مبتنی بر مبانی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی می‌باشد، هرگونه تغییر نگرش در بحث سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، اهداف بخش را متأثر می‌سازد. نمونه بارز آن طرح محوری گندم، خوداتکائی دانه‌های روغنی طی ۴ برنامه توسعه تاکنون.

○ **هرساله نوسانات شدید در بازار برخی محصولات کشاورزی به‌ویژه محصولاتی مانند سیب‌زمینی، پیاز و گوجه‌فرنگی به وجود می‌آید؛ مشکلی که گویی دیگر جنبه تاریخی پیدا کرده است. برخی سال‌ها تولید آن‌ها کم می‌شود و در سال‌های دیگر آن‌قدر زیاد می‌شود که برداشت آن‌ها به شدت غیراقتصادی شده و کشاورزان از برداشت، صرفه نظر می‌کنند. واقعاً چرا این مشکل حل نمی‌شود؟**

دلایل متعددی در این موضوع مؤثر می‌باشند:

■ برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در بحث تولید دولتی است، اما مدیریت بازار به‌عنوان رکن اصلی اقتصاد تولید غیردولتی و در اختیار شبکه و حاشیه بازار می‌باشد،

■ طی چند دهه گذشته مبنای برنامه توسعه‌ای بخش کشاورزی تولید محور بوده در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته به‌صورت تقاضامحور و قراردادی انجام می‌گردد،

علمی و پژوهشی برای توسعه بخش مفید واقع می‌شود که:

- از نظر علمی و فنی قابل اجرا می‌باشد،
- مبتنی بر دانش بومی و مبانی فرهنگی باشد،
- از نظر سیاست‌گذاری مقبول باشد،
- از نظر زیست‌محیطی ایمن باشد،
- از نظر اقتصادی تقاضامحور باشد.

### شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی استان در چه سطح کمی و کیفی و تأثیرگذاری وجود دارند؟

هرچند در سنوات اخیر در بحث شرکت‌های دانش‌بنیان اقدامات و تلاش‌هایی صورت گرفته است، اما در توسعه بخش کشاورزی ملموس نبوده و در ابتدای راه می‌باشند؛ از آنجائی که فرآیند توسعه بخش کشاورزی فرآیندی پیچیده با مشکلات خاص خود می‌باشد و به عوامل متعددی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی وابسته است به همان نسبت رفع مشکلات مذکور مستلزم تلاش و فعالیت‌های تقاضامند و همه‌جانبه می‌باشد. برنامه شرکت‌های مذکور در بحث برندینگ و صدور گواهی بهداشتی و تولید محصولات سالم می‌تواند نویدبخش افق تازه‌ای در توسعه بخش کشاورزی باشد.

### رابطه به‌اصطلاح «صنعت و دانشگاه» در بخش کشاورزی استان چگونه است؟ این رابطه در نوآوری‌های کشاورزی چه نقشی ایفا کرده است؟



بیانگر برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی و به فعلیت رسیدن ظرفیت بالقوه این منطقه می‌باشد. (توسعه گلخانه‌ها، کشت خارج از فصل، ضریب مکانیزاسیون، تولید بذر، توسعه شبکه‌های آبیاری مدرن و ...)

■ جهاد کشاورزی جنوب استان کرمان در جهت اصلاح الگوی کاشت با تأکید بر بهینه کردن سطوح کاشت محصولات آسیب‌پذیر، مصرف بهینه آب، مزیت نسبی تولید و افزایش بهره‌وری و حفظ اشتغال، گام‌های بلندی برداشته است؛ برای مثال طی چند سال گذشته ضمن این‌که با مدیریت سطح زیرکشت و جایگزینی گونه‌های جدید، ۱۸ هزار هکتار سطح زیرکشت محصولات نظیر هندوانه، گوجه‌فرنگی و ذرت را کاهش داده است، اما با ارتقای عملکرد در واحد سطح میزان تولید منطقه را افزایش و پایدار نموده است (منبع: آمارنامه رسمی).

■ در زمینه توسعه کشت فشرده، بیش از ۲۴۰۰ هکتار گلخانه انواع محصولات جالیزی و سبزی و صیفی ایجاد نموده است و بیش از ده‌ها گونه زراعی و دارویی استراتژیک، اساسی و لوکس را وارد چرخه اقتصاد تجاری منطقه نموده است.

■ در بحث گندم میزان تولید را از ۳۰ درصد نیاز منطقه به بیش از ۳۰ درصد مازاد بر نیاز منطقه افزایش داده است. (از ۳۰ هزار تن به ۱۸۰ هزار تن)

■ از آنجائی که الگوی کاشت یک فرآیند زمان‌بر و التزاماً فراگیر می‌باشد به‌منظور پایداری تولید و جلوگیری از هرگونه زیان اقتصادی احتمالی بایستی همه استان‌ها با محور قرار دادن کشت تقاضامحور مبتنی بر بازار به‌صورت قراردادی در جهت پایداری تولید و افزایش و تضمین منافع کشاورزان و اقتصاد کلان بخش گام بردارند.

### طراحی و تصویب الگوی کشت مناسب، معطل رفع چه مشکلاتی است و اصولاً موفقیت الگوی کشت به چه عواملی بستگی دارد؟

■ تصویب قانون و تدوین آئین‌نامه و دستورالعمل اجرایی،

■ تدوین برنامه نظام‌مند، فراگیر، تقاضامحور الگوی کاشت مبتنی بر مبانی فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی با رعایت و حفظ محیط‌زیست، مدیریت منابع پایه، مزیت نسبی تولید و حفظ اشتغال،

■ توسعه زیرساخت‌های تولید و فناوری اطلاعات در جهت الگوی کاشت،

- توسعه خدمات بازرگانی، بازاریابی و بازار رسانی،
- فراهم کردن توسعه کشت به‌صورت قراردادی.

### در زمینه تولید و تجارت محصولات کشاورزی اثرات علمی و پژوهشی قابل‌توجهی توسط استادان و پژوهشگران ارائه شده است که به نظر می‌رسد چندان مورد توجه دولت و نیز تولیدکنندگان قرار نگرفته است، این کم توجهی به چه علت است؟

باوجود توسعه فعالیت‌های علمی و پژوهشی، متأسفانه به دلیل این‌که غالباً یا آکادمیک بوده و منطبق بر زیرساخت‌ها نمی‌باشد و یا کاربردی غیر مرتبط با ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها بوده و نتوانسته در جهت پویائی و توسعه بخش ایفای نقش نماید؛ به عبارتی فاصله تحقیقات و پژوهش با بخش اجرا، قابل‌توجه بوده و تقاضامحور نبوده است. زمانی فعالیت‌های

یکی از مشکلات شاخص بخش کشاورزی عدم توسعه صنایع کشاورزی در فرایند تولید و پس از تولید، متوازن با سطح زیرکشت و تولید می‌باشد که خود ناشی از عدم توازن نگرش‌ها و سیاست‌گذاری‌ها و اولویت‌گذاری‌های دستگاه‌های متولی با بخش کشاورزی بوده است.

هرچند ممکن است در دانشگاه‌ها فعالیت‌های خوبی انجام شده باشد، اما به لحاظ تقاضامحور نبودن و خلأ قابل‌توجه صنعت دارای اثرات ملموس نمی‌باشد. باوجود این‌که جنوب استان کرمان منطقه‌ای کشاورزی است در بحث مکانیزاسیون تولید یا قطعات مورد نیاز غالباً به صنعت سایر استان‌های کشور وابسته می‌باشد. از طرفی به لحاظ شرایط و روش‌های منحصر کاشت، بسیاری از ادوات و ماشین‌آلات تولیدی کشور قابلیت کار و استفاده را ندارند.

صنایع تولید نهاده‌ها نیز (کود، سم، بذر، نایلون و ...) رشد چندانی نداشته است و به دلیل این‌که محصولات تولیدی این منطقه خارج از فصل و نسبت به سایر نقاط کشور با هزینه بالاتری تولید می‌شود، سرمایه‌گذاری در این زمینه ملموس نیست.

متأثر از شرایط حاکم بر بازار میوه و تره‌بار کشور و هدفمند نبودن بازارهای صادراتی و شرایط تحریمی رشد صنایع بسته‌بندی، فرآوری و تکمیلی منطبق بر رشد کشت و تولید نمی‌باشد.

با توجه به برنامه‌های محوری بخش کشاورزی در جهت توسعه صنایع بسته‌بندی، فرآوری، نگهداری تبدیلی و تکمیلی و همچنین ارتقاء و بهبود روش‌های کاشت چنانچه دانشگاه و نیز بخش صنعت همسو با نیازهای بخش کشاورزی و بومی‌سازی صنعت بخش، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کنند به‌عنوان یکی از الزامات بنیادی می‌تواند در فرآیند توسعه بخش کشاورزی، ارتقای بهره‌وری و ارزش‌افزوده و بهبود شاخص‌های اقتصادی ایفای نقش نماید؛ درواقع تاکنون توسعه متوازن صنعت بخش کشاورزی مغفول مانده است.

### ○ شعار بخش کشاورزی استان در سال رونق تولید برای رسیدن به رونق تولید چیست؟

در راستای سیاست‌های اجرائی برنامه ششم توسعه و برنامه محوری وزارت جهاد کشاورزی، مدیریت کشت و تولید مبتنی بر برنامه و تقاضای بازار، افزایش کارایی مصرف آب، سیستم چند کشتی، تغذیه متعادل و تولید بهداشتی و سالم به‌عنوان شاخص رونق تولید مورد تأکید می‌باشد.

### ○ درمورد شناسایی و تحلیل ابعاد توسعه کشاورزی پایدار در استان چه اقداماتی انجام شده است؟ مهم‌ترین موانع و چالش‌های فرا راه توسعه کشاورزی پایدار و راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟

در پاسخ به قسمت اول سؤال به اقدامات زیر اشاره می‌شود:

- مدیریت منابع آب با تأکید بر توسعه آبیاری تحت فشار و عملیات به زراعی کاهش مصرف آب،
- توسعه خاک‌ورزی حفاظتی،
- کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر و بهینه کردن سطوح

کاشت محصولات آسیب‌پذیر،

■ شناسایی پتانسیل‌های بالقوه در جهت تجاری‌سازی کشت‌های جدید قابل جایگزین استراتژیک، اساسی و دارای مزیت نسبی (زراعی، باغی، دارویی و صنعتی)،

■ توسعه کشت‌های متنوع گلخانه‌ای،

■ برنامه‌های محوری آموزشی و پیش‌آگاهی بهره‌برداران در جهت تولید محصول سالم، بسته‌بندی و مارکتینگ،

■ برنامه‌های محوری در جهت تولید بذر، نشاء و نهال‌های بوم سازگار،

■ تدوین برنامه الگوی کاشت مبتنی بر بهره‌وری آب بازار،

■ برنامه‌ریزی در جهت توسعه کشت‌های تقاضامحور و به‌صورت قراردادی.

مهم‌ترین چالش‌های موانع توسعه کشاورزی نیز به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

■ تغییرات اقلیمی، کاهش کمی و کیفی منابع آب دشت‌ها، قطع و مهار سرشاخه‌های هلیل‌رود،

■ شیوع امراض و آفات قرنطینه‌ای در باغات مرکبات و نخلستان در منطقه،

■ خشک شدن تالاب جازموریان و خطر توسعه کویر زدایی و خسارت ناشی از گردوغبار،

■ عدم وجود اهرم قانونی و دستورالعمل اجرایی در جهت مدیریت سطوح کاشت،

■ دولتی بودن اقتصاد تولید (سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی) و نظام‌مند نبودن بازار،

■ مستهلک شدن ساختار بخش و عدم توسعه صنعت،

■ نظام‌مند نبودن ساختار بازرگانی، بازار رسانی و صادرات محصولات (شرایط بین‌المللی)،

رفع مشکلات و چالش‌های مورد نظر در گرو اقدامات زیر می‌باشد:

■ تأمین منابع و سرمایه‌گذاری منطبق بر اهداف و انتظارات از بخش،

■ توسعه صنوف کشاورزی و کاهش تصدی‌گری صرف دولت در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری،

■ توسعه هدفمند کشت و تولید به‌صورت قراردادی.

### ○ چنانچه توضیحات بیشتری را به‌ویژه در مورد «اصلاح الگوی کشت» لازم می‌دانید، بفرمایید.

از آنجائی که الگوی کاشت فرآیندی پیچیده و زمان‌بر می‌باشد و به عوامل مختلفی از مبانی فرهنگی و دانش بومی، سیاسی، اقتصادی، نظام بهره‌برداری و مالکیتی، مبانی بوم‌شناختی و اقلیمی وابسته می‌باشد؛ بایستی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جهت اصلاح الگوی کاشت به‌صورت فراگیر، قانونی و اخلاق مدارانه با رعایت کلیه ابعاد مؤثر بر آن به‌صورت میان‌مدت و بلندمدت تعیین و اجرا گردد، در غیر این صورت هرگونه برنامه دستوری نه‌تنها اهداف الگوی کاشت را محقق نمی‌کند بلکه با استمرار هز منابع پایه، پایداری تولید و امنیت غذایی را با خطر جدی روبرو خواهد ساخت. ●





گفت‌وگو با «عباس سعیدی» رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان

# مسائل بخش کشاورزی با نگاه به الگوی کشت

عباس سعیدی رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان در گفت‌وگو با ما عنوان می‌کند که در شعار بخش کشاورزی محور استقلال اقتصادی است ولی در عمل بودجه تخصیصی به این بخش در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی بسیار پایین بوده و عملاً سرمایه جدید چندان به آن وارد نشده است. هرگاه به بخش کشاورزی بودجه‌ای نظیر طرح خودکفایی گندم تزریق شده، موجب افزایش تولید و افزایش ضریب خوداتکاپی گردیده است.

او می‌گوید که با توجه به کم‌آبی و خشک‌سالی‌های متوالی و شور شدن خاک، ظرفیت بالفعل باغات استان کاهش یافته است که به منظور حفظ پایداری و رسیدن به ظرفیت بالقوه در تولید محصولات باغی، تمهیدات لازم از جمله جایگزینی کشت محصولات با نیاز آبی کم براساس برنامه در حال اجرا است و در باب زراعت نیز اقداماتی مانند تدوین الگوی کاشت بر مبنای کارآیی مصرف آب و کاهش مصرف کود و سم انجام شده است.

وی موفقیت الگوی کشت را در تدوین قانون الزام کشاورزان به رعایت آن و حمایت‌ها و مشوق‌های مالیاتی و صادراتی و ... درباره کشاورزان مجری الگوی کشت می‌داند.

سعیدی ضمناً در اهمیت جایگاه استان کرمان در حوزه کشاورزی به ظرفیت‌های موجود استان در تولید ۱۲۴ نوع محصولات باغی و زراعی و دارا بودن رتبه دوم تولیدات باغی کشور اشاره می‌کند. از شما دعوت می‌شود مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید.



**در مورد اراضی قابل کشت، سطح زیر کشت به تفکیک زراعی و باغی و میزان تولیدات محصولات مهم استان، عملکرد در هکتار و مقایسه عملکرد با متوسط کشور، توضیحات و آمار و اطلاعاتی را ارائه فرمایید؟**

سطح زیر کشت محصولات زراعی شمال استان حدود ۱۱۵۷۳۷ هکتار با تولید ۱۳۵۰۰۰۰ تن می‌باشد. با توجه به محدودیت منابع آبی امکان افزایش سطح زیر کشت وجود نداشته و تنها روی افزایش بهره‌وری از طریق افزایش عملکرد و تغییر الگوی کاشت با نگاه کاهش مصرف آب و افزایش کارایی مصرف این نهاده مهم در استان برنامه‌ریزی‌هایی انجام می‌گیرد.

محصولات مهم زراعی استان عبارت‌اند از: گندم با ۳۴۰۰۰ هکتار سطح و ۴/۸ تن عملکرد، یونجه با ۲۷۰۰۰ هکتار سطح و ۱۲ تن عملکرد، جو با ۱۹۰۰۰ هکتار و ۳/۸ تن عملکرد، ذرت دانه‌ای با ۱۲۰۰۰ هکتار سطح و ۹ تن عملکرد، سیب‌زمینی با ۳۷۰۰ هکتار سطح و ۳۲ تن عملکرد.

استان کرمان با بیش از ۳۱۳ هزار هکتار باغ (رتبه ۲ کشوری) و تولید محصولات باغی ۵۵۰ هزار تنی از جمله استان‌های برتر کشور در زمینه باغبانی است. این استان با برخورداری از ۲۱۲۰۴۳ هکتار سطح زیر کشت و ۱۱۶۵۵۰ تن تولید پسته، دارای رتبه اول سطح و تولید در کشور می‌باشد که به‌عنوان نخستین محصول در صادرات غیر نفتی با ارزشی بالغ بر ۱ میلیارد دلار همواره نقش ارزنده‌ای در ارزآوری داشته و دارد.

محصولات مهم استان عبارت‌اند از: ۱- پسته با سطح ۲۱۲۰۴۳ هکتار، تولید ۱۱۶۵۵۰ تن و متوسط عملکرد ۶۰۰ کیلوگرم محصول خشک، رتبه اول سطح و تولید در کشور ۲- گردو با سطح ۱۷۱۰۰ هکتار، تولید ۱۶۱۷۰ تن و متوسط عملکرد ۱۲۰۰ کیلوگرم در هکتار محصول خشک رتبه اول سطح و رتبه ششم تولید در کشور ۳- گل محمدی با سطح ۳۷۰۷ هکتار، تولید ۵۸۰۱ تن و متوسط عملکرد ۱۷۸۹ کیلوگرم در هکتار رتبه دوم سطح و تولید در کشور ۴- بادام با سطح ۱۵۰۰۰ هکتار، تولید ۱۰۴۲۵ تن و متوسط عملکرد ۸۸۰ کیلوگرم در هکتار رتبه سوم سطح و رتبه پنجم تولید در کشور ۵- خرما با سطح ۲۷۷۲۷ هکتار، تولید ۱۵۵۳۵۵ تن و متوسط عملکرد ۶۴۲۰ کیلوگرم در هکتار، رتبه هفتم سطح و رتبه ششم تولید در کشور.

**استان کرمان در برگیرنده حدود ۲۵ درصد باغات کشور است، با نگاه به الزامات توسعه پایدار این ظرفیت را بالقوه و بالفعل چگونه ارزیابی می‌نمایید؟**

طی سنوات گذشته و حال به علت خشک‌سالی‌های متوالی در استان، متأسفانه دو منبع مهم آب‌خاک اراضی باغی به‌شدت تحت تأثیر قرار گرفته به‌طوری که افت آب منابع آبی (چاه‌های نیمه عمیق و عمیق) و شور شدن خاک اراضی، ظرفیت بالفعل باغات استان را کاهش داده، لذا به‌منظور حفظ پایداری و رسیدن به ظرفیت بالقوه در تولید محصولات باغی، تمهیدات لازم از جمله جایگزینی کشت محصولات با نیاز آبی کم طی برنامه مدون تدوین و در حال اجرا می‌باشد.

**به نظر شما تغییر سیاست‌های کشاورزی و اقتصاد عمومی دولت‌های آمده چه تأثیری بر روند توسعه بخش کشاورزی داشته است؟**

به‌طور کلی سیاست‌های به کار گرفته شده در زیر بخش باغبانی استان (در دولت‌های گذشته و حال) با توجه به تغییر شرایط اقلیمی و بروز حوادث غیرمترقبه (خشک‌سالی، سرمازدگی، گرم‌زدگی، سیل، تگرگ و ...) اتخاذ شده است که عمدتاً موجب ثبات عملکرد در واحد سطح و تولید در شرایط فوق بوده و از اثربخشی مطلوبی نیز برخوردار می‌باشد. دولت‌ها از ابتدا تا به حال سیاست کلی مشابهی را در بخش زراعی دنبال کرده‌اند، به‌طوری که در شعار، بخش کشاورزی محور استقلال ولی در عمل بودجه تخصیصی به این بخش در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی بسیار پایین بوده و عملاً سرمایه جدید چندان به این بخش وارد نشده، ولی تخصیص بودجه در بودجه‌های سنواتی جهت توسعه آبیاری تحت فشار در دولت سازندگی و دولت امید چه در قالب تسهیلات کم‌بهره و چه به‌صورت کمک‌های بلاعوض تأثیرات مهمی در بخش کشاورزی از جمله افزایش بهره‌وری آب و ... داشته است. هرگاه به بخش کشاورزی بودجه‌ای نظیر طرح خودکفایی گندم تزریق شده، موجبات افزایش تولید و افزایش ضریب خودکفایی را به دنبال داشته است.

**هرساله نوسانات شدید در بازار برخی محصولات کشاورزی به‌ویژه محصولات ماندنی سیب‌زمینی، پیاز و گوجه‌فرنگی به وجود می‌آید. مشکلی که گویی دیگر جنبه تاریخی پیدا کرده است. برخی سال‌ها تولید آن‌ها کم می‌شود و در سال‌های دیگر آن‌قدر زیاد می‌شود که برداشت آن‌ها به‌شدت غیراقتصادی شده و کشاورزان از برداشت صرفه نظر می‌کنند. واقعاً چرا این مشکل حل نمی‌شود؟**

در بازار محصولات باغی عمدتاً چنین مشکلی وجود ندارد ولی مشکل نوسانات قیمت محصولات سبزی و صیفی عمدتاً به دلیل عدم تبعیت کشاورزان از برنامه الگوی کاشت به علت نبود اهرم قانونی در کنترل سقف یا کف سطح کشت بر مبنای توانمندی‌ها، نیاز داخلی و امکان صادراتی به وجود می‌آید، البته پایدار نبودن سیاست‌های صادراتی و گاهی بدعهدی کشورهای هدف و عدم رعایت استانداردهای موجود در تولید محصولات نظیر گوجه‌فرنگی، خیار، سیب‌زمینی و پیاز سبب کاهش امکان صادرات می‌گردد، ضمناً این محصولات عمدتاً در حوزه تحت پوشش سازمان جهاد کشاورزی جنوب استان تولید می‌گردد، البته با ایجاد سایت پهنه‌بندی محصولات سبزی و صیفی گام اول در جهت تهیه آمار و اطلاعات بهره‌برداران به‌منظور رصد سطوح کاشت و کشت قراردادی محصولات توسط وزارت جهاد کشاورزی در جهت ساماندهی به تولید این محصولات برداشته شده است.

**طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی استان در زمینه اصلاح الگوی کشت منطقه تا چه اندازه سبب بیشینه کردن منافع کشاورزان و پایداری تولید آن‌ها شده است؟ اگر ممکن است برای نمونه مثالی بیاورید؟**

با عنایت به ادامه روند خشک‌سالی و حوادث غیرمترقبه در استان استفاده بهینه از منابع آبی و خاک با حذف محصولات آبرو و جایگزینی آن با محصولات با نیاز آبی کم (زعفران، گل محمدی، گیاهان دارویی و گلخانه) علاوه بر بهبود وضعیت معیشت و منافع باغداران، پایداری تولید را نیز به



باشند، ولی تاکنون حضور جدی در عرصه عملی بخش زراعی استان نداشته‌اند، لیکن امکان همکاری در خصوص تولید بذر سیب‌زمینی و ... از طریق کشت بافت و بررسی‌های ژنتیکی و بیوتکنولوژی وجود دارد.

**رابطه به اصطلاح صنعت و دانشگاه در بخش کشاورزی استان چگونه است؟ این رابطه در نوآوری‌های کشاورزی چه نقشی ایفا کرده است؟**

ارتباط دانشگاه با بخش کشاورزی از روند مشابه ارتباط بخش‌های تحقیقاتی و دانشگاهی با بخش صنعت و حتی کم‌رنگ‌تر پیروی می‌کند که لازم است از طرف عوامل ذیربط به‌منظور نوآوری در زیر بخش باغبانی استان تمهیدات لازم در این زمینه اتخاذ گردد لیکن بحمدالله همکاری خوبی بین مؤسسه تکنولوژی‌های گیاهی در خصوص مقایسه و معرفی ارقام برخی گیاهان زراعی نظیر ارزن‌های علوفه‌ای، انواع سورگوم و گلرنگ وجود دارد.

**شعار بخش کشاورزی استان در سال «رونق تولید» برای رسیدن به رونق تولید چیست؟**

در بخش باغبانی؛ حمایت از تولید داخلی، حفظ اشتغال مولد با محوریت افزایش بهره‌وری منابع آبی و خاک و شعار بخش زراعت برای رسیدن به رونق تولید؛ اجرای کشت قراردادی (تولید بر مبنای بازار) است که مقدمات آن با شروع کشت قراردادی گندم دوروم با مشارکت انجمن صنفی کارفرمایان کارخانجات ماکارونی و بنیاد گندم کاران فراهم شده است.

**در مورد شناسایی و تحلیل ابعاد توسعه کشاورزی پایدار در استان چه اقداماتی انجام شده است؟ مهم‌ترین موانع و چالش‌های فراراه توسعه کشاورزی پایدار راه‌های برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟**

همراه داشته است، به‌عنوان مثال جایگزینی کاشت زعفران با مصرف آب ۳۰۰۰ مترمکعب در هکتار یا گل محمدی با مصرف آب ۲۵۰۰ مترمکعب آب در هکتار و طرح‌ها و برنامه‌های اجرایی جهاد کشاورزی استان در زمینه اصلاح الگوی کشت مانند حذف سطوح کشت غیراقتصادی محصولات زراعی خصوصاً غلات، معرفی محصولات کلزا و گلرنگ به‌عنوان جایگزین غلات پاییزه، تولید سبیر خارج از فصل در مناطق گرمسیری مانند شهداد از طرفی سبب کاهش هزینه‌های تولید و از طرف دیگر باعث افزایش درآمد کشاورزان شده است.

**طراحی و تصویب الگوی کشت مناسب معطل رفع چه مشکلاتی است و اصولاً موفقیت الگوی کشت به چه عواملی بستگی دارد؟**

در حال حاضر جایگزینی کشت محصولات با نیاز آبی کم در پروژه اصلاح الگوی کاشت با پرداخت تسهیلات کم‌بهره در شهرستان‌های استان در حال اجرا است و در این زمینه مشکل خاصی وجود ندارد، همچنین طراحی و تصویب الگوی کشت مناسب، معطل رفع مشکلاتی نظیر برآورد میزان آب تحویلی به کشاورزان بر مبنای پروانه‌ها، تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز و نصب کنتور حجمی که مبنای اصلی برنامه‌ریزی الگوی کشت می‌باشد. موفقیت الگوی کشت، به تدوین قانون الزام کشاورزان به رعایت آن، حمایت‌هایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، مشوق‌های صادراتی، سیاست‌های حمایتی نظیر تسهیلات کم‌بهره، کود و بذر یارانه‌ای از کشاورزان مجری الگوی کشت تدوینی سازمان جهاد کشاورزی بستگی دارد.

**در زمینه تولید و تجارت محصولات کشاورزی، اثرات علمی و پژوهشی قابل توجهی توسط استادان و پژوهشگران ارائه شده است که به نظر می‌رسد چندان مورد توجه دولت و نیز تولیدکنندگان قرار نگرفته است. این کم توجهی به چه علت است؟**

به نظر می‌رسد با تقویت ارتباط بخش‌های تحقیقاتی و دانشگاهی با بخش اجرا و انتقال نتایج پژوهشی به بخش اجرا، موضوع تولید و تجارت محصولات کشاورزی ارتقاء یابد. از طرفی کم توجهی عمدتاً به عدم هماهنگی بین پژوهش‌ها و نیازهای واقعی بخش کشاورزی می‌باشد و شرایط بومی که در پژوهش‌های کشاورزی نقش بالایی دارد عمدتاً نادیده گرفته شده، به‌عنوان مثال، مشکل خشکیدگی خرما معضل بخش می‌باشد که راهکار عملیاتی مؤثری داده نشده یا گیاه حنا و وسمه که بومی است، تحقیقات و مطالعات کمی صورت گرفته است، البته در مواردی مانند معرفی گیاهان سورگوم و ارزن علوفه‌ای، به دلیل عدم آشنایی دامداران و خرید محصول جهت تغذیه دام‌ها توسعه با کندی روبرو شده است.

**شرکت‌های دانش‌بنیان در بخش کشاورزی استان در چه سطح کمی و کیفی و تأثیرگذاری وجود دارند؟**

شرکت‌های دانش‌بنیان با ورود به عرصه تولید و ساماندهی فروش محصولات کشاورزی با بهره‌گیری از توان کارشناسی فنی بالا قادرند در ارتقاء تولید، افزایش درآمد باغداران و اشتغال‌زایی نقش مؤثری داشته

کشاورزی پایدار نیازمند حفظ و بهره‌وری مناسب از منابع تولید (آب‌وخاک و ...) است که با توجه به تغییرات اقلیمی درازمدت در استان استفاده از این منابع با اصلاح الگوی کاشت در دست پیگیری و اقدام می‌باشد، اما موانعی از جمله خرده مالکیت اراضی باغی، کمبود اعتبارات تخصیصی، بالا بودن نرخ بهره بانکی تسهیلات، ضرورت ساماندهی عرضه و تقاضای محصولات، فقدان ادوات کاشت و برداشت بعضاً در برخی محصولات مانند گیاهان داروئی، گل محمدی، زعفران در زیر بخش باغبانی، مقاومت باغداران در اجرای پروژه می‌تواند روند توسعه کشاورزی پایدار را کند نماید. در بحث زراعت، اقداماتی مانند تدوین الگوی کاشت بر مبنای کارایی مصرف آب، کاهش مصرف کود و سم با پروژه‌هایی نظیر آزمون خاک و مصرف سم با نظر کارشناسان گیاهپزشک انجام گرفته است. چالش اصلی محدودیت منابع آبی در استان و راه برون‌رفت از آن توسعه کشت‌های گلخانه‌ای، حذف کشت‌های کم بازده و جایگزینی محصولات با ارزش اقتصادی بالاتر و مصرف آب کمتر می‌باشد.

### چنانچه توضیحات بیشتری را به‌ویژه در مورد اصلاح الگوی کشت

لازم می‌دانید. بفرمائید؟

سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان با تشویق و ترغیب بهره‌برداران کشاورزی به استفاده از روش‌های آبیاری نوین، تشویق کشاورزان به احداث گلخانه و واحدهای پرورش قارچ خوراکی، فعال نمودن واحدهای غیرفعال و نیمه فعال گلخانه‌ای، توسعه کشت گیاهان دارویی و کشت گیاهان با نیاز آبی کم، کوشیده تا در راستای افزایش تولید در واحد سطح به‌جای افزایش سطح زیرکشت، گام مهمی در راستای تحقق شعار سال که همان رونق تولید است، بردارد.

از طرفی با برگزاری دوره‌های آموزشی آبی‌پروری، تأمین نهادهای مورد نیاز دام و طیور، ترویج استفاده از دام‌های اصلاح نژاد پر تولید و معرفی دام مولد پر تولید سعی در رونق تولید در زمینه‌های مختلف زراعت، باغبانی، شیلات، آبیاری و دام و طیور نموده است. از طرفی پتانسیل‌های موجود در استان کرمان ضمن فراهم نمودن امکان تولید ۱۲۴ نوع محصولات باغی و زراعی اهمیت ویژه‌ای برای این استان فراهم نموده است که همواره در راستای کمک به تولید و خودکفایی محصولات اساسی کشاورزی نقش ارزنده‌ای ایفا نموده است و به موفقیت‌های چشمگیری نیز دست یافته است، از جمله در حوزه کشاورزی شمال استان می‌توان به جایگاه کشوری و قابلیت‌های موجود مانند سطح زیرکشت محصولات باغی با ۳۱۴۲۱۷ هکتار حائز رتبه دوم کشوری و برخوردار از ۱۱۵۷۳۷ هکتار سطح زیرکشت محصولات زراعی نام برد.

استان کرمان با برخورداری از ۲۱۲۰۰۰ هکتار سطح زیرکشت و ۱۱۶۵۵۱ تن تولید پسته دارای رتبه اول سطح و تولید در کشور می‌باشد که به‌عنوان نخستین محصول در صادرات غیرنفتی همواره نقش ارزنده‌ای در ارزآوری داشته و دارد. در مناطق گرمسیری استان به‌طور عمده خرما و مرکبات کشت می‌شود. خرما از جنبه اقتصادی و نقشی که در صنایع تبدیلی، صنایع غذایی و بسته‌بندی دارد قابل اهمیت می‌باشد و یکی از محصولات اقتصادی استان به‌شمار می‌رود. اجرای الگوی کشت محصولات کشاورزی به‌ویژه در شرایط کنونی استان با چالش آب مواجه است. بسیار ضروری به نظر می‌رسد ضمن این‌که هرسال شاهد نوسانات شدیدی در

بازار برخی از محصولات کشاورزی از جمله سیب‌زمینی، گوجه‌فرنگی و ... هستیم که به دلیل عدم رعایت الگوی کشت، گاه تولید آن‌ها کم می‌شود و گاهی حجم تولید آن‌قدر بالا می‌رود که کشاورزان و مسئولان نمی‌دانند باید با مازاد آن چه کنند. کارشناسان معتقدند طراحی الگوی کشت محصولات کشاورزی متناسب با نیازهای استان و شرایط اقلیمی و با مدنظر قرار دادن چالش کم‌آبی، قطعاً در ساماندهی شرایط بازار محصولات کشاورزی نقش چشمگیری خواهد داشت. متأسفانه از دلایل معیوب ماندن الگوی کشت محصولات کشاورزی:

الف- فراهم نبودن زیرساخت‌های فنی، مالی و دانش است،

ب- عدم تناسب توسعه کشاورزی با ظرفیت‌های طبیعی استان از جمله منابع آبی استان است که این سازمان سعی نموده با مدیریت صحیح، گام‌های مهم و مؤثری در جهت ترویج الگوی کشت مناسب در استان بردارد. با وجود این‌که در اکثر برنامه‌های توسعه، سهم بخش کشاورزی از بودجه، اندک دیده شده، اما بخش کشاورزی تنها بخشی از اقتصاد کشور می‌باشد که در تحریم‌های اخیر همواره رشد مثبت داشته است. علاوه بر آن سهم بخش کشاورزی در اشتغال و رفاه جامعه ایران بر کسی پوشیده نیست. امید است با فراهم نمودن زیرساخت‌های فنی، مالی و دانشی گامی مهم در زمینه توسعه بخش کشاورزی و اصلاح الگوی کشت به‌صورت وسیع و همه‌جانبه برداشته شود. بحث ارتباط دانشگاه و صنعت در بخش کشاورزی یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که پرداختن به آن تعیین‌کننده توسعه پایدار و دانش‌بنیان کشاورزی کشورهای مختلف است. در همین رابطه سازمان جهاد کشاورزی استان کرمان گام‌های مؤثری جهت تربیت دانشجویان، تحت عنوان کارآموزی از طریق تعامل بین دانشگاه و بخش کشاورزی برداشته به‌طوری‌که توانسته‌اند نقش مکملی برای یکدیگر ایجاد نمایند. کشاورزی پایدار، رهیافتی در پی حداکثر نمودن بهره‌وری از ظرفیت‌های بخش کشاورزی و حداقل نمودن پیامدهای مخرب زیست‌محیطی است؛ بدین‌سان توسعه کشاورزی پایدار باید با اتکا به امکانات و فناوری موجود شکل یابد تا از نظر فنی مناسب، از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر و از نظر اجتماعی قابل قبول باشد. این سازمان با در نظر گرفتن ابعاد فوق‌الذکر جهت توسعه کشاورزی پایدار تاکنون مطالعات زیادی انجام داده است. متأسفانه چالش‌های پیش رو از جمله افزایش نیافتن سطح زیرکشت به دلیل محدودیت‌های منابع آبی، افزایش هرساله جمعیت، به‌صرفه نبودن تولید در این بخش، مهاجرت روستائیان، کاهش راندمان عوامل بنیادین تولید (آب و زمین)، پیری جمعیت بهره‌بردار و راغب نبودن جوانان به فعالیت در بخش کشاورزی، مانع پیشرفت در این زمینه شده که می‌توان با برنامه‌ریزی‌های کلان اقتصادی در بخش کشاورزی، ترغیب و تشویق جوانان فارغ‌التحصیل کشاورزی به فعالیت در این بخش، اصلاح الگوی کشت و آموزش و ترویج بهره‌برداران بخش کشاورزی به این مهم دست یافت.

همچنین در اصلاح الگوی کاشت، به سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در بخش کشاورزی و دامداری استان و سهم اشتغال این بخش، زیرساخت‌ها و امکان مشاغل جایگزین در اثر حذف بعضی محصولات، توجه ویژه‌ای باید انجام گیرد. در نهایت تصویب قانون الزام اجرای الگوی کاشت ضروری است. ●





# توسعه صنایع تبدیلی و غذایی استان کرمان

صنایع غذایی از نظر وسعت و گستردگی دومین مقام را در جهان دارا است. لازم به ذکر است میزان ارزش افزوده در این صنایع، با ارزش افزوده در صنایع پتروشیمی برابری دارد و با جایگزینی صدور این محصولات به جای صدور قسمتی از نفت، می‌توان به شکوفایی اقتصادی نزدیک‌تر شد. در حال حاضر به دلیل ناکافی بودن صنایع تبدیلی و تکمیلی در بخش کشاورزی، کشاورزان با ریسک تولید می‌کنند؛ در صورتی که توسعه این صنایع علاوه بر افزایش درآمد کشاورزان، باعث تنظیم بازار و ثبات قیمت‌ها نیز می‌شود. بازاریابی و بازاریابی و بازاریابی، یکی از ارکان اساسی توسعه بخش کشاورزی است. بخش مهمی از بازاریابی محصولات کشاورزی، تشکیل و توسعه صنایع تبدیلی و فرآوری محصولات کشاورزی است، اما این صنایع هنوز در زیر بخش‌های مختلف توسعه نیافته است در صورتی که توسعه آن مزایای بسیاری از جمله افزایش تولید، گسترش بازارها و متنوع شدن محصولات، تکمیل زنجیره بازاریابی در بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال فارغ‌التحصیلان و متصدیان بخش‌های مرتبط با کشاورزی و از طرف دیگر ارتقاء کیفیت محصولات کشاورزی و افزایش انتخاب مصرف‌کنندگان را به همراه خواهد داشت.

## جایگاه بخش کشاورزی شمال استان کرمان

این استان با برخورداری بیش از ۳۱۴ هزار هکتار سطح باغات و ۵۳۰ هزار تن تولید محصولات باغی، قریب به ۲۰ درصد باغات کشور را در خود جای داده است هم‌چنین در این استان در ۱۱۵

### < حمیدرضا ارجمند تاج‌الدینی

مدیر صنایع تبدیلی و غذایی سازمان  
جهاد کشاورزی شمال استان کرمان



نقش و اهمیت صنایع تبدیلی و غذایی بخش کشاورزی در راستای نگهداری، فرآوری مناسب و جلوگیری از ضایعات برای توسعه این بخش کاملاً آشکار است. توسعه صنایع باهدف عرضه در بازار داخلی و سرمایه‌گذاری، بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و نیازها و تقاضای بازار باعث بلااستفاده ماندن بخشی از ظرفیت تولید و افزایش هزینه‌های این صنعت می‌گردد و نشانگر عدم برنامه‌ریزی اصولی است. در حال حاضر محصولات کشاورزی به صورت خام و فرآوری نشده صادر می‌شود که با رونق و توسعه این صنایع و مطابقت تولید با استانداردهای جهانی می‌توان بازارهای صادراتی بهتر و ارزش افزوده بیشتری را به دست آورد. برای رسیدن به این هدف، نیازمند ارائه تسهیلات اعتباری بیشتر و هماهنگی آن با نیازهای موجود در بازار، رعایت نکات بهداشتی و استفاده از فناوری‌های تولید برای تطابق تولیدات با استانداردهای جهانی هستیم و ضرورت دارد دولت، تسهیلات بیشتری برای سرمایه‌گذاری و ایجاد انگیزه فعالیت در این عرصه اختصاص دهد. اهمیت صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی را زمانی بیشتر در می‌یابیم که توجه کنیم پس از صنایع سنگین،

هزار هکتار سطح زیرکشت، ۱۲۸۰ هزار تن محصولات زراعی تولید می‌شود.

استان کرمان مقام اول پسته کشور با سطحی معادل ۲۱۲ هزار هکتار و تولیدی بالغ بر ۱۱۷ هزار تن، مقام اول خرما کشور با سطح بیش از ۲۷ هزار هکتار و تولیدی بالغ بر ۱۷۰ هزار تن، مقام اول گردو کشور با سطحی معادل ۲۱ هزار هکتار و تولیدی بالغ بر ۲۲ هزار تن، مقام دوم گل محمدی کشور با سطحی معادل ۳۳۰۰ هکتار و تولیدی بالغ بر ۶ هزار تن را به خود اختصاص داده است. \* پسته: به‌منظور فرآوری پسته تر، بیش از ۱۴۰۰ واحد ترمینال ضبط و فرآوری مکانیزه و نیمه مکانیزه در استان وجود دارد (مازاد بر نیاز استان) و همچنین در زمینه صنایع جنبی پسته نیز بالغ بر ۶۰ واحد (درجه‌بندی، بسته‌بندی، مغز و ...) احداث شده است. با توجه به خام فروشی و صادرات فله‌ای، قسمت اعظمی از تولیدات پسته استان، به‌منظور بالا بردن ارزش‌افزوده محصول و افزایش درآمد کشاورزان و فعالان این صنعت، ضرورت ایجاد صنایع تبدیلی و غذایی این محصول امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

\* خرما: نظر به اینکه ۹۵ درصد خرمای تولیدی استان رقم مضافتی است به‌منظور جلوگیری از فسادپذیری و نگهداری در زمان برداشت و توزیع تدریجی محصول در بازارهای داخلی و خارجی تعداد ۱۷۰ سردخانه نگهداری خرما با ظرفیت ۲۴۰ هزار تن (بیش از تولید خرمای استان) در شهرستان‌های شرقی استان راه‌اندازی شده است و تعداد ۲۰ کارگاه با ظرفیت حدود ۳۲ هزار تن در زمینه فرآورده‌های جانبی خرما فعالیت می‌کنند.

بسته‌بندی محصول خرما اغلب به‌صورت سنتی در سطح باغ انجام می‌شود، به شکلی که قبل از شروع فصل برداشت، کارتن خالی توسط خریداران و فعالان صادرات خرما، بین باغداران توزیع و همزمان با برداشت، عملیات بسته‌بندی در سطح باغ انجام و سپس محموله‌ها به سردخانه منتقل و قسمت اعظمی از محموله‌های تحویلی در سردخانه‌ها به دلایل متعدد با تعویض کارتن مواجه می‌گردد که این مهم یکی از دلایل افزایش قیمت تمام‌شده محصول است. با توجه به معایب روش مذکور به جهت ارتقاء شرایط بهداشتی، روش و نوع بسته‌بندی و نگهداری محصول پس از برنامه‌ریزی‌ها و پیگیری‌های انجام‌شده توسط مدیریت صنایع تبدیلی و غذایی سازمان جهاد کشاورزی استان مقرر گردید:

۱- محموله‌های برداشت‌شده از باغ، در سبدهای پلاستیکی به سردخانه و سالن‌های بسته‌بندی، منتقل و عملیات بسته‌بندی براساس نوع سفارش به کشورهای هدف انجام شود.

۲- ایجاد دهکده خرما با ظرفیت ۱۲۰ هزار تن بسته‌بندی و ۲۰ هزار تن سردخانه و ایجاد پایانه صادراتی به‌صورت متمرکز در شهرستان بم جهت ساماندهی صادرات محصول خرمای مضافتی بم و همچنین پوشش محصول خرمای تولید جنوب استان کرمان و جنوب شرق کشور در دستور کار سازمان جهاد کشاورزی استان قرار گرفته است که اجرای طرح مذکور منجر به نظارت و کنترل بهداشتی و شرایط استاندارد محصولات صادراتی و حفظ اصالت

برند خرمای رقم مضافتی بم خواهد شد که پس از اجرائی شدن طرح مذکور نهایتاً زنجیره خرمای بم نیز (قبل از تولید تا صادرات) عملیاتی می‌شود.

### طرح‌های پیشنهادی جهت توسعه صنایع تبدیلی و غذایی محصولات غالب استان کرمان

\* ایجاد و توسعه صنایع جنبی پسته شامل بسته‌بندی‌های کوچک پسته جهت مراکز عرضه مستقیم، طعم دار کردن پسته، تولید مغز سبز، مغز پسته، پودر، خلال، مارمالاد، شکلات، کره، کرم، حلوای پسته و ...

\* تولید زغال اکتیو و خوراک دام از ضایعات پسته (پوست سبز، استخوانی و برگ) و تولید نئوپان و خمیر کاغذ از سرشاخه‌های هرس شده پسته

\* تولید انواع فرآورده‌های خرمایی شامل خمیر، شیر، سرکه، الکل، چیپس، لواشک، شکلات، شیرینی‌های خرمایی و ...

\* تولید نئوپان و ام دی اف، از سرشاخه‌های خرما با ظرفیت سالیانه ۱۰۰ هزار مترمکعب و جذب حدود ۱۰۰ هزار تن سرشاخه با توجه به وسعت نخلستان‌های شمال استان سالیانه حدود ۱۴۰ هزار تن سرشاخه‌های نخل، هرس و عمدتاً به دلیل نبود صنایع جنبی، سوزانده که هم باعث هدر رفت سرمایه و هم منجر به آلودگی محیط‌زیست می‌شود.

\* کارخانه استحصال عصاره و ماده مؤثره از گیاهان دارویی با دامنه کاربرد دارویی در صنعت دام و طیور

با عنایت به رویکرد و سیاست‌گذاری وزارتخانه مبنی بر تولید محصول سالم و ارگانیک و استانداردسازی مواد مؤثره گیاهان دارویی و کاربرد و جانشینی آن به‌جای داروهای شیمیایی که اثرات مخرب آن بر محصولات تولیدی و فرآورده‌های دامی شناخته شده است که مصرف این فرآورده‌ها، مخاطرات بهداشتی را برای جامعه به دنبال دارد، لذا هدف‌گذاری و اجرای پروژه مذکور با توجه به فراسودمند بودن آن در تولید مواد غذایی سالم از لحاظ کمی و کیفی امری ضروری است. با توجه به موارد مذکور و حائز اهمیت بودن رتبه استان کرمان در تولید گیاهان دارویی، محوریت شغل دامپروری در استان و لزوم توجه به تولید محصول سالم و محبوبیت استفاده از این‌گونه مواد در بین جامعه که مصرف آن علاوه بر برطرف کردن مخاطرات بهداشتی، ارتقاء سطح غذایی و دارویی را به دنبال خواهد داشت، لذا پروژه مذکور باهدف جمع‌آوری، جداسازی، استخراج، استحصال و تهیه دارو با دامنه کاربرد در صنعت پرورش دام و طیور جزء اولویت‌های سرمایه‌گذاری است.

\* زنجیره ارزش محصولات گوشتی از مزرعه تا مصرف در راستای کاهش ضایعات

\* فرآوری و عمل‌آوری محصولات گوشتی

\* بسته‌بندی و تولید انواع فرآورده‌ها از گیاهان دارویی جهت مصارف غذایی، دارویی و بهداشتی

\* استخراج ماده مؤثره از پوست سبز و برگ گردو جهت مصارف بهداشتی و دارویی. ●

# گردشگری و صنایع دستی

- استراتژی پیشنهادی تجاری سازی صنایع دستی
- گفت‌وگو با «فریدون فعالی»  
مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان:  
اولویت با تهیه طرح جامع گردشگری
- توانمندی‌ها و تنگناهای بخش گردشگری در استان کرمان  
● گفت‌وگو با «اکبر رشیدی»:  
منطقه کویری شهداد؛ مقصد گردشگری
- اسفندقه؛ کانون کهن ترین استقرارهای  
انسانی جنوب شرق ایران  
با قابلیت‌های مطلوب گردشگری
- گفت‌وگو با «هوشنگ شفیعی»  
مؤسس و سرمایه‌گذار منطقه نمونه آرمین دلفارد:  
جیرفت؛ بهشت گمشده گردشگران



# استراتژی پیشنهادی تجاری سازی صنایع دستی

گرفت؛ به گونه‌ای که موبایل هر فرد دیگر فقط تلفن او نیست، بانکی از اطلاعات، منبعی از ارتباطات و کلید بخش قابل توجهی از امورات روزمره او محسوب می‌شود. این ارزشی است که این مصنوع برای استفاده‌کننده دارد و روزبه‌روز بر بار و منزلت آن افزوده می‌شود. اما چگونه می‌شود با صنایع دستی ارزشی خلق کرد که مشتری را مجاب به پرداخت پول و تهیه آن نماید؟

برای حرکت یک صنعت، اولین و مهم‌ترین گام، شناخت دقیق و مناسب از وضعیت موجود است.

برای رسیدن به مقصد بندرعباس از میدآهایی چون تبریز، مشهد، تهران و یا یزد، نحوه حرکت و پیمودن راه کاملاً متفاوت خواهد بود. اگر بتوانیم تصویر شرایط موجود را بدون افراط و تفریط ترسیم کنیم و چشم‌انداز آینده را نیز منصفانه و بدون عجله با توجه به امکانات در دسترس و توان افزایش آن‌ها ترسیم نماییم قطعاً دستیابی به موفقیت اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

## شاخص‌هایی که برای شناخت دقیق وضعیت موجود باید مورد توجه قرار گیرند:

- ۱- ما در چه بازاری فعالیت داریم؟
- مشتریان ما چه کسانی هستند؟
- علایق و سلیقه‌های آن‌ها چیست؟
- ۲- تغییرات در این بازار چگونه است؟
- چگونه مشتریان ترجیح خود را تغییر می‌دهند؟
- چگونه اولویت مشتریان دگرگون می‌شود؟
- ۳- امکانات و توانایی ما برای پاسخگویی نیازها به چه میزان است؟
- ۴- شناسایی دقیق نقاط قوت و ضعف ما در مواجهه با تغییرات و وضعیت فعلی.
- ۵- مسئولیت‌پذیری.

انتظار خاصی از مرجع و یا مقام خاص برای ایجاد امکانات یا تغییرات نداشته باشیم. شرایط فعلی نتیجه تفکرات و عملکرد ما تا به حال بوده و برای بهبود آن بایستی در این دو حوزه (تفکر صحیح و عملکرد مناسب) گام برداریم. بعد از شناسایی و ترسیم دقیق شرایط موجود بایستی چشم‌انداز

### < مسعود فروزش

مدرس سازمان مدیریت صنعتی، فعال در صنعت پلی اتیلن (لوله و اتصالات)



در مطلب پیش رو تلاش خواهد شد که ابتدا به بخش کوچکی از کلیات علم استراتژی پرداخته شود و سپس کاربرد آن در این مقوله مورد بررسی قرار گیرد. تحقیقاً مقوله عمیق و پیچیده‌ای همچون استراتژی می‌تواند برای تمامی صنایع، تولیدات و خدمات جذاب بوده و مورد استفاده قرار گیرد این قالب خواهد توانست هر کسب‌وکاری را دچار تحول کند؛ اگر به معنای دقیق درک شده و درجه مناسب برای کسب‌وکار خاص را در آن بیابیم. برآیند و نتیجه دقیق هر استراتژی سودآوری مناسب آن است لذا حرکت در مسیری درست و موفق ارزیابی می‌شود که منجر به فروش و کسب سود شود.

یکی از تعابیر استراتژی استفاده از فرصت است که قاعده‌تاً باید این فرصت را ایجاد کرد و سپس به استفاده از آن پرداخت. شاه‌کلید استراتژی در چگونگی ایجاد این شرایط یا به قولی فرصت است که ماندگاری و منحصربه‌فرد بودن نوع حرکت، دوام و قوام آن را تضمین می‌کند. از جمله عوامل موفقیت را در ایجاد فرصت داشتن و یا به وجود آوردن مزیت رقابتی است که طبیعتاً در موضوع بحث ما (صنایع دستی) خودبه‌خود این مزیت درون کالای ما نهفته است و بخشی از راه تسهیل شده و ما نیازی به ایجاد این مزیت نداریم، تنها باید آن را برجسته کرده تا به چشم آید.

حال که مزیت رقابتی ما آماده و مهیاست، تنها بایستی با آن برای مشتری خلق ارزش کنیم. شاید بهتر باشد با ذکر یک مثال به ادامه موضوع بپردازیم، در همین سال‌های نه‌چندان دور که تلفن همراه به سبب کالاهای مصرفی بشر اضافه شد، کمتر کسی می‌توانست تصور کند. بدین‌سان پاسخ به بخش قابل توجهی از نیازها را در خود بگنجاند. ابتدا فقط یک وسیله لوکس ارتباطی بود، اما با نسل جدید تلفن‌های هوشمند ارتباط کلامی یا همان تلفن بودن این تجهیز در حاشیه قرار

ایجاد هماهنگی و کارگروهی در این راستا می‌تواند در توفیق آن مؤثر باشد و ایجاد الگویی مناسب برای اجرا در سایر استان‌ها.

در سطح اقتصاد جهانی شما وقتی صاحب فناوری یا تولیدکننده نامیده می‌شوید که محصول تولیدی شما قابلیت صادرات داشته باشد؛ جدا از اینکه در آن سطح، حد و اندازه باشید و این کار را انجام می‌دهید یا نه. ملاک، کیفیت محصول تولیدی شماست که برای یک فرد خارجی به‌گونه‌ای باشد که مایل باشد بابت آن پول پرداخت کند. به قول استاد و دوست عزیزم دکتر سیامک قاسمی «چسباندن دو مقوا آن‌هم پشت درهای بسته شما را تولیدکننده نخواهد کرد.»

دانشگاه «هاروارد و ام آی تی» در تحقیقی مشترک در سال ۲۰۱۳ ملاک توسعه‌یافتگی را پیچیدگی محصولات کشورها یافته‌اند؛ به این معنی که چه تعداد کشور دیگر توان تولید آن محصول را دارند؟ طبیعتاً تولیداتی در این چرخه بررسی می‌شوند که حتماً صادر شده باشند و مواد اولیه نباشند.

هدف از طرح این مطلب آن است که تولیدکنندگان صنایع‌دستی را به سمت‌وسویی سوق دهیم که محصولات تولیدی‌شان را به سطحی از استانداردهای جهانی رسانده باشند. ارتباط دقیق و صحیح بین بازرگانان و تولیدکنندگان در این حوزه می‌تواند به انجام این مهم کمک کند. در زنجیره ارزش (فرآیند تبدیل ماده اولیه به محصول نهایی)، این‌که کدام قسمت سودآورتر است و کدام قسمت از پیچیدگی برخوردار است، تلاش شود که روی مراحل مذکور دقت بیشتری لحاظ شده و تولیدکنندگان به امر فوق، وقوف بیشتری داشته باشند.

تولیدکننده فوت کوزه‌گری را نزد خود نگه دارد یا به قول متخصصین با مهندسی معکوس محصول، امکان کشف مراحل تولید، میسر نباشد (فردا نمونه‌چینی آن با قیمت کمتر و تنوع بیشتر بازار را پر نکند) و قدرت و توان بالای تولیدکننده، بازرگان را توانمندتر خواهد کرد و تعامل میان این دو، قدرت چانه‌زنی را بالا برده و نهایتاً محصولی باکیفیت، زیبا و عالی روانه بازار خواهد شد با مشتریانی روزافزون و قیمتی درخور که هم تولیدکننده و هم بازرگان سهم خود را از این بازار داشته باشند.

نظارت در بخش قیمت‌گذاری محصول و خرید توسط بازرگانان می‌تواند از مسائلی شبیه تباری بازرگانان و در هم شکستن قیمت و احیاناً پامال شدن حق تولیدکننده محافظت کند.

لازم به ذکر است که هدف از تغییرات لازم طبق سفارش تاجر، اعمال قدرت و اراده تولیدکننده در همکاری با تاجر و انصاف تاجر در تقسیم سود با تولیدکننده است.

#### آنچه که باید در مسیر رشد، مرحله به مرحله مدنظر قرار گیرد:

- تجهیزات ایجاد قابلیت طراحی و تولید باکیفیت،
- ایجاد یک نام تجاری قوی، شبکه توزیع و جمع‌آوری با ظرفیت مناسب،
- قابلیت فروش و بازاریابی،
- قابلیت تحقیق و توسعه،
- ارتقای توانمندی‌های علمی، فنی و مدیریتی،
- افزایش حمایت‌های مالی و کاهش مالیات،
- تأمین مالی تحقیق و توسعه، سیاست‌گذاری علم و فناوری،
- ایجاد پارک‌های علم و فناوری و شبکه‌های دانش و نوآوری.

نقطه مناسب هدف، تحلیل و تدوین شود. با ذکر دقیق اعداد و ارقام؛ به‌عنوان مثال برای ۳ تا ۵ سال آینده چه برنامه‌ای داریم و به‌طور دقیق و شفاف وظیفه تمامی اجزاء به تفکیک روشن و واضح بیان شود به‌گونه‌ای که قابل اندازه‌گیری باشد و پس از گذشت یک سال بتوان میزان حرکت را بررسی کرد که آیا سرعت لازم برای رسیدن به هدف تعیین شده، مناسب است یا خیر؟

#### توانایی تغییر مسیر در هر یک از ایستگاه‌ها

اخیراً با عنوان «استراتژی پدیدار شونده در برابر استراتژی طراحی شده» بیان می‌شود که مرتب‌ترین با هر کسب‌وکاری باید این توان را داشته باشند تا به‌محض دریافت سیگنال‌هایی از سمت بازار و مشتری بلافاصله مسیر خود را با آن تنظیم کنند. متعهد بودن به یک برنامه و استراتژی در حالی که بازار و مشتری سمت‌وسوی خود را تغییر داده؛ همان بلایی را بر سر آن صنعت خواهد آورد که در سال‌های اخیر شاهد ورشکستگی و به تعطیلی کشانده شدن بسیاری از کمپانی‌های بزرگ و صاحب‌نام بوده‌ایم؛ از آن میان می‌توان به نام‌هایی چون نوکیا و کداک اشاره کرد.

هوشیاری و گوش به زنگ بودن در تمامی کسب‌وکارها رمز موفقیت خواهد بود، اما موفقیت را چگونه می‌شود ارزیابی کرد؟ کم کردن فاصله بین عملکرد واقعی و عملکرد مطلوب - بالانس بین اهداف درونی و بیرونی سازمان. اگر درون سازمان را بخش تولید صنایع‌دستی تعریف کنیم و بیرون آن را حوزه بازرگانی و فروش این ارتباط تنگاتنگ می‌تواند رسیدن به موفقیت را تسهیل کند.

یکی از مواردی که بایستی در تمامی تولیدات یا خدمات مدنظر قرار گیرد، روند رشد یک کسب‌وکار است. طبیعتاً از محل صادرات یک محصول درآمد بیشتری حاصل خواهد شد، اما برای رسیدن به صادرات، شرایط و زیرساخت‌هایی لازم است. هر تولید بایستی ابتدا در منطقه، جایگاه خود را تثبیت کند سپس به دامنه‌ای وسیع‌تر فکر کرده و در طیف گسترده‌تری مورد استفاده قرار گیرد.

در رابطه با صنایع بزرگ تقریباً می‌توان گفت این تفکیک انجام شده و تولیدکننده و بازرگان فعالیت خود را کاملاً مجزا انجام می‌دهند و باخورد‌های بازار و مصرف‌کننده توسط بازرگان به تولیدکننده منتقل شده و محصول براساس خواست مشتری دائماً در تغییر و تحول است؛ البته باید اعتراف کرد در مورد سازمان‌های هوشمند، این مسئله با درصدی بالا به اجرا درآمده و به نسبت تغییرپذیری و به‌روز بودن مدیران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان، این طیف نوسان داشته و متغیر است. در رابطه با موضوع مورد بحث بایستی این امتیاز را در حداقل ممکن تصور کرد، زیرا تولیدکننده، مدعی بازرگانی نیز هست که به‌شدت با الگوی استاندارد فاصله دارد.

تولیدکنندگان صنایع‌دستی بایستی تمرکز و تلاش خود را در زمینه تولید به‌کارگیرند و حوزه بازرگانی (بازاریابی و فروش) را به عهده توانمندان این بخش بگذارند تا نتیجه مطلوب‌تری حاصل گردد.

با توجه به مطالبی که ذکر شد؛ اتاق بازرگانی می‌تواند در سازمان‌دهی این موضوع تأثیرگذار باشد به‌گونه‌ای که تولیدکنندگان را ترغیب نماید تا در واگذاری بازرگانی کالا به خبرگان این بخش، اقبال بیشتری نشان دهند و در فعال کردن تعاونی‌ها و یا شرکت‌های بازرگانی در این زمینه تأثیر مستقیم داشته باشد.



گفت‌وگو با «فریدون فعالی»، مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان کرمان

# اولویت با تهیه طرح جامع گردشگری

استان کرمان دارای بیشترین آثار ثبت جهانی در سطح کشور است. این استان دربرگیرنده ۷۰۰ اثر ثبت ملی و ۷۰۰۰ اثر شناخته شده می باشد. براساس مصوبات هیئت وزیران، ۴۱ منطقه نمونه گردشگری در استان کرمان انتخاب شده است تا با آماده سازی زیرساخت لازم، زمینه تشویق سرمایه گذاران و حضور گردشگران در این مناطق فراهم شود. فریدون فعالی، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان کرمان، با اشاره به ظرفیت و جاذبه های گردشگری استان کرمان، اولویت بسیار مهم تهیه طرح جامع گردشگری را گوشزد کرده و برهم افزایی دولت و بخش خصوصی در پیشبرد اهداف توسعه گردشگری استان تأکید می نماید. اینک مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید.

آثار جهانی به هفت اثر می رسد که شامل روستای میمند، باغ شاهزاده ماهان، ارگ تاریخی بم، قنات اکبرآباد و قاسم آباد بم، قنات گوهرریز جویبار و همچنین هفتمین اثر که اولین اثر طبیعی کشور در فهرست آثار جهانی می باشد بیابان لوت است که بیش از ۷۰ درصد آن در استان کرمان قرار دارد. بیش از ۷۰۰ اثر نیز در فهرست آثار ملی قرار دارد که شامل محوطه های باستانی، بناهای تاریخی، میراث معنوی (ناملموس) همچون آیین ها، جشن ها و مراسم های مذهبی است. استان کرمان در سطح کشور دارای بیشترین آثار ثبت جهانی است.

**در مورد سیاست های انگیزشی سرمایه گذاری در حوزه گردشگری استان توضیح دهید؟ اصولاً توازن سرمایه گذاری در زیرساخت های گردشگری استان را چگونه ارزیابی می نمایید؟**

براساس مصوبات هیئت وزیران در سال های ۸۶ و ۸۸ در استان کرمان ۴۱ منطقه نمونه گردشگری انتخاب شد و زیرساخت های لازم از قبیل آب، برق، مسیر دسترسی و ... برای این مناطق فراهم آمد تا علاوه بر فراهم ساختن زمینه حضور گردشگران، مشوقی برای فعالیتهای گردشگری سرمایه گذاران در این مناطق باشد.

**موانع مؤثر در صنعت گردشگری کشور کدام اند؟ و در کرمان علاوه بر این موانع چه محدودیت ها و ضعف های محلی سر راه است؟**

**در شروع گفت‌وگو اطلاعاتی در مورد جایگاه استان کرمان در رتبه بندی کشوری از باب جاذبه ها، سهم اقتصاد این بخش در کشور، جمعیت شاغل بخش و گردش مالی سالانه آن ارائه کنید.**

استان کرمان دارای هفت اثر ثبت جهانی، هفتصد اثر ثبت ملی و هفت هزار اثر شناخته شده است و برای میزبانی از گردشگران داخلی و خارجی خود زیرساخت هایی همچون ۳۰ هتل، ۶ هتل آپارتمان، ۳۲۰ اقامتگاه بوم گردی، ۲۹ مهمان پذیر، ۷۹ مجتمع پذیرایی و بین راهی، ۲۶ اقامتگاه سنتی و ۶ خانه فراهم آورده است که پیش بینی های لازم برای توسعه این اماکن خدماتی در حوزه گردشگری شده است به طوری که گردشگری استان در شش سال گذشته معادل ۳۷۸ میلیارد و ۸۷۰ میلیون تومان گردش مالی و ۲۸ میلیون و ۱۸۰ هزار دلار ارزآوری داشته است. در طول یک سال گذشته نیز تعداد گردشگران ورودی به استان کرمان آمار قابل توجهی بوده است که امیدواریم با توجه به تعدد آثار تاریخی و گردشگری این استان شاهد ورود تعداد بیشتری از گردشگران خارجی باشیم.

**استان کرمان چند اثر ثبت شده میراث فرهنگی در یونسکو دارد؟ و این تعداد چه نسبتی از آثار ثبت شده ایران در سازمان یونسکو است؟ همچنین تعداد آثار ثبت ملی شده استان و نسبت آن ها با تعداد آثار ثبت ملی کشور چه میزانی است؟**

همان طور که گفته شد تعداد آثار ثبت شده استان کرمان در فهرست

زیرساخت‌های اقامتی در روستاها و سطح شهرستان‌ها، ثبت جهانی و ملی، آثار شاخص و ارزشمند تاریخی و طبیعی نیز نقش مهمی در معرفی این استان داشته است.

### ○ اولویت‌هایی که در صنعت گردشگری استان کرمان باید مورد توجه قرار گیرد و در رسیدن به آن‌ها باید تلاش کرد، کدام‌اند؟

ترغیب سرمایه‌گذاران این حوزه و ارائه بسته‌های تشویقی و معرفی حوزه‌های قابل سرمایه‌گذاری به آن‌ها از اقدامات اساسی و مؤثر در این زمینه است، همچنین هم‌افزایی بخش خصوصی و دولتی در پیشبرد اهداف مشترک توسعه گردشگری استان همچون تهیه طرح جامع گردشگری کرمان از ضروریات است که باید در اولویت قرار گیرد، رقابت سالم و در کنار هم قرار گرفتن فعالان حوزه گردشگری و افرادی که با این حوزه در ارتباط هستند از اقدامات اساسی است که در حال پیگیری می‌باشد.

### ○ در برنامه‌های توسعه کالبدی در استان کرمان تا چه اندازه به رابطه هم‌سویی توسعه کالبدی شهرها و جاذبه‌های گردشگری توجه می‌شود؟

این مسئله در برنامه و طرح آمایش سرزمینی که توسط سازمان برنامه و بودجه که متولی ایجاد طرح توسعه و پیشرفت استان است انجام می‌گردد و به دستگاه‌های متولی ابلاغ می‌گردد.

### ○ به نظر شما توسعه گردشگری بین‌المللی کشور نیازمند چه تصمیمات و اقداماتی است؟

این سؤال بیشتر حوزه کشوری را در برمی‌گیرد که قطعاً با تغییر سازمان میراث فرهنگی به وزارتخانه در دستور کار وزیر محترم قرار دارد.

### ○ ارزیابی شما از شاخص رقابت‌پذیری گردشگری استان چیست؟

با توجه به وجود هفت اثر ثبت جهانی در استان کرمان به‌ویژه بیابان لوت و استقبالی که بازدیدکنندگان از این اثر دارند می‌توان بیابان لوت را به‌عنوان مهم‌ترین شاخص رقابت‌پذیری استان در جهت جذب هر چه بیشتر گردشگر خارجی و داخلی معرفی کرد.

### ○ چه تحلیلی از نقش صنعت گردشگری در توسعه اقتصادی استان دارید؟

در حال حاضر به دلیل نبود آمار دقیق اقتصاد گردشگری نمی‌توان تحلیل دقیقی ارائه کرد ولی با عنایت به این‌که گردشگری، صنعتی اشتغال‌زا و پاک است و با سرمایه‌گذاری اندک، می‌توان بهره اقتصادی مناسبی از این صنعت برد، می‌تواند موتور محرکه توسعه اقتصادی استان باشد؛ کما اینکه کشورهای اطراف با درک این موضوع توانسته‌اند از درآمدهای سرشار این صنعت بهره کافی را ببرند.

### ○ و سخن آخر؟

امیدوارم استان کرمان بتواند به جایگاه اصلی خویش در زمینه جذب گردشگر و رونق اقتصادی مناسب برسد. ●

این سؤال در سطح ملی مطرح است، اما مهم‌ترین مشکل پیش روی صنعت گردشگری استان کرمان عدم تبلیغات مناسب در خصوص جاذبه‌ها و قابلیت گردشگری این استان است که باید با همکاری بخش خصوصی انجام گیرد. همچنین فاصله زیاد استان کرمان تا پایتخت و نبود این استان در مسیر توره‌های گردشگری از دیگر معضلات پیش روی گردشگری این استان است. تهیه طرح جامع گردشگری، ایجاد ارتباط مؤثر با جامعه تورگردانان کشور، راه‌اندازی جشنواره‌های فرهنگی، چاپ بسته‌های تبلیغاتی، حضور در نمایشگاه‌های ملی و بین‌المللی و ... از جمله فعالیت‌هایی است که برای معرفی هرچه بیشتر قابلیت‌های گردشگری استان کرمان در اولویت قرار گرفته است.

### ○ شاخص بازاریابی و تبلیغات محصولات گردشگری استان را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟ در ایجاد تنوع محصولات گردشگری استان چه اقدامات مهمی صورت گرفته است؟

امسال شاخص بازاریابی و تبلیغات حوزه گردشگری در اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان نسبت به سال‌های گذشته رو به افزایش بوده است که چاپ کتاب نیازمندی‌های گردشگری استان، کتاب نفیس کرمان شناسی، به‌روزرسانی نقشه‌های شهرستان‌های استان، تولید کلیپ‌های یک دقیقه‌ای ۲۱ شهرستان و فیلم مستند ۶۰ دقیقه‌ای از جاذبه‌های استان، تولید آثار شاخص به‌صورت قاب‌های سفالی و کارت‌پستال‌ها و بروشورهای تبلیغاتی، چاپ ۱۰ فرم جدید پوستر، شرکت در نمایشگاه گردشگری تهران (مهم‌ترین رویداد گردشگری کشور)، توزیع و پخش سی‌دی‌های تبلیغاتی در هواپیما، قطار و اتوبوس، دلیلی برای این ادعا است.

### ○ شدت تأثیر کدام دسته از جاذبه‌های گردشگری سه‌گانه تاریخی، طبیعی و انسان‌ساخت، بر سطح درآمد این بخش بیشتر است؟

چون گردشگری کشور ایران ماهیت فرهنگی دارد می‌توان گفت جاذبه‌های تاریخی - فرهنگی مهم‌ترین علل جذب گردشگران به‌سوی این استان هستند، البته وجود آثار طبیعی و منحصربه‌فردی همچون بیابان لوت نیز باعث توجه زیادی از گردشگران ایرانی و به‌ویژه خارجی شده است که باید با حفظ این اثر منحصربه‌فرد طبیعی بیشتر از گذشته در جذب گردشگر تلاش کنیم.

### ○ استان کرمان که دربرگیرنده جاذبه‌های فراوان فرهنگی- تاریخی و طبیعی است، در ۵ سال اخیر شاهد چه اتفاقات تعیین‌کننده و مهمی در بخش گردشگری کشور بوده است؟

در سال‌های اخیر مسئولان حوزه گردشگری به دنبال ساخت و راه‌اندازی جایگزینی برای هتل‌ها در مناطق دورافتاده و روستاها بودند که این امر موجب راه‌اندازی اماکنی با عنوان اقامتگاه‌های بوم‌گردی شد، این اقامتگاه‌ها باعث جذب گردشگر شده و رونق گذشته را به این مناطق باز می‌گرداند، اقامتگاه‌های بوم‌گردی موجب مهاجرت معکوس روستاها شده و به اقتصاد و معیشت جامعه محلی کمک زیادی می‌کنند که استان کرمان در این زمینه حائز رتبه اول در سطح کشور است و تاکنون ۳۲۰ اقامتگاه بوم‌گردی در این استان راه‌اندازی شده است. در کنار ایجاد





توانمندی‌ها و تنگناهای بخش  
گردشگری در استان کرمان

- عدم وجود واحدهای درسی مرتبط در مقاطع مختلف تحصیلی،
- نبود هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی که در زمینه صنعت گردشگری فعالیت می‌کنند،
- ضعف قوانین و مقررات در حمایت از فعالان بخش خدمات و پذیرایی در صنعت گردشگری،
- ضعف مطالعات در خصوص بازاریابی بخش جهانگردی استان،
- توجه پایین گردشگران و جهانگردان به حفظ منابع طبیعی و آثار تاریخی و محیط زیست،
- عدم وجود پروازهای منظم بین‌المللی به فرودگاه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی کرمان،

■ عدم وجود سند جامع راهبردی گردشگری استان کرمان.

با عنایت به گستردگی استان و پراکندگی جاذبه‌های گردشگری در سطح استان به لحاظ زیرساخت‌های جاده‌ای و حمل‌ونقل توجه بیشتری مورد نیاز است. هم‌چنین در زمینه توسعه جاده‌ها به‌صورت دو بانده، توسعه خطوط و نوسازی ناوگان ریلی، ناوگان هوایی و ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای، استفاده از خودروهای ایمن مطابق با استانداردهای جهانی و زیرساخت‌های اقامتی و پذیرایی، به‌شدت نیاز به سرمایه‌گذاری احساس می‌شود.

استان در مناطق دارای جاذبه‌های منحصربه‌فرد از وجود واحدهای اقامتی و پذیرایی ممتاز بی‌بهره است و در ایام پیک سفر با کمبود فضای اقامتی روبروست. وضعیت منابع انسانی آموزش دیده با توجه به وجود دانشگاه‌های مرتبط در استان نسبت به گذشته بهبود یافته و چشم‌انداز روشنی در این بخش دیده می‌شود. با توجه به این‌که صنعت گردشگری صنعتی فرابخشی است تعامل بین دستگاهی موجود در حد کافی نیست و نیازمند تدابیر ویژه است.

علیرغم این‌که استان کرمان دارای قابلیت‌ها و جاذبه‌های فراوان گردشگری است، کمبود تبلیغات به‌شدت احساس می‌شود. نظر به پیشرفت‌ها در حوزه فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های مرتبط، تبلیغات از طریق رسانه‌های دیجیتال در خصوص جاذبه‌های گردشگری استان نسبت به گذشته از وضعیت مطلوب‌تری برخوردار شده است، اما در حد کافی نیست و نیاز به مطالعه جامع در این خصوص احساس می‌شود.

در ۶ ماه اول سال ۱۳۹۸ تعداد ۲۳ هزار نفر گردشگر خارجی و ۱۵۵ هزار نفر گردشگر ایرانی وارد استان کرمان شده‌اند که ضرورت دارد با برنامه‌ریزی مناسب برای جذب هر چه بیشتر گردشگران تلاش نمود. از آنجایی‌که سلیقه‌ها و علایق بازدیدکنندگان از جاذبه‌های گردشگری مرتباً در حال تغییر است، حضور در بازارهای هدف در داخل و خارج از کشور به جهت بازاریابی، بازاریابی و بازاریابی الزامی است. در بازارهای داخلی، با معرفی استان را بخش دولتی به دوش می‌کشد که نیازمند حضور بخش خصوصی در کنار بخش دولتی در نمایشگاه‌های گردشگری هستیم. در خصوص بازارهای هدف به برنامه‌ریزی مدون برای شرکت مستمر در نمایشگاه‌های گردشگری بین‌المللی شاخص و صاحب‌نام در خارج از کشور نیاز است که این مهم با همکاری دولت و بخش خصوصی قابل تحقق است. با نگاه به نقش بالقوه صنعت گردشگری در رشد و توسعه اقتصادی و با توجه به ظرفیت‌ها و جاذبه‌های گردشگری استان کرمان، این استان از توانمندی‌های ویژه‌ای برخوردار است که در صورت توجه بیش از پیش می‌تواند در این راستا به‌قدر فوق‌العاده‌ای نقش آفرینی کند. ●



رضا بهرامی  
رئیس کمیسیون گردشگری و  
صنایع دستی اتاق کرمان

استان کرمان پهناورترین استان ایران است که در جنوب شرقی کشور واقع شده است. این استان به لحاظ موقعیت گردشگری دارای جاذبه‌های فراوان تاریخی (۷ اثر ثبت جهانی و ۷۰۰ اثر ثبت ملی و طبیعی) است که هرکدام از این جاذبه‌ها پتانسیل قابل توجهی برای جذب گردشگران داخلی و خارجی دارند. تأسیسات گردشگری استان شامل: ۳۶ باب هتل و هتل آپارتمان، ۳۳ واحد مهمان‌پذیر، ۴۷ باب مجتمع خدمات گردشگری، ۱۳۹ باب رستوران سنتی و بین‌راهی، ۳۳۰ اقامتگاه بوم‌گردی و ۱۴۰ باب دفتر خدمات مسافرتی است. تعداد ۴۱۵ نفر راهنمای گشت‌های داخلی و خارجی در استان فعال‌اند و به‌طورکلی در بخش گردشگری استان در حدود ۳۸۹۰ نفر به‌صورت مستقیم اشتغال دارند.

#### اصلی‌ترین قابلیت‌ها و مزیت‌های توسعه صنعت گردشگری:

- وجود آثار ممتاز و ماندگار تاریخی با ثبت جهانی در استان (ارگ بم - باغ شاهزاده ماهان - روستای میمند و بازار بزرگ کرمان)،
- وجود مناطق طبیعی منحصربه‌فرد همانند کویر لوت با شهرت ملی و بین‌المللی،
- قابلیت استفاده گردشگران و جهانگردان از مناطق طبیعی با ۴ نوع اقلیم آب و هوایی در تمام ایام سال،
- وجود آثار فراوان تاریخی و محوطه‌های باستانی در سطح استان،
- جایگاه ممتاز استان به لحاظ تاریخی در بین سایر استان‌های کشور،
- وجود رشته‌های تخصصی در دانشگاه‌های استان در رابطه با مرمت آثار تاریخی و جهانگردی،
- قابلیت استفاده از جاذبه‌های اکو توریستی مناطق بکر طبیعی و پارک‌های طبیعی در سطح استان،
- وجود زیرساخت‌ها و شبکه حمل‌ونقل نسبتاً مناسب در سطح استان در ابعاد هوایی و زمینی،
- توان مناسب خدمات اقامتی، رفاهی و پذیرایی در استان،
- وجود امکانات ممتاز درمانی و بهداشتی در استان و نقش برتر در منطقه در جهت ایجاد گردشگری سلامت.

#### مهم‌ترین تنگناها و محدودیت‌های بخش گردشگری:

- مشکلات و محدودیت‌های بسیار در این راه وجود دارد که به‌اختصار به آن اشاره می‌شود:
- ضعف زیرساخت‌های اساسی حمل‌ونقل و امکانات جانبی موردنیاز،
- عدم اطلاع‌رسانی و تبلیغ مناسب در رسانه‌های جمعی در راستای معرفی توان گردشگری استان،
- عدم بازاریابی صحیح و مستمر در بازارهای هدف،
- کمبود سرمایه‌گذاری‌های لازم در خصوص فعالیت‌های گردشگری،
- عدم وجود مراکز آموزش حرفه‌ای در بخش گردشگری،

گفت‌وگو با «اکبر رشیدی مقدم»

عضو کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق کرمان، محقق و پژوهشگر حوزه کویر لوت

# منطقه کویری شهداد؛ مقصد گردشگری

منطقه گردشگری کویری شهداد کرمان برخوردار از جاذبه‌های شگفت‌انگیز طبیعی، یک مقصد بی‌بدیل گردشگری طبیعی در حاشیه غربی کویر لوت است. علاوه بر آن، شهداد برخوردار از تمدنی پنج هزارساله با در برداشتن آثاری کهن دارای قوت‌های گردشگری، فرهنگی و تاریخی است. اینک متن گفت‌وگو با «اکبر رشیدی مقدم» عضو کمیسیون گردشگری و صنایع دستی اتاق کرمان، محقق و پژوهشگر حوزه کویر لوت درباره قوت‌ها، فرصت‌ها و چگونگی مدیریت این مقصد مهم گردشگری جهانی قابل ملاحظه است.

کشور اروپایی می‌کند، بر اهمیت آن می‌افزاید. وجود جاذبه‌هایی همچون

گندم بریان، ریگ یلان، آبشارهای نمکین، رود

شور، دریاچه‌های شگفت‌انگیز همچون دریاچه ملک

محمد، کلوت‌های شهداد و حیات پیچیده گیاهی و جانوری آن در

کنار رکوردهایی چون گرم‌ترین نقطه کره زمین و گودترین نقطه

داخل فلات ایران، باعث گردیده که کویر لوت از دیگر مکان‌های

مشابه در سطح کره زمین متمایز گردد. از آنجا که بخش شهداد در

مرکز لوت و در جدار حاشیه غربی آن واقع شده و در بین تمامی

بخش‌های کشور، بیشترین پهنه کویری را به خود اختصاص داده

و همچنین نزدیکی آن به مرکز استان، در حال حاضر رکورددار ورود

گردشگران علاقه‌مند به پهنه کویر لوت در کل کشور می‌باشد.

درست است که کویر لوت حائل بین سه استان کرمان، خراسان

جنوبی و سیستان و بلوچستان است و امکان دسترسی به لوت

از مناطق مختلف امکان‌پذیر می‌باشد، اما شهداد در حال حاضر

به‌حق، دروازه لوت محسوب می‌گردد. به‌علاوه شهداد با سابقه

## منطقه

### گردشگری، بیابانی

و کویری شهداد، یک منطقه مهم گردشگری طبیعی است. با توجه به آشنایی شما مبتنی بر بررسی‌ها و مطالعات میدانی در مورد ویژگی‌های جغرافیایی و جاذبه‌های گردشگری این منطقه، اطلاعات و توضیحات لازم را ارائه نماید.

اساساً کویر لوت زیبای ایران در بین مناطق خشک و فرا گرم کره زمین به لحاظ جاذبه‌ها و رکوردهای جهانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار و ثبت جهانی کویر لوت در فهرست یونسکو مؤید این مطلب است. وسعت غیرقابل تصور لوت با ۱۷۵۰۰۰ کیلومترمربع حوزه آبریز و ۸۰۰۰۰ کیلومترمربع کفه آن که برابری با مساحت چند





اکوکمپ ستاره لوت با سرویس پیش‌غذا و غذای اصلی و دسر برای همه گردشگران خارجی شگفتی‌آور است.

ج- خرید جالب: تهیه صنایع‌دستی همچون پته و عروسک لوپتو و محصولات حصیرباف و غیره و تهیه کلمپه، کماچ سهن و شهد خرما برای گردشگران بسیار جذاب می‌باشد که در این زمینه بایستی برای تنوع بیشتر برنامه‌ریزی نمود.

د- خاطره خوش: جذابیت‌های منحصربه‌فرد لوت و شهداد و در کنار آن بازدید از جاذبه‌های کرمان و حوالی آن به‌گونه‌ای است که می‌توان توره‌های متفاوتی مطابق با پسند گردشگران و روحیه ملل مختلف طراحی نمود. به جرأت می‌توان گفت امکان عرضه کالایی متفاوت در وبترین گردشگری کشور در این منطقه وجود دارد که کمک همه فعالان گردشگری نهادهای مربوطه و استفاده از تجربیات راهنمایان گردشگری را می‌طلبد و خلاصه در زمینه برنامه‌های جذاب و مناسب برای گردشگران این حوزه تاکنون، ده درصد راه را هم نرفته‌ایم.

### برگزاری جشنواره‌هایی که در حوزه گردشگری انجام شده چه نتایجی به دست داده است؟

اولاً برگزاری جشنواره‌ها بایستی متناسب با کشش اقلیم، فرهنگ بومی و امکانات موجود برنامه‌ریزی شود، ثانیاً تاکنون جشنواره‌هایی همچون جشنواره پرواز در منطقه شهداد برگزار شده است که باعث تبلیغات و جذب گردشگر گردیده است. همچنین جای جشنواره‌هایی از جمله جشنواره سیر، جشنواره خرما، جشنواره سالگرد ثبت جهانی لوت و ده‌ها جشنواره دیگر خالی است.

### کیفیت منابع انسانی این حوزه گردشگری چگونه است؟ برای ارتقاء این شاخص بسیار مهم چه اقداماتی از سوی مراجع مسئول انجام شده است؟

حقیقت آن است که کیفیت خدمات و سرویس‌دهی، بر خواسته از سلیقه‌های شخصی فعالان این عرصه می‌باشد و امروز در منطقه

تمدنی بیش از پنج هزارساله و آثار تاریخی و فنوآت کهن‌سال همچون کهن مادی و نخلستان‌های سرسبز و تنوع آب‌وهوایی شگفت‌انگیز بین سیرج و شهداد و فصل گردشگری زمستانی دل‌چسب همراه با مردمان خونگرم و مهمان‌نواز در کنار جاذبه‌های استثنایی فوق، باعث جذب گردشگر از سراسر دنیا شده است و مزید بر عوامل فوق، امکانات ترابری زمینی، ریلی و هوایی کشور به کرمان و جاذبه‌های تاریخی شهر کرمان و اطراف آن مانند ارگ راین، میمند، باغ شاهزاده، مقبره شاه نعمت‌الله ولی، دره راگه و ده‌ها اثر تاریخی و طبیعی و فرهنگی دیگر باعث اشتیاق سفر گردشگران به کرمان و شهداد می‌باشد.

### بازاریابی و تبلیغات در مورد جاذبه‌ها و محصولات گردشگری کویری شهداد را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

نمایستی فراموش نمود که در حاشیه کویر لوت، علاوه بر شهداد، چند شهرستان دیگر مانند راور، بم، فهرج، نماشیر و ریگان در استان کرمان وجود دارند که هرکدام پتانسیل‌های خاص خود را دارا بوده و می‌توانند باعث جذب گردشگران بی‌شماری گردند. گونه‌شناسی گردشگران، توجه به الگوهای جهانی در رابطه با مناطق خشک و کویری، برنامه‌ریزی یکپارچه، نوآوری، ایجاد محتوا و معرفی جاذبه‌ها و شایستگی‌های لوت ایران، رفتار حرفه‌ای فعالان گردشگری و آموزش بازاریابی دیجیتال، شناخت و معرفی جاذبه‌های تاریخی و میراث بومی فرهنگی، تدوین برنامه توره‌های جذاب و موارد دیگر بایستی موردتوجه قرار گیرد و در یک‌کلام فاصله زیادی بین آنچه که می‌تواند باشد و وضعیت موجود به چشم می‌خورد.

### از نظر شما چه برنامه‌های جذاب و مناسبی برای گردشگران حوزه کویری شهداد اجرا شده است؟

هر گردشگر به هرکجا که پای می‌گذارد، توقع دارد که حداقل چهار چیز برای او فراهم باشد:

الف- خواب راحت: که حاصل اقامتگاه مناسب است و خوشبختانه در منطقه شهداد با خدمات متفاوت و قیمت‌های مناسب فراهم شده است. امروزه در بخش شهداد بیش از ۳۰ واحد بوم‌گردی با امکانات کف‌خواب و تخت در فضایی دل‌چسب و اسکان در محیط خانوادگی فراهم است و علاوه بر آن برای گردشگرانی که طالب خدمات اقامت لوکس می‌باشند، مراکزی همچون اکو کمپ ستاره لوت با خدمات خاص و محیطی لوکس و لاکچری فراهم شده است.

ب- خوراک خوشمزه: یکی از شیرینی‌های سفر، چشیدن و میل غذایی بامزه و طعم متفاوت است که این هم توسط واحدهای اقامتی در منطقه شهداد فراهم شده است. خوردن آبگوشت خروس و چشیدن شیرینی خرماکنجی همراه با غذای سنتی برای هر گردشگر در بوم‌گردی‌های شهداد به‌یادماندنی است و یک استکان چای یا قهوه همراه با شیرینی محلی در کنار آتش در غروب دل‌انگیز کویر، جذابیت خاص خود را دارد و دیدن منوی غذای





پایگاه داده‌ها در خصوص جغرافیا، جغرافیای تاریخی، جاذبه‌های طبیعی و تاریخی شهداد و به‌طور کلی فراهم آوردن هرگونه اطلاعاتی که بهانه سفر را برای گردشگران از سراسر دنیا ایجاد می‌کند، بایستی مدنظر قرار گیرد و ارائه این اطلاعات بایستی با آخرین دستاوردهای جهانی صورت پذیرد. در کنار آن، فراهم آوردن حضور فعالان کسب‌وکار گردشگری این منطقه در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی همراه با توزیع بروشورهای جذاب، بسیار تعیین‌کننده خواهد بود.

### ○ اصولاً مدیریت مقصد گردشگری کویری شهداد را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

مدیریت مقصد گردشگری گرچه به‌ظاهر سه کلمه است؛ اما دنیایی مطالب و کار در این سه کلمه نهفته است. اساساً مدیریت مقصد گردشگری شهداد نیاز به مجموعه‌ای از اطلاعات کامپیوتری در خصوص جاذبه‌ها و تسهیلات موجود دارد که این اطلاعات بایستی توان آن را داشته باشد که منتج به جذب گردشگر و انجام رزرواسیون آنلاین و بالا بردن ظرفیت عملی جذب گردشگر از سراسر دنیا گردد. به‌طوری‌که تمامی ذی‌نفعان و فعالان گردشگری این حوزه، نتایج حاصله را به‌وضوح مشاهده نمایند.

برای دسترسی به این هدف، مشارکت بخش خصوصی و دولتی، خصوصاً اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و وزارتخانه مربوطه، نقش اصلی را برعهده دارند. گرچه در فضای مجازی به‌طور پراکنده امکان رزرواسیون اندکی در مورد منطقه شهداد ملاحظه می‌گردد؛ اما در حال حاضر به لحاظ فراهم نبودن زیرساخت مناسب و فراگیر جهت پیاده‌سازی نظام مدیریت مقصد، نه‌تنها برای شهداد، بلکه برای کشور ایران هم به‌خوبی پیاده‌سازی این هدف وجود ندارد.

○ **باوربر این است که این منطقه گردشگری کویری با توجه به اصول توسعه پایدار، تأمین منافع فعالان اقتصادی ذی‌ربط را تضمین می‌نماید؛ به نظر شما چه راهکاری برای توسعه گردشگری این منطقه باید اندیشیده شود؟**

شهداد، حدود سی اقامتگاه بوم‌گردی فعال هستند که سرویس و خدمات آن‌ها با طراحی صاحبان اقامتگاه‌ها انجام شده است؛ اما باید بپذیریم که اصول مهمان‌پذیری و مهمان‌نوازی دارای قواعدی ملی و جهانی است. خوشبختانه اولین واحد اقامتی با رتبه‌بندی بین‌المللی با عنایت به اصول گردشگری در شهداد به وجود آمده است که علاوه بر خدمات اقامتی لوکس، توجهی به دیگر خدمات همچون بالن‌سواری، شترسواری، رصد ستارگان، عکاسی نجومی، گردشگری کشاورزی و روستایی نموده است که الگوی بسیار خوبی است. در مورد ارتقاء شاخص کیفیت منابع انسانی و آموزش فعالان بومی نیز به همت اداره کل میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان، پایگاه جهانی لوت، بخش‌داری و آموزش‌وپرورش شهداد با پشتیبانی معین اقتصادی منطقه در اولین قدم یک دوره آموزش توسط اساتید برتر کشوری و مربی آموزشی از کشور ترکیه در حال انجام است که در ادامه تعدادی از این مدیران واحدهای اقامتی شهداد جهت آموزش کامل ابتدا به هتل‌های تهران و سپس به ترکیه اعزام خواهند شد. قطعاً این‌گونه برنامه‌ها گامی مؤثر در جهت بالا بردن کیفیت منابع انسانی است. البته بایستی به‌طور منظم آموزش‌های دوره‌ای و تکمیلی مرتباً تکرار گردد؛ زیرا آموزش در صنعت گردشگری پایانی ندارد. در کنار فعالان گردشگری بومی، آژانس‌های استانی و کشوری نیز فعال می‌باشند که در این بخش به لحاظ تجربه طولانی در کنار راهنمایان گردشگری تحصیل‌کرده و باسابقه، وضعیت خوبی حاکم است.

### ○ **تعامل بخش‌های دولتی و غیردولتی در جهت ارتقاء وضع و اوضاع گردشگری منطقه بیابانی و کویری شهداد از چه وضعیتی برخوردار است؟**

اگر قدمی در جهت جذب گردشگر و معرفی شایستگی‌های کویر لوت انجام شده، مرهون تعامل و فعالیت بخش دولتی و غیردولتی بوده است. همان‌گونه که در لابه‌لای مطالب عرض شد، نسبت به قبل، اوضاع گردشگری این منطقه پیشرفت قابل‌توجهی داشته است؛ اما تا رسیدن به کمال مطلوب فاصله زیادی مانده است. ایجاد



چند سال گذشته برنامه‌ها و مصوباتی طرح‌ریزی و تصویب گردیده است؛ از جمله: تردد در کویر لوت به سه بخش سبز، نارنجی و قرمز تقسیم‌بندی و مسیرهای تردد تعریف شده است. مناطق سبز حوالی جاده آسفالت تا عمق دو کیلومتر مشخص شده است که گردشگران اجازه دیدار دارند، ولی از عمق دو کیلومتر به بعد، مناطق نارنجی محسوب گردیده و تردد حتماً بایستی با اخذ مجوز کتبی باشد و مناطق قرمز هم که بعضاً در اعماق لوت می‌باشند، تعریف خاص خود را دارند. مصوبات فوق کم و بیش در حال اجرا می‌باشد. شرط لازم به‌جا آمده است، اما کافی نیست. پایش و رصد بیشتر لوت، تقویت بیشتر نیروهای مسئول، تدوین آیین‌نامه‌ها و آموزش کلیه فعالان گردشگری و در نهایت کنترل کامل این پهنه از نیازهای اولیه جلوگیری از هرگونه آسیب به این نعمت خدادادی است.

#### چنانچه مطلبی باقی‌مانده، بفرماید.

بنده به سهم خودم از زحمات همه علاقه‌مندان، دلسوزان، فعالان گردشگری و کارگزاران مربوطه و اعضای کمیسیون گردشگری اتاق بازرگانی استان تقدیر به‌عمل می‌آورم و امیدوارم حال که سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی به تاریخ سپرده شده است، وزارتخانه نوپای آمده، چابک پا به صحنه نهد و با تزریق امکانات، نیرو و برنامه به اداره کل استان، تحول چشمگیری در پویایی گردشگری کویر لوت فراهم نماید و انتظار دارم که علاقه‌مندان و ذی‌نفعان گردشگری و بخش خصوصی به دنبال تشویق سرمایه‌گذاری در این پهنه باشند و توجهی به منفی‌بافی و شایعه‌پراکنی‌های ناروا ننمایند. بداینم تاکنون در هر کشوری که ارزش پول ملی آن افت چشمگیری داشته است، هزینه گردشگری برای گردشگران ورودی بسیار ارزان شده است. اکنون وقت جذب و بهره‌برداری است. امروزه هر گردشگر خارجی به این کشور پا نهد، بین سه تا پنج هزار دلار ارز وارد کشور می‌کند؛ این یعنی توانمندسازی جامعه محلی، یعنی ایجاد اشتغال و تزریق ارز واقعی به اقتصاد کشور که به‌شدت تحت تحریم‌های ظالمانه قرار گرفته است. بیایید با زحمت و فعالیت سازنده امید را رقم بزنیم و بیایید دست در دست هم دهیم به مهر / میهن خویش را کنیم آباد. ●

موفقیت همه کشورهایی که در صنعت گردشگری فعال شده‌اند، به عوامل متعددی بستگی داشته است که دو عامل جذب سرمایه‌گذار و پشتیبانی، برنامه‌ریزی و نظارت نهادهای مسئول دولتی اساس کار آن است.

اگر بپذیریم که در صنعت گردشگری جهانی، منطقه‌ای داریم که ارزش جهانی دارد، بایستی نحوه استفاده و سرویس‌دهی به گردشگران هم جهانی باشد. در دنیا این فقط ما نیستیم که گردشگران طالب مناطق خشک و فراگرم جهانی را به خود جلب می‌کنیم. از این منظر در هر پنج قاره جهان، مناطق خشک و بیابانی و کویری بی‌شماری وجود دارد (مانند صحرای العزیزیه لیبی، توربان باسین چین، صحرای نوادا و خصوصاً دره مرگ آمریکا و صحرای کوئینزلند استرالیا).

امروزه اگر تنها به فعالیت کشورهایی که حوزه صحرای آفریقا فعال‌اند نظری بیندازیم، می‌بینیم که در اصول گردشگری پایدار و تأمین منافع فعالان اقتصادی ذی‌ربط بسیار پیشرفت نموده‌اند که می‌توانند صدها الگو برای بهبود وضعیت فعلی به ما بدهند.

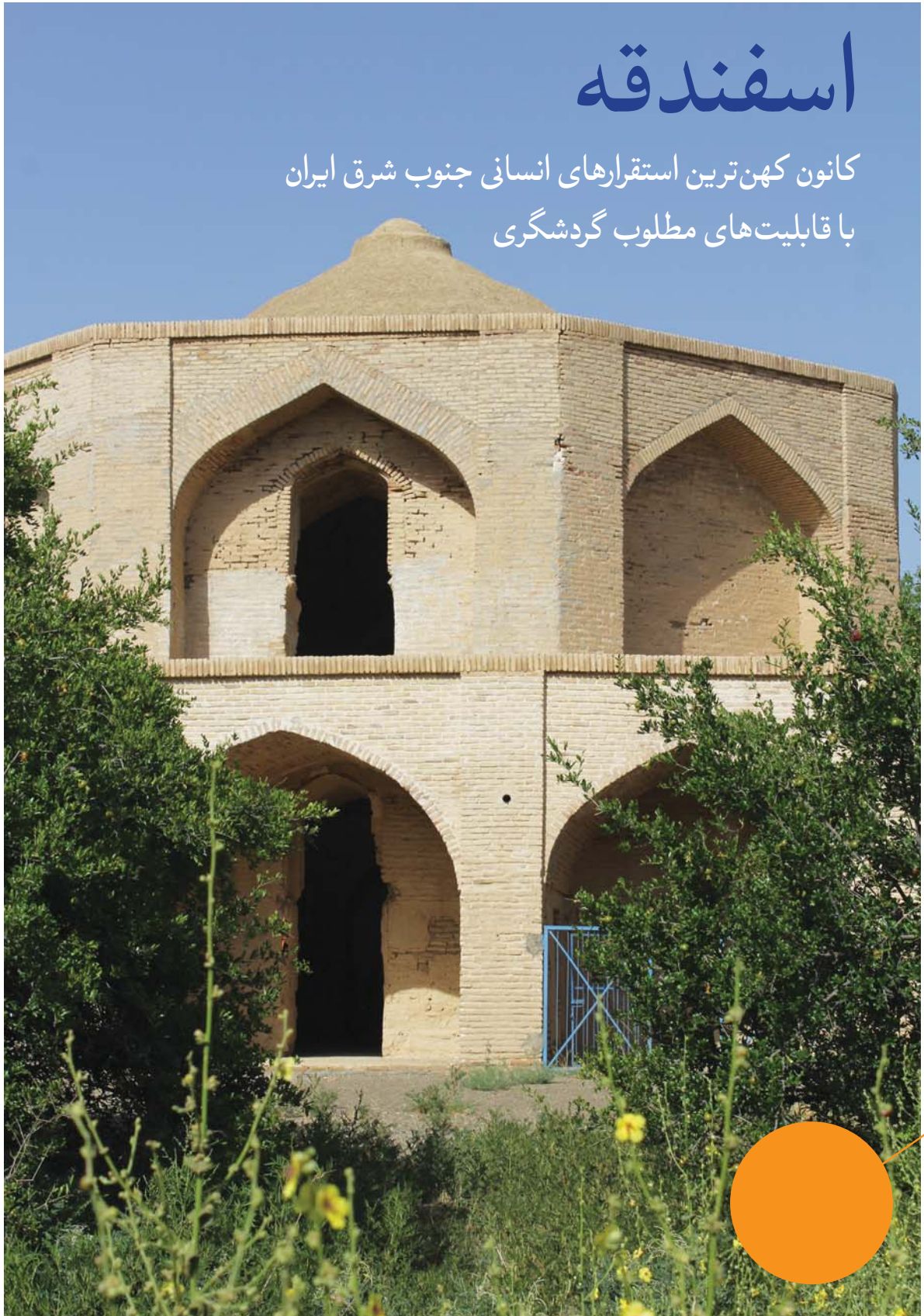
#### در باب آسیب‌شناسی این منطقه گردشگری چه چالش‌هایی را عنوان می‌نمایید؟ به نظر شما راهکار برون‌رفت از این چالش‌ها چیست؟

این‌که بگوییم حضور گردشگر در پهنه لوت موجب آسیب است و کسی نیاید و نرود، حرف کاملاً اشتباهی است و این‌که اجازه دهیم هرکس تحت هر عنوان در پهنه حضور پیدا نماید، این اشتباه بزرگ‌تری است. جاذبه‌های لوت امروز به وجود نیامده‌اند که فردا تکرار شوند، فرآیندی است چند میلیون ساله؛ همین کلوت‌های شهادت در اثر وزش باد و مقدار کمی بارندگی طی دورانی طولانی شکل فعلی را پیدا نموده‌اند، سنگ‌های آسمانی در طی چند میلیون سال از آسمان بارش نموده‌اند و اشیاء تاریخی زیر خاک حاشیه لوت، گاه قدمتی بیش از پنج هزار سال دارند که همه در معرض تهدید می‌باشند. بایستی با برنامه‌ریزی و مدیریتی منسجم در کنار استفاده صحیح از منابع ملی لوت، حفظ و نگهداری آن‌ها مدنظر باشد. خوشبختانه توسط نهادهای ذی‌ربط با همکاری استانداری و نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی استان کرمان ظرف



# اسفندقه

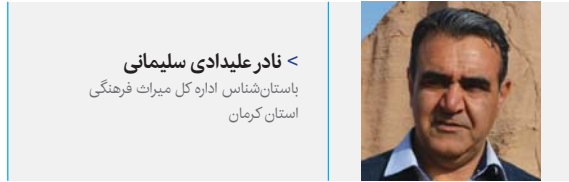
کانون کهن‌ترین استقرارهای انسانی جنوب شرق ایران  
با قابلیت‌های مطلوب گردشگری



### دشت اسفندقه کانون کهن‌ترین استقرارهای انسانی

شواهد به‌دست‌آمده از بررسی باستان‌شناختی حوزه اسفندقه حاکی از آن است که نخستین حضور انسان در پهنه دشت در قالب گروه‌های انسانی بوده که کناره‌های جنوب تا جنوب غربی دشت را به‌منظور استقرار انتخاب کرده‌اند. بر اساس نقشه توپوگرافی ۱:۵۰۰۰۰ منطقه، این مکان، محل بهم پیوستن جریان‌هایی است که بارش‌های فصلی را از دامنه‌های شرقی ارتفاعات جنوب غربی و غرب به سطوح پائین - دشت اسفندقه - منتقل می‌کند. علت قرار گرفتن محوطه‌ها خارج از دشت هموار اسفندقه و نحوه دسترسی استقرارها به منابع آب، همواره باعث بروز ایهاماتی شده است؛ اما بدهی و مسلم است که نخستین گروه‌های انسانی ساکن در دشت اسفندقه مکانی را برگزیده‌اند که بیشترین انطباق و سازگاری را با محیط زیست منطقه - با توجه به شیوه معیشت آن‌ها - داشته و شکی نیست که نخستین ساکنان دشت اسفندقه با انتخاب این مکان، برخورداری از مراتع کوهستانی و مرغزارهای دشت هر دو را مدنظر داشته‌اند و شیوه معیشت گروه‌های متکی بر اقتصاد دامدار - کشاورز ایجاب می‌کرد که دسترسی به مراتع کوهستان و مهم‌تر از آن مراتع غنی و سرسبز دشت هر دو مورد استفاده قرار گیرد. این نحوه انتخاب مکان براساس برخورداری از مراتع کوهستان و دشت امروزه نیز شیوه ساکنان اردوگاه‌های عشایری ساکن در حوزه اسفندقه است.

بررسی پیمایشی دشت اسفندقه و چهارفصل کاوش علمی باستان‌شناسی در تپه گاو کوشی به سرپرستی نگارنده، شناخت و آگاهی‌های ارزنده‌ای را پیش روی ما قرارداد. کهن‌ترین استقرارهای دشت اسفندقه با حضور گروه‌های محدود انسانی در اواخر هزاره هشتم پیش از میلاد یعنی حدود ۹۱۰۰ سال پیش از این شکل گرفت. این نتایج ارزنده که بر پایه آزمایش گونه‌های زغال به روش کربن ۱۴ و حاصل از کاوش در تپه گاو کوشی صورت گرفت، کهن‌ترین استقرارهای دائم انسان در سراسر جنوب شرق ایران تا به امروز است. تپه گاو کوشی به فاصله حدود ۱۵۰۰ متری جنوب تا جنوب غرب روستای گاو کوشی - امروزه به نام فتح‌آباد خوانده می‌شود - و در کناره یک آبراه فصلی قرار دارد. سه فصل کاوش علمی باستان‌شناختی در این تپه مجموعه‌ای از آثار معماری را آشکار ساخت که می‌توانیم از آن به‌عنوان استقرارهای مسکونی کارگاهی یاد کنیم که در عین حال از فضای آیینی و یا معبد برخوردار بوده‌اند (تصویر شماره ۱). به نظر می‌رسد شرایط مناسب اقلیمی زمین‌های را فراهم آورده بود تا در دوره‌های بعد یعنی در خلال هزاره هفتم نیز گروه‌های انسانی در دشت اسفندقه به حیات خود ادامه دهند. از این دوره نیز مجموعه‌ای دیگر از آثار معماری به‌دست‌آمده است. از مطالعه اسناد و مدارک به‌دست‌آمده چون مطالعه گونه‌های مختلف استخوان حیوانی و مطالعات گیاه باستان‌شناسی حاصل از کاوش می‌توان گفت گروه‌های انسانی ساکن در دشت اسفندقه در دوره نوسنگی با اقتصاد متکی بر دامداری و کشاورزی امرار معاش نموده‌اند. وجود گونه‌های مختلف استخوان جانوری به‌دست‌آمده، ما را با رژیم غذایی ساکنان دشت اسفندقه در دوره نوسنگی آشنا می‌سازد. در کنار استفاده از گونه‌های اهلی جانوری و گیاهی، بخش قابل‌توجهی از رژیم غذایی انسان را شکار گونه‌های وحشی چون بز و کل، خوک وحشی، آهو، خرگوش و لاک‌پشت و یا جمع‌آوری دانه‌های خودرو وحشی تشکیل می‌دهد. جامعه کوچک نوسنگی گاو کوشی همچنین از هنرمندان و



< نادر علی‌دادی سلیمانی

باستان‌شناس اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان

### درآمد

آن دسته از پژوهشگران و محققینی که با جغرافیای جنوب شرق ایران بیگانه‌اند بر این باورند که جنوب شرق ایران به سبب همسایگی با بیابان لوت، منطقه‌ای عاری از عوامل طبیعی - اکولوژیک بوده و نمی‌توانسته است بستر حضور انسان باشد. دشت اسفندقه و مناطق پیرامون با آب‌وهوای معتدل در زمره مناطق برخوردار از عوامل ویژه طبیعی است که بستر مناسبی جهت رشد و نمو موجودات زنده و به‌ویژه شکل‌گیری گروه‌های انسانی بوده است. وجود مؤلفه‌های لازم برای حضور گروه‌های انسانی، رشد و بالندگی آن‌ها و قابلیت منطقه در افزایش جمعیت‌ها با زندگی متکی بر اقتصاد کشاورزی و دامداری، عامل حضور این گروه‌ها در دوره نوسنگی و سپس سبب گسترش اجتماعات در دوره مس سنگ شده است؛ به نحوی که استقرارهای پیش از تاریخ به نهایت گسترش خود یعنی بیست محوطه یا به عبارت امروزی بیست پارچه آبادی و روستا رسیده‌اند و این رقم در دشت کوچک اسفندقه بسیار قابل‌تأمل است. در عصر مفرغ - براساس شواهد به‌دست‌آمده - که هم‌زمان با آغاز شهرنشینی و شکل‌گیری مراکز شهرنشین در دشت جیرفت است، شمار محوطه‌ها علیرغم پویایی منطقه، کاهش یافته و به ۱۴ محوطه رسیده است. ما بر این باوریم که در این دوره، غالب جمعیت‌های انسانی جذب مراکز شهری چون کناروند در دشت جیرفت شده و این مهاجرت سبب کاهش جمعیت در عصر مفرغ دشت اسفندقه شده است.

### جغرافیای حوزه

دشت میانکوهی اسفندقه به فاصله حدود ۷۰ کیلومتری شمال غرب شهر جیرفت قرار دارد. این دشت حدود ۳۵۰ کیلومترمربع وسعت دارد و رشته‌ای از ارتفاعات آن را در بر گرفته است. ارتفاع متوسط آبادی‌های این دهستان ۱۸۳۸ متر است. بلندترین نقطه آن کوه باغ برج با ارتفاع ۲۳۴۰ متر و پست‌ترین نقطه آن ۱۴۲۰ متر از سطح آب‌های آزاد بلندی دارد. رودخانه مهم اسفندقه، رودخانه آب‌شور است که از کوه‌های باغ برج و سرخوبالا در غرب و جنوب غرب حوزه شروع شده و از انتهای جنوبی دشت وارد دشت رسی اسفندقه می‌شود.

منطقه جیرفت به دلیل وسعت زیاد در جلگه‌های مرکزی و جنوب و نزدیکی به سواحل خلیج فارس و عوامل دیگر، دارای آب‌وهوای گرم است که در تابستان به بیش از ۵۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسد. در نواحی کوهستانی هوا معتدل و سرد است. فواصلی که مناطق گرمسیری و سردسیری را از هم جدا می‌کند بسیار کوتاه است و همین امر موجب تنوع در کشت محصولات گرمسیری و سردسیری گردیده است (صفا، ۱۳۷۶، ۴). دشت اسفندقه با آب‌وهوایی معتدل بین دو ناحیه‌ی گرمسیر در جنوب و نواحی سردسیر در شمال قرار دارد و همین عامل یعنی برخورداری از شرایط معتدل و مطلوب جهت زیست موجودات زنده موجب گردیده تا نخستین گروه‌های انسانی این محیط را برای سکونت انتخاب کنند.



زیادی از استقرارها در مناطق پای کوهی، میان کوهی و دره‌ای از تداوم زندگی کوچ‌رو یا نیمه کوچ‌رو در منطقه در ادوار باستان حکایت دارد. در دوره مس سنگ میانی شواهد محکمی از وجود مرکز صنعت سفالگری با فناوری پیشرفته دیده می‌شود، ضمن اینکه صنعت ساخت ابزارسنگی نیز تداوم دارد. شباهت‌های فراوان و همگونی فناوری‌های تولید سفال‌های دوره مس سنگی اسفندقه با گونه‌های مشابه در مراکز طی چون تل ابلیس در دشت بردسیر و تل باکون در مرودشت فارس نشان‌دهنده مبادلات درون منطقه‌ای و برون منطقه‌ای است.

استقرارهای مس سنگ اسفندقه بدون هیچ وقفه زمانی و فرهنگی وارد عصر مفرغ شده‌اند. چنان‌که می‌دانیم در این دوره پدیده دوم در زندگی بشر، یعنی انقلاب شهرنشینی اتفاق افتاده است که از پیامدهای آن افزایش جمعیت در مناطق شهری و شهرهای بزرگ و پیدایش حکومت‌ها است و طبیعی است که بخش زیادی از جمعیت هنرمند، صنعتگر، تاجر و بازرگان و به مقدار کمتر جمعیت کشاورز به مراکز شهری روی آورده‌اند و با شکل‌گیری مراکز شهری بزرگی چون کناروندل در دشت جیرفت بخشی از جمعیت دشت اسفندقه جذب مراکز شهری شده‌اند.

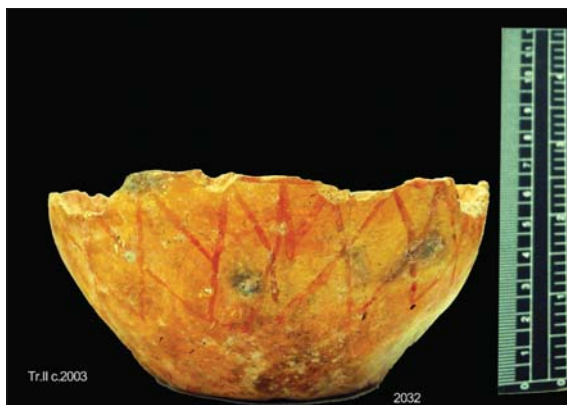
در ادوار تاریخی و به‌ویژه در دوره اشکانی مجدداً شاهد حضور و گسترش اجتماعات به‌ویژه گروه‌های کوچ رو در منطقه هستیم که اغلب در کناره‌های دشت استقرار داشته و با اقتصاد متکی بر دامداری امرامعاش می‌کردند. وجود شماری تپه و محوطه که به سده‌های نخست اسلامی تعلق دارد نیز حاکی از قابلیت دشت اسفندقه برای تداوم استقرارها در ادوار اسلامی است.

### جاذبه‌های تاریخی، فرهنگی و طبیعی بستری برای رشد و رونق گردشگری اسفندقه

وجود محوطه‌های بی‌شمار باستانی دشت اسفندقه که فقط یکی از آن‌ها مورد کاوش قرار گرفته است به همراه سایر قابلیت‌ها که در این گفتار به آن‌ها اشاره خواهد شد در صورت توجه می‌تواند اسفندقه را به حوزه‌ای با قابلیت‌های فراوان گردشگری تبدیل کند. تپه گاوکشی در صورت سامان‌دهی و ایجاد پوشش حفاظتی، ارزنده‌ترین سایت موزه باستان‌شناسی دوره نوسنگی نه تنها در جنوب شرق، بلکه ایران به شمار می‌رود. کاوش‌های باستان‌شناختی در سایر تپه‌ها و محوطه‌ها این سایت‌ها را به سایت موزه باز تبدیل خواهد کرد. ابنیه تاریخی چون مقبره

صنعتگرانی بهره می‌برد که در صنعت ساخت ابزارهای سنگی به فناوری پیشرفته‌ای دست‌یافته بودند؛ و ابزارها با ظرافت و کارایی بسیار بالا تولید می‌شد. درصد غالب ابزارها را ریز تیغه‌ها و سپس تیغه‌ها تشکیل می‌دهد که به نظر می‌رسد در جامعه دامدار-کشاورز نوسنگی کاربرد زیادی داشته است. از ریز تیغه‌ها برای درو و جمع‌آوری غلات و دانه‌های خودرو استفاده می‌شد. در صنعت سفالگری، صنعتگران هنرمند نیز به خلاقیت‌های هنری دست می‌زدند. سفال‌های تولیدی را صنعتگران خلاق با هنرمندی، پرداخت، صیقلی، براق و سپس نقش‌اندازی کرده‌اند (تصویر شماره ۲). وجود سفال‌هایی با خمیره دورنگ با مغز تیره حاکی از آن است که هنوز موفق به برپایی کوره‌های تکامل یافته با کنترل حرارت لازم نشده بودند. نقش، رنگ و نوع پوشش گونه‌هایی از سفال که به نام سفال گاوکشی شناخته می‌شود کاملاً مشابه گونه‌های سفال در محوطه کوشک هزار در دشت مرودشت و قصر احمد در کناره رود قره‌آغاج در استان امروزی فارس است. بی‌شک جامعه گاوکشی از ارتباطات و مبادلات بازرگانی، فکری و فرهنگی با جوامع پیرامون در مناطق دور و نزدیک و به‌ویژه همسایه غربی خود (فارس) برخوردار بوده و جامعه‌ای منزوی در شرق نبوده است. وجود ابزارهای از جنس سنگ اسیدین از روابط بازرگانی کالا بین دشت اسفندقه تا مناطق دوردست‌تری چون حوضه دریاچه وان در ترکیه امروزی حکایت دارد.

بررسی‌های صورت گرفته در دشت اسفندقه که سراسر دشت را در بر گرفته حاکی از تداوم استقرارهای نوسنگی در ادوار مس سنگ، در منطقه است. دشت اسفندقه با دارا بودن شرایط لازم، بستر مناسبی جهت تداوم حیات با شیوه معیشت متکی بر اقتصاد دامپروری و کشاورزی فراهم آورده است؛ افزایش شمار محوطه‌های استقراری از ۴ محوطه به ۱۸ محوطه دلیل آشکاری از قابلیت‌های منطقه در توسعه و افزایش جمعیت و در نتیجه شمار دهکده‌ها و ارتباط‌های بین منطقه‌ای است. بر پایه‌ی بررسی‌های انجام شده، استقرارها در این دوره در کناره‌های جنوب، غرب، شمال‌غرب، شمال و شرق دشت، شکل گرفته است. به نظر می‌رسد دشت همیشه کانون فعالیت‌های کشاورزی و دامپروری روزمره در امر تأمین معاش زندگی بوده است؛ ضمن اینکه وجود استقرارهایی که از دشت، فاصله درخور توجهی دارد از استقرارهای با شیوه معیشت دامداری خبر می‌دهد. شواهد باستان‌شناختی حاکی از آن است که در دوره مس سنگ، جمعیت استقرارهای اسفندقه به بیشترین حد خود می‌رسد. شناسایی شمار



● (تصویر شماره ۲) ظرف سفال منقوش، تپه گاوکشی اسفندقه - دوره نوسنگی



● (تصویر شماره ۱) آثار معماری تپه گاوکشی، اسفندقه - دوره نوسنگی

سرگیری کاوش‌های باستان‌شناسی، توجه به گردشگری عشایری و رونق کارگاه‌های بافت قالی گل سرخ، زمینه حضور گردشگران داخلی و خارجی را برای این منطقه فراهم آوریم. ●

#### منابع و مأخذ:

- بیت من، هالی، هنر عصر مفرغ، جنوب شرق ایران، آسیای میانه‌ی غربی و دره‌ی سند، مترجم کوروش روستایی، مؤسسه پیشین پژوه، مهر بردیا، تهران، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
- دسه، ناتالی، جیرفت و دریا، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی باستان‌شناسی تمدن حوزه هلیل، ۱۳۸۳، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.
- سازمان جغرافیائی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیائی آبادی‌های استان کرمان- شهرستان جیرفت، انتشارات سازمان جغرافیائی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، جلد پنجم، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- شمس‌الدینی، محمود، گزارش تاریخچه عشایر شهرستان جیرفت، اداره امور عشایری شهرستان جیرفت، ۱۳۷۵.
- عصر مفرغ ایران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، زمستان، ۱۳۸۵.
- علی‌دادی سلیمانی، نادر، بررسی و شناسایی شهرستان جیرفت (حوزه ساردوئیه)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، تابستان ۱۳۸۳.
- علی‌دادی سلیمانی، نادر، مقدمه‌ای بر جغرافیای طبیعی و محیط‌زیست حوزه هلیل، مجموعه مقالات نخستین همایش بین‌المللی تمدن حوزه هلیل ۱۳۸۳، سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان کرمان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۷.
- مجیدزاده، یوسف، آغاز شهرنشینی در ایران، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۸.
- مطالعات جامع اقتصادی - اجتماعی استان کرمان، خاک و منابع ارضی، سازمان برنامه‌بودجه استان کرمان، چاپ اول، ۱۳۷۴.
- وزیر، احمدعلی‌خان، تاریخ کرمان، تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی (محمدابراهیم)، انتشارات علمی، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
- وزیر، احمد علی‌خان، جغرافیای کرمان، تصحیح و تحشیه باستانی پاریزی (محمدابراهیم)، نشر علم، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۸۵.



● (تصویر شماره ۵) قالی گل سرخ بافت اسفندقه

میرحیدر (تصویر شماره ۳) در غرب دولت‌آباد (مرکز بخش) که به دوره صفویه تعلق دارد، قلعه اسفندقه مربوط به دوره پهلوی اول (تصویر شماره ۴)، خانه‌های تاریخی شاپوری و فروزان و مدارس قدیمی دولت‌آباد و فردوس که در حال تبدیل شدن به موزه کوچک روستایی‌اند از جاذبه‌های تاریخی و آثار ارزنده به شمار می‌روند.

#### گردشگری عشایر

یکی از جمعیت‌های ساکن در حوزه اسفندقه، تیره‌هایی از عشایر ایل لری، لرمحمد حسنی، لرجعفرآبادی و راهی بارچی با گروه‌های کوچ رو یا نیمه کوچ روبی هستند که با برپائی سیاه‌چادر در دامنه ارتفاعات مشرف به دشت اسفندقه و نزدیک به منابع آب (چشمه، قنات، رود) یا بخش‌های میانکوهی ارتفاعات امرار معاش می‌کنند. وضعیت اقلیمی و زیست‌محیطی دشت اسفندقه و ارتفاعات پیرامون در مقایسه با دشت‌های پست و گرم و مرطوب جنوب موجب گردیده که ماندگاه‌های زمستانی این دسته از عشایر طولانی‌تر گردد و مدت‌زمان بیشتری را در این ناحیه به سر می‌برند. در صورت توجه به جاذبه‌های طبیعی و تاریخی فرهنگی منطقه، جامعه عشایری نیز با خرده‌فرهنگ‌های خاص خود پتانسیل قابل توجهی در کنار سایر جاذبه‌ها به‌منظور رونق هرچه بیشتر گردشگری منطقه فراهم خواهد آورد. اقامت در سیاه‌چادر در دامنه ارتفاعات و در بافت جامعه عشایری با یک‌شب اقامت برای بسیاری از گردشگران به‌ویژه گردشگران خارجی بسیار لذت‌بخش خواهد بود و این اقدام در کنار جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی، میزان ماندگاری گردشگران را در حوزه اسفندقه بیشتر خواهد کرد.

#### قالی گل سرخ

بی‌شک یکی از زیباترین دستبافت‌های کرمان قالی گل سرخ اسفندقه است. عدم توجه به این دستبافت زیبای با ارزش تجاری سبب فراموشی این هنر شده است. سرمایه‌گذاری، حمایت از بافندگان و برپایی کارگاه‌های بافت قالی گل‌سرخ و دیگر دستبافت‌های داری، سبب غنا بخشیدن به تور گردشگری خواهد شد که برای یک و یا دو روز اسفندقه را مقصد گردشگری خود انتخاب کرده است (تصویر شماره ۵). تاکنون قدم جدی برای حضور گردشگر در حوزه اسفندقه برداشته نشده است. وقت آن است تا با توجه و ساماندهی آثار تاریخی حوزه و از



● (تصویر شماره ۴) قلعه اسفندقه، دوره پهلوی اول



گفت‌وگو با «هوشنگ شفیعی»

مؤسس و سرمایه‌گذار منطقه نمونه آرمین دلفارد\*

# جیرفت؛ بهشت گمشده گردشگران

درباره ظرفیت‌ها، اولویت‌ها و چالش‌های حوزه گردشگری جیرفت با آقای هوشنگ شفیعی؛ مؤسس و سرمایه‌گذار منطقه نمونه آرمین دلفارد، عضو هیئت‌مدیره سرمایه‌گذاران مناطق نمونه ایران گفت‌وگو کرده‌ایم. وی برایین باور است که منطقه جیرفت بزرگ با وجود برخورداری از ۱۰ اقلیم از ۱۳ اقلیم آب و هوایی موجود در جهان و نیز زادگاه کهن‌ترین تمدن جهان بودن و با داشتن جاذبه‌های مهم تاریخی، فرهنگی و طبیعی در اثر چالش‌ها، نارسایی‌ها و بی‌برنامگی‌ها از حرکت به سوی پیشرفت در حوزه گردشگری بازمانده است. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید.

جهان است در حال انجام است، از هم‌اکنون تا اردیبهشت‌ماه گردشگران می‌توانند از هوای مطلوب و غذاها، میوه و سبزیجات تازه لذت ببرند و زیر آفتاب جان بخشش کمبود ویتامین D را که به گزارش بهداشت همه‌گیر شده است بهبود ببخشند. به‌طور خلاصه در مورد جیرفت کاملاً صادق است که بگوییم: آنچه خوبان همه دارند به‌تنهایی دارد، متأسفانه میزان تصادفات جاده جیرفت - دلفارد که نتیجه سفرهای مردمان جنوبی جیرفت به کوهستان دلفارد برای فرار از گرماست خود گویای ظرفیت گردشگری گوشه‌ای از این بهشت گمشده و سرمایه ملی است.

○ سهم گردشگری جیرفت در اقتصاد گردشگری استان چند درصد است؟ شاغلین و فعالان بخش گردشگری چه تعدادی هستند؟ و آیا آماری سالیانه از گردشگران داخلی و خارجی می‌توان ارائه داد؟

این‌که کسی ادعا کند می‌داند سهم گردشگری جیرفت یا هر جای دیگری چقدر است عملاً ممکن نیست زیرا اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان کرمان در بیش از یک دهه گذشته که بنده اطلاع دارم در شهرستان اداره نداشته و مدیران کل بیشتر وقت‌شان معطوف به مرکز استان بوده و یا حداقل در

○ جیرفت یکی از پیشگامان تمدن بشری است. این شهرستان با توجه به بافت تاریخی و فرهنگی و برخورداری از طبیعت زیبا، ظرفیت بسیار بالایی برای توسعه گردشگری و جذب گردشگران دارد، لطفاً در آغاز گفت‌وگو در مورد جاذبه‌های گردشگری این منطقه توضیحات مفصل ارائه فرمایید.

در جذابیت جیرفت بزرگ (از هنزا کوه تا مرز رودان) همان‌قدر بس که از حدود ۱۳ اقلیم جهان، ده اقلیم را داراست و از دیدگاه میراث فرهنگی، به نقل از دانشمندان باستان‌شناس اروپا و غیره، زادگاه کهن‌ترین تمدن جهان است. تنوع گویش، رسومات، رنگ و نژاد مردمان بدون شک در هیچ نقطه دیگری با این مساحت و با این جمعیت کوچک وجود ندارد. بعد از پیدایش آثار تمدنی جیرفت و معرفی خوب اروپاییان به‌طور علمی و به دور از تعصبات و حسادت‌های متداول صورت گرفته است. علاقه‌مندان به گردشگری و تاریخ تمدن بشری بی‌صبرانه منتظر فرصت‌اند که از این منطقه دیداری داشته باشند. متأسفانه در داخل کشور معرفی جیرفت، تمدن و حتی محصولاتش در حدی بسیار کمتر از انتظار بوده است. در جیرفت هم‌اکنون که اکثر کشور خزان و شروع برف و باران است مثل اول بهار موقع کشت و کار است و برداشت مرکبات کوهستان‌های نراب، رمون و دلفارد که بدون اغراق مرغوب‌ترین مرکبات ارگانیک

\* عضو هیئت‌مدیره سرمایه‌گذاران مناطق نمونه ایران



سبزی سرجاز، نان تیری تنوری و پرتقال کوهستان چیده شده عکس‌هایی به سراسر دنیا بفرستند!

### ○ اولویت‌های استراتژیک گردشگری شهرستان جیرفت را توضیح دهید؟

انجام بسترسازی‌هایی که ذکر شد؛ مانند کارا کردن حمل‌ونقل درون و بیرون شهری، فعال‌سازی فرودگاه (رفت و برگشت به تهران، تبریز، اصفهان، شیراز و مشهد)،

■ داشتن اتوبوس و مینی‌بوس‌های روباز از مرکز شهر تا کنار صندل، اسفندقه و دلفارد،

■ احداث اقامتگاه‌هایی متناسب با بودجه طبقه متوسط اروپا و آمریکای شمالی و رعایت استانداردهای قابل‌قبول،

■ سرویس‌های مجهز بین‌راهی در فواصل ۲۵ کیلومتری به شکل قرینه در دو طرف جاده،

■ سرویس‌های امداد فوری مجهز و مجانی برای اتباع خارجی.

قابل ذکر است که می‌توان با وعده و تبلیغات، گردشگران را به منطقه آورد، اما اگر رضایت آن‌ها حاصل نشود نه‌تنها بر نمی‌گردند بلکه باعث خواهند شد دیگران هم به منطقه ما سفر نکنند زیرا طبق آمار هر یک نفر ناراضی، حداقل چهار نفر را از آمدن باز می‌دارد پس اهمیت دارد به اندازه توانمان تبلیغ کنیم و سعی کنیم فراتر از انتظار مهمانان، آن‌ها را راضی کنیم.

قطعاً استراتژی نهایی جلب حداکثری گردشگران خارجی به‌ویژه اروپایی و آسیایی، مخصوصاً مردمان چین، کره و ژاپن، به این دلیل که آن‌ها توان خرج کردن داشته و قانونمند نیز هستند.

هدف ما تولید ثروت برای سرمایه‌گذار، ایجاد اشتغال هر چه بیشتر مردم و کمک به اقتصاد کشور است با حفظ فرهنگ و سنت جامعه و به دور از هرگونه افراط‌وتفریط، تربیت مهماندار، راهنمای گردشگر، آموزش رانندگان تاکسی منتخب و حصول اطمینان از کیفیت نرخ خدمات اهمیت ویژه دارد.

از آنجا که در شهر ما این صنعت دوران طفولیت خود را آغاز کرده، مسئولیت مهمی بر گردن بخش خصوصی که در رأس آن اتاق بازرگانی است و بخش دولتی که در رأسش وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است. اگر این طفل نوپا با مطالعه و برنامه‌ریزی تربیت شود، قطعاً به زحمتش می‌ارزد.

### ○ چه ارزیابی از کیفیت خدمات و تجربه سفر گردشگران منطقه جیرفت اعم از داخلی و خارجی دارید؟

تعداد گردشگران خارجی چشمگیر نیست و تعداد کمی که آمده‌اند بدون استثنا راضی از مهمان‌نوازی بوده و تحت تأثیر اقلیم زیبا و متفاوت، متأسف از فقر حاکم با توجه به ظرفیت منطقه قرار داشتند. زبان انتقاد خارجی‌ها دراز نیست؛ چون محافظه‌کاری دارند و احتمالاً وقتی کمبودها به‌ویژه وضعیت اسفناک سرویس‌های بهداشتی و فراوانی مگس را می‌بینند، فکر می‌کنند ما همین هستیم. جهان سوم یعنی همین!

گردشگران داخلی ناراضی زبان انتقادشان تندتر است از نبود

بخش گردشگری به جیرفت بسیار کمتر از انتظار نظر انداخته‌اند، دیگر این‌که با انتصاب مدیران غیرمتخصص و جناحی، برای جیرفت غیر از عقب‌ماندگی در گردشگری نتیجه‌ای نداشته است و اگر مختصر کاری هم شده باشد صرفاً توسط بخش خصوصی بوده است. گواه این مدعا نبود زیرساخت‌ها، هرج‌ومرج ترافیک شهری، آمار بالای تصادفات جاده‌ای و فعال نبودن فرودگاهی که تقریباً نیم قرن از احداث آن می‌گذرد. اپلیکیشنی برای کمک به گردشگران فعال بوده و احتمالاً هنوز هم هست که به‌محض ورود گردشگران به حوزه جیرفت با علامت قرمز اخطار نامنی می‌داده! می‌دانیم که جیرفت برای مهمانان و بازدیدکنندگان داخلی و خارجی ارزش قائل است و نامنی وجود ندارد، اما اگر هم می‌بود آیا برقراری امنیت به‌طور کلی و دفاع از جان، مال و ناموس مردم مگر از وظایف دولت‌ها نیست؟

به‌طور خلاصه اگر فرودگاه فعال باشد، سرمایه‌گذار غیربومی هم رغبت به سرمایه‌گذاری نشان می‌دهد، اگر ترافیک از این هرج‌ومرج خارج شود و دهیاری‌ها، بخش‌داری‌ها و شهرداری‌ها و ... دست در دست هم زیرساخت‌ها را آماده کنند و دولت کار خودش را به‌درستی انجام دهد و نقش نظارتی‌اش را محکم سازد و بخش خصوصی را در چارچوب مقررات آزاد بگذارد، قطعاً همین جیرفت به‌تنهایی بیش از کل شیخ‌نشین‌ها ظرفیت‌هایش را نشان خواهد داد. شک نکنید!

### ○ شهرستان جیرفت بالقوه یک قطب گردشگری است. به‌عنوان یک مقصد مهم گردشگری چه اقدامات توسعه‌ای در این شهرستان صورت گرفته است؟

جیرفت با توجه به هوای مساعدش، فراوانی محصولات ارگانیک، نزدیکی‌اش به خلیج فارس، اگر خدماتی مثل حمل‌ونقل عمومی درون و بیرون شهری، سرویس‌های بهداشتی درجه یک درون و بیرون شهری و اقامتگاه‌های بوم‌گردی نظارت شده بهداشتی و عزم مسئولین قضایی، نظامی و انتظامی را در اجرای بی‌کم‌وکاست قوانین راهنمایی و رانندگی و نظارت بر حفظ بهداشت اقامتگاه‌ها، هتل‌ها و رستوران‌ها را داشته باشد با توجه به ظرفیت و وسعتی که دارد در یک دوره ده‌ساله می‌تواند جهشی چشمگیر در توسعه اقتصاد پایدار و ایجاد اشتغال و شادمانی دلسوزان نظام را حتی در شرایط تحریم داشته باشد و الگویی باشد برای اثبات موفقیت اقتصاد مقاومتی.

مطلب آخر و مهم: اگر گردشگران را به چند گروه تقسیم کنیم: گروه جوان، طبقه متوسط تحصیل‌کرده آشنا با فضای مجازی اکثریتی هستند که تمایلی به سفر با تورهای مسافرتی را ندارند؛ چون هم هزینه بیشتری باید بپردازند و هم آزادی ندارند، لذا وزارت کشور باید صدور ویزا برای گردشگران را از انحصار تورهای مسافرتی درآورده تا طبقه متوسط مردم دنیا به‌ویژه دنیای غرب بتوانند به‌راحتی به ایران سفر کنند و در هوای بهاری زمستان جیرفت بر فرش زیبای گل سرخ اسفندقه، عکس‌هایی از سفره رنگینی که از کباب بره شیر مست رودبار، انار دلفارد، مرداسنگ میونچیل،

خصوصی، ایجاد دفاتر خدمات بانکی در سطح شهر و روستاهای هدف و مناطق نمونه گردشگری خصوصاً اتخاذ تصمیم جدی برای این که گردشگران مجبور به حمل پول نقد نباشند و بتوانند با اطمینان، ارز خود را تبدیل به پول رایج کشور نمایند. نظارت جدی بر نظافت و رعایت بهداشت مراکز اقامتی و رستوران‌ها و نظارت بر نرخ ارائه خدمات. بخش خصوصی ضمن این که در چارچوب قانون بایستی آزاد باشد تا رشد نوآوری را شاهد باشیم باید با اعمال نظارت از حسن انجام کار آن‌ها نیز اطمینان حاصل شود.

مهم‌ترین عامل عدم پیشرفت جبرفت، فعال نبودن فرودگاه است در صورتی که پروازهای منظم از تهران به جبرفت داشته باشیم. قطعاً سرمایه‌گذاران به فعالیت در منطقه روی خواهند آورد. توضیحات بیشتر:

نیاز به کیوسک‌های اطلاع‌رسانی در مراکز هدف گردشگری مانند دلفارد و مرکز شهر اهمیت خاص دارد. آگاهی دادن به مردم برای برخورد با توریست بسیار واجب است و فعالان اندیشمند بخش خصوصی می‌توانند و باید با هماهنگی لازم به مدارس و کالج‌ها سر بزنند و اهمیت جلب رضایت توریست و شیوه آن را توضیح دهند، همچنین کسبه، پلیس، پرسنل بیمارستان‌ها و گروه امداد باید برخورد مناسب را آموزش ببینند.

گردشگران باید در بدو ورود بدانند که با اقامت در مکان‌های مجاز، امنیت آن‌ها بهتر تأمین می‌شود و از آن‌ها خواهش کنند تا نظرات خود را به مرکزی یا سایتی منعکس نمایند.

باید تلفن‌هایی در اختیار گردشگران قرار داده شود تا در صورت نیاز تماس بگیرند، همچنین شهروندان شناخته‌شده، متعهد و دلسوز تشویق شوند تا به شکل داوطلبانه و به طرق مختلف به مسئولین کمک کنند تا چهره بهتری از کشور معرفی شود.

چندین میلیون ایرانی تحصیل‌کرده‌ی خارج داریم که در داخل و خارج کشور هستند و طبیعی است که اگر بخواهند مهماندار دوستان و آشنایان شان در ایران باشند، شرط سفر این افراد با تورهای مسافرتی غیرمنطقی است و باید مثل هر جای دیگر دنیا، صدور ویزا برای میهمانان شهروندان طبق روالی که وزارت خارجه بهتر می‌داند انجام پذیرد. ●

زیرساخت‌هایی مانند سرویس‌های بهداشتی، عدم رعایت بهداشت و از ترافیک شهری و جاده‌ای که انصافاً حق هم دارند. مخصوصاً آلودگی منطقه آبشار دلفارد و حجم زیاد زباله‌ای که دره زیبا را آلوده کرده و چاه‌های دستشویی که بستر رودخانه را آلوده می‌سازد و هر گردشگر واقعی را نگران حال و آینده این منطقه زیبا می‌کند.

### ○ شما چه تحلیلی از فعالیت‌های مشارکتی/ رقابتی، عزم مسئولان محلی، موقعیت مالی، کیفیت چشم‌انداز مقصد، منابع تسهیل‌کننده و بازار یابی حوزه گردشگری جبرفت ارائه می‌نمایید؟

اصولاً دولت‌ها نمی‌توانند صنعت گردشگری را به‌خوبی بخش خصوصی پیش ببرند، بنابراین، انتظار از مسئولین دولتی، ائتلاف وقت است و در هیچ کشوری هم این اتفاق نیفتاده. بهترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد نظارت بر حسن انجام کار بخش خصوصی، کمک به آماده‌سازی زیرساخت‌ها و ایجاد امنیت و سپردن امور به بخش خصوصی است که حداقل آورده‌اش ۳۰ درصد هزینه کل پروژه‌اش باشد. مسئولین محلی، دانش و دید محدودی دارند و یا با استفاده از گوگل پیشنهادات نپخته و نامناسبی دارند که ما را از هدف دور می‌کند. در این‌که نیت خیر دارند، شاید نتوان تردید کرد، اما نیت خیری که مبتنی بر عشق و علاقه به این حرفه خاص و بر پایه دانش و تجربه نباشد، خروجی شایسته‌ای ندارد. حتی سفرهای کوتاه‌مدتی که برخی مسئولین به دیگر کشورها می‌کنند بیشتر ائتلاف وقت و حیف‌ومیل بیت‌المال است و دیگر هیچ!

### ○ به نظر شما با توجه به آسیب‌شناسی حوزه گردشگری جبرفت رشد و توسعه گردشگری منطقه در گرو چه تصمیمات و اقداماتی است؟

توسعه گردشگری جبرفت را اقدامات و عوامل مختلفی به شرح زیر فراهم می‌آورد:

آنچه مربوط به دولت است؛ شامل عزم جدی اجرای قانون در برخورد با متخلفین رانندگی باهدف ایمن‌سازی جاده‌ها و شهرها، تغییر وضع وسایل حمل‌ونقل عمومی درون و بیرون شهری با کمک بخش



● تپه‌های کنار صندل / جبرفت ●

# بازرگانی و خدمات

- گفت‌وگو با «مجتبی بهمنی»  
عضو هیئت‌علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان  
جایگاه ۷-۵ بورس منطقه‌ای کرمان  
در بین بورس‌های منطقه‌ای
- چرخ تجارت در استان کرمان چگونه می‌چرخد؟  
● گفت‌وگو با «محمدعلی محمد میرزاییان»  
عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان؛  
رفع موانع و عمل بر قاعده در صادرات
- معرفی اتحادیه اقتصادی اوراسیا  
و اطلاعات تجاری این اتحادیه با جهان، ایران و استان کرمان
- گفت‌وگو با «سیدمحمد رضا ترابی موسوی»  
عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق؛  
بازاریابی محصولات کشاورزی





گفت‌وگو با «مجتبی بهمنی»

عضو هیئت علمی دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان و مدیر بورس منطقه‌ای کرمان

# جایگاه ۷-۵ بورس منطقه‌ای کرمان

## در بین بورس‌های منطقه‌ای

در نیمه اول سال ۱۳۹۸ به‌طور متوسط روزانه بیش از هشت میلیارد تومان معامله در بورس منطقه‌ای استان کرمان انجام شده است. بورس منطقه‌ای استان در بین بورس‌های منطقه‌ای در کشور از جایگاه مناسبی برخوردار است. چگونگی استقبال مردم کرمان چه به شکل حقوقی و چه افراد حقیقی، بیانگر این است که مردم کرمان با بورس آشنا شده‌اند و به سرمایه‌گذاری در آن توجه دارند.

دکتر مجتبی بهمنی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان و مدیر بورس منطقه‌ای کرمان در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان ضمن اشاره به مراتب بالا، می‌گوید از مزایای کارکرد بازار سرمایه این است که هم به توسعه اقتصادی کشور و هم به تأمین مالی و توسعه فعالیت شرکت‌ها کمک می‌کند و از طرفی فرصت سرمایه‌گذاری برای افرادی که نقدینگی دارند و می‌خواهند از آن درآمدی کسب کنند، ایجاد می‌نماید.

او یادآوری می‌کند که ۵ شرکت بورسی که در حدود ۷ درصد ارزش بازار بورس کشور را به خود اختصاص داده‌اند و نیز ۶ شرکت فرا بورسی که بیش از ۷ درصد ارزش فرا بورس را در برمی‌گیرند در استان کرمان وجود دارند. در ادامه به مطالعه این گفت‌وگو دعوت می‌شوید.



عمدتاً عملکرد بورس را براساس اهداف اقتصاد کلان کشور ارزیابی می‌کنند چون در راستای تحقق این اهداف عمل می‌کند؛ کمک به رشد اقتصادی، کمک به اشتغال، کمک به جمع‌آوری و کنترل حجم نقدینگی، کمک به تأمین مالی شرکت‌ها و کمک به توسعه فعالیت آن‌ها که در واقع همه مزیت‌هایی است که از دیدگاه کلان و منطقه می‌توانیم به آن توجه داشته باشیم؛ از طرف دیگر به دلیل وجود تعداد زیاد خریدار و فروشنده و هم‌چنین شفافیت زیاد بورس، عموماً این بازار را نزدیک‌ترین بازار به بازار رقابتی قلمداد می‌کنند. اصطلاح تالار شیشه‌ای اشاره به همین شفافیتی دارد که اطلاعات با کمترین هزینه و با سرعت بالا، بدون واسطه و دقیق و کامل در اختیار فعالانی که در این بازار هستند قرار می‌گیرد و لذا این یک مزیت بسیار مهمی است که اهداف اقتصاد کلان سریع‌تر و مطمئن‌تر محقق شود. می‌دانید افزایش رقابت موجب افزایش و ارتقای کارایی می‌شود. مطمئن‌ترین و کم هزینه‌ترین راه تحقق اقتصاد مقاومتی به‌عنوان راهبرد درون‌زا کردن و مردمی کردن اقتصاد قطعاً بورس و بازار سرمایه هست. همچنین سالم‌ترین مسیر برای اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی و ابلاغیه مربوطه توسط مقام معظم رهبری بازار سرمایه و بورس هست که در این رابطه نقش آفرینی داشته است.

از دیدگاه شرکت‌هایی که در بورس پذیرفته می‌شوند می‌توان عمده‌ترین هدف را امکان‌پذیری تأمین مالی برای آن‌ها قلمداد کرد؛ زیرا تأمین مالی از طریق بورس، کم هزینه‌ترین روش تأمین مالی است. معافیت‌های مالیاتی که شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس دارند و ارزش‌گذاری این شرکت‌ها از طریق بازار از مزیت‌های

## در مورد جایگاه بورس منطقه‌ای کرمان به لحاظ زیرساخت‌ها و نیز عملکرد نیمه اول سال ۱۳۹۸ توضیح دهید؟

بورس منطقه‌ای کرمان پنجمین بورس منطقه‌ای در کشور است که از شهریور ۱۳۸۳ فعالیت خود را آغاز کرده است. بدون شک با توسعه نهادهای بازار سرمایه، بورس منطقه‌ای کرمان هم رشد کرده است و نوسانات اقتصادی که در کشور اتفاق افتاده است بر فعالیت بورس منطقه‌ای کرمان و بالطبع بر کل بازار سرمایه تأثیر گذاشته است.

از مهم‌ترین زیرساخت‌های مربوط به فعالیت در بورس، نهادهای بازار سرمایه هستند که عمدتاً از کارگزاری‌ها تشکیل شده‌اند. در بورس منطقه‌ای کرمان تا به حال کارگزاری‌های زیادی فعالیت کرده‌اند و برخی هم تعطیل شده‌اند. به طوری که ۴۱ شعبه، به صورت دفتر پذیرش یا آنلاین گروهی داشتیم که اکنون ۲۱ مورد از آن‌ها فعال هستند و مابقی تعطیل شده‌اند. از این تعداد ۱۲ شعبه کارگزاری، ۲ دفتر آنلاین گروهی و ۷ دفتر هم دفتر پذیرش هستند که در شهرهای کرمان، رفسنجان، سیرجان و شهربابک مشغول به فعالیت هستند. به زودی دفتر یک کارگزاری در شهر بم هم افتتاح خواهد شد و تأثیرات خود را بر اقتصاد این منطقه خواهد گذاشت. ضمن آنکه موجبات معامله خرما در بورس کالا را فراهم خواهد کرد. به طور کلی عملکرد بورس در نیمه اول سال ۹۸ خوب بوده است، به طور متوسط روزانه بیش از ۸ میلیارد تومان معامله در بورس منطقه‌ای کرمان انجام شده است. البته به این نکته باید توجه کرد که آمار دفاتری که به صورت آنلاین گروهی، دفتر پذیرش و معاملات بر خط هستند جزو معاملات بورس منطقه‌ای کرمان محسوب نمی‌شوند و در این آمار نیامده است، البته اگر این آمار نیز در دسترس می‌بود و به رقم ذکر شده اضافه می‌شد، حجم معاملات را بهتر نشان می‌داد.

به‌عنوان مثال؛ در هفته اول آذرماه معاملات قابل‌توجهی (بیش از ۶ هزار و ۱۱۷ میلیارد ریال) در بورس کرمان انجام شده است که شامل ۹۸ درصد خرید و ۲ درصد فروش بوده است، البته این حجم فقط توسط ۱۲ دفتری که ذکر شد انجام شده است و لذا نویدبخش حجم معاملات نسبتاً مناسبی در بورس منطقه‌ای کرمان است. از نظر رتبه نیز بورس کرمان بین بورس‌های منطقه‌ای جایگاه مناسبی دارد؛ بعضاً ۵، ۶ یا ۷ که به نظر جایگاه قابل قبولی است، این استقبال بیانگر این است که مردم کرمان چه به صورت شرکت‌های حقوقی و چه افراد حقیقی با بورس آشنا شده‌اند، در واقع سرمایه خود وارد بازار سرمایه کرده و به سرمایه‌گذاری در بورس توجه دارند.

## مزیت‌های سرمایه‌گذاری در بورس اوراق بهادار چیست؟ لطفاً در مورد اهمیت کارکردهای بازار سرمایه توضیح دهید.

وقتی صحبت از سرمایه‌گذاری در بورس می‌شود، مزیت و اهمیت بورس را از سه منظر می‌توان مدنظر داشت. اولاً تأثیراتی است که بر کل اقتصاد دارد یا در استانی که بورس منطقه‌ای در آن فعالیت دارد، دوم از منظر شرکت‌هایی که در بورس پذیرش شده و وارد بورس شده‌اند و منظر دیگر، افرادی که به‌عنوان سرمایه‌گذار یا سهام‌دار اقدام به سرمایه‌گذاری در بورس کرده‌اند. از منظر اقتصاد کلان

است که قطعاً تأثیرات خاص خودش را گذاشته است. کارگاه‌ها و همایش‌های متعددی را در دانشگاه‌ها و ادارات برای افراد مختلف برگزار کرده‌ایم. گزارش‌های تحلیلی و روزانه در رادیو، تلویزیون و نشریات مختلف در استان ارسال شده است. به نظر می‌رسد سیر صعودی حجم معاملاتی امسال و افزایش قابل توجه آن بیانگر این است که این فعالیت‌ها تأثیر خاص خودش را گذاشته است و در نتیجه همین اقدامات بوده است که شاهد استقبال بیشتر مردم در بورس هستیم.

### عوامل اصلی کمتر توسعه‌یافتگی بازار پول و سرمایه در ایران چیست؟

در ارتباط با بازار پول اظهار نظر نمی‌کنم. اما وقتی صحبت از توسعه‌یافتگی یا توسعه نیافتگی بازار سرمایه می‌شود، لازم است به شاخص‌هایی از قبیل اندازه بازار سرمایه که معمولاً نسبت به GDP سنجیده می‌شود، تنوع و تعداد ابزارهای مالی مورد معامله در بازار سرمایه، تأمین مالی و تأمین مالی بین‌المللی در بازار سرمایه، ارزش و دفعات معاملات سالیانه و حتی روزانه بازار سرمایه، نهادهای بازار سرمایه که از مهم‌ترین ارکان بازار سرمایه محسوب می‌شوند و هرچند تعداد این نهادها بیشتر و از نظر سخت‌افزاری و نرم‌افزاری پیشرفته‌تر باشند به توسعه بازار سرمایه و از این طریق بر توسعه اقتصادی تأثیر و کمک بیشتری خواهند داشت، درصدی از مردم که سهامدار هستند و در بازار سرمایه معامله می‌کنند باید توجه کرد. از منظر این شاخص‌ها پیشرفت و توسعه قابل توجهی در بازار سرمایه کشور اتفاق افتاده است. حتی قوانین بازار سرمایه به‌روز شده است. تمام تلاش‌ها برای رسیدن به وضع مطلوب بوده و هست. اکنون در بسیاری از شهرها نهادهای بازار سرمایه بال‌اخص کارگزاری‌ها به همراه بورس‌های منطقه‌ای حضور دارند و بسیاری از مردم با بورس و مفاهیم بورسی آشنا شده‌اند اما برای رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله وجود دارد و زمان می‌برد. لازم است در این راستا موانع برداشته شود. به این نکته توجه شود که بازار سرمایه و پول در عین حال می‌توانند مکمل هم باشند و توسعه هرکدام بر توسعه دیگری اثر داشته باشد.

### چند شرکت بورسی و با چه حجم سرمایه‌گذاری در استان کرمان فعالیت دارند، ترکیب حضور اشخاص حقیقی و حقوقی در بازار سرمایه کرمان چگونه است؟ به عبارتی چه حجمی از نقدینگی در نیمه اول سال ۹۸ در کرمان وارد بازار سرمایه گردیده و چه سهمی از آن توسط شرکت‌ها تزریق گردیده است؟

اگر منظور این است که چند شرکت کرمانی وارد بورس شده است، ما پنج شرکت بورسی در کرمان داریم؛ شرکت سیمان کرمان، مس شهید باهنر، گروه صنعتی بارز، سنگ‌آهن گل‌گهر و شرکت ملی صنایع مس ایران که حدود ۷ درصد از ارزش بازار بورس کشور را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین ۶ شرکت فرابورسی داریم؛ توسعه عمران کرمان، سیمان ممتازان، سرمایه‌گذاری مس سرچشمه، تولید

دیگر برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس است. از دیدگاه سرمایه‌گذارانی که وارد بورس شده‌اند و سهامدار نام دارند می‌توان این‌طور عنوان کرد که سهامداران بورس در واقع می‌توانند بیشترین بازدهی را از سرمایه‌گذاری خود نسبت به موارد رقیب کسب کنند؛ چرا که این شرکت‌ها از بهترین شرکت‌ها هستند و ضمن آنکه در پذیرش مورد غربال‌گری قرار گرفته‌اند، نظارت کافی از طریق بورس بر فعالیت این شرکت‌ها همیشه وجود دارد، ضمناً تنوع زیادی از شرکت‌ها براساس نوع صنعت و فعالیتی که دارند در بورس وجود دارد و لذا شرکت‌های متنوع به معنای تنوع سرمایه‌گذاری و تنوع انتخاب برای سرمایه‌گذاری سهامداران است. به‌علاوه بازار بورس یک بازار دائمی و شفاف و یک بازار همیشگی به معنای قدرت نقد شوندگی بالای سرمایه‌گذاران است. نکته دیگر این است که هزینه‌های انجام معامله در بورس نسبت به سایر سرمایه‌گذاری‌ها کمترین مقدار است که نکته مهمی است. خرید سهام در بورس نزدیک ۰/۴ درصد هزینه دارد که مشمول مالیات هم نیست، اما هزینه در فروش سهام نزدیک یک درصد است که با ۰/۵ درصد مالیات به این عدد می‌رسد که باز نسبت به بقیه فعالیت‌ها عدد قابل توجهی نیست. همچنین فرایند انجام معامله در بورس سهل‌ترین و ساده‌ترین فرایند هست.

همچنین اطلاعات تحلیلی که در این بازار توسط کارشناسان مختلف صورت می‌گیرد، می‌تواند ریسک کمتر و امکان اقدام آگاهانه در اختیار سرمایه‌گذار و سهامدار قرار دهد. به‌طور کلی مزیت کارکرد بازار سرمایه در این است که هم می‌تواند به توسعه اقتصادی کشور و هم به شرکت‌ها برای توسعه فعالیت و تأمین مالی‌شان کمک کند و هم این‌که فرصت سرمایه‌گذاری در اختیار افرادی که نقدینگی دارند و می‌خواهند از سرمایه خود بازدهی کسب کنند ایجاد کند. این بازار، بازار همیشگی است که برای هر سه گروه، تأثیرات مثبتی به همراه دارد. حتی دولت هم از پتانسیل بورس و بازار سرمایه برای تأمین مالی استفاده می‌کند. انتشار اسناد خزانه اسلامی و معامله آن در بورس بیانگر استفاده دولت از بازار سرمایه برای تأمین مالی است.

### تحلیل شما از چگونگی رشد بازار سرمایه در کرمان در نیمه اول سال ۱۳۹۸ و به‌طور کلی روند بازار سرمایه در این استان چیست؟

در نیمه اول سال ۹۸ حجم معاملات خوب بوده است و نسبت به مدت مشابه سال قبل تقریباً دو برابر شده است، به‌طوری که روزانه بیش از ۸ میلیارد تومان معامله داشتیم. بد نیست که به روند توسعه بازار سرمایه هم اشاره شود، از سال ۸۳ که بورس منطقه‌ای کرمان شروع به فعالیت کرده است، فعالیت‌های دیگری هم در این بورس صورت گرفته است که عمدتاً آموزش و باهدف فرهنگ‌سازی بوده است. در واقع سعی کرده‌ایم مردم را با بورس آشنا کنیم و زمینه را برای سرمایه‌گذاری در بورس فراهم کنیم. اقدامات متنوعی انجام شده است، در این مدت برای بیش از ۴۵ هزار نفر، تقریباً معادل ۵۰۰ هزار نفر ساعت آموزش ارائه شده



دارد نیاز به تحلیل دارد. فرد باید ریسک سرمایه را بشناسد، در کلاس‌هایی که به‌صورت رایگان در بورس کرمان تشکیل می‌شود این موارد آموزش داده می‌شود که علاقه‌مندان بتوانند انتخاب سید بهینه را بیاموزند. در واقع اساس بحث برای تشکیل سید بهینه این است که مجموعه‌ای از سهامی انتخاب شود که ریسک را به حداقل برساند و بتواند بیشترین بازدهی ممکن را به دست بیاورد.

### نظر شما در مورد چگونگی تحرک سرمایه در استان کرمان چیست؟

عموماً جابجایی سرمایه بین بخش‌های اقتصادی و بین مناطق جغرافیایی را تحرک سرمایه می‌نامند. به‌طور کلی می‌توان گفت ورود سرمایه به بورس نوعی تحرک سرمایه هست که هرچه حجم آن بیشتر باشد، اثرگذاری و پویایی آن بیشتر خواهد بود.

### سرمایه‌گذاران در بورس باید به چه نکات مهمی توجه نمایند تا ریسک سرمایه‌گذاری خود را به حداقل برسانند؟

سرمایه‌گذاران باید با مشورت با کارشناسان که در کارگزاری‌ها فعالیت می‌کنند، مشورت کرده و با مطالعه دقیق شرایط اقتصادی کشور، وضعیت صنعتی که بنگاه در آن فعالیت می‌کند و بررسی دقیق شرایط بنگاه و تحلیل‌هایی که در این رابطه باید انجام شود وارد بازار شوند. قطعاً اقدام ناآگاهانه، ورود پُر ریسکی را برای ایشان به همراه دارد و خطرات زیادی پیش روی آن‌ها قرار می‌دهد. لذا توصیه می‌شود کسانی که قصد ورود به بورس را دارند در ابتدا در کلاس‌هایی که در بورس کرمان تشکیل می‌شود و به آن‌ها آگاهی عمومی می‌دهد، شرکت کنند و از مشاوره کارگزاران و کارشناسانی که در بازار هستند بهره‌مند شوند تا بتوانند اقدام آگاهانه‌ای را انجام دهند.

### چنانچه توضیحات بیشتری در خصوص بازار سرمایه در کشور و استان لازم می‌دانید، بفرمائید؟

با توجه به این‌که طبق ابلاغیه اصل ۴۴ قانون اساسی، سهم دولت از اقتصاد در حال کم شدن و فعالیت و حضور بخش خصوصی در اقتصاد در حال افزایش است، هم‌چنین با توجه به تعداد زیاد شرکت‌هایی که پتانسیل ورود به بورس را دارند و حجم نقدینگی قابل‌توجهی که در اقتصاد کشور وجود دارد، به نظر می‌رسد بهترین گزینه سرمایه‌گذاری، باثبات‌ترین و نقدشونده‌ترین سرمایه‌گذاری، در بورس رخ می‌دهد. به دنبال آن هستیم که فرهنگ‌سازی، آگاهی بخشی و آشنایی لازم است برای مردم فراهم شود و دسترسی مردم هم از نظر فیزیکی به بورس بهتر شود تا بتوانند آگاهانه و راحت‌تر در بورس سرمایه‌گذاری کنند. توسعه فیزیکی بازار سرمایه در همین راستا دنبال می‌شود. نکته اساسی که وجود دارد، این است که افراد حتماً آگاهی خود را از شرایط بورس و چگونگی سرمایه‌گذاری در آن را افزایش دهند تا متضرر نشوند و بهترین منفعت را از این نوع سرمایه‌گذاری کسب کنند. ●

برق ماهتاب کهنوج، گروه اقتصادی کرمان خودرو و سنگ‌آهن گهر زمین که بیش از ۷ درصد از ارزش فرابورس را به خود اختصاص داده‌اند.

اما اگر بحث این است که مردم کرمان می‌توانند سهام چه شرکت‌های بورسی را بخرند، پاسخ این است: سهام تمام شرکت‌هایی که در بورس و فرابورس پذیرفته شده‌اند، قابل خریداری برای مردم کرمان هست. دسترسی سامانه برای سهام همه شرکت‌هاست و بازار بورس و فرابورس برای همه مردم کرمان باز است و می‌توانند از طریق کارگزاری‌ها سهام خود را خرید و فروش کنند.

در پاسخ به چگونگی ترکیب حضور اشخاص حقیقی و حقوقی، متأسفانه در این رابطه به آمار دسترسی نداریم، اما هم افراد حقیقی و هم حقوقی از طریق بورس کرمان در بازار بورس اقدام به خرید و فروش سهام می‌کنند.

ارزش معاملاتی که در بورس منطقه‌ای کرمان در نیمه اول سال ۹۸ انجام شده است بیش از ۱۱ هزار میلیارد ریال بوده است. با ذکر مجدد این نکته که آمار معاملات برخط و دفاتر پذیرش گروهی به این عدد اضافه می‌شود.

### یکی از مسائل مهم سرمایه‌گذاری در بورس، تشکیل سید سرمایه‌گذاری است؛ سیدی که بهینه باشد. اصولاً چه روش‌هایی برای تشکیل سید بهینه سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران کرمان توصیه می‌نمایید؟

اصطلاح معروفی است که می‌گوید «تمام تخم‌مرغ‌ها را نباید در یک سبد گذاشت»؛ به این معناست که ریسک شرکت‌های مختلف، شرایط آن‌ها و عوامل مؤثر بر تغییر قیمت سهام‌شان متفاوت است. ضمن این‌که شرایط اقتصادی کشور و صنعتی که در آن فعالیت می‌کند نیز همیشه یکسان نیست و به یک‌جهت حرکت نمی‌کند. در این رابطه توجه به چند نکته الزامی است، عواملی که بر سهام شرکت‌ها تأثیر می‌گذارد به چند دسته تقسیم می‌شوند؛ عوامل بین‌المللی و کلان اقتصادی و سیاسی که مربوط به سطح اقتصاد کلان کشور است، دیگری عواملی که مربوط به یک صنعت خاص است و سوم عواملی که مربوط به خود بنگاه هستند؛ یعنی فعالیت و شرایط بنگاه باید مورد توجه قرار گیرد. پس وقتی که کسی می‌خواهد سهم بخرد باید تمام این عوامل را تحلیل کند و ببیند عوامل مربوط به کلان کشور، سطح بین‌المللی، صنعت و خود بنگاه چگونه روی سطح قیمت سهام شرکت تأثیر می‌گذارد. مثلاً نوسانات نرخ ارز بر تمام شرکت‌ها تأثیر یکسانی نخواهد داشت؛ بسته به نوع شرکت که صادرکننده یا واردکننده و یا شرکتی باشد که تولیداتش را نه صادر می‌کند و نه نیاز به واردات دارد، در نتیجه میزان این تأثیرگذاری باید مورد تحلیل قرار بگیرد. یا مسائل دیگری که اقتصاد کشور ما درگیر آن‌ها است؛ مثلاً تحریم‌ها که قطعاً بر تمام شرکت‌ها تأثیر یکسانی ندارند و فرد بهتر است با تحلیل این موارد وارد بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری در بورس شود. این‌که چه روش‌هایی برای تشکیل سید بهینه وجود

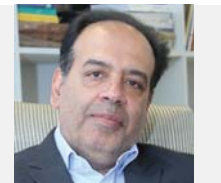
# چرخ تجارت در استان کرمان چگونه می‌چرخد؟

از اهمیت قرار داشته که در کنار محل استراحت و اقامت، حتی جایگاهی برای عبادت آن‌ها نیز در نظر گرفته‌اند و این نشان از فراهم آوردن امکانات کامل برای حضور طولانی‌مدت تجار و خانواده ایشان دارد. همچنین در آن زمان برخی محصولات تولیدی روستاییان به دیگر استان‌ها و گاهی به دیگر کشورها صادر می‌شد و در طرف مقابل نیز محصولات استان‌ها و کشورهای دیگر به کرمان انتقال پیدا می‌کرد.

اما می‌توان گفت از حدود دهه ۵۰ به بعد، اقتصاد کرمان تغییر جهت می‌دهد، به صورتی که در بخش کشاورزی، کشت محصولات زراعی جای خود را به محصولات باغی می‌دهد و بخش بازرگانی به سمت تجارت محصولات صنعتی هدایت می‌شود و در واقع ورود به بخش صنعت نیز رقم می‌خورد. به گونه‌ای که در زمینه کشاورزی، بخشی از استان به سمت‌وسوی کاشت نخیلات و مجموعه‌ای از درختان مرکبات می‌رود و بخشی نیز به سمت‌وسوی زیر کشت بردن محصول پسته سوق پیدا می‌کند که بزرگ‌ترین جنگل مصنوعی یعنی جنگل پسته همان زمان در مناطق خوب و حاصلخیز کرمان شکل می‌گیرد و عملاً پنبه‌کاری و زراعت جای خود را به باغداری و محصولات باغی می‌دهد و نتیجه عملکرد آن روزها این می‌شود که در حال حاضر حدود یک‌چهارم از باغات کشور در استان کرمان است.

این‌که چرا ریل کشاورزی استان در آن روزها از محصولات زراعی به محصولات باغی تغییر مسیر می‌دهد، دو علت دارد: اول این‌که پیشینیان متوجه شدند کرمان دچار کم‌آبی است و بایستی استفاده بهتری از آب داشته باشند، بنابراین آب را از سمت محصولات زراعی و کارهایی که شاید سود و آورده چندانی نداشت به‌طرف محصولات باغی سوق می‌دهند و

محسن جلال‌پور  
فعال بخش خصوصی  
و تحلیلگر اقتصادی



برای رسیدن به پاسخ سؤال «چرخ تجارت استان چگونه می‌چرخد؟» باید این فرایند را در سه برهه زمانی، یعنی گذشته، حال و آینده بررسی کنیم. ابتدا شرایط تجارت در گذشته را مرور کنیم، سپس وضعیت امروز را بسنجیم و در نهایت پیش‌بینی کنیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد و چه اقداماتی باید انجام دهیم که این چرخ بهتر و روان‌تر بچرخد. تاریخ تجارت کرمان گواهی می‌دهد تا ۵۰ سال پیش اقتصاد کرمان بر پایه کشاورزی و بازرگانی استوار بوده و هیچ صنعتی در این استان وجود نداشته است، که بخش کشاورزی شامل کشت محصولات زراعی از جمله پنبه، جو، گندم و محصولات از این قبیل بود و محصولات باغی در بین آن‌ها جایی نداشت و بخش بازرگانی نیز به تجارت همین موارد محدود می‌شد و رونق خوبی در خریدوفروش پنبه، کرک و پشم وجود داشت. کما این‌که در بازار فعلی کرمان کاروانسراهایی با قدمت بسیار بالا وجود دارد که گواه تردد و اسکان تجار دیگر ولایات و کشورها در سالیان دور است. به‌عنوان مثال کاروانسرای هندوها را مشاهده می‌کنید که محل تجارت و اسکان بازرگانان هندی بوده و معمولاً به خریدوفروش ادویه می‌پرداختند. با دقت در این کاروانسراها به این نکته پی می‌برید که برای کرمانی‌ها موضوع تجارت و مرادوات بازرگانی با سایر استان‌ها و کشورها در درجه‌ای

نگاه و برنامه ویژه استان در این زمینه برای آینده باید توجه و تمرکز بر روی عرصه جدید تجارت یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان و کارهای جدیدی که در زمینه استارت‌آپ‌ها اتفاق افتاده است، باشد. خوشبختانه کرمان در این زمینه نیز جزو استان‌های خوب کشور است و مسئولان استان و اتاق برای این موضوع مهم فکر و برنامه داشته‌اند و اتفاقات مطلوبی نیز تاکنون رقم خورده است. در مجموع به نظرمی آید آینده کرمان را باید با نگاه به بهره‌ور کردن همه ظرفیت‌ها و امکانات موجود و استفاده بهینه از آن‌ها و نیز حرکت به سمت کارهای نو و تکنولوژی‌های برتر و مجموعه‌های دانش‌بنیان پیش برد.

فولاد، سیمان و لاستیک می‌چرخد، چه باید کرد؟ آنچه به ذهن متبادر می‌شود، این است که با توجه به همه مسائل عنوان شده بایستی بهره‌وری را افزایش دهیم و استفاده بهتری از ظرفیت‌های موجود داشته باشیم.

مثلاً در بخش کشاورزی می‌توان با مکانیزه کردن آبیاری، افزایش بهره‌وری باغات، خشک‌کردن باغات بی‌ثمر و کم‌ثمر، رسیدگی به باغات با بهره‌وری بالا، عدم توسعه سطح زیرکشت و روی آوردن به کشت گلخانه‌ای به این مهم دست یافت. در بخش صنعت باید با نگاه به مصرف کمتر آب، دنبال بهره‌برداری بهتر از کارخانه‌ها و مجموعه‌های فرآوری موجود و به‌روز کردن تکنولوژی آن‌ها باشیم و نیز به ایجاد مجموعه‌های پایین‌دستی این صنایع روی آورد. در بخش تجارت نیز چرخ باید به تبع همین جریان تولیدی که در استان وجود دارد بچرخد و البته روان‌تر بچرخد. اصولاً هیچ تولیدی بدون تجارت پا نمی‌گیرد و هیچ تجارتی بدون پشتوانه تولید اتفاق نمی‌افتد.

اما نگاه و برنامه ویژه استان در این زمینه برای آینده باید توجه و تمرکز بر روی عرصه جدید تجارت یعنی شرکت‌های دانش‌بنیان و کارهای جدیدی که در زمینه استارت‌آپ‌ها اتفاق افتاده است، باشد. خوشبختانه کرمان در این زمینه نیز جزو استان‌های خوب کشور است و مسئولان استان و اتاق برای این موضوع مهم فکر و برنامه داشته‌اند و اتفاقات مطلوبی نیز تاکنون رقم خورده است. در مجموع به نظرمی آید آینده کرمان را باید با نگاه به بهره‌ور کردن همه ظرفیت‌ها و امکانات موجود و استفاده بهینه از آن‌ها و نیز حرکت به سمت کارهای نو و تکنولوژی‌های برتر و مجموعه‌های دانش‌بنیان پیش برد.

نهایتاً در جهتی حرکت می‌کنند که هم درآمد و منفعت بیشتری داشته باشند و هم استفاده بهینه و بهتری از آب صورت گیرد که قنات‌ها و نحوه استفاده از آب در کرمان گویای همین موضوع است و مشخص می‌کند گذشتگان چقدر در زمینه بهره‌برداری و بهره‌وری از آب، خوب عمل می‌کردند. دوم این‌که باغ یک سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت است که برای نسل‌های بعدی نیز می‌ماند در حالی که زراعت این‌گونه نیست و شرایط روز را دارد.

تغییرات آن دوره (دهه ۵۰) فقط در بخش کشاورزی نبود بلکه در فعالیت‌های بخش بازرگانی نیز تغییراتی رقم خورد و ورود بازرگانان کرمانی به تجارت برخی کالاهای خارجی و در واقع صناعی که در استان مورد نیاز بود مشاهده می‌شود. به‌عنوان مثال از آنجا که در آن سال‌ها امکان آبیاری بسیاری از زمین‌ها با شرایط قبلی و آب قنات امکان‌پذیر نبود، به چاه‌ها و موتورهای پمپ نیاز پیدا می‌کنیم و جریان واردات و استفاده از تکنولوژی‌های جدیدی که در دنیا برای حفر چاه و برداشت آب وجود داشته، آغاز می‌شود. همچنین در این دهه بزرگ‌ترین جریان صنعتی قبل از انقلاب یعنی صنایع مس در کرمان به وجود می‌آید، کارخانه سیمان با سرمایه‌گذاری بخش خصوص آغاز به کار می‌کند و دیگر اقداماتی از این دست که عملاً یک چرخش از سمت تجارت محصولات غذایی به تجارت محصولات صنعتی را شاهد هستیم و همچنین ورود به صنعت و راه‌اندازی صنایع بزرگ و متوسط و ایجاد زیرمجموعه‌های پائین‌دستی برای آن‌ها نیز در همین دهه رقم می‌خورد.

این روال در کرمان از دهه ۵۰ شروع می‌شود و تا به امروز ادامه داشته است که اکنون نیز فعالیت استان در بخش‌های کشاورزی، معدن، صنایع معدنی و صنعت را شاهد هستیم. البته در ۲۰ سال گذشته اقتصاد کرمان جهش جدی از بخش کشاورزی به بخش معدن و صنایع معدنی را تجربه کرده است که این مهم اقدام بسیار خوبی بوده و از دهه ۸۰ به همت اتاق و مسئولان وقت استان رقم خورده، به‌طوری که امروز بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های صنایع معدنی در کرمان انجام شده و این استان با توجه به ظرفیت‌هایی که در تولیدات معدنی از جمله مس، سنگ آهن، کرومیت، تیتانیوم و سنگ‌های تزئینی دارد قطب معدنی کشور نام گرفته و لقب بهشت معادن را تصاحب کرده، هرچند که طی ۲۰ سال گذشته در منطقه و کشور نیز در زمینه صنایع معدنی و فرآوری‌های معدنی اقدامات و برنامه‌ریزی‌های خوبی انجام شده است.

اما همه اتفاقات مذکور که در ۵۰ سال اخیر به‌خصوص در سال‌های بعد از انقلاب رقم خوردند یک نقیصه جدی دارند، این‌که برای استانی مانند کرمان که دچار کم‌آبی است و در بخش آب‌های سطحی و زیرزمینی مشکل جدی دارد، آینده‌نگری و برنامه‌ریزی برای نیازمندی‌های نسل بعد و ذخیره آب صورت نگرفت و امروز متأسفانه جدای از تجارت و بازرگانی، فرهنگ و تمدن استان کرمان نیز به دلیل بحران آب به شدت تهدید می‌شود و این مهم برای مسئولان، دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان استان یک نگرانی بزرگ است.

حال، برای پاسخ به این سؤال که امروز برای چرخ تجارت و اقتصاد استان که روی محصولات کشاورزی مانند پسته، خرما، مرکبات و برخی محصولات باغی دیگر و همچنین صنایعی مانند مس، گل‌گهر، آهن،

گفت‌وگو با «محمدعلی محمد میرزاییان»  
عضوهیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان

# رفع موانع و عمل بر قاعده در صادرات



محمدعلی محمد میرزاییان، عضوهیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون بازرگانی اتاق کرمان، در گفت‌وگو با سپهر اقتصاد کرمان می‌گوید به علت مقدم داشتن سیاست بر اقتصاد، درگیر مشکلات فراوان در تولید و تجارت و اقتصاد مردم هستیم. وی معتقد است که بهبود سیاست‌گذاری در تجارت خارجی از جمله الزامات مهم در فرآیند اصلاحات اقتصادی است. او فضای موجود کسب‌وکار را مانع تولید صادراتی و تجارت کارا می‌داند. در ادامه مشروح این گفت‌وگو را مطالعه نمایید.

به نظرم امر اقتصاد بر سیاست مقدم است، اما متأسفانه این اصل در کشور ما رعایت نمی‌شود و ما اغلب سیاست را مقدم‌تر بر اقتصاد دانسته‌ایم و این خود موجب مشکلات فراوانی برای تولیدکنندگان و تجار و مردم شده است.

سیطره سیاست ارزی کشور اثرات بسیار بدی داشته است. این سیاست باعث فشار به صادرکنندگان کشور گردیده است. در همه این سال‌ها در پی بی‌ثباتی قیمت‌ها توپ را در زمین تجارت انداخته و با فشار قانون و تبلیغات القا می‌نمایند. صادرکنندگان، ارزش حاصل را به کشور باز نمی‌گردانند. این روند برای واردات هم صادق است. تا با ایجاد مشکلات برای ثبت سفارش واردات توسط بانک مرکزی، تقاضا برای ثبت سفارش‌ها کم شده و واردات نیز روند نزولی یافته است. از جمله لوازم اصلاحات اقتصادی، بهبود سیاست‌گذاری در تجارت خارجی است. این نکته قابل توجه است که صادرات کشور در شش ماهه اول سال جاری ۲۱ میلیارد دلار صادرات است که نسبت به عملکرد مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته در حالی که قیمت دلار روندی افزایشی داشته است.

ارزایی شما از قدرت پشتیبانی تجاری کشور چیست؟ در همین زمینه در مورد استان کرمان چه نظری دارید؟  
در کل پشتیبانی تجاری کشور از قدرت چندانی برخوردار نیست، البته

## به نظر شما نهادهای کارآمد در موفقیت اقتصاد بازار کدام‌اند؟

با توجه به شناختی که دارید، تقریباً چند درصد تولیدات بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی استان کرمان به صورت مجزا، در وضعیت پذیرش بازار جهانی قرار دارد؟

برای بررسی دقیق وضعیت پذیرش جهانی محصولات بایستی مزیت‌های نسبی محصولات در بخش‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد تا بتوان آمار دقیقی در این خصوص ارائه کرد.

به‌عنوان مثال در حال حاضر محصول خرما به دلیل این‌که مصرف داخلی بالایی دارد با توجه به آمار موجود، ۱۰ درصد آن صادر و ۹۰ درصد آن مصرف داخلی دارد، در حالی که برای پسته، وضعیت کاملاً بالعکس است، ۹۰ درصد صادرات و ۱۰ درصد آن در داخل مصرف می‌شود.

حول و حوش ۷۰ یا ۸۰ درصد محصولات صنعتی استان هم در بازارهای کشورهای همسایه می‌توانند پتانسیل مناسبی برای صادرات داشته باشند.

محصولات معدنی خام، همیشه وضعیت مناسبی برای صادرات داشته، اما سیاست صادرات باید به سمت صادرات محصولات فرآوری شده پیش برود.

با عنایت به آمار صادرات و واردات کشور، چه تحلیلی از سیاست‌های تجاری دارید؟



## تنوع محصول، کیفیت و عبور از مواد خام چه تغییراتی کرده است؟ در همین زمینه ارزیابی شما از وضعیت استان کرمان در تناسب با کشور چیست؟

با بررسی صادرات ۵۰ سال اخیر درمی‌یابیم که به سمت صنعتی شدن پیش رفته‌ایم، اما سرعت صنعتی شدن مطلوب نبوده است و به نظر من چون استان کرمان همواره از مزیت‌های فراوان در بخش کشاورزی دارا بوده است، برخلاف پتانسیل‌های زیاد برای صنعتی شدن، حرکت به سمت صنعتی شدن بسیار کند بوده است.

## تحلیل شما از چگونگی بهره‌وری در بخش بازرگانی کشور و نیز استان کرمان چیست؟

با توجه به شرایط دائماً در حال تغییر فضای اقتصاد و سیاست‌های مالی و اجرایی کشور، عملاً یک بنگاه اقتصادی امکان برنامه‌ریزی و ایجاد یک نظام هدفمند بهره‌وری را ندارد.

## سلامت حوزه صادرات در کشور را چگونه ارزیابی می‌نمایید؟

تا زمانی که شفافیت مالی و اقتصادی در تمام ارکان مالی اقتصادی کشور ایجاد نشود و نظام‌های دستوری و بخشنامه‌های چند نرخ وجود داشته باشند نمی‌توانیم از سلامت سخن به میان آوریم. در امر صادرات کشور ایران متأسفانه رویه‌های غیراخلاقی و غیرمنصفانه همانند عدم مشتری‌مداری، حفظ نکردن حقوق مالکیت معنوی، تخریب یکدیگر و ... وجود دارد. یکی از دلایل این موضوع می‌تواند وجود تحریم‌های غیرمنصفانه اقتصادی باشد که البته منطقی نیست.

## نظر شما در مورد عملکرد تخصصی صادرکنندگان استان چیست؟

عملکرد تخصصی صادرکنندگان استان نسبتاً خوب است، زیرا با وجود همه ناملایمات و دشواری‌ها همچنان مشغول به کار هستند و همواره نشان داده‌اند که علیرغم همه مشکلات پیش رو با تمام سعی خود حتی‌الامکان راه‌های خروج از بحران را پیدا کرده‌اند، اگرچه در حوزه مدیریت صادرات بسیاری از صادرکنندگان نیازمند توسعه و بهبود عملکرد تخصصی خود می‌باشند.

## در پایان چه سازوکارهایی را برای حمایت تجاری استان پیشنهاد می‌نمایید؟

به نظر بنده در شرایط حاضر بهترین سازوکار برای حمایت تجاری استان رفع موانع صادراتی فعالان اقتصادی و کاهش خام فروشی، محاسبه چندبعدی موضوعات و برنامه‌ریزی هدفمند برای تولید محصولات صادراتی با نگاه محدودیت آب و محیط‌زیست، آموزش افراد مؤثر در فرآیند تجارت، کاهش بروکراسی‌ها و تصمیمات ناگهانی دولت و ایجاد فضای تعامل با نگاه توسعه صادرات برای کشور می‌باشد. فعالان اقتصادی در حال حاضر شرایط سختی را سپری می‌نمایند هم به لحاظ تحریم‌های ظالمانه و هم به لحاظ مشکلات مرتبط با فضای کسب‌وکار استان؛ بنابراین بهترین حمایت، رفع موانع و اتخاذ بهترین سازوکار برای قواعد ذکر شده می‌باشد. ●

برای نمونه اخیراً شاهد امضاء توافقنامه بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا بودیم که می‌تواند برای توسعه صادرات و در مجموع توسعه تجارت کشور با ۵ عضو این اتحادیه بسیار مؤثر باشد. ما نیازمند توافق‌نامه‌هایی این‌چنین هستیم.

در دنیا بسیاری از کشورها از توافقات تجارت آزاد و تعرفه‌های ترجیحی بهره‌مند هستند که امیدواریم با برنامه‌ریزی صحیح و فعالیت بیشتر در دیپلماسی اقتصادی کشور شاهد پیشرفت‌هایی در این زمینه باشیم.

## علاوه بر چالش‌های بخش بازرگانی کشور که مرتباً تکرار می‌شود و به تبع آن نه تنها بر خورداری استان‌ها نیز از این چالش‌ها اجتناب‌ناپذیر است، بلکه برخی مشکلات و چالش‌های محلی نیز به آن‌ها اضافه می‌شود. در مورد مشکل‌ها، چالش‌ها و محدودیت‌های محلی صادرات در استان کرمان توضیح دهید.

چالش اصلی ما در کرمان بحث آب هست اگر بخواهیم به رشد بلندمدت در استان برسیم باید در اسرع وقت فکری به حال این موضوع داشته باشیم چرا که هر قدر هم بازرگانی قوی شود تا محصول با کیفیت و پایداری نباشد این سیکل ناقص دوباره تکرار می‌شود.

باید این دغدغه موضوع اول کرمان شود و در اسرع وقت فکری برای برداشت‌ها از ذخایر آبی شود سپس به تولید محصول پایدار فکر کنیم. اگر ضعف بهره‌وری در بخش کشاورزی را حل کنیم، تولید چند برابری محصول را شاهد خواهیم بود و این محصول اگر با کیفیت جهانی باشد و شرکای جهانی نیز در تولید مشارکت داشته باشند، به راحتی به فروش خواهد رفت و رشد به سراغ کرمان می‌آید.

در بخش‌های مختلف باید از خام فروشی به شدت جلوگیری کنیم و با رعایت اصول حفظ محیط‌زیست به سمت تولید محصول نهایی برویم. باید از بروکراسی‌های اداری در کرمان تا حد امکان بکاهیم؛ به‌طور مثال ایجاد پنجره واحد می‌تواند در این مورد کمک شایانی باشد. پرداخت تسهیلات به تجار برای صادرات نیز امری ضروری است.

وضعیت فضای کسب‌وکار استان در شرایط مطلوبی نیست، وقتی فضای کسب‌وکار دچار مشکل باشد، مطمئناً تولید صادرات و تجارت نیز محدود شده و نمی‌توان به کارایی لازم در امر صادرات دست یافت.

## چرا در صادرات به کشورهای همسایه موفق نمی‌شویم؟ این

عدم موفقیت چه اندازه ناشی از عملکرد حوزه حکمرانی و چه اندازه به بخش خصوصی مرتبط می‌شود؟

اگرچه برخی از دلایل عدم توفیق صادرات به کشورهای همسایه ناشی از مسائل بین‌المللی مرتبط با تحریم‌ها می‌شود، اما به ضرس قاطع می‌توان گفت به دلیل عدم برنامه‌ریزی‌های مناسب، متأسفانه نتوانستیم حضور متناسب با پتانسیل‌های موجود استان در کشورهای همسایه داشته باشیم.

## صادرات کشورمان با صادرات ۵۰ سال پیش خود از نظر



# معرفی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

## و اطلاعات تجاری این اتحادیه با جهان، ایران و استان کرمان

● اجلاس سران اتحادیه اقتصادی اوراسیا | عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست جمهوری / مهرماه ۱۳۹۸



**معصومه سعید\***  
مدیر توسعه بازار و بهبود فضای  
کسب‌وکار اتاق کرمان

نسبی در کشور به‌ویژه استان کرمان و کشورهای عضو اوراسیا امکان توسعه تجارت را فراهم می‌کند. این اولین تجربه ایران در توافقنامه تعرفه‌های ترجیحی با یک اتحادیه اقتصادی منطقه‌ای است و تحقق آن گام مؤثری در توسعه تجارت با کشورهای عضو این اتحادیه است. بنای شکل‌گیری این اتحادیه در فوریه سال ۱۹۹۹ با امضای قرارداد ایجاد اتحادیه گمرکی و منطقه واحد اقتصادی توسط بلاروس، قرقیزستان، تاجیکستان و روسیه نهاده شد. در اکتبر سال ۲۰۰۰، جامعه اقتصادی اوراسیا، توسط بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان تشکیل شد و در جولای سال ۲۰۱۱ اتحادیه گمرکی میان بلاروس، قزاقستان و روسیه تشکیل شد و در اول ژانویه ۲۰۱۵ موافقت‌نامه اتحادیه اقتصادی اوراسیا بین کشورهای بلاروس، قزاقستان و روسیه امضا گردید. در تاریخ دوم ژانویه ۲۰۱۵ ارمنستان و در تاریخ ۱۵ آگوست ۲۰۱۵ قرقیزستان به عضویت رسمی این اتحادیه درآمدند.

توافقنامه تعرفه‌های ترجیحی بین ایران و اتحادیه اقتصادی اوراسیا، که بعضاً به اشتباه از آن به‌عنوان عضویت ایران در اتحادیه اقتصادی اوراسیا یاد می‌شود، فرصتی را برای افزایش صادرات کشور و استان کرمان ایجاد کرده است که در صورت برنامه‌ریزی و اقدامات صحیح، زمینه مناسبی برای توسعه تجارت با کشورهای عضو این اتحادیه فراهم می‌شود. یادآوری می‌شود که در حال حاضر پنج کشور روسیه، قزاقستان، بلاروس، ارمنستان و قرقیزستان عضو این اتحادیه هستند.

مدت این توافق سه سال است و در این مدت ۵۰۲ قلم کالا از طرف اتحادیه و ۳۶۰ قلم کالا از سوی ایران مشمول تعرفه ترجیحی می‌شوند که در صورت همکاری همه نهادها و سازمان‌ها با اجرای موفقیت‌آمیز آن، در سال‌های آتی امکان تجارت آزاد یعنی به صفر رسیدن تعرفه‌ها وجود دارد.

ازجمله مزایای این توافق می‌توان به تحرک بخشی در زمینه کشاورزی اشاره کرد که در همین راستا باوجود مزیت‌های

\* و خانمها مهشید ایزدی و شیما ملک‌پورزاده (کارشناسان بخش توسعه بازار و بهبود فضای کسب‌وکار اتاق)

اطلاعات اساسی اتحادیه اقتصادی اوراسیا (Euroasian Economic Union)

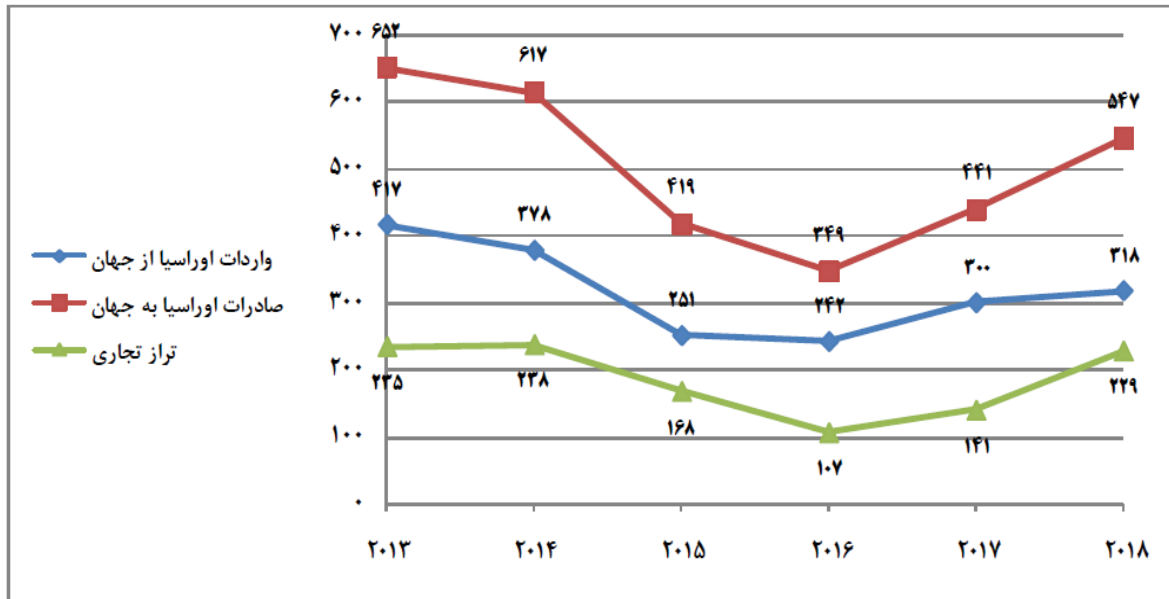
کشورهای عضو اتحادیه	روسیه، ارمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، بلاروس	کشورهای عمده صادرکننده به اوراسیا	چین، آلمان، آمریکا، فرانسه، ایتالیا، ترکیه
شکل‌گیری اتحادیه	<ul style="list-style-type: none"> <li>جامعه اقتصادی: ۱۰ اکتبر ۲۰۰۰</li> <li>اتحادیه گمرکی: اول جولای ۲۰۱۱</li> <li>اتحادیه اقتصادی: اول ژانویه ۲۰۱۵</li> </ul>	کشورهای عمده واردکننده از اوراسیا	هلند، چین، آلمان، ترکیه، ایتالیا، سوئیس، انگلیس
ریس اتحادیه	Tirgan Sargysyan	کالاهای عمده وارداتی اوراسیا از جهان	دستگاه‌های برقی روشنایی برای وسایط نقلیه، دارو برای پیشگیری و درمان بیماری، ماشین‌آلات برای مایع کردن گازها، ماشین‌های خودکار داده‌پرداز (کامپیوتر)، خودرو سواری با حجم بیش از ۲۵۰۰ سی‌سی، سایر ماشین‌آلات و تجهیزات آزمایشگاهی.
وزیر تجارت اتحادیه	Veronika Nikishina	کالاهای عمده صادراتی اوراسیا به جهان	نفت و روغن‌های نفتی، میعانات گازی، زغال‌سنگ، گندم، کاتد و قطعات کاتد.
وزیر صنعت و صنایع کشاورزی	Sergery Sidorsiy	کالاهای عمده وارداتی اوراسیا از ایران	کیوی، پسته درون غلاف سخت، مس مات، کشمش، خیار و خیارشور، سیمان پرتلند.
مساحت	۲۰۲۹۲۴۸ (کیلومترمربع)	کالاهای عمده صادراتی اوراسیا به ایران	جو، محصولات تخت نورد شده از آهن و فولاد، روغن آفتابگردان، ذرت، چوب اره شده از انواع کاج.
جمعیت ۲۰۱۶	۱۸۳/۸ (میلیون نفر) ۲/۶ درصد از جمعیت جهان	میانگین کل تعرفه	۶/۵
تولید ناخالص داخلی (GDP) (PPP)	۴/۴۷ (تریلیون دلار)	میانگین تعرفه کالاهای کشاورزی	۸/۶
درآمد سرانه	۲۴۸۰۰۰ دلار	میانگین تعرفه کالاهای صنعتی	۵/۹
نرخ بیکاری	۵/۴ درصد	موافقت‌نامه با سایر کشورها	موافقت‌نامه تجارت آزاد با ویتنام: از ۵ اکتبر ۲۰۱۶ اجرایی شد.

شاخص‌های اقتصادی اتحادیه اقتصادی اوراسیا

جمعیت: ۱۸۳/۶ میلیون نفر	GDP (PPP): ۴/۷ تریلیون دلار
نرخ بیکاری: ۵/۴	درآمد سرانه: ۲۴۸۰۰
مساحت: ۲۰ میلیون کیلومترمربع	رتبه اول استخراج نفت (۱۴/۵ درصد از جهان)
رتبه اول تولید گاز جهان (۲۰/۲ درصد از جهان)	رتبه چهارم تولید انرژی برق (۴/۹ درصد از جهان)
رتبه سوم طول خط آهن (۸ درصد از جهان)	رتبه چهارم تولید آهن (۴/۷ درصد از جهان) رتبه پنجم تولید فولاد (۵ درصد از جهان)

تجارت اوراسیا با جهان (میلیارد دلار)

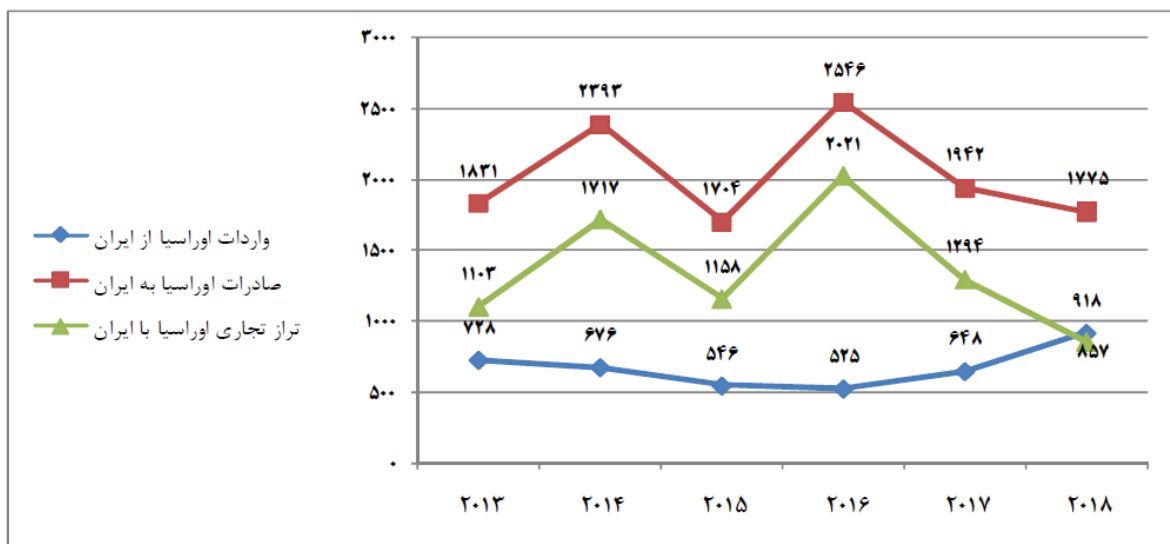
سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
واردات اوراسیا از جهان	۴۱۷	۳۷۸/۳	۲۵۱	۲۴۲/۱	۳۰۰/۱	۳۱۸/۵
صادرات اوراسیا به جهان	۶۵۲/۴	۶۱۶/۷	۴۱۹/۴	۳۴۹	۴۴۰/۶	۵۴۷/۸
تراز تجاری (از طرف اوراسیا)	۲۳۵/۴	۲۳۸/۴	۱۶۸/۴	۱۰۶/۹	۱۴۰/۵	۲۲۹/۳
حجم تجارت	۱۰۶۹/۴	۹۹۵	۶۷۰/۴	۵۹۱/۱	۷۴۰/۷	۸۶۶/۳



تجارت اوراسیا با جهان (میلیارد دلار)

بیشترین حجم تجارت اوراسیا با جهان مربوط به کشور روسیه است به طوری که از تجارت ۸۶۶ میلیارد دلاری اتحادیه اقتصادی اوراسیا با جهان در سال ۲۰۱۸، ۶۸۷ میلیارد دلار آن توسط روسیه صورت گرفته است.

تجارت اوراسیا با ج.ا. ایران (میلیون دلار)						
سال	۲۰۱۳	۲۰۱۴	۲۰۱۵	۲۰۱۶	۲۰۱۷	۲۰۱۸
واردات اوراسیا از ایران	۷۲۷,۷	۶۷۵,۵۲	۵۴۵,۶	۵۲۵,۲	۶۴۸,۲	۹۱۸,۲
صادرات اوراسیا به ایران	۱۸۳۰,۸	۲۳۹۲,۶	۱۷۰۳,۶	۲۵۴۶,۴	۱۹۴۲,۴	۱۷۷۵,۲
تراز تجاری (از طرف اوراسیا)	۱۱۰۳,۱	۱۷۱۷,۱	۱۱۵۷,۹	۲۰۲۱,۱	۱۲۹۴,۲	۸۵۷
حجم تجارت	۲۵۵۸,۵	۳۰۶۸,۱	۲۲۴۹,۲	۳۰۷۱,۶	۲۵۹۰,۴	۲۶۹۳,۴



تجارت اوراسیا با ج.ا. ایران (میلیون دلار)



اقلام عمده صادراتی ایران به اوراسیا در سال ۲۰۱۸

ردیف	کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش (میلیون دلار)	وزن (کیلوگرم)
۱	۸۰۲۵۱۰۰	کیسه ۵۰ کیلویی پسته خندان	۱۴۴	۱۸۲۳۷۹۱۶
۲	۲۷۱۱۱۹۰	گاز طبیعی به مقدار ۸۲۰۶۳۲۸۳۲۰ مترمکعب توسط خط لوله و حمل یکسره	۹۴	۵۴۶۸۷۹۲۹۶
۳	۸۱۰۵۰۰۰	کیوی	۷۵	۱۱۴۱۳۹۷۰۷
۴	۸۰۶۲۰۳۰	کشمش تیزیابی در کارتن‌های ۱۰ کیلوگرمی	۴۴	۳۶۱۵۴۴۳۳
۵	۸۰۸۱۰۰۰	سیب درختی	۳۹	۸۰۵۰۱۹۷۹
۶	۷۰۷۰۰۰۰	خیارچنبر	۳۸	۹۶۲۳۹۵۷۸
۷	۸۰۴۱۰۴۰	خرمای مضافتی	۳۵	۲۶۳۰۶۳۰۹
۸	۷۰۲۰۰۰۰	گوجه‌فرنگی گلخانه‌ای (۲۶ پالت)	۳۵	۵۵۴۴۹۳۶۵
۹	۸۰۴۱۰۹۰	خرمای کلوته	۳۱	۱۰۲۷۲۸۹۵
۱۰	۲۵۲۳۲۹۰۰	سیمان خاکستری تیپ ۲	۲۹	۸۳۸۸۶۶۳۴۳

اقلام عمده وارداتی ایران از اوراسیا در سال ۲۰۱۸

ردیف	کد تعرفه	شرح تعرفه	ارزش (میلیون دلار)	وزن (کیلوگرم)
۱	۸۴۰۱۴۰۰۰	اجزا و قطعات نیروگاه	۳۷۰	۹۵۹۱۶۵
۲	۱۰۰۳۹۰۰۰	جو پرک شده	۱۷۰	۷۸۴۴۳۰۳۴۳
۳	۱۰۰۵۹۰۱۰	ذرت دامی- هر تن (ارزش با %۱۰+ - تلورانس)	۱۳۷	۵۸۳۳۴۳۱۳۶
۴	۱۵۱۲۱۱۰۰	روغن خام آفتابگردان (پروفرم ۲۷/۱۰/۲۰۱۸) - ارزش هر تن معادل ۵۸۰ یورو به صورت فوب	۸۹	۱۱۱۴۸۰۴۶۴
۵	۸۵۲۶۹۱۹۰	دستگاه کمک ناوبری	۶۶	۲۷۹۴۲۲
۶	۲۰۴۲۱۰۰	گوشت گوسفندی غیرمنجمد باقی مطابق اظهارنامه ارزش	۵۷	۸۲۹۴۴۰۵
۷	۴۴۰۷۱۱۰۰	از کاج (گونه‌ها کاج)	۵۶	۱۶۶۸۱۱۲۸۴
۸	۲۰۴۱۰۰۰	لاشه گوشت	۳۷	۵۳۸۹۲۲۲
۹	۴۸۰۱۰۰۰۰	کاغذ روزنامه با گرماژ ۴۵ گرم بر مترمربع که فاقد آغشتگی	۲۲	۲۷۳۳۱۱۳۰
۱۰	۴۴۰۷۱۱۹۰	تخته نرد روسی	۱۹	۵۳۸۴۹۸۳۱

تجارت اوراسیا با استان کرمان:

مبادلات تجاری استان کرمان با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال ۱۳۹۶

ردیف	کشور طرف معامله	صادرات (ارزش دلاری)	واردات (ارزش دلاری)
۱	روسیه	۲۶۵۲۸۵۹۹	۳۷۱۵۱۱
۲	قزاقستان	۴۳۶۰۲۱۳۰	۷۴۵۹۱۱
۳	ارمنستان	۸۶۱۵۲۴۳	-
۴	قرقیزستان	۲۱۷۰۲۲۵	-
۵	بلاروس	۲۲۷۰۰۰	-

مبادلات تجاری استان کرمان با کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا در سال ۱۳۹۷

ردیف	کشور طرف معامله	صادرات (ارزش دلاری)	واردات (ارزش دلاری)
۱	روسیه	۱۵۰۲۷۰۰۹	-
۲	قزاقستان	۷۵۷۲۷۲۳	-
۳	ارمنستان	۷۱۷۹۴۷۹	-
۴	قرقیزستان	۶۱۸۰۹۲	-
۵	بلاروس	۱۹۱۷۲۵	۲۷۶۰۶۶۲

اقلام عمده صادراتی استان کرمان به کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، به تفکیک کشور، در سال ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

سال ۱۳۹۷			سال ۱۳۹۶			کشور هدف صادراتی
ارزش دلاری	شرح کالا	تعرفه/فصل	ارزش دلاری	شرح کالا	تعرفه/فصل	
۱۴۶۷۲۵۱۴	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	۲۶۰۵۰۶۰۵	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	روسیه
۲۹۵۸۰۵	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	۳۶۹۹۹۴	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	
۳۵۰۱۱	فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی	۵۷	۴۰۰۰	گردو	۸۰۲۳	
۱۶۷۱۶	کاشی و سرامیک	۶۹	۳۸۱۴۱	فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی	۵۷	
-	-	-	۲۲۸۱۲	کاشی و سرامیک	۶۹	
۲۳۱۰۰۰	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	۲۱۷۰۲۲۵	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	قرقیزستان
۱۲۶۶۷۰	عصاره‌های دباغی یا رنگرزی، تانن‌ها و مشتقات آن‌ها، مواد...	۳۲	-	-	-	
۱۰۱۳۳۵	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	-	-	-	
۵۹۳۸۳	پلاستیک و اشیاء ساخته شده از آن	۳۹	-	-	-	
۲۷۴۰۸	لباس و متفرعات لباس، غیر کفش یا غیر قلاب‌باف	۶۲	-	-	-	
۲۲۶۶۰	فرش و سایر کفپوش‌ها از مواد نسجی	۵۷	-	-	-	
۲۱۶۲۱	قند، شکر و شیرینی	۱۷	-	-	-	
۷۱۳۸۵۸۸	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	۴۲۸۲۳۴۲۸	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	قزاقستان
۴۱۸۹۵۵	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	۷۱۳۳۵۸	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	
۱۵۱۸۰	کاشی و سرامیک	۶۹	۲۹۰۸۴	کاشی و سرامیک	۶۹	
-	-	-	۲۴۰۰۰	دانه گلرنگ	۱۲	
-	-	-	۹۹۰۰	پلاستیک و اشیاء ساخته شده از آن	۳۹	
-	-	-	۲۳۶۰	انجیر خشک و تازه	۸۰۴۲	
۱۶۰۰۰۰	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	۲۱۷۰۰۰	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	
۳۱۷۲۵	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	۱۰۰۰۰	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	
۵۴۴۶۶۲۷	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	۷۹۳۷۶۰۰	پسته و مغز پسته	۸۰۲۵	ارمنستان
۹۵۰۷۲۷	چدن و آهن و فولاد	۷۲	۵۷۴۹۲۴	کاشی و سرامیک	۶۹	
۴۱۶۲۰۱	کاشی و سرامیک	۶۹	۷۷۰۳۰	ساختمان‌های پیش‌ساخته، میل و تختخواب و...	۹۴	
۲۲۲۰۷۶	اکسید و هیدروکسید مولیبدن	۲۸	۸۶۴۰	چدن و آهن و فولاد	۷۲	
۱۴۳۸۴۸	پلاستیک و اشیاء ساخته شده از آن	۳۹	۸۴۵۰	خرما خشک و تازه	۸۰۴۱	

اقلام عمده وارداتی استان کرمان از کشورهای عضو اتحادیه اوراسیا، به تفکیک کشور، در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

کشور مبدأ وارداتی	سال ۱۳۹۶			سال ۱۳۹۷		
	تعرفه/افصل	شرح کالا	ارزش دلاری	تعرفه/افصل	شرح کالا	ارزش دلاری
بلاروس	-	-	-	۵۵	الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیر یکسره (Man-Made Staple)	۲۷۳۷۷۳۲
	-	-	-	۸۵	ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی	۲۲۹۳۰
روسیه	۵۵	الیاف سنتتیک یا مصنوعی غیر یکسره (Man-Made Staple)	۳۶۹۲۳۶	-	-	-
	۴۷	خمیر چوب یا سایر مواد الیافی سلولزی، کاغذ یا مقوا برای بازیافت (آخال و ضایعات)	۲۲۷۵	-	-	-
قزاقستان	۷	سبزیجات، نباتات، ریشه و غده‌های زیرخاکی خوراکی	۷۴۵۹۱۱	-	-	-
ارمنستان	-	-	-	-	-	-
قرقیزستان	-	-	-	-	-	-

اهم اقلام فهرست امتیازات اعطایی ج.ا ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

نوع کالا	تعداد کد HS هشت‌رقمی	اهم اقلام
گوشت و احشای خوراکی، ماهی‌ها و سایر آبزیان	۳۴ (۱۴ تثبیت تعرفه)	انواع گوشت گاو و گوسفند، ماهی‌های آزاد، شاه‌ماهی
محصولات کشاورزی و لبنی	۶۳ (۲۳ کد تثبیت تعرفه)	کره، عسل، انواع سبزیجات، چای، بذر جو و ذرت، برنج، روغن خام، انواع آب معدنی، کنجاله
محصولات صنایع شیمیایی و صنایع وابسته	۴۶ (۴ کد تثبیت تعرفه)	برخی محصولات دارویی، فرآورده‌های بهداشتی و آرایشی
مواد پلاستیکی و اشیا ساخته شده از این مواد	۳ کد (۲ تثبیت تعرفه)	پلی‌آمید و رزین پلی‌آمید، لاستیک رویی چرخ
چوب و اشیا چوبی، خمیر چوب و کاغذ و مقوا	۴۳ (۲۸ تثبیت تعرفه)	چوب اره شده از کاج، تخت فیبرهای کار نشده، تخته چوبی چندلایه، خمیر چوب، کاغذ و مقوای روزنامه، کاغذدیواری، کاغذ و مقوای کرافت
مواد نسجی و مصنوعات از این مواد	۱۸ (۵ تثبیت تعرفه)	پنبه‌های حلاجی‌شده، پارچه‌هایی از کتان، فرش از الیاف پلی‌آمید، پالتو، لباس از الیاف سنتتیک
زیورآلات از فلزات گران‌بها	۱۷ (تثبیت تعرفه)	طلا و زیورآلات و نقره‌جات
فلزات معمولی و مصنوعات آنها	۴۳ (۸ کد تثبیت)	برخی محصولات تخت نورد شده از آهن یا فولادهای غیر ممزوج، ریل راه‌آهن، لوله و پروفیل از فولاد زنگ نزن
ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی ادوات برقی	۵۸ (۲۱ تثبیت)	موتورهای پیستونی گازسوز، بولدوزر، بیل مکانیکی، شیرآلات ترموستات خودرو، ترموستات‌های برقی
وسایل نقلیه هوایی و زمینی	۲۹ (۹ تثبیت تعرفه)	تریلر، موتورسیکلت، اجزا و قطعات هلی‌کوپتر
دستگاه‌های اپتیک و عکاسی	۶ (۲ تثبیت تعرفه)	دوربین، دستگاه‌های لرزه‌نگاری، کنتور تولید یا مصرف برق و گاز

اهم اقلام فهرست امتیازات اعطایی ج.ا ایران به اتحادیه اقتصادی اوراسیا

نوع کالا	تعداد کد HS هشترقمی	اهم اقلام
محصولات کشاورزی، محصولات صنایع غذایی، فرآورده‌های گوشتی و ماهی‌ها	۱۲۶ (۲ تثبیت تعرفه)	ماهی قزل‌آلا، میگو، برخی گل‌های تزئینی، میوه‌های تازه، پسته، خرما، بیسکویت، شیرینی و انواع آبمیوه
محصولات معدنی و سوخت‌ها و روغن‌های معدنی	۴۹	نمک، گچ، انواع پارافین‌ها و روغن‌های حاصل از مواد معدنی
محصولات شیمیایی و دارویی	۹۰ (۱۰ تثبیت تعرفه)	داروهای دارای آنتی‌بیوتیک، رنگ‌ها براساس پلی‌استرها، صابون‌ها و مواد شوینده، انواع رزین‌ها، مصنوعات ساخته شده از پلیمرهای اتیلن و پروپیلن، صفحه‌ها و ورق‌های پلیمری
مواد از کائوچو	۲	لاستیک‌روبی چرخ برای انواع اتومبیل
منسوجات و پوشاک	۴	پارچه از الیاف پلی‌استر و سنتتیک، الیاف پلی‌استر، لباس از مواد نسجی
فرش و سایر کف‌پوش‌ها از مواد نسجی	تمام اقلام فرش (شامل ۴۵ کد مشمول ۱۰۰ درصد کاهش تعرفه)	انواع فرش و کف‌پوش دستباف و ماشینی
محصولات از سنگ و گچ و سرامیک	۳۲	کاشی و لوح سرامیکی، اشیاء آشپزخانه سرامیکی
شیشه و مصنوعات شیشه‌ای	۲۲	ظروف شیشه‌ای و کریستال
سنگ‌ها و فلزات گران‌بها	۸ (۶ تثبیت تعرفه)	سنگ، نقره، طلا و فلزات گران‌بها به شکل خام و یا کار شده، زیورآلات
مصنوعات از چدن و آهن و فولاد	۴۸	لوله و پروفیل‌های چدنی و از آهن و فولاد، اسکلت‌های فلزی، مخزن و منبع از چدن و آهن و فولاد، اجاق‌گاز
مس و مصنوعات مسی	۳	انواع مفتول‌های مسی
ماشین‌آلات و وسایل مکانیکی	۴۳ (۱۲ تثبیت تعرفه)	دیگ‌های مولد بخار، انواع شیرآلات
ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی	۱۳	آبگرمکن‌های برقی، سیم و کابل مسی و رسانه‌های الکتریکی
اجزا و قطعات وسایل نقلیه	۱۷ (۹ تثبیت تعرفه)	اجزا و قطعات بدنه وسایل نقلیه موتوری، رادیاتورها و قطعات مربوط، تریلر و نیم تریلر

منابع:

- سازمان توسعه تجارت ایران
- گمرک ج.ا.ایران



گفت وگوبا «سیدمحمد رضا ترابی موسوی»  
عضوهیئت نمایندگان ورئیس کمیسیون کشاورزی اتاق

# بازاریابی محصولات کشاورزی



با «سیدمحمد رضا ترابی موسوی» عضو هیئت نمایندگان و رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان درخصوص چگونگی وضعیت بازاریابی محصولات کشاورزی گفت وگو کرده ایم که در ادامه از شما دعوت به مطالعه آن می کنیم.

با توجه به شناختی که دارید، تولیدکنندگان محصولات کشاورزی استان کرمان در بازاریابی چگونه عمل می کنند؟  
اکثر تولیدکنندگان، تقریباً بدون بازاریابی و برنامه ریزی اقدام به تولید می کنند و اگر در بعضی موارد هم بازاریابی صورت گیرد، توسط خریداران یا صادرکنندگان محصولات است.

چه اقدامات مؤثری از طرف دست اندرکاران امور اعم از دولت و فعالان بخش برای برندسازی محصولات صادراتی کشاورزی صورت گرفته است؟

در مورد محصولاتی که به نوعی با بخش دولتی سر و کار دارند عمدتاً مصرف داخلی داشته و شاید نیازی به برند سازی نبوده است. در موارد دیگر هم اطلاع چندانی ندارم، اما بخش خصوصی هم متأسفانه در این مورد بسیار ضعیف عمل نموده و تاکنون نتایج قابل توجهی که باعث فروش بیشتر و ارزش بهتر محصول شده باشد، مشاهده نشده است.

امروزه یک چالش بزرگ کسب وکارها در کشور کاهش قابل توجه در فروش محصولات است. اگر بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم این مشکل چه اندازه مربوط به دولت و چه اندازه ناشی از عملکرد فعالان اقتصادی است؟

به نظر شما دستیابی به موفقیت در بازار محصولات کشاورزی مستلزم چه اقداماتی است؟

این امر نیازمند اقدامات مهمی از جمله: ارتقاء کیفیت تولید بخصوص افزایش تولیدات ارگانیک، برداشت و فرآوری به موقع و در شرایط بهداشتی و مناسب، بسته بندی به روز متناسب با شرایط هر محصول، بازاریابی و برند سازی برای هر محصول، در محصولات زراعی مهم تر از همه این عوامل، مدیریت صحیح کشت محصولات برای هر سطح زیر کشت و نیاز بازار و فروش محصول که منتج به کنترل قیمت نیز خواهد شد، می باشد.

در کشورهای توسعه یافته و حتی در حال توسعه؛ بازاریابی از تولید مهم تر است. به نظر شما مقوله بسیار مهم بازاریابی در بخش کشاورزی استان کرمان، در چه جایگاهی از برنامه ها و فعالیت ها قرار دارد؟

متأسفانه در استان کرمان در امر بازاریابی ضعیف عمل می شود، البته در مورد محصولات باغی کمی وضع بهتر است که آن هم به علت ثبات تقریبی و قابل پیش بینی بودن زیرکشت و میزان تولید است، اما در مورد محصولات زراعی و جالیزی همان طور که هر ساله شاهد هستیم در برخی محصولات با کمبود تولید و افزایش قیمت و در برخی دیگر با مازاد محصول مواجه هستیم.

- عدم آگاهی بسیاری از تولیدکنندگان از شرایط بازار و مشکلات آن،  
 - عدم وجود تبلیغات و اطلاع‌رسانی کافی در بخش خصوصی و دولتی،  
 - افزایش قیمت محصولات و کم شدن نقدینگی جهت خرید و صادرات،  
 - کمبود نقدینگی در بخش تولید و نیز بنگاه‌های صادراتی و بازرگانی داخلی و همچنین مشکل بیمه محصولات کشاورزی.

#### ○ ارزیابی شما از چگونگی حمایت و توجه دولت به

##### بازاریابی و صادرات محصولات کشاورزی چیست؟

بهبود نظام خدمت‌رسانی و بازاریابی این محصولات حمایت بیشتر دولت و تلاش بیشتر بخش خصوصی را می‌طلبد و اتاق بازرگانی کرمان و به‌خصوص کمیسیون کشاورزی این اتاق به‌عنوان نماینده بخش خصوصی در جهت تحقق این امر تلاش می‌نماید و همچنان که بهبود فضای کسب‌وکار از اولویت‌های ما بوده با حداکثر توان برای ایجاد فضای مشورتی مناسب ادامه خواهیم داد. ●

بخشی از این چالش در صادرات و بر اثر تحریم‌های ظالمانه به وجود آمده که با تدابیر دولت و بخش خصوصی قسمتی از آن‌ها تا حدودی حل شده، اما آن قسمت که مربوط به بازار داخل است، با توجه به افزایش قیمت محصولات، دولت باید با کنترل قیمت‌ها و جلوگیری از سوءاستفاده عناصر سودجو سعی کند تا بازار فروش، رونق بهتری داشته باشد.  
 عامل دیگری که می‌تواند هم توسط بخش خصوصی و هم دولت به رونق بازار محصولات کشاورزی و حل این چالش کمک کنند، فرآوری و بسته‌بندی با کیفیت‌تر محصولات می‌باشد.

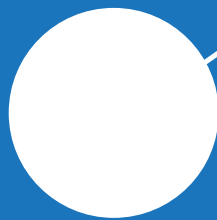
#### ○ مهم‌ترین مسائل و مشکلات در زمینه بازاریابی داخلی و

##### صادراتی محصولات کشاورزی کشور و استان چه هستند؟

از مهم‌ترین عواملی که می‌توان به‌عنوان عوامل محدودکننده در امر بازاریابی محصولات کشاورزی به آن‌ها اشاره کرد، عبارتند از:  
 - عدم وجود بسته‌بندی‌های با کیفیت مناسب و فرآوری محصولات مطابق انتظارات روز دنیا،  
 - عدم حضور کافی تولیدکنندگان و صادرکنندگان در نمایشگاه‌های داخلی و بین‌المللی،



رویدادها







اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی کرمان با برگزاری سلسله نشست‌های صندلی تجربه برای انتقال تجربه و پاسخ به پرسش‌های مدیران و فعالان اقتصادی، قصد دارد به نقش نهادهای توسعه‌ای در پیشرفت استان بپردازد که در نخستین نشست «احمد مرادعلیزاده» رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحیدین استان کرمان به شکل‌گیری این نهاد و چگونگی فعالیت و توسعه این مجموعه پرداخت.

رئیس اتاق کرمان در ابتدای این نشست گفت: جمعی از تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان استان از جمله مدیران ارشد دولتی و بخش خصوصی در این نشست حضور دارند که امیدواریم بتوانیم تا حدودی به علل توسعه‌نیافتگی استان کرمان بپردازیم.

سیدمهدی طیب زاده، با بیان این‌که معتقدیم نسبت به ظرفیت‌های فراوان استان، توسعه حاصل نشده است، افزود: کرمان با وجود این‌که در بسیاری از حوزه‌ها، رتبه‌های برتر کشور را دارد، اما در برخی شاخص‌ها از متوسط کشور پایین‌تر بوده که شاید یکی از دلایل آن نبود نهادهای توسعه‌ای باشد.

وی ادامه داد: نهادهای توسعه‌ای به‌ویژه در شهرستان‌ها می‌توانند در غیاب سرمایه‌گذار و عدم استقبال از سرمایه‌گذاری، نقش خود را در مسیر توسعه ایفا کنند.

رئیس اتاق کرمان بیان کرد: یکی از نهادهای توسعه‌ای در کرمان که تجربیات موفق داشته، موسسه خیریه مولی‌الموحیدین است که نتیجه تفکر این مجموعه، شرکت هواپیمایی ماهان، سازمان عمران

< مرضیه ایرانمنش  
مدیر آموزش اتاق



گزارش / سلسله نشست‌های صندلی تجربه

# نهادهای توسعه‌ای



تکنولوژی، دانش و تجربه را در قالب یک سازمان توسعه دهند.

### انتقال معادن مس به دولت، بزرگترین اتفاق دهه ۵۰

وی بیان کرد: در دهه ۵۰ شاید بزرگترین اتفاق استان، انتقال معادن مس از بخش خصوصی به دولت بود که به شرکت ملی صنایع مس ایران تبدیل و متولی استخراج و فرآوری از معادن مس کشور شد.

مرادعلیزاده، اظهار کرد: در حدود ۱۵ سال از ابتدای دهه ۴۰ تا پایان نیمه اول دهه ۵۰، کارخانجات مواد غذایی، شیر، لبنیات، دامداری‌ها، مجموعه سیمرغ کرمان و سایر صنایع غذایی بنیان گذاشته شد و در کنار آن‌ها، فعالیت‌های خدماتی و حمل‌ونقل نیز شکل گرفت و تأثیر این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی در حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی به‌طور کامل مشخص شد، تشکیل مدارس دو زبانه نه تنها در کرمان بلکه در سیستان و بلوچستان، بیرجند و شیراز که تکنسین نیز تربیت می‌کرد که در کرمان بعد از انقلاب این مدرسه به مدرسه عالی شهید چمران تبدیل شد.

وی تصریح کرد، دانشگاه کرمان نیز تأییداتی را پذیرفت که علاوه بر مدرسه عالی مدیریت، دانشگاه فنی و مدارس آرشام نیز تغییراتی داشتند و به همین دلیل بنیان توسعه اقتصادی به شکل منطقی گذاشته شد و استان در مسیر رشد و پیشرفت قرار گرفت.

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحیدین استان کرمان، با بیان این‌که در نیمه دوم دهه ۵۰ و اوایل دهه ۶۰ کشور درگیر انقلاب و تحولات آن بود و فعالیت‌های خاصی در اقتصاد نیفتاد، افزود: اما در دهه ۶۰ صنایع جانبی شهید باهنر، لاستیک بارز، مطالعات و تکمیل اکتشافات معدنی و فعالیت‌های اجرایی مجموعه گل گهر سیرجان آغاز شد که این ایام، با دوران جنگ تحمیلی و گرفتاری‌هایی که دولت در تأمین بودجه و امکانات داشت همزمان شد و گرفتاری‌های مردم بسیار زیاد بود.

### شکل‌گیری موسسه مولی‌الموحیدین با هدف نقش‌آفرینی در توسعه استان

مرادعلیزاده، خاطرنشان کرد: در آن زمان که امکان کمک به مردم وجود نداشت و فضای سیاسی و اجتماعی در کشور حاکم بود، موسسه مولی‌الموحیدین شکل گرفت تا در شرایطی که دولت برای پشتیبانی از نهادهای رسمی و حتی دولتی توان لازم را نداشت و بخش خصوصی نیز از نظر منابع و تمکن مالی به آن بلوغ نسبی نرسیده بود، بتواند پشتیبانی بهتری انجام دهد.

وی ادامه داد: عده‌ای با هم‌اندیشی با یکدیگر به دنبال پاسخ برای این پرسش بودند که چگونه می‌توان از امکانات نهفته و پنهان کشور و استان برای رشد و توسعه و رفع محرومیت‌ها استفاده کنند که با این هدف موسسه خیریه مولی‌الموحیدین بنیانگذاری شد.

مرادعلیزاده، با اشاره به این‌که این موسسه در بخشی از استان و نیز کشور توانسته است یک تحول را ایجاد کرده و تأثیرگذار باشد، گفت: همه نهادها، شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که براساس قانون تأسیس شده‌اند، سالانه گزارش عملکرد رسمی خود را به

کرمان به‌عنوان مجری منطقه ویژه اقتصادی سیرجان، مجموعه خودروسازی و منطقه ویژه بم، هتل هزار و چندین شرکت دیگر بوده است.

وی خاطرنشان کرد: مرادعلیزاده، یکی از پایه‌گذاران این موسسه بوده که در این نشست، این پرسش از ایشان مطرح می‌شود که در رسیدن به تفکر شکل‌گیری این نهاد، چه ضرورتی احساس شد که تاکنون منشاء تأثیرات عمرانی و توسعه‌ای در کرمان شده است. چگونه می‌توان در شرایط فعلی این تجربه را تکرار و یا تقویت کرد؟

### کارخانه ریسندگی و بافندگی خورشید، اولین کارخانه کرمان

در ادامه این نشست رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحیدین استان کرمان، نیم‌نگاهی به رخداد‌های دهه ۴۰ در استان کرمان و وجه تمایز آن با قبل و بعد از انقلاب داشت و گفت: کارخانه ریسندگی و بافندگی خورشید در کرمان در دهه ۳۰ تعطیل شد، به‌جز آن سایر فعالیت‌های کوچک کشاورزی و دامداری در اندازه محلی، بومی و سنتی بود و تنها صنعت قالی به اتکای قالیبافان و بازرگانان فراگیر بود و در بازارهای داخلی و خارجی به فروش می‌رسید. در حوزه معادن نیز ۱۷ معدن زیرزمینی سرب و روی در شمال استان از طرز راور تا بافق فعالیت داشتند که متعلق به خانواده ارجمند و سایر افراد سهام‌دار بودند.

«احمد مرادعلیزاده» بیان کرد: در این دوران هیچ نهاد مشخصی برای این‌که بتواند سرمایه‌گذاری را متولی‌گری و تجربه‌ها را جمع‌آوری کند تا آیندگان از این تجربه‌ها استفاده کنند وجود نداشت و این تجربه‌ها با درگذشت افراد از بین می‌رفتند.

### شرکت زغال‌سنگ کرمان، اولین سرمایه‌گذاری صنعتی استان

وی ادامه داد: بعد از تدوین برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی در برنامه دوم توسعه که آغاز آن از اواسط دهه ۴۰ و دوره وزارت عالیخانی بود، اولین سرمایه‌گذاری صنعتی توسط شرکت زغال‌سنگ کرمان بود که با کمک تکنولوژی روس‌ها اکتشاف و استخراج زغال آغاز شد و شهرستان‌های کرمان، زرنند، راور و کوهبنان را به لحاظ فرهنگی و اجتماعی تحت تأثیر قرار داد، کارشناسان روسی و بسیاری از تکنسین‌ها و کارگران از سراسر کشور در این صنعت فعالیت می‌کردند.

مرادعلیزاده، بیان کرد: همزمان با این فعالیت‌ها، در جنوب استان، سازمان عمران جیرفت توسط دولت بنیانگذاری شد که حاصل آن راه‌اندازی کشت و صنعت‌ها و سهامی زراعی‌ها بود و اشخاصی به‌جز مالکان، باغداران و کشاورزان، از سراسر کشور جمع شدند و به شکل مدرن‌تری در کشاورزی منطقه فعالیت کردند.

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحیدین استان کرمان، در ادامه به بنیانگذاری کارخانه سیمان کرمان توسط بخش خصوصی در اواخر دهه ۴۰ اشاره کرد و گفت: از همان زمان بود که نهادها، شرکت‌ها و شخصیت‌های حقوقی شکل گرفتند، به‌مرور در اقتصاد استان تأثیر گذاشتند و مردم نیز یاد گرفتند چگونه می‌توانند مشارکت،

بعد از مدتی به دلیل مشکلات کاری از این موسسه جدا شده‌اند که تنها ۳ تا ۴ نفر از بدو تأسیس تاکنون مانده‌اند و مدیران آن براساس مکانیزم‌های عرفی کار کرده‌اند و منابعی را تأمین و در رشد و توسعه آن نقش داشته‌اند.

وی با تأکید بر این‌که با بخش خصوصی رقابت نمی‌کنیم، تصریح کرد: هر جا فضای مناسب برای فعالیت بخش خصوصی فراهم باشد آن میدان از آن بخش خصوصی است و موسسه با تأکید بر این موضوع، در مجموعه‌هایی کار کرده که نه دولت در وظایف خود می‌دیده و نه بخش خصوصی قادر به ورود در آن بوده است.

مرادعلیزاده، فعالیت موسسه را در مسیر توسعه و نوگرایی دانست و به تمایز عملکرد این موسسه با بخش خصوصی پرداخت و گفت: هر دو بخش با هدف سودآوری و توسعه مجدد فعالیت می‌کنند اما موسسه مولی‌الموحدین بخشی از درآمد را به سمت اهداف و مسئولیت‌های اجتماعی می‌برد.

#### ایجاد یک نهاد درمانی در جنوب شرق تصمیم فعلی موسسه است

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحدین استان کرمان افزود: موسسه در حال حاضر تصمیم گرفته بخشی از اموال و دارایی‌های خود را برای تأسیس یک نهاد درمانی در جنوب شرقی ایران که کمبود آن به‌ویژه در زمینه سرطان به‌شدت احساس می‌شود، هزینه کند که سرمایه‌گذاری در این حوزه برای منطقه از اهمیت بسیاری برخوردار است.

وی با تأکید بر نقش نهادهای توسعه‌ای در پیشرفت استان ادامه داد: از دهه ۶۰ به بعد هر میزان سرمایه‌گذاری در استان و ایران، توسط نهادهای بالادستی ایجاد شده، ماندگارتر بوده است، اگر آقایان هرنندی در صنعت برق و ارجمند در صنعت فرش، به یک نهاد تبدیل می‌شدند، تجربه‌ها و بازارها ماندگار می‌شد و نسل‌های بعدی این بازارها را از دست نمی‌دادند.

مرادعلیزاده، اظهار کرد: هر جا که نهاد ماندگار ایجاد و صنعت کوچک و بزرگی بنا گذاشته شده محور تغییر و تحول در منطقه بوده است.

وی در ادامه به حوزه‌های فعالیت موسسه خیریه مولی‌الموحدین اشاره کرد و گفت: در سال‌های ابتدایی شرکت کرمان سیر و شرکت بازرگانی خیر راه‌اندازی شد، در سال‌های ۶۷ و ۶۸ که استان در شرایط نوسازی و بازسازی قرار داشت، آهن‌آلات کم بود، شرکت فولاد، ارز کافی برای تأمین کالاهای مورد نیاز خود نداشت و تولید مجدد نیز امکان‌پذیر نبود، بهترین راهکار این بود که از شرکت ملی پسته ارز بگیریم و به شرکت ملی فولاد بدهیم تا واردات را انجام و تولیدات را افزایش دهد تا نوسازی‌ها ادامه یابد.

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحدین استان کرمان بیان کرد: بعدها سازمان عمران کرمان با مطالعه تجربه‌هایی در توسعه چین و جنوب شرق آسیا از جمله سنگاپور، به این نتیجه رسید که ایجاد مناطق ویژه اقتصادی در توسعه استان کارساز و کارگشاست. این موضوع در پیشنهادات دولت و بخش خصوصی نبود که پیگیری‌ها برای دریافت مجوزها انجام و اولین منطقه ویژه اقتصادی ایران در

تأیید حسابدار و در اختیار وزارت اقتصاد و یا سازمان مالیاتی قرار می‌دهند، اما این گزارش‌ها برای یک موسسه خیریه کافی نیست و ما آمادگی لازم را برای پاسخگویی به هر پرسش در مورد موسسه داریم.

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحدین استان کرمان، نیست اصلی تأسیس موسسه را نقش‌آفرینی در توسعه استان، توسعه اشتغال و کارآفرینی عنوان و بیان کرد: هدف مهم‌تر این بود که به‌جای کمک کردن به تک‌تک افراد به توانمندسازی جامعه کمک کنیم، گرچه فعالیت‌های نهادهای امداد رسان نیز بسیار مقدس است و ما نمی‌خواستیم فضای خیریه‌های موجود استان را که امین مردم هستند، تنگ کنیم.

#### موسسه‌ای غیرانتفاعی، خیریه و غیرسیاسی

وی به سه اصل مهم در فعالیت موسسه خیریه مولی‌الموحدین اشاره کرد و گفت: این موسسه غیرانتفاعی، خیریه، وقف عام و غیرسیاسی است و اعضای هیئت امنای آن به هیچ عنوان حق دریافت دستمزدی را از موسسه و یا شرکت‌های تابعه ندارند و هر کس تا هر زمان که دوست دارد، می‌تواند کار و کمک کند.

مرادعلیزاده، با بیان این‌که این مجموعه از روز اول یک بنیان غیردولتی داشته و تاکنون یک ریال و یک کالا از اموال و امکانات دولت در این موسسه نیامده است، افزود: تاکنون ۶۰ تا ۷۰ نفر از افراد مختلف ظرف ۳۰ سال عضویت در این موسسه را پذیرفته‌اند و

از دهه ۶۰ به بعد هر میزان سرمایه‌گذاری در استان و ایران، توسط نهادهای بالادستی ایجاد شده، ماندگارتر بوده است، اگر آقایان هرنندی در صنعت برق و ارجمند در صنعت فرش، به یک نهاد تبدیل می‌شدند، تجربه‌ها و بازارها ماندگار می‌شد و نسل‌های بعدی این بازارها را از دست نمی‌دادند. هر جا که نهاد ماندگار ایجاد و صنعت کوچک و بزرگی بنا گذاشته شده محور تغییر و تحول در منطقه بوده است.

\*\*\*

بهترین کاری که دولت می‌تواند انجام دهد نظارت بر حسن انجام کار بخش خصوصی، کمک به آماده‌سازی زیرساخت‌ها و ایجاد امنیت و سپردن امور به بخش خصوصی است.



علاوه بر اینکه ۴/۵ درصد انرژی برق کشور را تأمین می‌کند، پنج درصد پروژه‌های آینده کشور را در نیروگاه‌ها پیش می‌برد. وی اظهار کرد: شرکت هفت باغ علوی نیز یکی دیگر از مجموعه‌هاست که در ابتدا براساس برآوردهای اولیه، به ازای هر مترمربع هزینه آماده‌سازی دو هزار تومان از متقاضیان دریافت زمین در محور هفت باغ دریافت و این محور با سه میلیارد تومان ایجاد شد و ارزش پیدا کرد.

مرادعلیزاده، با بیان این‌که از سال ۸۴ تاکنون مجموعه جدیدی بنیان گذاشته نشده است، گفت: موسسه خیریه مولی‌الموحیدین هیچ منبع درآمدی از ابتدا نداشته و فقط شرکت‌ها براساس طراحی سازوکار و عملکرد حرفه‌ای افراد کارآمد فعالیت داشتند، منابع تأمین و توسعه ایجاد کردند که در حال حاضر ثروت خلق شده متعلق به عموم مردم است.

وی در بخش دیگری به بیان گزارشی از انجام مسئولیت‌های اجتماعی این موسسه پرداخت و گفت: امروز موسسه در مسئولیت‌های اجتماعی خود بی‌نظیر است. راه‌اندازی سایتی برای نگهداری بیماران اعصاب و روان با بیش از ۳۰۰ تخت در دو بخش مردان و زنان در محور هفت باغ، راه‌اندازی مرکز نگهداری معلولان ذهنی و جسمی زیر ۱۴ سال با ظرفیت دو هزار نفر، راه‌اندازی بهترین مرکز اوتیسم ایران در کرمان، ایجاد

خوابگاه و آموزشگاه برای نابینایان، راه‌اندازی کتابخانه و سالن ورزشی، مرکز تحقیقات ژنتیک برای دانشگاه باهنر از جمله فعالیت‌ها در این حوزه است. ●

سیرجان ایجاد شد.

وی افزود: یکی از فعالیت‌های موسسه در صنایع خودروسازی کرمان بود که به‌واسطه آن امروز یک شهر، فرهنگ و تمدن در بم ایجاد شده با هدف ایجاد اشتغال برای جمعیت تحصیل‌کرده منطقه جنوب شرق. سرمایه‌گذاران خارجی و مدیران اولیه خودروسازی از جمله مرحوم مهندس ابوالفضل سجادی، مدیرعامل صنایع خودروسازی کرمان راضی شدند که در بم سرمایه‌گذاری کنند. مرحوم سجادی در بم نه تنها خودروسازی ایجاد کرد، بلکه ارگ جدید را بنا کرد که با فعالیت بیش از ۱۰ شرکت خودروساز در منطقه، چهره بم و وضعیت اجتماعی آن تغییر کرد، فرودگاه ایجاد شد و کارشناس آمد.

مرادعلیزاده، تصریح کرد: یکی دیگر از این فعالیت‌ها راه‌اندازی هواپیمایی ماهان به‌عنوان پل توسعه کرمان بود که در حال حاضر ۳۰ درصد صنعت هوانوردی کشور است و الگو و افتخاری برای کرمانی‌هاست.

وی با بیان این‌که در شرکت‌های زیرمجموعه موسسه در حدود ۲۲ هزار نفر مشغول به کار هستند، گفت: راه‌اندازی هتل هزار نیز از دیگر فعالیت‌های این مجموعه است که در ابتدا برای اقامت کارشناسان روسی فعال در هواپیمایی ماهان راه‌اندازی و بعدها به مجموعه‌ای تبدیل شد که در صنعت خودرو فعالیت دارد.

رئیس هیئت‌مدیره خیریه مولی‌الموحیدین استان کرمان، به شرکت مهتاب گستر فعال در حوزه انرژی به‌عنوان یکی دیگر از مجموعه‌های فعال در موسسه اشاره کرد و گفت: امروز مهتاب گستر

را به مخاطبین انتقال دهد. در حاشیه‌ی این رویداد، فضای مناسبی برای بحث و گفتگو میان سخنران و مدعوین با یکدیگر ایجاد می‌شود که می‌تواند فرصتی مناسب و مغتنم جهت گسترش شبکه‌ی حرفه‌ای افراد باشد. کارآفرینان، دانشجویان و فعالان کسب‌وکار حوزه گردشگری، فرش و صنایع‌دستی و همه علاقه‌مندان از مخاطبین این رویداد هستند. تا کنون هفت کارگاه تجربه به شرح ذیل در این زمینه برگزار شده است:

- **اولین کارگاه:** با عنوان «گردشگری از کرمان تا سمنان» و با حضور محمد جهانشاهی، معاون فرهنگی اجتماعی شهردار کرمان،
- **دومین کارگاه:** با عنوان «معماری بومی و توسعه گردشگری» و با حضور الهه آذرنوش، فعال حوزه گردشگری که مطالعات و تحقیقات زیادی در زمینه معماری بومی انجام داده است،
- **سومین کارگاه:** با عنوان «توریسم آب کرمان» و با حضور جاوید مؤمنی، مدیرعامل راهکارهای پایدار آبان و بنیان‌گذار رویداد ملی توریسم آب در شهرهای کرمان، تهران، یزد و اصفهان،
- **چهارمین کارگاه:** با عنوان «زندگی با کویر» و با حضور معین افضلی، مدیر پایگاه جهانی بیابان لوت استان، مدیر اجرایی اولین رویداد اولترا ماراتن بین‌المللی در ایران،
- **پنجمین کارگاه:** با «عنوان نقش‌هایی از جان» و با حضور عفت تکلنو، کارشناس فرش و نویسنده کتاب نگاره‌هایی از کاشی‌های تاریخی کرمان در سال ۹۲،
- **ششمین کارگاه:** با عنوان «کرمان لند، آغاز یک راه؛ توسعه محصولات و خدمات گردشگری از طریق بازاریابی مقصد جامعه محور» و با حضور سید علی طبیب زاده بنیان‌گذار و مدیرعامل ابتکار آرورا.
- **هفتمین کارگاه:** با عنوان «شهر پایدار، گردشگری پایدار» و با حضور محمدحسین تجلی، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی استان کرمان،
- **هشتمین کارگاه:** با عنوان «شگفتی‌های گردشگری لوت» و با حضور اکبر رشیدی مقدم، محقق و پژوهشگر حوزه کویر لوت. ●

# کارگاه‌های تجربه

کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی اتاق کرمان



سید امجد نظامی  
دبیر کمیسیون گردشگری و صنایع‌دستی

اشتراک‌گذاری تجربیات امروزه یکی از روش‌های مرسوم پیشرفت و کیفی‌سازی فعالیت‌ها است، کارگاه تجربه رویدادی است چند ساعته که در آن متخصصان و فعالان حوزه‌های گردشگری فرش و صنایع‌دستی در گروه‌های مختلف، داستان تجربیات شکست‌ها و موفقیت‌های خود را بازگو کرده و هرکدام به شیوه‌ای متفاوت و جذاب، نقشه‌ای از آینده و راه پیش رو را برای مخاطبان ترسیم می‌کنند. این رویداد تلاش دارد تا به دور از شعار، تجربیات مختلف افراد

## کارگاه تجربه



سالن ۲ اتاق بازرگانی کرمان / ثبت نام در سایت [www.kermantrip.com](http://www.kermantrip.com)









- گزارش -

# مروری بر خبرها

## ۱) معرفی خدمات صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات

مهر ماه سال جاری در نشست مشترک کمیسیون بازرگانی و کمیسیون بیمه، بانک و مالیات با حضور فعالان اقتصادی، خدمات صندوق ضمانت صادرات ایران توسط مدیرکل امور مشتریان این صندوق و نیز خدمات بانک توسعه صادرات توسط رئیس دایره صدور ضمانت نامه‌های ارزی این بانک معرفی شد. در پایان این نشست فعالان اقتصادی پرسش‌های خود را در رابطه با صندوق ضمانت صادرات و بانک توسعه صادرات مطرح و پاسخ‌های مربوطه را دریافت کردند.



## ۲) نشست معرفی خدمات صندوق توسعه صادرات ایران و بانک توسعه صادرات ایران در حوزه خدمات فنی و مهندسی استان

این نشست در مهر ماه سال جاری به منظور معرفی خدمات صندوق توسعه صادرات ایران و بانک توسعه صادرات ایران در حوزه خدمات فنی و مهندسی استان، در اتاق کرمان برگزار شد. در این نشست مدیرکل امور مشتریان صندوق ضمانت صادرات ایران، رئیس دایره سد و نیروگاه اداره خدمات فنی و مهندسی بانک توسعه صادرات ایران و رئیس دایره صدور ضمانت‌نامه‌های ارزی بانک توسعه صادرات ایران به تشریح خدمات مجموعه‌های خود در حوزه خدمات فنی و مهندسی پرداختند و فعالان این حوزه پرسش‌های خود را مطرح کردند. همچنین رئیس سازمان نظام مهندسی ساختمان، رئیس سازمان نظام مهندسی کشاورزی، رئیس انجمن انبوه‌سازان استان و رئیس سندیکای شرکت‌های ساختمانی و راهسازی استان در این نشست حضور داشتند.



## ۳) همایش معرفی فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری و راهکارهای

ورود به بازار عمان

این همایش در آبان ماه سال جاری با هدف آشنایی فعالان اقتصادی با راهکارهای ورود به بازار عمان برگزار شد. رئیس اتاق





پاکستان، کره شمالی و بلژیک، معاون اقتصادی وزارت امور خارجه، فعالان اقتصادی استان کرمان، رئیس و جمعی از اعضای هیئت نمایندگان اتاق، استاندار و نمایندگان مردم شهرستان‌های استان در مجلس شورای اسلامی و سایر مدیران دولتی و بخش خصوصی بررسی شد. در این نشست نظرات نمایندگان کشورها و زمینه‌های همکاری‌های مشترک مطرح شد.

کرمان، رئیس اتاق مشترک ایران و عمان، مدیرکل توسعه کسب‌وکار منطقه آزاد صلاله عمان و جمعی از فعالان اقتصادی و مدیران استان در این همایش حضور داشتند چگونگی ورود به بازار عمان، آشنایی با شرایط سرمایه‌گذاری در این کشور، روش‌های صادرات مجدد از عمان، قوانین و مقررات و... از جمله موارد مطرح شده در این برنامه بود.



۵) برگزاری نشست مدیران و فعالان اقتصادی با کنسول قزاقستان در آبان ماه سال جاری نشستی با حضور رئیس اتاق کرمان، جمعی از مدیران و فعالان اقتصادی استان و کنسول قزاقستان برگزار و کشت فراسرزمینی، مهم‌ترین مورد برای همکاری مشترک اقتصادی بین کرمان و این کشور عنوان شد. در این نشست جمعی

۴) بررسی توسعه مبادلات اقتصادی کرمان با ۱۵ کشور در آبان ماه سال جاری توسعه مبادلات اقتصادی کرمان با ۱۵ کشور در نشستی با حضور سفرا، رایزنان و نمایندگان کشورهای تاجیکستان، افغانستان، آفریقای جنوبی، قرقیزستان، انگلستان، بلاروس، دانمارک، گرجستان، قزاقستان، روسیه، ونزوئلا، اتریش،



#### ۷) سمینار عبور-ورود موقت کالا تحت کنوانسیون کارنه آ.ت.آ

این سمینار در آذرماه سال جاری در اتاق کرمان برگزار شد که بهنام فرامرزیان سرپرست واحد حمل و نقل بین‌المللی و کارنه تیر و آ.ت.آ اتاق ایران گفت: تسهیل و روان‌سازی در امور گمرکی از طریق کارنه آ.ت.آ (سند بین‌المللی گمرکی برای ورود-عبور موقت کالا بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی و یا ارائه تضمین‌های موقت) ممکن می‌شود.



#### ۸) تجلیل از صادرکنندگان نمونه استان کرمان در سال ۱۳۹۸

در همایش بزرگداشت روز صادرات استان کرمان که با حضور میهمانان ملی و بین‌المللی و فعالان اقتصادی برگزار شد از ۱۷ صادرکننده نمونه و پنج صادرکننده شایسته تقدیر در حوزه‌های کشاورزی، صنایع فلزی، پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی، صنایع غذایی، محصولات شیمیایی و مصالح ساختمانی، با اهدای لوح سپاس و تندیس ویژه همایش تجلیل به عمل آمد.

این همایش با حضور قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بازرگانی، استاندار کرمان، مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران، اعضای فراکسیون توسعه صادرات مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران، معاون امور استان‌های اتاق ایران، سفیران کشورهای اندونزی و ساحل عاج، معاون بازرگانی سفارت جمهوری عراق، رئیس اتاق مشترک ایران و افغانستان، رئیس اتاق مشترک ایران و قزاقستان معاونت توسعه صادرات کالا و خدمات سازمان توسعه تجارت ایران، جمعی از نمایندگان مجلس و مدیران اقتصادی استان برگزار شد.

از فعالان اقتصادی و مدیران استان به بیان نظرات خود در رابطه با بازار قزاقستان پرداختند.



#### ۶) همایش آشنایی با نظام ارزیابی انطباق اروپایی

این همایش در آذرماه سال جاری با حضور فعالان اقتصادی، طبیب زاده رئیس اتاق کرمان، عاقلی رئیس اداره کل استاندارد و جمعی دیگر از مدیران در اتاق کرمان برگزار شد. در پایان این همایش «پرویز درویش» مدیرکل دفتر ارزیابی کیفیت کالا و خدمات سازمان ملی استاندارد ایران به ارائه مباحث تخصصی در حوزه نظام ارزیابی انطباق اروپایی پرداخت.





اسامی صادرکنندگان برگزیده استانی سال ۱۳۹۸ - استان کرمان			
صادرکننده نمونه استانی			
ردیف	نام صادرکننده (شرکت/شخص)	بخش	نام مدیرعامل و یا صادرکننده
۱	خشکبار ایلپاگستر سیرجان	کشاورزی-پسته	علی پورجعفرآبادی
۲	جهان خشکبار خاورمیانه	کشاورزی-پسته	محسن حیدری پور
۳	محسن قاسمی نژاد	کشاورزی-پسته	محسن قاسمی نژاد
۴	شهریار هورخش کرمان	کشاورزی-پسته	احسان خواجه حسنی
۵	متین پسته سیرجان	کشاورزی-پسته	حمید اسدی زیدآبادی
۶	گسترش بازرگانی کرمان	کشاورزی-پسته	زهره مرادی
۷	کاشی و سرامیک برلیان رفسنجان	مصالح ساختمانی	سیدرضا حسینی نژاد یزدی پور
۸	کاشی سازی فخار رفسنجان	مصالح ساختمانی	سیدرضا حسینی نژاد یزدی پور
۹	فرمولیبدن کویر رفسنجان	صنایع فلزی	حامد عاشورزاده
۱۰	مجمع فروآلیاز رباط	صنایع فلزی	محمدعلی نژاد محمودی
۱۱	روغن موتور پردیس	پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی	فرزان طیبی
۱۲	شیمیایی خوش چسب	پتروشیمی و فرآورده‌های نفتی	سید منصور عمرانی
۱۳	شیر پاستوریزه بگانه کرمان	صنایع غذایی	مجتبی ابراهیمی زرنندی
۱۴	پارسان دی سمبل	کشاورزی-خرما	علیرضا بهزادی پور
۱۵	بازرگانی رطب نمین بم	کشاورزی-خرما	حامد بدرآبادی
۱۶	رنگدانه سیرجان	سایر محصولات شیمیایی	بابک شایسته
۱۷	ویژگان بسیار شرق	سایر محصولات شیمیایی	حسین افرازی
صادرکننده شایسته تقدیر			
ردیف	نام صادرکننده (به ترتیب حروف الفبا)	بخش	نام مدیرعامل و یا صادرکننده
۱	پسته الماس کویر جنوب	کشاورزی-پسته	جمشید نورمندی پور
۲	کشاورزی نهال پسته رفسنجان	کشاورزی-پسته	اکبر حیدری پور
۳	گسترش آروان آرون البرز	کشاورزی-پسته	محمدعلی محمود آبادی
۴	توسعه بابکان	صنایع فلزی	حسن باقرپور
۵	عرصه تجارت ایرانیان	صنایع فلزی	سید علی موسوی شهبانی









### ۹) برگزاری نشست بررسی مشکلات صادرکنندگان نمونه استان

این نشست در آذرماه سال جاری با حضور صادرکنندگان نمونه استان، مدرس خیابانی قائم‌مقام وزیر صنعت، معدن و تجارت در امور بازرگانی، بهرامی مدیرعامل صندوق ضمانت صادرات ایران، رئیس و برخی اعضای هیئت نمایندگان اتاق کرمان و رئیس کمیسیون توسعه صادرات اتاق ایران به‌منظور رفع مشکلات صادرکنندگان برگزار شد.



### ۱۱) بررسی روند تسهیل توسعه شهرستان رفسنجان در شورای گفت‌وگو

چهل و هشتمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی استان کرمان آذرماه سال جاری در رفسنجان و با حضور مدیران و فعالان بخش خصوصی برگزار و روند تسهیل توسعه این شهرستان با تأکید بر تعامل دستگاه‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز با یکدیگر، استفاده از ظرفیت‌های بومی برای تولید و خدمات، تسهیل صادرات، بهره‌وری بیشتر از آب و استفاده از کشت‌های جایگزین پسته بررسی شد. طیب زاده رئیس اتاق کرمان، دهقان معاون هماهنگی امور اقتصادی استانداری، محمدی انارکی نماینده مردم رفسنجان، انار و شهرابک در مجلس شورای اسلامی، جلیل کاربخش رئیس دفتر نمایندگی اتاق کرمان در رفسنجان و برخی مدیران کل ادارات و سازمان‌های استان در این نشست حضور داشتند. نشست‌های شورای گفت‌وگو به‌منظور رفع موانع در مسیر بهبود محیط کسب‌وکار تا کنون در مرکز استان برگزار می‌شد که رفسنجان به‌عنوان اولین شهرستان میزبان برگزاری این شورا بود و مقرر شده است این نشست‌ها در سایر شهرستان‌ها نیز برگزار شود. ●



### ۱۰) همایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و تأمین مالی در بازار سرمایه

این همایش در آذرماه سال جاری با حضور پورا بهرامی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس، طیب زاده رئیس اتاق کرمان، محمدی رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار، مدیرعامل شرکت بورس اوراق بهادار تهران، فرابورس، بورس کالا و بورس انرژی و اعضای شورای عالی بورس با هدف آشنایی فعالان اقتصادی با فعالیت‌های بورس در اتاق کرمان برگزار شد.







# شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

Sirjan Jahan Steel Complex

## بزرگترین تولید کننده شمش فولادی و میلگرد از سایز ۸ تا ۳۲ در جنوب شرق کشور

### کارخانه در حال بهره برداری:

کارخانه احیاء مستقیم شماره ۱ سردار شهید گدای  
تولید یک میلیون تن آهن اسفنجی در سال  
با تکنولوژی میدرکس



### کارخانه در حال بهره برداری:

کارخانه فولاد سازی شماره ۱  
تولید یک میلیون و دویست هزار تن  
انواع شمش فولادی در سال



of Billet Base on EAF Technology

### کارخانه در حال بهره برداری

کارخانه احیاء مستقیم شماره ۱ سردار شهید الله دادی  
ظرفیت تولید یک میلیون تن در سال آهن اسفنجی با تکنولوژی میدرکس  
مواد ورودی: گندله با درجه ۶۷ درصد از کارخانه گندله سازی شرکت گل گهر  
کارخانه بریکت سازی شهید عبدالمهدی مغفوری  
کارخانه میلگرد جهان فولاد شهید ملک قاسمی تولید ۵۰ هزار تن انواع میلگرد در سال

### کارخانه در حال بهره برداری:

کارخانه میلگرد جهان فولاد  
بزرگترین و پیشرفته ترین کارخانه نورد  
جنوب شرق کشور



تولید ۵۰۰ هزار تن انواع میلگرد از سایز ۸ تا ۳۲ در سال

### کارخانه در حال بهره برداری

کارخانه فولاد سازی شماره ۱ یک میلیون و دویست هزار تن انواع شمش فولادی در سال  
کارخانه جداسازی هوا (اکسیژن پلنت): از نوع DRGAP 10000  
و با ظرفیت ۱۰۰۰۰ متر مکعب در ساعت و تولید اکسیژن، نیتروژن و آرگون می باشد  
پست ۳۳/۴۰۰ کیلوولت جهان فولاد: انتقال قدرت به ظرفیت های  
MVA ۱۵۰ و MVA ۲۰۰ و تأمین بار کارخانجات شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

### طرح های توسعه آتی

- ۱- کارخانه احیاء مستقیم شماره ۲ سردار شهید شاول ۱/۷ میلیون تن در سال
- ۲- کارخانه فولاد سازی شماره ۲ (در دست مناقصه) ۱/۳ میلیون تن در سال
- ۳- کارخانه تولید لوله های بدون درز (در دست مطالعه) ۵۰۰ هزار تن در سال
- ۴- کارخانه فولاد آلیاژی بردسیر (در دست مطالعه) ۵۰۰ هزار تن در سال



www.sjsco.ir



روابط عمومی شرکت مجتمع جهان فولاد سیرجان

■ دفتر تهران: میدان ونک - بزرگراه حقانی - بعد از چهارراه جهان کودک - خیابان شهیدی (دیدار جنوبی) - نیش کوچه ژوبین - پلاک ۲ کد پستی: ۱۵۱۸۶۱۳۳۴۵  
 ■ تلفن: ۰۲۱-۸۶۰۸۵۲۵۷ - ۰۲۱-۸۶۰۸۶۳۵۷ - ۰۲۱-۸۶۰۸۵۸۳۴ - ۰۲۱-۸۶۰۸۴۶۳۳  
 ■ کارخانه نورد: بردسیر - ابتدای جاده کرمان ۰۳۴-۳۳۵۴۱۴۵۳ - ۳۳۵۴۱۴۵۲  
 ■ کارخانه: سیرجان - کیلومتر ۵۰ جاده شیراز - جنب شرکت معدنی و صنعتی گل گهر  
 ■ تلفن: ۰۳۴-۴۱۴۲ ۳۶۲۵ - ۰۳۴-۴۱۴۲ ۳۶۲۶  
 ■ فکس: ۰۳۴-۴۱۴۲ ۳۶۲۶  
 ■ ایمیل: info@sjsco.ir  
 ■ سایت: www.sjsco.ir